

مجله ایران مهر

در این شماره می خوانید:

بی پولی ارگ بم را فتح کرد

اوج محرومیت زیر گوش پایتخت

آب پایتخت انرژی کشور خوردن ندارد

اولین غربی هایی که حافظ را شناختند

فهرست مطالب



شناسنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی،
محمدسجاد رحمانی

دبیر تحریریه: صدیقه حسینی

مدیر هنری: محبوبه عزیزی

با تشکر از: دبیران استانی خبرگزاری مهر
و سرپرستان ۳۱ استان خبرگزاری مهر

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۱۹۰
پست الکترونیک:

Township@mehrnnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات
الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقمندان می توانند مقالات و مطالب خود را
برای مجله ایران مهر ارسال کنند.

جامعه ایران



- ۵ تنها شهر بدون آب در ایران/ اینجا تشنگی بیداد می کند
- ۶ اوج محرومیت زیر گوش پایتخت/ نان محرومان آجر شد
- ۱۲ پناهگاهی پوشالی در سکونتگاه غیر رسمی/ اینجا ۸ در گرو ۹ است
- ۱۴ تمایل به داشتن اسلحه؛ خراج یا هوس/ کششی که بوی مرگ می دهد
- ۱۷ تنش برای رفع عطش؛ اراضی کشاورزی میدان «نزاع بر سر آب» شد
- ۱۹ حکایت باغ شهری که با خاک یکسان شد/ طبس، زلزله و دیگر هیچ
- ۲۱ دغدغه های سالمندی در سومین استان پیر
- ۲۳ شور حسینی پایان ندارد؛ مرزهای خوزستان رنگ و بوی اربعین گرفت
- ۲۶ لبخند تلخ فقر در باغ زردآلو/ قصه تلخ آلودگی ها حکایت می شود
- ۲۸ مرزچلیات از وعده تا عمل/ تردد زوار اربعین از دهلران شاید وقتی دیگر

فرهنگ و هنر ایران



- ۳۰ اجرای مستمر جشنواره «فیلم سبز» در همدان
- ۳۱ آخرین بازمانده از نسل نقاشان قهوه خانه ای
- ۳۲ اعتماد و شادی نیاز کودکان/ داستان برای خواباندن کودک نیست
- ۳۳ آلمانی ها اولین غربی هایی که حافظ را شناختند
- ۳۴ کتل هایی که در ماتم ملون می شوند
- ۳۷ پای افزاری به قدمت ۸ قرن در کردستان
- ۳۹ جوان ترین مرکز استان کشور سینما ندارد؛ نسخه هایی که افاقه نکرد
- ۴۱ حمله به فرهنگ و هویت کردی/ آنتن هایی که از دل غرب تغذیه می شوند
- ۴۲ محصولات که در کارگاه خاک می خورد
- ۴۳ عشق و دیگر هیچ/ تئاتری های زنجان به امید رستگاری هستند
- ۴۶ کاهش استقبال از سینما/ کمبود فیلم های خوب و دانلود رایگان آثار
- ۴۷ قلبی حسینی در لباس شمر
- ۴۹ وداع عاشورایی با شهید حججی/ تلبور ایران در نجف آباد

فهرست مطالب



۵۰

میراث ایران

- ۵۱ اسرار جدید «شهر راز» برملا شد؛ احتمال افزایش تاریخ شیراز
- ۵۲ اولین جاذبه‌هایی که باید در شهر اولین‌ها دیدن کنید
- ۵۵ بی پولی ارگ بم را فتح کرد/ سه ماه تاخیر در پرداخت حقوق کارگران
- ۵۶ فاجعه در کمین عمارت «بلدیه» رشت/ مدیریت شهری در خواب است
- ۵۷ موزه‌های گلستان خواب گردشگر می‌بینند/ افزایش بدون برنامه
- ۵۹ فعالان گردشگری کشور از بافق می‌گویند/ افقی نو در گردشگری استان یزد
- ۶۱ قبرستان تاریخی «خالدنبی» سایت موزه شود/ ضرورت تعیین حریم
- ۶۲ لالجین؛ شهر جهانی سفال با ۱۲۰۰ کارگاه/ مسئولان برنامه حمایتی ندارند



۶۶

اقتصاد ایران

- ۶۷ ۴۰۰ کارگر در آستانه اخراج/ مانع تراشی بر سر راه توسعه پارسیان
- ۶۸ آب پایتخت انرژی کشور خوردن ندارد/ اینجا بازار آب‌فروشی‌ها سکه است
- ۷۰ پایانه صادراتی آستارا ضرورتی فراموش شده/ فرصت‌هایی که از دست می‌روند
- ۷۲ پروژه ناتمامی که ۱۷ ساله شد/ راه آهن تبریز-میانه در طلسم وعده‌ها
- ۷۳ تکاپوی برداشت عسل در بام ایران/ بازار داغ فروش عسل گون تا مرکبات
- ۷۴ چالش بزرگ‌ترین پروژه مسکن مهر؛ افزایش جمعیت و منابعی که آب می‌رود
- ۷۵ چنبره ترک‌ها بر بازار البسه مازندران/ تولیدات داخلی مغفول ماند
- ۷۶ دم خروس آمار اشتغال در لرستان/ آمارهایی که دو بار حساب می‌شوند
- ۷۸ صید «ترال» بالای جان صیادان/ «اقتصاد بومی» در ساحل مکران غروب می‌کند
- ۸۰ قیمت آهن به سنگینی نامش/ نظارتی بر تولید فولاد نیست
- ۸۱ گمرک نخ تسبیح توسعه اقتصادی شاهرود/ ربع قرن مطالبه‌گری محقق شد



۸۷

تصویر ایران



■ ۳۹ سال پیش در چنین روزی زلزله‌ای سهمگین شهر سرسبز و زیبای طبس را در کفنی سیاه پوشاند که این زلزله با بیش از ۱۸ هزار کشته بزرگترین زلزله تاریخ ایران نام گرفت.

■ بی‌هیچ حفاظی از امنیت، سگی خشمگین و بیمار پارس می‌کند. به عقب برمی‌گردم. شاید شهر نباشد اینجا. شاید گوشه جدامانده‌ای از برهوتی بی‌مسکن است. دورتادور خالی خانه‌ها هر غریبه‌ای را می‌ترساند. می‌توان مگر با سگی خسته و هار کودکی بزرگ کرد به امید روزهای روشن!؟

■ زنگ خطر کم‌آبی یا بحران آب به صدا درآمده است، اما به علت عدم اطلاع‌رسانی صحیح هنوز جدی گرفته نشده و همین بی‌توجهی در فصل زراعت تنش‌های بسیاری را بین اهالی روستاهای بالادست و پایین‌دست ایجاد کرده است.

■ از زمانی که به یاد دارند، در کوره‌های آجرپزی کار می‌کنند، کار زمان نمی‌شناسد به خصوص تابستان اوج گرما و ساخت و سازهای ساختمانی هم زمان می‌شود و آن‌ها مجبورند در برابر شلاق‌های سوزان خورشید، بادهای داغ و گرمای غیر قابل وصف تابستان تهران، کار کنند.

جامعه ایران

«سیرکان» تنها شهر بدون آب در ایران / اینجا تشنگی بیداد می کند



«سیرکان» شرقی‌ترین شهر ایران است و با وجود لوله‌کشی آب، به دلیل بی‌تدبیری مسئولان سال‌ها است که با مشکل کمبود آب دست و پنجه نرم می‌کند.



جواد قنبری

موضوع کم‌آبی و بی‌آبی در جهان و حتی در ایران موضوع جدیدی نیست و سال‌هاست که کمبود آب موجب بروز مشکلاتی در نقاط مختلف کشور شده است که البته نیاز به بررسی و تحقیق کارشناسی دارد.

اما در استان سیستان و بلوچستان شهری به نام «سیرکان» وجود دارد که با وجود اینکه لوله‌کشی آب هم دارد اما همیشه بی‌آبی است و سال‌هاست که مردم آن با مشکل کمبود آب آشامیدنی مواجه هستند. شهر «سیرکان» به عنوان شرقی‌ترین شهر استان سیستان و بلوچستان و ایران و مرکز بخش «بم‌پشت» در فاصله ۹۵ کیلومتری شهر سراوان قرار دارد این شهر دارای جمعیتی ۳ هزار نفره است که از سال ۸۰ تبدیل به شهر شده است.

در سال‌های گذشته یک بند خاکی تحت عنوان «سد سیرکان» وظیفه تامین آب این شهر را برعهده داشته است اما از مهر ماه سال ۹۴ با توجه به خشک شدن آب پشت این سد مشکلات مردم این شهر چند برابر شده است. حالا مردم این شهر با وجود لوله‌کشی آب در هر ۳ یا ۴ روز به لطف انتقال آب با تانکر فقط یک ساعت آب دارند آن هم اگر تانکرها به موقع برسند و آب در مخزن‌ها خالی شود.

نکته عجیب‌تر با وجود این همه مشکل بی‌تفاوتی مسئولان استان سیستان و بلوچستان به این بحران است زیرا این روزها این موضوع در واقع به یک موضوع بحرانی در این منطقه تبدیل شده است اما هیچ‌گونه اقدام عملی از سوی مسئولان انجام نمی‌شود.

این روزها مردم این منطقه در هر گوشه‌ای از شهر به دنبال جرعه‌ای آب می‌گردند و کوچک و بزرگشان با ظرفی در دست در چاله‌ها و چاه‌های غیربهداشتی به دنبال آب هستند.

مردم این منطقه آرزویشان این است که شاید باران

آب برای آشامیدن نداریم و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند مجبوریم که این منطقه را ترک کنیم. این در حالی است که تعدادی از شهروندان این منطقه با توجه به این شرایط خانه و کاشانه خود را رها کرده‌اند و به شهرهای اطراف مهاجرت کرده‌اند که قطعاً علاوه بر مشکلاتی که برای خودشان ایجاد می‌شود مشکلاتی از قبیل حاشیه‌نشینی در آن شهرها را نیز در پی دارد.

علاوه بر اینکه آبی برای خوردن نداریم دیگر نانی هم برای خوردن پیدا نمی‌شود عبدالغفور چاکری یکی دیگر از شهروندان سیرکان است اظهار داشت: ما دیگر هیچ‌امیدی برای زندگی نداریم زیرا بی‌آبی موجب شده که همه باغات و مزارع ما خشک شود.

وی افزود: حتی دام‌های ما نیز بر اثر بی‌آبی تلف شده‌اند و دیگر هیچ‌گونه کار و اشتغالی برای مردم وجود ندارد.

وی ادامه داد: اگر این وضعیت ادامه پیدا کند علاوه بر اینکه آبی برای خوردن نداریم دیگر نانی هم برای خوردن پیدا نمی‌شود و واقعا شرایط برای زندگی دشوار شده است.

این شهروند سیرکانی ادامه داد: اینجا دمای هوا اکثر اوقات بالای ۴۰ درجه است و ما علاوه بر اینکه باید گرمای هوا را تحمل کنیم از تشنگی هم رنج می‌بریم.

از همین رو به سراغ تنی چند از مسئولان این شهر رفتیم تا نظر آن‌ها راجع به ایند موضوع جویا شویم. شهردار شهر سیرکان، اظهار داشت: برای انتقال آب به شهر سیرکان تنها ۲ تانکر ۳۰ هزار لیتری وجود دارد که اگر برای آنها مشکلی به وجود نیاید وظیفه انتقال آب را بر عهده دارند.

سید محمد امین سیدی افزود: واقعا با این شرایط کار کردن بسیار دشوار است زیرا بدون آب هیچ‌کاری را نمی‌توان انجام داد و همه پروژه‌های عمرانی‌ما تعطیل شده است.

وی ادامه داد: مردم این شهر بسیار قانع هستند و خواسته آن‌ها تنها ۲ ساعت آب در روز است تا بتوانند زنده بمانند.

وی خاطر نشان کرد: ما حتی برای ماشین‌های آتش‌نشانی شهرداری هم آب نداریم و خدای نکرده اگر

ببارد تا بتوانند از آن مقداری را برای خود ذخیره کنند اما متأسفانه با توجه به اقلیم خشک منطقه و همینطور نبودن سفره‌های آب زیرزمینی راهی برای تامین آب وجود ندارد.

البته مردم این شهر در حالی با این شرایط دست و پنجه نرم می‌کنند که فاصله سد «ماشکید» تا این شهر فقط ۶۵ کیلومتر است و بر طبق گزارش وزارت نیرو سد «ماشکید» جز سدهایی است که تقریباً در وضعیت مطلوب آگیری قرار دارد.

از همین رو محمد دراز‌هی یکی از شهروندان سیرکانی، اظهار داشت: ما واقعا انتظار زیادی از مسئولین نداریم همین که چند تانکر برای حمل آب به این منطقه در نظر گرفته شود کافی است.

وی افزود: با توجه به اینکه این موضوع این روزها واقعا بحرانی شده است اما هیچ‌فرد یا اداره‌ای به سراغ ما نیامده و حتی جلسه‌ای هم برای اینکه ما را دلخوش کنند برگزار نکرده‌اند.

وی ادامه داد: ظاهراً مسئولان استان سیستان و بلوچستان ما را فراموش کرده‌اند و ما فقط در زمان انتخابات به کارشان می‌آییم چون بعد از انتخابات هیچ‌کس به یاد ما نیفتاده است.

این شهروند سیرکانی گفت: من و خانواده‌ام واقعا در این شهر با مشکلات جدی روبه‌رو هستیم ما حتی



اوج محرومیت زیر گوش پایتخت/نان محرومان آجر شد



دلیل ۴ سال عقب بودن کلاسش را دیر رفتن به مدرسه می‌داند.

به گفته موسی زاده، عضو هیات مدیره، کانون عالی انجمن های صنفی کارگران کشور تحصیل برای این کارگران در اولویت دوم است، مشکل اساسی آن ها کار است، کار و گذران زندگی، چیزی که این روزها با مخاطرات و سختی بسیاری هم بوده و به راحتی ممکن نیست.

زهرای یکی دیگر از این کودکان است، نمی‌خواهد با ما صحبت کند، با اکراه به سوال ها پاسخ کوتاه می‌دهد و از ما فاصله می‌گیرد، به او نزدیک می‌شوم، می‌پرسم: چرا از من دور می‌شوی؟

سرش را بر می‌گرداند، نیم‌نگاهی به آسمان و نیم‌نگاهی به اتاق های کوچک انتهای محوطه دارد، با بی میلی پاسخ می‌دهد: پدرم گفته با غریبه ها صحبت نکن.

این را می‌گوید و مشتتی از خاک های جلوی پایش پر کرده و مجدداً خالی می‌کند، نشانی پدرش را از او می‌پرسم و به سوی محل کارگاه حرکت می‌کنم، تا با پدر زهرا هم صحبت شوم.

پدر زهرا، تا متوجه می‌شود خبرنگار هستم، با عصبانیت می‌پرسد: برای چه به اینجا آمدی؟ همین یک ماه پیش یکی از شما آمد و با بدبختی های ما عکس یادگاری گرفت و رفت، این کارهای شما مشکلات ما را حل نمی‌کند.

خانه یعنی یک اتاق حدود ۱۴ متری با فرش کهنه و پارچه

بالاخره، پس از مدتی گفتگو، او را قانع می‌کنم که نه عکس می‌گیرم و نه در نوشته هایم اسمی از وی خواهم آورد و قول می‌دهم مشکلی برای کارش پیش نمی‌آید. زبانش باز شده و از دل پرش حکایت دارد، پراست از کلی گلایه های گوناگون، «بیمه نیستیم، همه خانواده قاچاقی کار می‌کنیم و اگر مامور بیمه بیاید ما را پنهان می‌کنند، اگر اسممان را رد کنند، باید از این جا برویم، هم بیکار می‌شویم و هم بی سرپناه، جایی برای رفتن نداریم، نه خانه ای داریم نه سقفی بالای سر و نه آینده و امیدی برای تمام این تلاش هایی که می‌کنیم.» این ها را پدر زهرا در حالی که صدایش از حد معمول بالاتر

«گل، بازی، تفریح اجباری کودکان کار در کوره پزخانه ها، برای امرار معاش و نان در آوردن شده است، محرومیتی که علیرغم اینکه در نزدیکی پایتخت روی داده اما دیده نمی‌شود.»



وحید محمدی یکتا

از زمانی که به یاد دارند، در کوره های آجرپزی کار می‌کنند، کار زمان نمی‌شناسد به خصوص تابستان اوج گرما و ساخت و سازهای ساختمانی هم زمان می‌شود و آن ها مجبورند در برابر شلاق های سوزان خورشید، بادهای داغ و گرمای غیر قابل وصف تابستان تهران، کار کنند. پدیده «کودکان کار» و «نان کار» در این میان پررنگ تر به چشم می‌آیند، بازی های کودکانه برای این بچه ها معنا ندارد، از صبح تا غروب باید کار کنند، تا بتوانند زنده بمانند، البته این داستان مختص تهران نیست، بلکه در تعداد زیادی از کوره های آجرپزی کشور و یا کارگاه های تولیدی، صنعتی و تجاری، از کودکان، کار می‌کشند اما این پدیده در کوره های آجرپزی تهران حال و هوای دیگری دارد.

این جا، دغدغه کودکان، پر کردن اوقات فراغت تابستان و یا یاد گرفتن حرفه و فنی در این ایام نیست، این جا گرسنه ماندن چالشی بزرگ است، که کودکان برای حل آن مجبورند نزدیک به ۱۰ ساعت در شبانه روز را سخت کار کنند.

گاهی ۱۱ الی ۱۲ ساعت در شبانه روز کار می‌کنم

سری به این کوره ها می‌زنیم و با برخی از کارگران همکلام می‌شوم، «هرسال با آغاز فصل تابستان و پایان مدارس، من هم به این جا می‌آیم، تا کار کنم، روزی ۸ ساعت، گاهی ۱۰ ساعت و برخی مواقع هم تا ۱۱ الی ۱۲ ساعت کار می‌کنم، ساعت هایی که کار می‌کنم، به سرعت کار و تعداد آجرهایی که می‌زنم ربط دارد.» این را یکی از کودکانی که با دستانی پینه بسته مشغول کار است، می‌گوید.

وی که حدود ۱۴ سال سن دارد و کلاس چهارم است،

اتفاقی بیفتد ماشین های بدون آب ما هیچ خاصیتی ندارند.

شهردار سیرکان گفت: این مشکل زیاد هم پیچیده نیست و تنها با اضافه کردن ۲ تانکر انتقال آب دیگر بخش قابل توجهی از مشکلات مردم این شهر برطرف می‌شود.

لوله کشی در شهر وجود دارد اما آبی برای استفاده در لوله ها نیست

همچنین رئیس شورای شهر سیرکان، اظهار داشت: در شهر سیرکان در تمامی محلات لوله کشی آب وجود دارد اما متأسفانه آبی در لوله ها برای استفاده شهروندان وجود ندارد.

ملک محمد بلوچ زهی افزود: این مشکل این روزها تبدیل به یک بحران جدی شده است که قطعاً نیاز به پیگیری جدی مسئولان استان سیستان و بلوچستان دارد.

وی ادامه داد: ما بارها این موضوع را از روش های مختلف به گوش مسئولان ذیربط رسانده ایم اما متأسفانه تاکنون هیچگونه اقدامی انجام نشده است.

وی با اشاره به اینکه مسئولان تنها قول پیگیری داده اند، گفت: با توجه به اینکه هر ۲ تانکر حمل آب به شهر سیرکان فرسوده و قدیمی هستند هر ۳ یا ۴ روز یکی از آنها خراب می‌شوند و بر مشکلات مردم افزوده می‌شود.

رئیس شورای شهر سیرکان افزود: مردم شهر سیرکان به طور متوسط هر ۳ یا ۴ روزی تنها یک ساعت آب دارند آن هم در شرایطی که آب به موقع به شهر برسد.

وی ادامه داد: البته در این یک ساعت هم آن دسته از شهروندانی که پمپ آب دارند می‌توانند از این آب برداشت کنند و بقیه از همین حداقل نیز بی بهره هستند.

وی خاطر نشان کرد: حالا که سال تحصیلی جدید شروع شده است اوضاع بسیار بحرانی تر شده است زیرا در این منطقه ۴ مدرسه شبانه روزی وجود دارد که با توجه به نبود آب علاوه بر مشکلات فراوانی که دارند ممکن است حتی تعطیل شوند.

در مجموع داستان بی آبی در شهر سیرکان داستان عجیبی است زیرا در بسیاری از مناطق استان سیستان و بلوچستان به دلیل نبود لوله کشی آب شرب هم وجود ندارد اما در این شهر با وجود اینکه این زیرساخت وجود دارد و مردم دارای اشتراک آب هستند اما بازهم مردم این منطقه با مشکل مواجه هستند.

اما نکته عجیب تر اینکه حل این موضوع زیاد پیچیده نیست و تنها با اضافه کردن ۲ تانکر دیگر قابل حل است حالا دلیل این همه کم کاری مسئولان چیست موضوعی است که باید خودشان پاسخگو باشند.

به دست می آورم، از همه اخبار با اطلاع هستم، اما کسی فرزندان ما را نمی دزد، این ها می توانند از خود دفاع کنند.

تعب می کنم، کودک ۵ ساله چطور از خود دفاع می کند، اما ترجیح می دهم بحث را ادامه ندهم، در خصوص محل زندگی و شغل همسرش سوال می کنم، پاسخ می دهد: شوهرم صبح ها سر کار می رود و من هم در کارگاه کار می کنم، هر دو کار می کنیم، تا زندگی مان بچرخد، سیگار فروشی و دیگر شغل ها، کار را عار نمی دانیم، اما خدا را شکر، اکنون یک کار خوب پیدا کرده که درآمدش بهتر است.

وی ادامه می دهد: در یک محله در خیابان آزادی، جای پارک پیدا می کند و از رانندگان خودرو پول می گیرد، این کار را یکی از همسرهایمان پیدا کرده است، درآمدش بهتر از کار در آجرپزی است.

می پرسیم، زیر نظر شهرداری کار می کند، یا پلیس راهور؟

باز هم تبسم می کند و می گوید: شهرداری و ادارات دیگر که ما را به کار نمی گیرند، باید کلی آشنا داشته باشی، زیر نظر اداره ای نیست، جای پارک پیدا نمی شود و همه دوست دارند جای پارک پیدا کنند، همسرم وسیله در جاهای خالی پارک می گذارد، تا کسی نتواند در آن ها متوقف شود و مشتری که بیاورد آن ها را راهنمایی کرده و پول می گیرد، زمانی که خودروهایشان پارک است، مراقبت می کند تا آسیبی به آن ها نرسد، راضی هستیم، خیلی بهتر از شغل شوهر خانم ... است.

در مورد شغل شوهر همکارش توضیح بیشتری نمی دهد.

همین قدر که روزهایمان در حالی شب می شود که گرسنه نمی مانیم کافی است

در خصوص محل زندگی، سوال می کنم، که اتاقی در همان حوالی اتاق زهرا، نشان می دهد و می گوید: ما همه این جا همسایه ایم، هر چند شوهرم در کوره کار نمی کند، اما حاجی از ما کرایه نمی گیرد. در مورد ظرفشویی، امکانات رفاهی و دیگر تجهیزات یک خانه سوال می پرسیم، می گوید: رضایت داریم، زندگی سخت است، چاره ای نیست، همین قدر که روزهایمان در حالی شب می شود که جایی برای خواب داریم و گرسنه نمی مانیم، کافی است، ظرفشویی همه مشترک است، لب چاه (با دست محلی در همان حوالی را نشان می دهد) می نشینیم و ظرف هایمان را می شوریم، شب ها همه خانم ها می آیند، که ظرف بشویند، فرصتی برای صحبت کردن هم هست، شوهرهایمان هم اگر خسته و خواب نباشند، از این فرصت استفاده کرده و در خانه یکی جمع می شوند و صحبت می کنند.

«ک» می افزاید: امکانات زندگی ما مثل شهری ها نیست، ما از روستا آمدیم و به زندگی روستایی عادت داریم، اما از مسئولین تقاضا داریم که شرایط را طوری ایجاد کنند، که این همه تفاوت بین زندگی ها نباشد، ما همگی کار سخت می کنیم و زندگی مان سخت است، برخی افراد کار راحتی دارند اما حقوق های زیاد می گیرند و زندگی راحت دارند، خون آن ها از ما رنگی تر نیست.

وی ادامه می دهد: سال های قبل که کار بیشتر بود، بچه ها هم به جای مدرسه کار می کردند، به همین دلیل اغلب بچه های کارگر کارگاه، چند سال از درس عقب هستند، اما حالا دیگر کار کم تر است و نیازی به حضور بچه ها نیست، اصولا در زمستان و پاییز

حاجی هم خالی است، همین چند وقت قبل یک نفر کلاه حاجی را برداشت و نزدیک بود ورشکست شود، مطمئنم اگر برایش مقدور بود، همه ما را بیمه می کرد، آینده ای نداریم، نه سرمایه ای داریم و نه پشتوانه ای برای دوران پیری، خدا سایه حاجی را بالای سر ما نگه دارد، اگر او نباشد، پسرهایش دو روزه درب این کارگاه را تخته می کنند و همه ما را بیرون می ریزند، تا آواره شویم.

راجع به سرویس بهداشتی و حمام از او سوال می کنم، گوشه حیاط را نشان می دهد و می گوید: این دستشویی و حمام است، همه این ۲۰ خانواده در همین مکان دستشویی و حمام می روند، تازه روزها جمعیت بیشتر هم می شود، چون برخی کارگران از بیرون می آیند و دستشویی این ها هم همین است. راجع به مادر زهرا سوال می کنم، می گوید: او در کارگاه است، همه مجبوریم کار کنیم، برای هر ۱۰۰۰ خشت حدود ۳۵ هزار تومان حقوق می گیریم، حقوقی که در این مدت افزایش نداشته است، همه چیز گران شده جز حقوق ما، مجبوریم بیشتر کار کنیم تا بتوانیم زندگی کنیم، کار باشد، کم نمی آوریم، مواقعی بوده است که ۱۳ ساعت هم کار کردیم تا سفارشات را برسانیم، چون بازار کساد است، اگر کاری گرفته شود برای رقابت با دیگر آجرپزی ها باید بیشتر کار کنیم تا سفارش ها را زودتر تحویل دهیم.

شوهرم جای پارک پیدا می کند، درآمدش از آجرپزی بهتر است

از او می خواهم که مرا نزد یکی از خانم های کارگاه ببرد، تا بتوانم با وی صحبت کنم، با هم نزد «ک» می رویم، حدود ۴۰ سال سن و ۲ کودک زیر ۵ سال دارد، که کودک بزرگ تر از خواهر کوچک تر خود مراقبت می کند، در مورد فرزندانش می پرسیم، می گوید: نوبی کوچکی هستند، بازی می کنند.

ناخودآگاه یاد بنیتا، آتنا و ستایش و دیگر کوچولوهای بی گناهی می افتم که توسط شکارچی های سنگ دل به قتل رسیدند، نگران می شوم و می پرسیم: کسی فرزندانتان را نذرده، روزنامه بخوانید، چندین کودک را به قتل رسانده اند، به نظرم باید بیشتر مراقب باشید.

لبخندی می زند و گوشی موبایلش را نشانم داده و می گوید: روزنامه نمی خوانم، اما تمام اخبار را از این جا

رفته، می گوید. او در حالی که از زمین و زمان گلایه دارد، می گوید: من ۱۲ سال است، شغل قالب کشی است، اما فکر کنم حدود یک سال بیمه داشته باشم، بعید می دانم روزی بازنشستگی را ببینم، دیگر از من که گذشت، بیمه سودی برایم ندارد، فقط باید شانس بیاوریم، در حالی که بیمه برایمان رد می شود، از کار افتاده شوم، تا بچه ها مستمرا بگیرند، وگرنه من که برای خودم امیدی به بازنشستگی ندارم.

وی می افزاید: باز هم خدا را شکر، حاجی منظورش صاحب کوره آجرپزی است، آدم با خدایی است، حرام و حلال می داند، حقوق ما را می دهد، اما بنده خدا توانایی بیمه کردن را ندارد، قبلا سفارش داشتیم و آجرهایی می زدیم، که قبلا فروش رفته بود، اما اکنون آجرها را می سازیم، مدتی می ماند و بعد فروش می روند، گاهی آن قدر آجرها را کسی نمی خرد، که مجبوریم کار را تعطیل کنیم، اما چه کار باشد و چه نباشد، حاجی از ما کرایه نمی گیرد و خانه در اختیار ما است.

از عدم حضور صاحب کار استفاده کرده و به داخل خانه و یک فنجان چای دعوت کرد، وارد خانه شدیم، یک اتاق حدود ۱۴ متری، با فرش کهنه و پاره، ۲ متر اضافه مساحت اتاق نسبت به فرش را با دستمال، چادر و پتو پوشانده بود، وسط اتاق پرده ای نصب و از این طریق اتاق را تقسیم کرده بود، طرف دیگر اتاق یک گاز کثیف و زنگ زده قرار داشت، روی گاز یک قابلمه و یک کتری و قوری بود، آتش کمی زیر کتری روشن بود، یک فنجان چای برایم ریخت و با قنددان جلویم گذاشت، در همین حالت ادامه داد: اینجا علاوه بر ما حدود ۲۰ خانواده دیگر زندگی می کنند، بعضی ها همین جا کار می کنند و بعضی دیگر بیرون کار می کنند، اما هیچ کدام کرایه نمی دهند، حاجی کسی را بیرون نمی کند، مگر این که مامور بیمه او را ببیند.

یک دستشویی و حمام برای ۲۰ خانواده

پدر زهرا ادامه داد: همین ۸ ماه پیش بود، که یکی از کارگران را مامور بیمه دید، فردا اثاثیه اش را دم درب گذاشتند و عذرش را خواستند، اگر اخراج نمی شد برای حاجی مشکل به وجود می آمد، حاجی هم حق دارد، این بازار کساد طوری است که دست



در کوره پزخانه ها ؛

پدیده «کودکان کار» و «زنان کار» در این میان بزرگ تر به چشم می آیند

می کردند و اوضاع آن ها بسیار بهتر از امروز بود، اما هم اکنون با توجه به رکود ساخت و ساز و فروش کم آجر، تعداد کل کارگرهای کوره پزخانه های استان تهران به ۵۰۰۰ نفر نیز نمی رسد.

معصوم علی موسی زاده با بیان این که قیمت آجر در ۲ سال اخیر حتی یک ریال افزایش نیافته است، گفت: این عدم افزایش قیمت روی حقوق کارگران کوره پزخانه ها نیز اثر گذاشته و حقوق آن ها افزایش پیدا نکرده است و کارگرهای ما در به در شده ند، بیش از ۲۵ هزار نفر کارگری که شغل آن ها کار در کوره پزخانه ها بوده و کار دیگر بلد نیستند، بی کار شده اند و نمی دانم، چطور زندگی خود را می گذرانند.

وی افزایش قیمت آب، برق و گاز را در ورشکستگی و جمع شدن بسیاری از کوره پزخانه ها مؤثر دانست و گفت: به عنوان مثال در شهرستان پاکدشت، که خود من رییس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه این شهرستان هستم، ۲ سال پیش ۵۷ کارخانه فعال بود، اما در حال حاضر حداکثر ۱۰ کارخانه فعال است، که تعداد همه کارگران این کارخانه ها را جمع کنید، به اندازه یک کارخانه فعال ۲ سال پیش نیست، این یعنی بیچارگی مفرط کارگران و معضلات بزرگ اجتماعی ناشی از بیکاری آن ها در سراسر استان تهران و باید برای آن فکری کرد، فشار مالی زیادی روی کارفرما است، زور کارفرما هم به جایی جز کارگر نمی رسد، مجبور می شود از حقوق کارگر و بیمه او بزند، تا بتواند اوضاع را مدیریت کند، اما کارگر که گناهی ندارد.

موسی زاده عدم افزایش حقوق کارگران کوره ها را مشکل دیگری می داند و می گوید: از اول انقلاب تا به حال اتحادیه کوره پزخانه ها با انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه با هم توافق می کردند و به یک مبلغ برای افزایش دستمزد می رسیدند، اما ۲ سال است، که نرخ افزایش حقوق که توسط شورای عالی کار تعیین می شود، به مرحله اجرا نمی رسد، چرا که اتحادیه کوره پزخانه ها برای امضاء قرارداد با انجمن صنفی حاضر نشده اند و اداره کار نیز همراه انجمن صنفی نبوده است و تنها حق کارگر است، که پایمال می شود.

عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه های استان تهران افزود: ما خواهان پرداخت ۱۴.۵ درصد افزایش حقوق هستیم، اما کارفرمایان زیر بار نمی روند و عدم ابلاغ افزایش حقوق توسط اتحادیه ها و یا صدور رای وزارت کار را بهانه می کنند.

حتی یک کارگر هم نداریم که از کار کوره پزخانه ها بازنشست شده باشد

به گفته موسی زاده، بیمه این کارگران به اندازه واقعی پرداخت نمی شود، وی تاکید می کند: تا به حال حتی یک کارگر هم نداریم که از کار کوره پزخانه ها بازنشست شده باشد، چرا که این ها در سال ۵ الی ۸ ماه کار می کنند، اما کارفرمایان در بهترین حالت با ۲ ماه تاخیر بیمه ها را رد می کنند، یعنی در بهترین حالت یک الی ۳ ماه بیمه برای یک کارگر کوره پزخانه در سال رد می شود و تا سابقه کار یک کارگر بخواند به ۲۰ سال برسد، آن کارگر دیگر زنده نیست، البته کارگران بیچاره مجبور به کار با همین شرایط هم هستند، اما عملاً کاری نیست، شغلی نیست، چرا که



در کوره پزخانه ها؛ حتی کودکان هم گاهی ۱۱ ساعت در شبانه روز کار می کنند

کاری نیست.

معضلات بزرگ کارگران زحمت کشی است، که صبح تا شب و شب تا صبح کار می کنند تا «زنده» بمانند، بسیاری از خردادهای تلخ و ناگواری که امروزه شاهد آن ها هستیم برگرفته از همین معضلات است.

اشتباه نکنید، این معضلات برای مناطقی دور افتاده و برخی استان های محروم نیست، این جا تهران است، پایتختی که پر است، از خودروهای چند صد میلیونی که هر از چندگاهی با عبور از کنار شهروندان، چشم ها را می نوازند.

رییس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه های شهرستان قرچک در خصوص بیمه این کارگران گفت: خانواده هایی با ۵ عضو و حتی بیشتر شبانه روز در حال کار در این کوره ها هستند، حق بیمه هم از اغلب آن ها کسر می شود، اما از بیمه و تامین اجتماعی خبری نیست.

سید علی حسینیان اضافه کرد: وضعیت کارگران کوره پزخانه ها روز به روز درآورد تر می شود، نبود امنیت شغلی، حقوق عادلانه، بهداشت در خور و درصد کمی از رفاه اجتماعی اصلی ترین معضلات این زحمتکشان است.

تعداد کارگران کوره پزخانه ها از ۳۰ هزار نفر به ۵۰۰۰ نفر کاهش یافته است

به سراغ عضو هیات مدیره، کانون عالی انجمن های صنفی کارگران کشور می رویم، وی دل پری از مشکلات کارگرها دارد و می گوید: تا ۲ سال پیش بیش از ۳۰ هزار کارگر در کوره پزخانه ها کار

افغان ها با هزینه های کم تر و کار بهتر رقبای سرسختی هستند

«ک» از عزم جدی خود و همسرش برای تحصیل فرزندانش می گوید و می افزاید: به هر طریقی شده باشد و حتی اگر گرسنه بمانیم، باید بچه هایمان درس بخوانند، اگر ما درس خوانده بودیم، امروز این زندگی را نداشتیم، باید دکتر شونند و زندگی خوبی داشته باشند.

وی به حضور رو به افزایش کارگران افغان اشاره کرده و می گوید: بافت کارگری نیز نسبت به گذشته تفاوت هایی دارد، امروز افغان ها با هزینه های کم تر از ما و کار بهتر رقبای سرسختی هستند، همین کوره آجرپزی نزدیک ما را افغان ها اداره می کنند، حتی سر کارگر هم افغانی است و صاحب کوره تنها سر ماه می آید و حساب و کتاب می کند و پول ها را گرفته و می رود، ما هم افغانی داریم، که حتی سکونت هم دارند، اما حاجی هر جا که کارگر ایرانی نباشد، افغانی می آورد، می گوید اول ایرانی ها باید سر کار باشند.

«ک» در پاسخ به سوالی در خصوص میزان درآمد خانواده اش، می گوید: من ماهیانه بین یک میلیون الی یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، از خرداد ماه تا مرداد ماه درآمد دارم، اما اردیبهشت و شهریور درآمد کم تر است و مابقی سال اصولاً درآمدی از این راه ندارم و به منزلی در تهران می روم و نظافت منازل انجام می دهم، اما چون باید آشنا باشیم، تعداد مشتری هایم حدود ۳۰ تا خانواده هستند.

وی می گوید: درآمد همسرم بهتر است، اگر مبلغی که به عنوان سهم مکان می دهد را کسر کنیم حدوداً ۲ میلیون تومان درآمد دارد، البته یک میلیون آن را خرج سیگار می کند.

وضعیت کارگران کوره پزخانه ها روز به روز درآورد تر می شود

با این شرایط به نظر می رسد، بیکاری، حقوق کم، نداشتن بیمه، برخورداری از سطح بسیار کمی از رفاه اجتماعی و شیوع آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد و ...



در کوره پزخانه ها؛ افغان ها با هزینه های کم تر و کار بهتر رقبای سرسختی هستند

تمام سختی‌ها و زیان ناشی از آن را فاجعه خوانند، و ادامه داد: در قانون کار کارگران زیر ۱۵ سال ممنوع است، اما گویا برای کسی مهم نیست، که یک کودک ۸ ساله، برخلاف میل باطنی و بدون این که قدرت انتخاب داشته باشد، به کارهای سخت و زیان آور مجبور می‌شود، این کودکان آموخته‌اند، که برای نمردن باید کار کنند، دستان کوچک آن‌ها پر از فریادهای کودکانه است، گویا کوره پزخانه‌ها جزو ایران و قوانین ایران نیستند، زنان در بدترین شرایط جسمی باید کار کنند، چیزی به نام مرخصی زایمان برای زنان کوره پزخانه‌ها تعریف نشده است.

به گفته این فعال اجتماعی، درآمد یک خانواده ۴ نفره که یک پسر ۷ ساله و یک دختر ۱۱ ساله به همراه پدر و مادر خود به سختی کار می‌کنند، روزانه ۱۰۰ الی ۱۱۰ هزار تومان است، یعنی تقریباً به اندازه حقوق یک کارمند متوسط در تهران و این قسمت ماجرا به شدت غم‌انگیز است.

وی با اشاره به ساخت خانه‌های همه مردم، توسط خشت‌های زحمت کشیده این کارگران، گفت: این افراد، برای همه سرپناه می‌سازند، در حالی که خود نه سرپناه خوبی دارند و نه آینده قابل‌تصور، واژه «رفاه» برای کارگران دلسرد، کوره‌های داغ فصل گرما، آن قدر قریب است، که واژه «فقر» برای یک شهرنشین.

آهنگر پشتیبانی دولت از این قشر را در حد صفر دانست و گفت: همه داریم می‌بینیم، که این کارگران کار می‌کنند، از سویی دیگر کساد بازار، رکود و مشکلات کارفرمایان کوره پزخانه‌ها را نیز همه می‌دانند، اما خبری از حمایت‌های دولتی از این کارگران نیست، راه‌های متعددی برای اطمینان از حداقل ۶ ماه کار کردن این کارگران وجود دارد و دولت می‌بایست در حمایت از این افرادی که چرخ صنعت ساختمانی کشور روی دوش آن‌ها می‌چرخد، ۶ ماه حق بیمه دیگر آن‌ها را پرداخت کند، تا این افراد، رنج و غم حقوق‌های اندک خود را با امید بازنشستگی بزایند.

با شرایطی که تهران و حجم آسیب‌های اجتماعی این کلانشهر دارد، به نظر می‌رسد، یک حرکت فراگیر و عزمی جمعی از سوی متولیان امر و نیز فعالان فرهنگی و اجتماعی نیاز است، تا بتوان به لحاظ مالی، رفاه اجتماعی و بهداشتی به این حداقل ۵۰۰۰ کارگر کوره پزخانه برای رسیدن به زندگی بهتر کمک کرد، تا بتوان بسیاری از معضلات اجتماعی حاصل از محرومیت‌ها را زود و از تعمیق فاصله طبقاتی به عنوان یکی از معضلات اجتماعی خطرناک جلوگیری کرد.

برای کار می‌آیند.

ابتلاء کارگران کوره آجرپزی به بیماری‌های تنفسی، به طور معنی‌داری بیشتر از کارگران عادی است

یک پزشک متخصص، اما از بعد دیگری به مشکلات کارگران کوره پزخانه‌ها نگاه می‌کند، وی با بیان این که حضور کارگران کوره پزخانه‌ها در مجاورت گرد و غبار، سبب ایجاد مشکلات تنفسی برای آن‌ها می‌شود، اظهار داشت: بسیاری از این کارگران، در طول سال هزینه‌های هنگفتی برای درمان بیماری‌های ناشی از گرد و غبار پرداخت می‌کنند، حال آن که اغلب هزینه‌های درمان آن‌ها آزاد بوده و حمایت‌های بیمه‌ای نیز ندارند.

احمدرضا تاجیک افزود: البته بخش عمده‌ای از کارگران که دارای مشکلات تنفسی ناشی از گرد و غبار و گازهای حاصل از سوخت‌های فسیلی هستند، به دلیل مشکلات مالی برای درمان مراجعه نمی‌کنند.

یک مطالعه موردی بر روی ۵۱ کارگر شاغل در چند کوره آجرپزی به عنوان مورد و ۵۶ کارگر صنایع غذایی به عنوان گروه شاهد، که توسط عبدالله غلامی، حمید رضا صابری، اصغر قهری و داود اسکندری، مربی گروه بهداشت حرفه‌ای دانشگاه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گناباد، استادیار گروه بهداشت حرفه‌ای دانشگاه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کارشناس ارشد بهداشت حرفه‌ای دانشگاه بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تهران و مربی گروه بهداشت حرفه‌ای دانشگاه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان صورت گرفت، مشخص کرد که شکایت‌های تنفسی در گروه مورد، به طور معنی‌دار بیشتر از گروه شاهد بود.

یعنی ابتلاء کارگران کوره آجرپزی به بیماری‌های تنفسی، به طور معنی‌داری بیشتر از کارگران عادی است.

۴ نفر عضو یک خانواده برای روزانه ۱۰۰ هزار تومان دستمزد کار می‌کنند

یک کارشناس مسائل اجتماعی، گفت: کار در کوره پزخانه‌ها در زمرة مشاغل سخت و زیان‌آور و با دریافتی بسیار کم است، این کارگران، برای هر خشت تنها چیزی حدود ۳۰ الی ۳۸ تومان دریافت می‌کنند و اگر بیمه باشند، باید ۶۰ الی ۱۲۰ سال کار کنند، تا بازنشسته شوند و این رقم، یعنی عملاً این کار بازنشستگی ندارد.

طاهره آهنگر حضور کودکان در این کار، علی‌رغم

درآمدی وجود ندارد.

وی با بیان این که از سازمان تامین اجتماعی بسیار گلایه مندیم، اضافه می‌کند: کارگری سراغ دارم که ۴۵ سال سن دارد، همین الان هم در حال کار است، اما سابقه بیمه وی واقعی نیست، چرا که تا بازرسی تامین اجتماعی به کوره پزخانه‌ها مراجعه نکرده و نام این کارگران را ننویسد، کارفرما اسامی را رد نکرده و نیامدن بازرسی را بهانه می‌کنند، ما آقای سید تقی نوربخش، رئیس سازمان تامین اجتماعی و آقای علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به کوره پزخانه‌ها آوردیم و از نزدیک اوضاع کارگران را دیده‌اند و مقرر شد، هر ماه بازرسی تامین اجتماعی از کوره پزخانه‌ها بازرسی کند، اما در حال حاضر که شهریور ماه است و قالب زن‌های ما دارند، می‌روند، بازرسی تنها یک بار به کوره پزخانه‌ها آمده و به این طریق بیمه‌ها بسیار کم‌تر از میزان واقعی برای کارگران ثبت می‌شود.

موسی زاده گفت: در این حالت شاید یک الی ۲ ماه برای کارگر قالب دار، بیمه پرداخت شود، در حالی که این کارگران از فروردین و اردیبهشت مشغول کار بوده‌اند، همین یک الی ۲ ماه نیز تنها برای سرپرست خانوار بیمه رد می‌شود، در حالی که هم مرد خانواده، هم زن و بچه خانواده کار کرده‌اند و باید برای همه آن‌ها بیمه رد شود، اما متأسفانه کارفرما همکاری خوبی نمی‌کند و سازمان تامین اجتماعی نیز دلسوزی ندارد.

وی در خصوص اخراج کارگرانی که اسم آن‌ها در لیست بیمه رد می‌شود، گفت: کارفرمایان معمولاً نمی‌توانند کارگران را اخراج کنند، ممکن است به او سخت بگیرند و یا اذیت کنند، اما چون کارگران با زن و بچه در همین کارخانه سکونت دارند، اخراج آن‌ها تا پایان کار سخت است و بسیار کم پیش می‌آید.

عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران اوضاع بهداشتی کارگران نسبت به سال‌های گذشته را بهتر خواند و گفت: در هر منطقه یک نفر به عنوان مأمور بهداشت تعیین شده است و بدین ترتیب وضعیت بهداشت کمی بهتر شده، اما هنوز با اوضاعی که بتوان گفت، مورد تأیید است، فاصله دارد، اما خوب آب آشامیدنی این کارگران و سرویس‌های بهداشتی نسبت به گذشته بهداشتی‌تر شده است.

وی در خصوص اوضاع کارگران پس از پایان فصل کار، گفت: کارگران فصلی پس از پایان فصل کار به استان‌های می‌بدها باز می‌گردند، اما کارگران دائمی، در این مناطق منازلی دارند و از صبح تا ظهر کار می‌کنند و ظهر می‌روند و بعد از خوردن شام دوباره



در کوره پزخانه‌ها؛

زنان هم مجبورند کار کنند



در کوره پزخانه‌ها؛

به دلیل رکود بازار تعداد کارگران به حدود یک ششم کاهش یافته است

پایان آواربرداری زمستان یورت / تیم حقیقت یاب به گلستان سفر می کند



شرقی را هم آماده کرده ایم. قوانلو با تاکید بر اینکه ۳۰۰ کارگر معدن باید دوباره به کار بازگردند، خاطر نشان کرد: تمام بحث های ایمنی معدن در این مدت (۱۴۶ روز) بررسی شده و به تایید کارشناسان نظام مهندسی معدن رسیده است.

وی با یادآوری اینکه کارفرما حقوق اردیبهشت و خرداد تمام کارگران معدن را در حالی که مشغول به کار نبوده اند، پرداخت کرده است، بیان کرد: کارفرما برای اصلاح و بهبود تهویه و ... تقاضای پرداخت تسهیلات داده که در این مدت هنوز محقق نشده است.

قوانلو تاکید دارد چاره ای جز بازگشت به کار مجدد کارگران بیکار شده معدن زمستان یورت وجود ندارد چرا که بیمه بیکاری آن ها به پایان می رسد، اما رسول علیخانی که بعد از حادثه معدن به نمایندگی از معدنچیان و خانواده جان باختگان این حادثه در مقابل رئیس جمهور صحبت کرده بود؛ معتقد است وضعیت کارگران بعد از حادثه خیلی تغییر نکرده است.

بلاتکلیفی در پرداخت کمک هزینه مسکن جانباختگان

وی اظهار کرد: هر چند در حال حاضر کارگران و خانواده جانباختگان مشکلات بیمه ای ندارند اما در پرداخت حقوق تغییراتی ایجاد نشده است.

بازدید داشته اند. حسینقلی قوانلو به نتایج این بازدید اشاره کرد و افزود: به غیر از محل حادثه امکان شروع به کار در چند جبهه دیگر معدن زمستان یورت وجود دارد و می توانند کارگران مشغول کار شوند. وی ادامه داد: در محل حادثه لوکوموتیو دوم را هم پیدا کرده اند و با دادستانی و ... صورت جلسه انجام شده و فقط مقدار کمی از خاکبرداری در مسیر انتهای تونل باقی مانده است.

تیم حقیقت یاب می تواند هفته آینده به گلستان بیاید

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان گلستان با بیان اینکه لوکوموتیو دوم که در زیر آوار مانده بود خارج شده و کار آواربرداری هم تا پایان هفته به اتمام می رسد، اضافه کرد: این موضوع صورت جلسه شده و به وزارتخانه هم اعلام کرده ایم هفته آینده (بعد از عاشورا و تاسوعا) تیم حقیقت یاب می تواند به گلستان بیاید و دلایل حادثه را اعلام کنند.

وی با یادآوری اینکه هم اکنون ۱۰۰ نفر برای تعمیرات در معدن زمستان یورت مشغول به کار هستند، تصریح کرد: در تونل های پایین تر مشکلی برای کار وجود ندارد، تهویه بررسی شده و میزان گاز سنجیده شده است؛ با توجه به اینکه بیمه بیکاری کارگران هم در حال اتمام است و کارگران از ماه آینده دریافتی نخواهند داشت معدن زمستان یورت

۱۴۶ روز از چهارشنبه سیاه معدن زمستان یورت می گذرد در حالی که هنوز گزارش رسمی علت حادثه مشخص نشده و مسئولان از پایان آواربرداری و اعلام آمادگی برای حضور تیم حقیقت یاب خبر می دهند.



زهرا بهرامی

۱۳ اردیبهشت ماه امسال بود که با انتشار گاز و انفجاری که هنوز دلایل آن کاملاً مشخص نیست چهارشنبه سیاه معدن زمستان یورت رقم خورد. چهارشنبه سیاهی که ۴۳ قربانی بر جای گذاشت و بیش از ۷۰ نیروی امدادی و معدنچی را راهی مراکز بهداشتی و درمانی کرد.

از اواسط خردادماه کار آواربرداری در معدن آغاز شد و حدود ۱۰۰ معدنچی برای کمک به ایمن سازی کارگاه و آواربرداری تونل مشغول به کار شده اند. گرچه در ۱۴۶ روز گذشته حقوق و مطالبات کارگران و جانباختگان حادثه پرداخت شده اما هنوز علت حادثه مشخص نشده است.

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان گلستان در خصوص آخرین وضعیت معدن زمستان یورت گفت: اواخر هفته گذشته نمایندگان نظام مهندسی معدن، نماینده اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نمایندگان اداره کل صنعت، معدن و تجارت گلستان از معدن

رئیس کل دادگستری گلستان ادامه داد: بازرس وزارت کار، نتیجه ی بررسی های اولیه را اعلام کرده و گفته نظر نهایی پس از خروج لوکوموتیو دیگری که در فاصله ی دورتری از لوکوموتیو خارج شده قرار دارد، اعلام خواهد شد.

این مقام ارشد قضایی استان اضافه کرد: هم اکنون کارگران در سه شیفت، ایمن سازی تونل محل انفجار را انجام می دهند تا مابقی لوکوموتیوهای احتمالی از تونل خارج و راه برای حضور و بررسی تیم کارشناسی هموار شود.

هاشمیان تاکید کرد: نظریه تیم کارشناسی، نظریه مشورتی است و پس از ارائه این گزارش به تیم کارشناسان رسمی قوه قضاییه و تایید آن، در دادگاه قابل استناد است.

هاشمیان به مردم استان و خانواده های کارگران آسیب دیده در این حادثه اطمینان داد: دستگاه قضایی تا استیفای حقوق مصدومان و خانواده های جان باختگان کوتاه نخواهد آمد و با مقصران حادثه در هر جایگاه و مقامی که باشند بدون اغماض برخورد می کند.

است و گرنه با کارفرمای معدن زمستان یورت مشکلی وجود ندارد.

کارشناسان در چند قدمی کشف علت انفجار معدن

هر چند حضور تیم حقیقت یاب و بررسی علت حادثه به روشن شدن علت حادثه کمک می کند اما اعلام نظر نهایی در این خصوص باید از سوی دادگستری انجام شود و چندی پیش رئیس کل دادگستری گلستان از باز بودن پرونده حادثه معدن خبر داده و وعده داده بود با مقصران حادثه برخورد می شود.

از رئیس کل دادگستری گلستان آخرین وضعیت را جویا شدیم و هادی هاشمیان گفت: با تلاش شبانه روزی کارگران معدن، یکی از لوکوموتیوهای گمان می رفت تلاش برای روشن کردن دوباره آن سبب انفجار معدن آزادشهر شده است، از تونل خارج شد. وی افزود: با خروج این لوکوموتیو، گروهی متشکل از بازرس وزارت کار، بازرس پرونده و نیروی انتظامی این لوکوموتیو را بررسی کردند.

علیخانی با بیان اینکه ایمنی معدن رو به افزایش است و نسبت به گذشته بهتر شده، گفت: اما ایمنی واقعی که یک معدن به آن نیاز دارد و دستگاه های مجهز در تونل وجود ندارد و ظاهرا کارفرما برای تهیه آن درخواست وام داده که هنوز محقق نشده است.

وی با بیان اینکه دیه ۲۱۰ میلیون تومانی و حقوق معوق جان باختگان پرداخت شده است، افزود: طبق قانون دیه و سایر حق و حقوق جانبختگان حادثه به همه ورثه تعلق می گیرد و هم اکنون تعدادی از خانواده های جانبختگان معدن با مشکلات حقوقی مواجه شده اند.

علیخانی ادامه داد: هنوز تکلیف کمک هزینه مسکن جانبختگان هم مشخص نیست و با مشکلاتی حقوقی موجود برای تعدادی از خانواده های جانبختگان بهتر است این مبلغ به حساب سرپرستان خانوار پرداخت شود.

وی با بیان اینکه در این مدت ۱۰ نفر از کارگران معدن زمستان یورت هم بازنشسته شده اند، اضافه کرد: با پرداخت نشدن تسهیلات به کارفرما وضعیت بازنشستگی و استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور هم بالاترین مانده است.

هر چند قوانین از اعلام آمادگی برای حضور تیم حقیقت یاب در هفته آینده خبر می دهد و معتقد است تمام مباحث فنی و ایمنی تونل مورد بررسی قرار گرفته اما علیخانی که خودش سال ها کارگر معدن بوده و به تازگی (در ماه گذشته) به عنوان معدنچی در معدن زمستان یورت بازنشسته شده است، معتقد است هنوز تا ایمنی واقعی تونل فاصله زیادی وجود دارد.

خروج لوکوموتیو دوم تا پایان مهرماه

آخرین وضعیت معدن زمستان یورت را از مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان جویا شدیم و سعید مازندرانی گفت: لوکوموتیو اول از معدن خارج شده و لوکوموتیو دوم هنوز خارج نشده و احتمالا تا پایان مهرماه انجام می شود و آن زمان تیم حقیقت یاب می تواند حضور یافته و علت حادثه را اعلام کند.

وی با بیان اینکه ایمن سازی و آواربرداری کار وقت گیری است و نمی توان با سرعت آن را انجام داد، تصریح کرد: از زمان حادثه تاکنون معدن زمستان یورت در آمادی ندارد و همه هزینه های تعمیرات، آواربرداری و هزینه های حین عملیات امداد و نجات و همچنین حقوق کارگران، معوقات و کسورات دیه جانبختگان را پرداخت کرده است.

مازندرانی خاطر نشان کرد: کارفرما حقوق تیرماه ۱۰۰ کارگر مشغول به کار را در شهریورماه پرداخت کرده است و با این حجم مشکلات تاخیر در پرداخت حقوق با فاصله یکی و دو ماه کمی طبیعی است. وی به مشکلات بازنشستگان معدن زمستان یورت هم اشاره و بیان کرد: کارگران می خواهند از کار سخت و زیان آور استفاده کنند در حالی که به غیر از معدن زمستان یورت در معادن دیگری هم کار کرده اند و سایر کارفرماها باید حق و حقوق کارگران را بپردازند.

وی متذکر شد: در حقیقت کارگران باید از چندین کارفرما شکایت کنند تا بتوانند به نتیجه برسند و همین امر باعث تاخیر در انجام این موضوع شده



پناهگاهی پوشالی در سکونتگاه غیر رسمی / اینجا ۸ درگرو ۹ است



مشکلات معیشتی در سکونتگاه‌های غیررسمی اطراف شهر اردبیل به یکی از دغدغه‌های جدی تبدیل شده است؛ دغدغه‌ای که نگرانی از سرنوشت کودکان این مناطق را به همراه دارد.



ونوس بهنود

در صدمتری چهار دیواری ایستاده‌ام که به سکونتگاه‌های موقت نگهبانان ساختمان‌های نیمه‌کاره می‌ماند تا خانه دو کودک خردسال دورتا دور من نه خبری از آسفالت‌های شهری است و نه جمع‌آوری زباله در این جا معنی شده است. خرده‌ریزه‌های اضافی مصالح ساختمان‌های دوردست زیر کفش‌هایم خرچ خرچ می‌زند. در مقابلم خانه‌ای ساخته شده با چوب، بلوک سیمانی، نایلون‌های پلاستیکی و سیمان با سقفی نیمه‌کاره که پناه گاه حسین هشت‌ساله و زهرای سه‌ساله است.

بی‌هیچ حفاظی از امنیت، سگی خشمگین و بیمار پارس می‌کند. به عقب برمی‌گردم. شاید شهر نباشد اینجا. شاید گوشه جدامانده‌ای از برهوتی بی‌مسکن است. دورتادور خالی خانه هر غریبه‌ای را می‌ترساند. می‌توان مگر با سگی خسته و هار کودکی بزرگ کرد به امید روزهای روشن؟!

پدر درهم‌شکسته و پیر در آستانه در ظاهر می‌شود. سگ را به گوشه‌ای تارانده راه بر من باز می‌کند. ورودی خانه میلی شکسته که حال و هوای گذشته‌های شیرین را از ذهن می‌گذرانند، دارد. در محوطه‌ای که نمی‌توان نامش را حیاط گذاشت جا خوش کرده است. سفیدی تجملی‌اش هنوز باقی است و به چشم می‌زند. نگاهم را از بوی ماندگی و انبوه غبار بر روی میل خالی می‌دزد اما نمی‌توانم از زیر بار نگاه دخترک سه‌ساله‌ای که با نیم‌نگاهی لبخند و نیم‌نگاهی تعجب من را برانداز می‌کند، شانه خالی کنم.

اینجا خانه کودک سه‌ساله این شهر است. قواره‌ای بدقواره از چوب و پلاستیک که قرار است پناهی باشد برای معصومیت و پاک‌ی او تا روزی بشود خانمی و سری در سرها دریاورد.

خانه را با هر چه به دستم آمد ساختم

مطابق اعلام راه و شهرسازی استان اردبیل بیش از ۱۴۱ هزار نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی استان زندگی می‌کنند و جمعیت سکونتگاه‌ها روند افزایشی دارد. هر چند بازآفرینی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی آغاز شده اما نهر و کانال، آسفالت‌های مقطعی و پل‌های کوچک احداث شده هنوز به در خانه زهرای سه‌ساله نرسیده است.

حیدر، پدر زهرای بیش از همه متعجبم می‌کند. پیرمرد درهم‌شکسته‌ای را در مقابل خود می‌بینم که با شرمی آمیخته به شرمندگی از اهل و عیال، خواستش را چند تکه آهن عنوان می‌کند.

روی بلوک‌های سیمانی، گچ ریخته و سقفی از الوارهای چوبی زده است اما هنوز بوی رطوبت در خانه پیچیده و کف زمین که می‌نشینم از رطوبت سرگیجه دارم.

حیدر زمانی چاه‌کن بود. ۳۵ سال بیشتر در این دنیا

آورده و لامپی به خانه کشیده است. از صحت و سلامت تلویزیون خبر ندارم اما یک لحظه به ذهنم خطور کرد که وقتی تبلیغات فانتزی از غذاهای لذیذ، خانه‌های گرم و پدر و مادر شاد و جوان می‌گوید، تصور حسین از زندگی چیست؟

خیرین به دادگر سگی مامی رسند

سرظهری مهمان خانه‌شان هستم. نه بوی غذایی می‌شنوم نه فضای معطری به مواد اولیه غذایی که قرار است پخته شود. «سوره» مادر زهرای می‌گوید همسر من بعد از کم‌درد و روماتیسم نمی‌تواند کار کند. من هم کار نمی‌کنم. چند ماهی است بچه‌ها تحت پوشش کمیته امداد هستند و ماهانه دریافتی دارند و به غیر از آن خیرین به داد ما می‌رسند.

در تمام مدت صحبت سوره حیدر به گلیم زیر پایش خیره مانده است. بچه‌ها در کنار پدر و مادر به زانوی مادر تکیه داده‌اند. بی‌سروصدا صحبت‌های یک غریبه با مادری خسته از ندری را می‌شنوند.

نزیسته اما تا خودش به سن و سالش اشاره نکرد نتوانستم تخمین درستی بزنم. بعد از اینکه با جوانی پیر رویه روشدم در تمام مدت دیدار با خانواده‌اش تلاشم بر این بود غبار زخم‌ها و تلخی‌ها و نداشتن‌ها را کنار بزنم و حیدر ۳۵ ساله را از لابه‌لای آن بیرون بکشم.

تمامی خانه یک اتاق نفوذپذیر به سرما و رطوبت است که با یک نایلون به دو قسمت جدا شده و در بخش دوم لحاف و تشک‌ها چیزی شبیه اتاق خواب ساخته است.

نه از یخچالی خبری هست و نه از حمام و حتی شیر آبی و ظرف‌شویی. تنها چاه آبی در داخل خانه دیده می‌شود که با هر تکانه آن جان در بدن می‌لرزد از افسوس‌های زهرای برای آبی گرم که چهره دوست‌داشتنی‌اش را در آن بشورد و چون ماه شب تابان شود.

نه سیم‌کشی برقی دیده می‌شود و نه سقف امنی. حیدر اعتراف می‌کند که به سختی سیم برقی گیر



حاشیه‌نشینی که از سر فقر و ناداری بر سر کودکان آوار شده با تمامی کمبودهایش زندگی کودکان را در بر گرفته و بسیاری از آن‌ها در تأمین نیازهای اولیه از جمله خوراک و پوشاک نیز با مشکل مواجه هستند. چه از حسین هشت‌ساله که دو سال است از کلاس اول دست نکشیده و چه آیدای ۱۵ ساله که ریاضی ضعیفی دارد و پولی هم برای جبرانی‌ها نیست گویای حمایت ویژه در آموزش‌ها است.

برادر آیدا از سوم راهنمایی ترک تحصیل کرده است. برخی همسایه‌هایشان کودکانی درس نخوانده دارند. وقتی هزینه‌های مدرسه روی دوش نحیف خانواده اضافه می‌شود، عطایش را به لقایش می‌بخشند. آیدا فکر می‌کند چون فقیر است نمی‌تواند از کنکور قبول شود. و با وضعیتی که حیدر و سوره دارند معلوم نیست زهرا به مدرسه خواهد رفت یا نه.

در عمق نگاه آیدا می‌توانی استعدادی ژرف ببینی که تنها به تکان‌های بند است. آموزش‌وپرورش در سال‌های اخیر بر روی عدالت آموزشی و توجه به مدارس حاشیه شهرها تأکید داشته اما مثال‌هایی همچون آیدا و حسین توسعه حمایت‌ها را ایجاب می‌کند.

حسین از فانتزی‌های بچه پولدارها سهمی ندارد. همه سرگرمی و اسباب‌بازی‌اش خرده‌سنگ‌های دور خانه است که همیشه با شکمی نیمه سیر به سراغشان رفته.

آموزش اگر پیش از کتاب درسی معنی می‌شد آن وقت جاهای خالی برای حسین، زهرا و آیدا را می‌دیدیم. جاهای خالی که با بی‌تفاوتی ساختیم و عبور کردیم و ندیدیم که کودکان امروز چه آن کودکی که در خانه ویلایی بالای شهر است و چه آن کودکی که در حاشیه شهر درست در لبه تیز شهر زندگی می‌کند، همه به یک اندازه معصومانند.

درویش آباد اگر رنگ بگیرد چهره زهرا آیا جان دوباره خواهد گرفت؟ میلیون‌ها و میلیون‌ها تومان هزینه نذری‌هایی شد که قرار بود برای فقرا باشد و حتی یک قاشق از آن سهم زهرا نشده است.

میلیون‌ها و میلیون‌ها تومان صرف خرید لوازم‌تحریر ادارات فرهنگی شد و تنها کتاب و دفتر خیری که هرازگاهی سر می‌زند نصیب حسین شده است. شاید این قصه را باید از نو نوشت. اینبار نه از زبان من و توی بیننده. بلکه از زبان زهرا و حسین که هنوز امیدواری کودکانه‌شان حتی روی فقر را هم سیاه کرده است.

میوه‌های نوبرانه هم دارد. اما کودکان سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه شهر اردبیل در نگاه نخست از آسمان تا زمین با بخش مرکزی شهر فرق دارند. از چاه آبشان افسوس بالا می‌کشند و زیر سقف‌های چوبی آرزو می‌شمارند. حسین نازنین دختر مشق پاره دارد. مدادهایش را درست نمی‌تراشد. دو سال است که در کلاس اول درجا می‌زند. چرا که در کلاس کند می‌نوشته و معلم متوجه حواس‌پرتی او شده است. چشمان زیبا و عسل‌اش قلبت را از جا می‌کند اما این کودک هشت‌ساله هیچ حمایت تحصیلی از سوی پدر و مادر ندارد. در وضعیت نامطلوب بهداشتی صبح‌ها اغلب بدون صبحانه به مدرسه می‌رود. وای اگر روزی بر سقف خانه‌اش برف و بارانی بیارد و قهر آسمان بگیرد و سردی خانه را به آغوش کشد.

آیدا زمانی که خودکار و قلمش را از کیفش بیرون می‌کشد حسابی مراقب تک‌تک دارایی‌های عزیزش است. با سلیقه و خوش‌رو اما لاغر است و رنگ‌پریده. به گمان مادر بزرگش خیلی غصه می‌خورد و بارها شده بغض‌زبای پنهان ۱۵ ساله از دردها شکفته است. برادر ۲۱ ساله هم غصه‌هایش کمتر نیست. آن قدری هست که این روزها پولی که گیر می‌آید در مقابل مطب دکتر مغز و اعصاب بایستد.

پسرک‌های ترکه به دست روی زمین خاکی نشستن و خاکی شدن برایشان انگار که تکلیف هر روزه باشد. یک آن زیر ناخن‌هایشان می‌توانی سیاهی و خاک را سوا کنی. تمیزی در کار نیست. لابه‌لای خرده‌زهره‌های مصالح ساختمانی ساختمان‌های دوردست کودکان حاشیه شهر با وجود اجرای طرح‌های مراقبتی و ویزیت رایگان پزشکان نیازمند حمایت خیرین به ویژه پزشکان خیر هستند.

آموزش اگر پیش از کتاب درسی معنی می‌شد

بررسی میدانی مهر گویای این مطلب است که در بین کودکان ساکن در حاشیه شهر ضعف آموزش‌های مدرسه، مهارت‌های ارتباطی، خلاقیت و اعتمادبه‌نفس و اصول اولیه زندگی شهروندی به چشم می‌خورد. بطوریکه با وجود تلاش معلم، اغلب دانش‌آموزان در یک یا دو درس و اغلب مهارت‌های لازم برای شهرنشینی از ضعف جدی برخوردار هستند.

سوره هم ۳۵ ساله است اما چه کسی باورش می‌شود؟ آن موهای سفید، غبار بر صورت و چین‌وچروک‌ها که به یکباره بر چهره نمی‌نشیند. زهرا نگاهی به مادر و نگاهی به من انداخته و می‌خندد. یک قوری کوچک چینی می‌بینم که اسباب‌بازی زهرا است و حتماً در پس کلی‌گریه و اصرار از مادر می‌تواند لحظه‌ای با آن بازی کند. خبری از تبلت و لپ‌تاپ و گوشی همراه و بازی‌های کامپیوتری و عروسک شخصیت‌های کارتون نیست.

کودک‌انی که زیر سقف چوبی آرزو می‌شمارند

کمی آن طرف‌تر وقتی محدوده زباله‌ها و خرده‌زهره‌های مصالح ساختمانی را با افسوس از وعده‌ها و شعارها پشت سر گذاشته‌ام به خانه آیدا می‌روم.

دخترکی باهوش که از سر ندانم‌کاری و اعتیاد پدر از وقتی چشم باز کرده هشت زندگی را گرو ۹ آن دیده است. دخترکی آرام و سرخمیده که مادر به سختی توانسته برای هزینه ۵۰ هزار تومانی مدرسه‌اش، ۲۰ هزار تومان تخفیف بگیرد. وقتی نیست، نیست، حتی اگر یک تک هزار باشد.

خانه آیدا رازن خیری ساخته است. مجموعه آشپزخانه و یک اتاق و حلال خانه را می‌توان در ۴۰ متر خلاصه کرد. زیبایی خانه‌اش مجسمه‌های گچی خرس «پو» است که دور تلویزیون چیده و شاید هر بار که به کارتون آن خیره شده در فانتزی‌های زیبای کارتون‌ها لحظه‌ای از واقعیت دور شده است.

آیدا با معدل بالای ۱۸ و پیشرفت تحصیلی عالی، عاشق زبان است و شهری ۴۰ هزار تومانی را نمی‌تواند تأمین کند و همین بهانه کافی است تا کلاس زبان نرود. حالا که پدر در زندان است، مادر برای تأمین مخارج زندگی دست به کار شده و در کارخانه برخی آدم‌های خیر شهر کمک حال می‌شوند.

آن طرف‌تر چند کودک با ترکه‌های چوبی نشسته‌اند. پسر بچه‌هایی با پیژامه‌ی پلاستیکی آبی‌رنگ که حتی برای یک آدرس کوچک آماده‌اند تا دعوی‌ای اساسی راه بیندازند و تمامی خشم فروخورده تلخی‌های تجربه شده را بر سرت آوار کنند.

وضعیت نامطلوب بهداشت در سکونتگاه‌ها

درویش‌آباد اردبیل مدرسه دارد. بهداشت دارد. مهدکودک دارد. بقالی و آژانس و بنگاهی دارد.

تمایل به داشتن اسلحه؛ حَرَج یا هوس / کشتی که بوی مرگ می دهد



نگهداری اسلحه در خانه به معضلی جدی در ایلام تبدیل شده و هرچند مردم به داشتن سلاح علاقه دارند ولی اتفاقات تلخ ناشی از این امر تبعات سنگینی به لحاظ انتظامی و امنیتی به دنبال دارد.



رمضان نوری

«وقوع قتل با اسلحه شکاری در دره شهر ایلام»، «قتل پنج نفر از اعضای خانواده‌ای با شلیک اسلحه در شهرستان ملکشاهی»، «درگیری در صالح آباد با اسلحه شکاری منجر به قتل شد»، «بازی با اسلحه شکاری جان نوجوان ۱۳ ساله را در ایلام گرفت» و... اینها تیترا اخباری است که طی یک سال گذشته در استان ایلام مخابره شده که در همگی آنها نام «اسلحه» برجسته است.

با این شرایط به نظر می رسد سلاح و نگهداری آن در خانه‌ها به یک معضل بزرگ اجتماعی در استان ایلام تبدیل شده و متأسفانه هر سال بدتر می شود. رخدادهای تلخ و ناگواری در بحث نگهداری سلاح در خانه‌های مردم استان اتفاق افتاده که نشان می دهد سلاح در خانه بیشتر از اینکه برای مردم مفید باشد، به امنیت اجتماعی استان لطمه وارد کرده است. هرچند این استان مرزی از قدیم عبور مردانی مثل عشایر داشته که از اسلحه برای دفاع از کیان کشور استفاده کرده اند اما در همین حال استفاده‌های نادرست نیز بالای جان مردم استان شده است. مردم در نزاع‌ها و درگیری‌هایی که در استان ایلام انجام می شود، به صورت ناخودآگاه به سمت اسلحه می روند و پیامد آن حوادث تلخی است که هم برای استفاده کننده و هم مضروب غیر قابل جبران می شود.

نظرات جامعه شناسان راجع به مسئله اسلحه در ایلام

یک کارشناس مسائل اجتماعی می گوید: از گذشته تاکنون اسلحه در بین خانوارهای استان رواج داشته و برای حفظ جان خود و در دوران دفاع مقدس برای حفظ کیان کشور توسط عشایر مورد استفاده قرار می گرفت.

علیرضا احمدی با بیان اینکه وفور سلاح امروز به عنوان یک آسیب جدی در استان محسوب می شود، می افزاید: مسئله‌ای که بسیار حائز اهمیت بوده این است که سلاح الان دیگر کاربردهای گذشته را در بین مردم و عشایر ندارد، چراکه شاهد امنیت مطلوب در استان ایلام هستیم و اصلاً نیازی به نگهداری از اسلحه در منزل نیست.

وی معتقد است که هم‌اکنون می توان به راحتی در استان ایلام به اسلحه دسترسی پیدا کرد و تصریح می کند: آستانه تحمل مردم بسیار پایین آمده و با کوچک ترین مسئله و مشکلی سریع به استفاده از اسلحه روی می آوردند که شاهد حوادث ناگواری در این زمینه بوده ایم.

این کارشناس مسائل اجتماعی با اشاره به اینکه استان ایلام خانوارهای عشایری دارد، گفت: همین ماه گذشته به خاطر مسئله‌های کوچک در شهرستان ملکشاهی شاهد قتل یک خانواده پنج نفره بودیم که قاتل از اسلحه جنگی استفاده کرده بود.

خبرنگار می گوید: یکی از فرهنگ‌های نادرست در استان ایلام استفاده از اسلحه در عروسی‌ها است، گاهی اوقات این کار باعث ترس و وحشت کودکان نیز می شود.

وجود سلاح و مهمات غیرمجاز دغدغه اصلی نیروی انتظامی استان ایلام

سردار نورعلی یاری فرمانده انتظامی استان ایلام در همایش بزرگ شورای معتمد پلیس هم اعلام کرد: وجود سلاح و مهمات غیرمجاز در استان از دغدغه‌های مسئولان بوده و همراهی بزرگان برای جمع‌آوری آن‌ها از خانواده‌ها ضروری است.

وی همچنین از افزایش کشفیات سلاح و مهمات در استان ایلام خبر داد و گفت: کشف سلاح و مهمات غیرمجاز در استان ۲۰ درصد طی سال جاری افزایش داشته است.

این گفته فرمانده انتظامی استان نشان از لزوم همکاری مردم برای جمع‌آوری سلاح دارد، ولی به نظر می رسد جمع‌آوری سلاح‌های موجود در سطح استان کار آسانی نباشد و نیاز به کارهای بزرگ فرهنگی دارد.

علل وجود اسلحه زیاد در بین مردم استان

سررنگ حسن کاظمی جانشین فرمانده انتظامی استان ایلام نیز در گفتگویی تفصیلی با مهر قاجاق سلاح و وجود سلاح‌های غیرمجاز در دست مردم را یکی از چالش‌های فعلی جامعه می داند.

وی می گوید: در حال حاضر سلاح غیرمجاز به عنوان منشأ اکثر وقایع انتظامی و امنیتی از جمله قتل‌ها، سرقت‌های مسلحانه، تهدیدها و... مطرح است.

جانشین فرماندهی انتظامی استان ایلام ادامه می دهد: در استان ایلام با وجود فرهنگ عشایری و قومی و قبیله‌ای، مردم استان به سلاح برای استفاده تفریحی و شکار با توجه به وضعیت کوهستانی بودن استان و همچنین استفاده از سلاح برای حفظ جان و احشام خود در مقابله با خطرات احتمالی در مناطق کوهستانی و دور دست و خارج از چتر امنیتی و انتظامی

احمدی ادامه می دهد: سلاح‌های غیرمجاز به راحتی در خانوارهای عشایر یافت می شود و باید فکری اساسی برای جمع‌آوری این گونه سلاح‌ها کرد.

وی می گوید: آنچه که در جامعه استان ایلام مشاهده می شود متأسفانه وجود و استفاده از اسلحه حتی در عروسی‌ها و مسائل غیر کاربردی است.

استفاده از اسلحه برای شکار

یکی دیگر از موارد نادرست استفاده از اسلحه بحث شکار است، متأسفانه بحث شکار در استان ایلام سال به سال افزایش می یابد و در این بین استفاده از سلاح‌های مختلف و متنوع برای شکار در نوع خود نکته‌ای عجیب و قابل تأمل است.

مردم استان ایلام از گذشته به شکار علاقه داشته‌اند و الان هم متأسفانه شکارچینی با اسلحه غیرمجاز در استان به وفور یافت می شوند، طبق اعلام محیط زیست استان ایلام، یگان حفاظت این اداره کل طی سال‌های ۹۲ تا ۹۴ با ۷۰۰ متخلف در این زمینه برخورد کرده است.

یگان حفاظت این اداره کل طی مدت یادشده ۲۹۸ سلاح را از شکارچیان کشف و ضبط کرده که از این تعداد ۲۸۰ مورد دارای مجوز بوده و ۱۸ اسلحه نیز غیرمجاز بوده است.

مردم چه می گویند

عباسی از شهروندان ایلامی در این ارتباط به خبرنگار می گوید: وجود اسلحه هرچند در خانه بسیار خطرناک است ولی انگار وجود اسلحه مثل غذا برای خانوارهای ایلامی واجب شده است.

وی می گوید: در مناطق شمالی و عشایری استان ایلام اسلحه بیشتر دیده می شود، عشایر استان برای مراقبت از دام‌های خود به اسلحه روی آورده‌اند.

عباسی با اشاره به اینکه مردم در گذشته برای بازی‌های بومی و محلی از اسلحه استفاده می کردند، تصریح کرد: الان دیگر رسم و رسوم گذشته از بین رفته و اغلب سلاح‌ها در خانه‌ها خاک می خورند.

اسدیان از دیگر شهروندان ایلامی در این ارتباط به

علاقه و آفری دارند.

وی می‌گوید: مرزی بودن استان ایلام و به تبع آن احساس نیاز به حمل و نگهداری سلاح و نهایتاً سود قابل توجه از قاچاق این وسیله توسط افراد سودجو و فرصت طلب از دیگر عوامل اصلی و تأثیرگذار در حمل، نگهداری و استفاده از سلاح در این استان است.

وجود سلاح‌های زمان جنگ در دست مردم

سرهنگ کاظمی در پاسخ به این سؤال که نگهداری اسلحه‌ی غیرمجاز چقدر در بین خانواده‌های استان رواج دارد، می‌گوید: با توجه به این که استان ایلام استانی مرزی است و به مدت هشت سال در دوران دفاع مقدس درگیر جنگ با کشور عراق بوده و در مناطق مرزی استان به دلیل وجود زائغه‌های مهمات به جامانده از جنگ، تعداد زیادی از این سلاح‌ها در دسترس مردم قرار گرفته است.

وی اظهار می‌دارد: افراد در مواقع لزوم از این سلاح‌ها برای مقاصد مختلف استفاده می‌کنند. از طرفی با توجه به علاقه وافر مردم استان ایلام به سلاح و مهمات و همچنین وجود جمعیت عشایری استان و درخواست‌های آن‌ها برای سلاح برای تأمین امنیت خود در مناطق صعب‌العبور و کوهستانی، این موضوع باعث سوءاستفاده افراد قاچاقچی شده و این افراد با وارد کردن سلاح‌های غیرمجاز به‌ویژه سلاح شکاری اقدام به فروش آن‌ها به مردم می‌کنند.

اقدامات نیروی انتظامی برای مقابله و پیشگیری از استفاده از اسلحه

وی در پاسخ به این سؤال که وقوع قتل‌های اخیر در استان نشان می‌دهد که استفاده از اسلحه برای مردم به راحتی صورت می‌گیرد چرا نیروی انتظامی در زمینه جمع‌آوری سلاح‌های غیرمجاز اقدام فراگیر نمی‌کند، می‌گوید: در چند سال اخیر در استان ایلام از سوی نیروی انتظامی استان ایلام طرح‌های مقابله‌ای و اقدامات پیشگیرانه زیادی برای مقابله با قاچاق و نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز انجام گرفته است.

وی می‌افزاید: در طول ۱۰ الی ۱۵ سال گذشته یعنی از سال ۸۰ تاکنون در رابطه با کشفیات سلاح و مهمات و برخورد با قاچاقچیان سلاح و مهمات تعداد قابل ملاحظه‌ای سلاح اعم از شکاری و جنگی کشف و ضبط شده و در این رابطه با قاچاقچیان و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز برخورد جدی صورت گرفته است و این رویه با اقتدار لازم در دستور کار است اما مهار این مشکلات مستلزم مشارکت و همراهی گسترده‌تر سایر مراجع ذیصلاح و وابسته به دولت و مراکز فرهنگی و اجتماعی است و با مشارکت همگانی به‌ویژه در امور فرهنگی محقق خواهد شد.

وی در پاسخ به این سؤال که تا چه میزان خلأهای قانونی برای جمع‌آوری سلاح و مهمات غیرمجاز در استان مؤثر بوده است، تصریح می‌کند: در این رابطه می‌توان به بند ۱ ماده ۶ قانون مقابله با قاچاق سلاح و مهمات غیرمجاز اشاره کرد که در رابطه با سلاح‌های شکاری مجازات در نظر گرفته شده ناکافی است، همچنین برای سلاح‌های مجازی که مجوز آن‌ها تمام نشده و سال‌هاست که بدون مجوز در اختیار مردم هستند در قانون جدید مجازاتی در نظر گرفته نشده، این در حالی است که با این سلاح‌ها تیراندازی‌های غیرمجاز و همچنین اقدامات مجرمانه مختلف صورت می‌گیرد و در مقابل آن امکان غیرمجاز خواندن آن‌ها امکان‌پذیر نیست و فقط به واسطه

استفاده غیرقانونی از آن‌ها برخورد صورت می‌گیرد.

راه‌های ورود اسلحه غیرمجاز به استان ایلام

سرهنگ کاظمی درباره این سؤال که اسلحه غیرمجاز از چه راه‌هایی وارد استان می‌شوند و چرا تهیه اسلحه به راحتی برای مردم امکان‌پذیر است، می‌گوید: با توجه به پرونده‌های موجود در این زمینه و همچنین کثرت کشفیات سلاح و مهمات غیرمجاز در استان ایلام می‌توان این استان را از جمله استان‌های مبتلا در این زمینه نام برد.

وی می‌گوید: برابر سوابق و اسناد موجود بخش قابل توجهی از این سلاح‌ها از کشور عراق به صورت قاچاق از نوار مرزی مهران و دهلران وارد و بخش دیگری

استان ایلام

کاظمی در مورد این سؤال که میزان کشفیات اسلحه در استان ایلام چه میزان است، اظهار می‌دارد: در طول ۱۰ الی ۱۵ سال گذشته یعنی از سال ۸۰ تاکنون در رابطه با کشفیات سلاح و مهمات و برخورد با قاچاقچیان طرح‌های مختلفی با همکاری و هماهنگی مراجع قضایی و امنیتی اجرا و تعداد چشمگیری سلاح و مهمات غیرمجاز اعم از شکاری و جنگی کشف و ضبط شده است.

وی می‌گوید: تعداد کثیری از قاچاقچیان و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز دستگیر و به مراجع قضایی معرفی و از آن طریق مجازات شده‌اند و ضمن اینکه در سال جاری آمارهای موجود گویای روند افزایشی



کشفیات ناشی از تحرک عملیاتی بیشتر واحدهای انتظامی است.

وی در مورد اینکه چه اقداماتی برای جلوگیری از استفاده از اسلحه غیرمجاز در نظر گرفته شده است، نیز بیان می‌کند: وسایل ارتباط جمعی و مراکز فرهنگی آموزش‌های همگانی متناسب با به عموم مردم ارائه می‌دهند، ضمن اینکه برخوردهای آبی و فوریستی پلیسی برای کشف و ضبط سلاح و مهمات جزو دستور کار روزمره واحدهای اجرایی انتظامی استان است.

سرهنگ کاظمی می‌افزاید: موفقیت‌های مستمر گویای عزم و اراده راسخ نیروی انتظامی استان برای مقابله با این معضل اجتماعی است، در زمینه مجازات مجرمان نیز، دستگاه قضایی متناسب با نوع جرائم واقع شده در کمترین زمان ممکن به پرونده‌های مربوطه رسیدگی و با مجرمان برخورد قانونی لازم را به عمل آورده و قاطعیت مقامات قضایی در استان ایلام در این زمینه و سایر موارد شایسته تقدیر است.

راهکارهای جدی برای استفاده کمتر از اسلحه در بین خانواده‌ها

جانشین فرمانده انتظامی استان ایلام در پاسخ به این سؤال که راهکارها برای این که تمایل به نگهداری اسلحه در بین خانواده‌های استان کمتر شود چیست، می‌گوید: ساماندهی افراد متقاضی سلاح و مهمات با توجه به شغل و ضرورت حمل سلاح از طریق مراجع صدور مجوز مربوطه، بررسی علت و انگیزه درخواست‌کنندگان خرید سلاح از

از این سلاح‌ها از استان‌های هم‌جوار نظیر استان کرمانشاه و کردستان توسط قاچاقچیان سلاح وارد استان ایلام می‌شوند.

کاظمی تصریح می‌کند: ضمن اینکه تهیه سلاح در استان به راحتی انجام نمی‌شود و این برداشت نشأت گرفته از تفکر کثرت سلاح در استان ایلام است و در مواردی تبلیغات منفی افراد مغرض در فضای حقیقی و مجازی این موضوع را تشدید می‌کند.

جانشین انتظامی استان ایلام در پاسخ به این سؤال که در زمینه فرهنگ‌سازی برای عدم استفاده از اسلحه چه شکاری و چه غیرمجاز آیا اقداماتی صورت گرفته است، می‌گوید: در چند سال اخیر با توجه به نقش علم و پژوهش در حل مسائل معضلات اجتماعی و امنیتی، پلیس با تشکیل دفاتر تحقیقات کاربردی و همچنین استفاده از ظرفیت معاونت اجتماعی در مراکز استان‌ها به صورت علمی در این رابطه با همکاری و همراهی سایر دستگاه‌های دولتی متولی فرهنگ و همچنین مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها، مراکز اطلاع‌رسانی و نشریات و جراید محلی و سایت‌ها و خبرگزاری‌ها و همچنین صداوسیما مرکز ایلام و معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری با اجرای طرح‌های تحقیقاتی و همچنین نشست‌های علمی و پژوهشی برای ریشه‌یابی این مسائل و معضلات اقدام و برپنای آن‌ها طرح‌های خلع سلاح را اجرا و به‌طور مستمر از ظرفیت رسانه‌های جمعی استفاده خواهد کرد.

افزایش چشمگیر کشفیات سلاح و مهمات در

طرح‌های تشویقی برای افرادی که سلاح خود را تحویل می‌دهند اجرا می‌شود.

سردار محمدرضا مقیمی درباره تعداد سلاح گرمی که در دست مردم در سطح کشور است، می‌گوید: حمل سلاح گرم و نگهداری آن از نظر قانون جرم محسوب می‌شود از این‌رو افرادی که سلاح دارند، آن را مخفیانه نگهداری می‌کنند و نمی‌شود آماری دقیق در زمینه اینکه در حال حاضر چقدر سلاح در کشور وجود دارد، ارائه داد.

وی می‌افزاید: خرید و فروش اسلحه هم از منظر قانونی جرم است و با آن برخورد می‌شود. همکاران من در پلیس فتا همه وبسایت‌ها و آیدی‌هایی که اقدام به خرید و فروش اینترنتی اسلحه می‌کنند را رصد کرده و قطعاً با آن‌ها برخورد خواهند کرد.

رئیس پلیس آگاهی ناجا ادامه می‌دهد: میزان استفاده از سلاح گرم در وقوع قتل‌ها نیز افزایش داشته است و خوشبختانه کارآگاهان ما موفق شده‌اند در مدت‌زمان بسیار کوتاهی از زمان قتل نسبت به شناسایی عاملان قتل موفق عمل کنند.

سردار مقیمی در عین حال می‌گوید: تهیه اسلحه در کشور راحت نیست اما از آنجایی که کشورهای همسایه ناامن هستند و اسلحه در این کشورها به‌وفور یافت می‌شود بعضاً به‌صورت قاچاق سلاح‌ها وارد کشور می‌شود و در اختیار اشرار و افراد قرار می‌گیرند.

وی می‌افزاید: ناجا در شهرها و استان‌های غربی طرح‌های تشویقی را برای تحویل سلاح‌هایی که در دست مردم است اجرا می‌کند و افرادی که شخصاً نسبت به تحویل اسلحه‌ی گرم خودشان به پلیس اقدام می‌کنند شامل طرح‌های تشویقی می‌شوند و خوشبختانه فرهنگ‌سازی خوبی در زمینه تحویل اسلحه به پاسگاه‌ها و مقرهای پلیس صورت گرفته است.

با شرایطی که ایلام در زمینه گرایش مردم به اسلحه دارد به نظر می‌رسد به یک حرکت فراگیر و تجمعی از سوی متولیان فرهنگی و انتظامی و اطلاعاتی نیاز باشد که در همین زمینه بتوان هم به لحاظ نرم‌افزاری جامعه را از این کشش کاذب بازداشت و هم به لحاظ سخت‌افزاری از قاچاق و رساندن اسلحه به مردم جلوگیری کرد تا مصونیت انتظامی و امنیتی مردم بالا رفته و دیگر شاهد اخبار ناگواری از استفاده نادرست از سلاح نباشیم.



نگهداری سلاح غیرمجاز داشته باشند.

وی همچنین می‌گوید: تهیه فیلم‌هایی با زمینه‌های آموزشی و هشداردهنده با به‌کارگیری افراد مجرب و کارشناس در زمینه فیلم‌سازی و بهره‌گیری از کارگردانان معروف، استفاده از ظرفیت اداره کل آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر ادارات مرتبط در زمینه وجود تبعات منفی نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز و آگاهی دادن افراد و همچنین بیان تبعات و چالش‌های ناشی از این وسیله برای تربیت افراد در سنین نوجوانی و جوانی با همکاری و مشارکت مراجع امنیتی استان، از بین بردن زمینه‌های کاذب نیاز به سلاح و مهمات غیرمجاز از طریق اقدامات فرهنگی منسجم و هماهنگ توسط همه دستگاه‌های ذی‌ربط از دیگر راهکارهای حوزه فرهنگی برای استفاده کمتر از سلاح در استان است.

طرح‌های تشویقی ناجا برای تحویل سلاح در استان‌های غربی

رئیس پلیس آگاهی ناجا هم در همین ارتباط می‌گوید: ورود اسلحه در کشور به دلیل ناایمن بودن کشورهای همسایه است. در برخی از استان‌ها

مجاری قانونی برای تشخیص ضرورت‌ها و محدود کردن صدور مجوز حمل سلاح و کاهش فروش آن، مشخص کردن محدوده و مکان‌های مناسب برای اسکان عشایر در مناطق دوردست استان به جهت پوشش امنیتی لازم و به‌تبع آن کاهش استفاده از سلاح از مهم‌ترین راهکارهای انتظامی در این حوزه است.

وی ادامه می‌دهد: اصلاح و تشدید قوانین برخورد با خریداران و فروشندگان سلاح و مهمات غیرمجاز از طریق مراجع قانون‌گذار، انجام عملیات روانی برای جلوگیری از قاچاق و ناامن کردن فضا برای قاچاقچیان سلاح و مهمات از طریق تشدید اقدامات کنترلی در مرزهای آسیب‌پذیر، ایست و بازرسی‌ها و گلوگاه‌های ورودی به استان ایلام با صدور مجوزهای قانونی میان‌مدت از دیگر راهکارهای انتظامی برای استفاده کمتر از اسلحه است.

سرهنگ کاظمی بیان می‌دارد: با توجه به این‌که بیشترین قاچاق سلاح در حال حاضر از طرق کشورهای همسایه به‌ویژه عراق به کشور جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود مسئولان کشوری و لشکری از طریق مجاری قانونی با مرزبانان کشور عراق تعامل لازم برقرار تا برای جلوگیری و مبارزه قاطع با قاچاق سلاح و مهمات غیرمجاز در آن سوی مرزها اقدام لازم به عمل آورند.

پیشنهادات در حوزه فرهنگی و اجتماعی برای کاهش استفاده مردم از سلاح

وی در عین حال تأکید می‌کند: پیشنهادات در حوزه اجتماعی، فرهنگی نیز برای کاهش این معضل در استان وجود دارد، به‌طور مثال انجام اقدامات فرهنگی متناسب در رسانه‌های دیداری و شنیداری و دعوت از کارشناسان فرهنگی برای تبیین این موضوع در صداوسیما، نشریات، جراید و روزنامه‌های محلی استان، ایجاد اشتغال مناسب توسط دولت برای جوانان و افراد فاقد شغل که بیکاری برای آنان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر تأییدشده در جریان انجام اعمال خلاف قانون و بزهکاری محسوب می‌شود، ایجاد باشگاه‌های تیراندازی از طریق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای استفاده‌ی افرادی که به سلاح و مهمات و تیراندازی علاقه دارند. این امر می‌تواند در تخلیه فکری و علاقه‌ای افراد تأثیرگذار باشد و گرایش کمتری به



تنش برای رفع عطش؛ اراضی کشاورزی میدان «نزارع بر سر آب» شد



«نزارع بر سر آب» روی دیگر سکه کم آبی در روستاهاست؛ تا افزایش تنش‌های اجتماعی به مشکلاتی چون خشک‌سالی، تخریب باغات و مزارع، بیکاری و کاهش درآمد کشاورزان اضافه شود.



الهام یزدان پناه

زنگ خطر کم آبی یا بحران آب به صدا درآمده است، اما به علت عدم اطلاع‌رسانی صحیح هنوز جدی گرفته نشده و همین بی‌توجهی در فصل زراعت تنش‌های بسیاری را بین اهالی روستاهای بالادست و پایین دست ایجاد کرده است.

امروزه پرونده‌های بسیاری به دلیل نزارع بر سر آب در کلاتری‌ها و دادسراها تشکیل شده است که در کنار دیگر معضلات اجتماعی تهدیدی جدی برای امنیت کشور محسوب می‌شود.

بحران بی‌آبی در خراسان شمالی به‌ویژه در روستاها به حدی رسیده که روزانه ۵۵ روستا در خراسان شمالی با تانکر آب‌رسانی می‌شوند و ۷۴ روستا در وضعیت بحرانی آب قرار دارند. تصور اینکه اهالی این روستاها بدون جیره روزانه آب چه اقدامی می‌توانند انجام دهند یا شغل این افراد دستخوش چه مشکلاتی می‌شود شاید برای برخی افراد سخت باشد.

با این وجود پدیده بیکاری در روستاها مسئله عجیبی نیست چراکه کشاورزی شغل اصلی روستاییان است و پرداختن به این شغل بدون وجود آب غیرممکن است، بنابراین افزایش فقر ناشی از بی‌آبی مردم را به ستوه خواهد آورد و نزارع بر سر آب را به بالاترین حد می‌رساند.

سیل مهاجرت از روستا به شهر به دلیل کم آبی

مهاجرت روستاییان به علت بی‌آبی خطر بزرگ دیگری است که جامعه روستایی را تهدید می‌کند. تغییر شرایط آب و هوایی نوع زندگی روستاییان را نیز دگرگون کرده است به طوری که در گذشته جامعه روستایی بخش زیادی از تولیدات کشور را بر عهده داشتند اما امروز کم آبی، بیکاری را برای آنان به ارمغان آورده و برای رسیدن به شغل مناسب راهی شهرها می‌شوند.

با توجه به اینکه مهارت و شغل‌های اهالی روستا با شهر کاملاً متفاوت است، سرگردانی در محیط جدید مفضل دیگری برای افراد جویای کار در شهر است، بنابراین اصلی‌ترین مسئله توسعه جوامع روستایی آب و محیط زیست است چراکه اگر آب پایدار باشد جمعیت نیز ثابت خواهد ماند.

سازگار نبودن اشتغال شهرها با مهارت روستاییان

یکی از روستاییان جویای کار در شهر می‌گوید: بعد از ازدواج برای رفاه بیشتر تصمیم به مهاجرت گرفتیم، چند هفته‌ای در مرکز استان خراسان شمالی به دنبال کار بودیم اما فعالیت در شهر با مهارت و تجربیات من سازگاری ندارد، به همین علت مجبور به کارگری شده‌ام.

مرتضی نیستانی اظهار می‌کند: با وضعیت بی‌آبی در روستا، توسعه کشاورزی خیلی دشوار است و امکان سرمایه‌گذاری برای کاشت وجود ندارد.

وی می‌افزاید: امروزه کشاورزان و باغداران چند برابر برداشت محصول باید آب خریداری کنند و در نهایت سودی هم از زحمتی که کشیده‌اند حاصل نمی‌شود. یکی از باغداران روستای «بازخانه» اظهار می‌کند:

نزارع از ظرفیت روحانیون، ائمه جمعه، اساتید دانشگاه و آموزش و پرورش استفاده شده است.

دادستان بجنورد بیان می‌کند: از این رو طی امسال برای نخستین بار با کاهش پرونده‌های ناشی از ضرب و جرح مواجه بوده‌ایم.

یاران تأکید می‌کند: اما همچنان این تعداد پرونده ضرب و جرح زیننده خراسان شمالی نیست و ضرورت دارد در حوزه پیشگیری اقدامات لازم انجام شود تا انگیزه ارتکاب جرم کاملاً از بین برود.

برخورد قاطع دستگاه قضایی استان با حصاران غیرمجاز

دادستان بجنورد همچنین می‌گوید: دستگاه قضایی خراسان شمالی با افرادی که اقدام به حفر چاه‌های غیرمجاز می‌کنند برخورد قاطع می‌کند.

یاران اظهار می‌کند: متأسفانه برداشت بیش از حد مجاز از چاه‌های عمیق و دارای مجوز از دیگر مشکلات است که با آنان نیز برخورد می‌شود. وی می‌افزاید: برخورد دستگاه قضا تا زمانی که حجم آب سفره‌های زیرزمینی افزایش پیدا کند ادامه دارد.

مدیریت در توزیع آب کاهش تنش را به دنبال خواهد داشت

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی اظهار می‌کند: شیوه مدیریت توزیع آب در منطقه قطعاً سبب کاهش درگیری‌ها در بین کشاورزان و باغداران خواهد شد.

علی‌اکبری می‌گوید: چنانچه توزیع ناعادلانه و استفاده مداوم از آب در سال‌های زیاد فقط برای مزارع بالادست باشد، قطعاً پایین دست‌ها با مشکل مواجه خواهند شد و در نهایت تنش‌های اجتماعی و افزایش درگیری را در پی خواهد داشت.

اکبری می‌افزاید: هر ساله طی ماه‌های تیر و مرداد در حوزه کشاورزی بیشترین نیاز آب را داریم به همین علت با افت منابع آب مواجه می‌شویم.

وی تصریح می‌کند: چشمه‌ها و چاه‌ها جزو منابع سطحی محسوب می‌شوند که در تیر و مردادماه به حداقل می‌رسند که با وجود شدت نیاز با کاهش آب مواجه می‌شویم.

«بازخانه» جزو روستاهایی است که با بحران شدید آب مواجه است و طی هفته به دلیل کم آبی افراد زیادی در باغ‌های این روستا درگیر و راهی کلاتری می‌شوند.

حسین کریمیان می‌گوید: در ماه ۳ الی ۴ نوبت باید به درختان آب داد اما اکنون به علت کم آبی هر ۴۰ روز به درختان آب می‌دهیم.

وی می‌افزاید: برای هر نوبت خرید آب ملزم هستیم ۲۰۰ هزار تومان پرداخت کنیم؛ که این روش فایده‌ای ندارد چراکه اکثر درختان باغ‌های روستای «بازخانه» به دلیل کم آبی خشک شده‌اند.

این باغدار تصریح می‌کند: علاوه بر تحمل کم آبی، درگیری‌هایی که طی هفته بین باغداران به وجود می‌آید معضلی بین اهالی شده چراکه پا گذاشتن در باغ همراه با ترس است و هر لحظه ممکن است صدای درگیری شنیده شود.

کریمیان بیان می‌کند: درگیری و بحث بین افرادی که سنی زیادی دارند، بسیار ناراحت کننده است؛ ضرورت دارد مسئولان برای فرهنگ‌سازی شیوه‌های نوین آبیاری را آموزش دهند تا شاهد این گونه مسائل دل‌خراش نباشیم.

وی می‌گوید: متأسفانه سال‌هاست درگیری برای آبیاری مزارع و باغات بین اهالی روستا رایج شده و نسل به نسل به‌عنوان یک شیوه منتقل می‌شود تا از راه خشونت به هدف خود برسند.

کم آبی در فصل تابستان سبب برخی نزارع‌ها می‌شود

دادستان بجنورد اظهار می‌کند: یکی از بیشترین پرونده‌های وارده به دادسرای خراسان شمالی ضرب و جرح عمدی به علت توهین و تهدید بوده که برخی از این پرونده‌ها در حوزه آب است.

مسلم محمد یاران می‌گوید: به علت مشکل کم آبی در خراسان شمالی به‌ویژه در فصل تابستان شاهد برخی درگیری‌ها و نزارع‌های دسته‌جمعی هستیم.

یاران یکی از علت‌های نزارع را فقر فرهنگی می‌داند و می‌افزاید: طی سه سال اخیر تمرکز دستگاه قضایی خراسان شمالی پیشگیری از ضرب و جرح عمدی با استفاده از فرهنگ‌سازی بوده است.

وی تصریح می‌کند: به‌منظور فرهنگ‌سازی و کاهش

برنامه‌ریزی‌های لازم به‌منظور آموزش به روستاییان در دستور کار قرار دارد.

کاهش ۶۰ درصدی بارندگی در خراسان شمالی

معاون آب‌و خاک سازمان جهاد کشاورزی خراسان شمالی اظهار می‌کند: کاهش ۶۰ درصدی بارندگی طی سال زراعی جاری نسبت به سال گذشته تأثیر بسیاری بر کاهش منابع آبی گذاشته است.

سید ابراهیم سیدی می‌گوید: با کاهش منابع آبی تنها مزارع بالادست می‌توانند بیشترین استفاده برای آبیاری را داشته باشند و همین امر سبب گلایه کشاورزان پایین‌دست می‌شود.

سیدی می‌افزاید: در حال حاضر به‌غیر از دشت‌های مانه سملقان و غلامان تمامی دشت‌های خراسان شمالی با بحران آب مواجهان و به همین دلیل آب منطقه‌ای استان از برداشت بی‌رویه آب ممانعت می‌کند.

وی تصریح می‌کند: با توجه به اینکه کاهش بارندگی اقساط محصولات و در نهایت کاهش درآمد را به دنبال دارد از این‌رو تنش بین کشاورزان بالادست و پایین‌دست را شاهد هستیم.

معاون آب‌و خاک سازمان جهاد کشاورزی خراسان شمالی بیان می‌کند: در حال حاضر بهترین روش برای صرفه‌جویی و بهره‌بردن یکسان مزارع از آب، استفاده از روش‌های آبیاری نوین است چراکه ۷۰ درصد صرفه‌جویی را به دنبال دارد.

سیدی می‌گوید: استفاده از آبیاری نوین قطعاً تنش‌ها و نزاع‌های بین کشاورزان و باغداران را کاهش خواهد داد.

معضل و بحران آب تنها مختص به خراسان شمالی نیست بلکه دامن‌گیر دیگر استان‌ها و حتی بسیاری از کشورها شده است از این‌رو برای مدیریت مصرف آن در خراسان شمالی ضرورت دارد دستگاه‌های مربوطه همچون دفتر امور روستایی خراسان شمالی، آب و فاضلاب روستایی و سازمان جهاد کشاورزی با برنامه‌ریزی صحیح و آموزش نحوه استفاده از آب و ارائه تسهیلات برای استفاده از شیوه نوین آبیاری کشاورزی از درگیری‌هایی که بین کشاورزان به وجود می‌آید و همچنین مهاجرت‌های ناشی از بیکاری جلوگیری کنند.

باغچقی می‌افزاید: چنانچه روند کم‌آبی جدی گرفته نشود نظر به اینکه اقتصاد روستاها که بخش زیادی از اقتصاد کشور را شامل می‌شود وابسته به منابع آبی است با پدیده مهاجرت به شهرها و حتی خارج از مرزهای ایران روبرو خواهیم شد.

وی تصریح می‌کند: همچنین اگر روش سنتی آبیاری مزارع و باغات ادامه پیدا کند و یا صنایع نوین برای اشتغال روستاییان جایگزین نشود علاوه بر مهاجرت، درگیری‌های اجتماعی ناشی از منتفع شدن از وابستگی به آب به‌ویژه بین کشاورزان و دامداران شدت خواهد یافت.

این کارشناس محیط‌زیست می‌گوید: ضرورت دارد برای پیشگیری از بحران آب که اقتصاد روستاها بدان وابسته است، تصمیمی اساسی گرفته شود تا شاهد پیامدهای اجتماعی منفی نباشیم.

آب اساس پایداری روستا

مدیرکل دفتر امور روستایی خراسان شمالی اظهار می‌کند: برای پایدار ماندن روستاها وجود آب ضروری است چراکه اشتغال روستاییان با آب همراه است.

عبدالله قدرتی بیان می‌کند: چنانچه روستایی دارای آب پایدار باشد در زمان بحران با تنش روبرو نمی‌شود و از سکنه خالی نخواهد شد.

قدرتی می‌گوید: طی چند سال اخیر از ۷۰ هزار روستا در سطح کشور فقط ۳۴ هزار روستا باقی‌مانده است و این امر به دلیل مهاجرت‌های ناشی از بیکاری بوده است.

وی مهم‌ترین شاخص برای توسعه روستاها را آب دانسته و تصریح می‌کند: برای هر نوع برنامه‌ریزی توسعه‌ای روستایی وجود آب ضروری است و بدون مایه حیات نمی‌توان هیچ نوع اقدامی را انجام داد.

مدیرکل دفتر امور روستایی خراسان شمالی تأکید می‌کند: با مدیریت مصرف صحیح آب می‌توان کشاورزی و باغداری را گسترش و گردشگری را توسعه داد و برنامه‌ریزی‌های مناسبی برای اشتغال‌زایی جوانان روستا داشته باشیم.

قدرتی می‌گوید: خوشبختانه رویکرد دستگاه‌ها تغییر کرده و برای حفظ محیط‌زیست و مصرف صحیح آب

نماینده پنج شهرستان خراسان شمالی بیان می‌کند: همچنین خشک‌سالی‌های پیاپی سبب شده میزان آبی که در گذشته به‌صورت روان آب باغات و مزارع پایین‌دست استفاده می‌کردند امروز کم‌تر بتوانند بهره‌مند شوند و همین امر سبب تنش بین کشاورزان شده است.

اکبری می‌گوید: بر اساس قانون توزیع عادلانه آب، نظام حقوقی در توزیع آب باید در قالب مدار و ساعات مصرف که حق آب کشاورزان است تنظیم شود تا کاهش آب باعث نشود صرفاً مزارع بالادست از آب استفاده کنند و در پایین‌دست به‌طور کامل در فصولی که به آب نیاز است حتی از یک‌بار آبیاری بی‌بهره بمانند.

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی اظهار می‌کند: بیشتر سال‌ها مدیریت اجرایی و قضایی به‌منظور مساوات بین مزارع بالادست و پایین‌دست از طریق قانونی و یا روش مسالمت‌آمیز آب را به‌صورت موقت در کانال‌ها رها می‌کند تا پایین‌دست نیز بهره‌مند شوند.

وی عنوان می‌کند: کاهش بیش‌ازحد منابع آب‌های زیرزمینی که نتیجه میلیون‌ها سال ذخیره آب در سفره‌های زیرزمینی بوده نیز نگران‌کننده است و به دلیل بعد امنیتی و نگرانی‌های اجتماعی که به وجود می‌آورد در شورای امنیت ملی مطرح و در دستور کار قرار گرفته است.

اکبری اظهار می‌کند: موضوع کم‌آبی و درگیری‌های اجتماعی ناشی از آن هر چه شدت بگیرد بُعد امنیتی آن نیز بیشتر خواهد شد.

بحران آب درست اطلاع‌رسانی نشده

کارشناس محیط‌زیست اظهار می‌کند: زنگ خطر بحران آبی پیش رو سال‌هاست به صدا درآمده اما به علت عدم اطلاع‌رسانی صحیح از سوی مردم جدی گرفته نشده و همین امر در حال حاضر در مواردی سبب تنش‌های اجتماعی شده است.

علیرضا باغچقی می‌گوید: متأسفانه تعداد اندکی از مسئولان خراسان شمالی بحران آب را درک کرده‌اند و برخی دیگر همچنان این موضوع را جدی نگرفته‌اند.



حکایت باغ شهری که با خاک یکسان شد / طَبس، زلزله و دیگر هیچ

۳۹ سال پیش در چنین روزی زلزله‌ای سهمگین شهر سرسبز و زیبای طَبس را در کفنی سیاه پوشاند که این زلزله با بیش از ۱۸ هزار کشته بزرگترین زلزله تاریخ ایران نام گرفت.



فاطمه زیراجی

سی‌ونه سال گذشت، دقیقا در چنین روزی بود که خشم طبیعت مانند پتکی بر سر طَبس فرود آمد و در چشم برهم زدن شهر با خاک یکسان شد. سال ۵۷ بود، آری آن سال بسیاری از مردمان این دیار جان به جان آفرین تسلیم کردند تا ایران در شوکی عظیم فر رود، به گفته متولیان در آن سال شهر طَبس ۲۰ هزار نفر جمعیت داشت، زلزله جان ۱۸ هزار نفر را گرفت تا این واقعه در تاریخ ثبت شود. در این حادثه دل‌خراش روستاهای «دیهشک»، «نصرآباد»، «کریت» و «فهانج» بیشترین خسارت را

دیدند. باغ گلشن شهر طَبس پس از زلزله سرپناه بازماندگان شد.

طَبس پیش از زلزله؛ شهری پر از جاذبه‌های دل‌فریب هاشم مریدا کارشناس میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی در خصوص گذشته شهر طَبس و آثار تاریخی منحصربه‌فردش گفت: باغ شهر طَبس از گوشه‌کنار دنیا بازدیدکننده داشت. آثار تاریخی این شهر هر گردشگری را به اینجا می‌کشاند.

مدرسه «دومنار» طَبس که به منارجنبان کنونی اصفهان شباهت داشت، تالار آینه، اتاق ستاره، مدرسه و کیلی یا حسینیه و کیلی که در حال حاضر به حسینیه خان معروف است، منزل خان شیبانی با آن معماری زیبا، سرداب امیر، مسجد جامع از جمله آثار زیبا و منحصربه‌فردی است که از سوی این کارشناس نام‌برده می‌شود.

وی به آب‌انبارها، هشتی‌ها، سباط‌ها و کوچه‌باغ‌های قدیمی اشاره کرد و گفت: درختان قدیمی که مردم

بنا به اعتقادشان از قطع آنان جلوگیری می‌کردند با معماری منازل ترکیبی دل‌فریب از شهر به گردشگران ارائه می‌کرد.

کارشناس میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی با تأکید بر اینکه بسیاری از آثار منحصربه‌فرد طَبس در زلزله خراب شد، گفت: پس از زلزله بخش کوچکی از این آثار مورد بازسازی قرار گرفت.

وی با اشاره به اینکه از میان آثار شهر فقط باغ گلشن مثل سابق بازسازی شد، گفت: این اقدام ارزشمند جای تقدیر دارد.

مریدا بایان اینکه هنوز هم دیر نشده و می‌توان دیگر آثار شهر را بازسازی کرد، به کتاب «طَبس شهری که بود» نوشته جعفر دانش‌دوست اشاره کرد و گفت: جلد اول این کتاب به باغ‌های تاریخی طَبس و جلد دوم به بناهای تاریخی این شهر اختصاص دارد.

کارشناس میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی گفت: کتاب «شهر و شهرسازی طَبس» سال‌ها است که توسط معلم ۸۲ ساله طَبسی آماده و چشم‌انتظار همت مسئولان برای چاپ است.

اراده‌ای برای بازسازی طَبس با معماری سنتی آن نیست، این را سید حمید حقی، کارشناس و عکاس طَبسی گفت.

حقی با اشاره به اینکه زلزله طَبس در سال‌های نخستین انقلاب رخ داد، گفت: همان‌طور که انقلاب هویت اجتماعی ایران را تغییر داد زلزله نیز ساختار شهری طَبس را دچار تغییر کرد.

به گفته این عکاس طَبسی زلزله طَبس باعث ایجاد همسویی بین نیروی‌های انقلابی شد.

وی به مهاجرت‌های پس از زلزله اشاره کرد و گفت: پس از وقوع آن زلزله دل‌خراش برخی نیز از اطراف وارد شهر شدند و همین تغییرات سرآغاز تحولاتی در شهر شد.

این عکاس طَبسی بایان اینکه مردمان طَبسی تا پیش از زلزله در خانه‌هایی با بافت معماری ایرانی-اسلامی زندگی می‌کردند، با وقوع زلزله این خانه‌ها نمای مکعب مستطیلی به خود گرفت و مردم تا سال‌های متمادی پس از زلزله بیش از آن‌که به فکر ظاهر و تجدید معماری پیشین خود باشند، به فکر مقام‌سازی بناهای خود بودند.

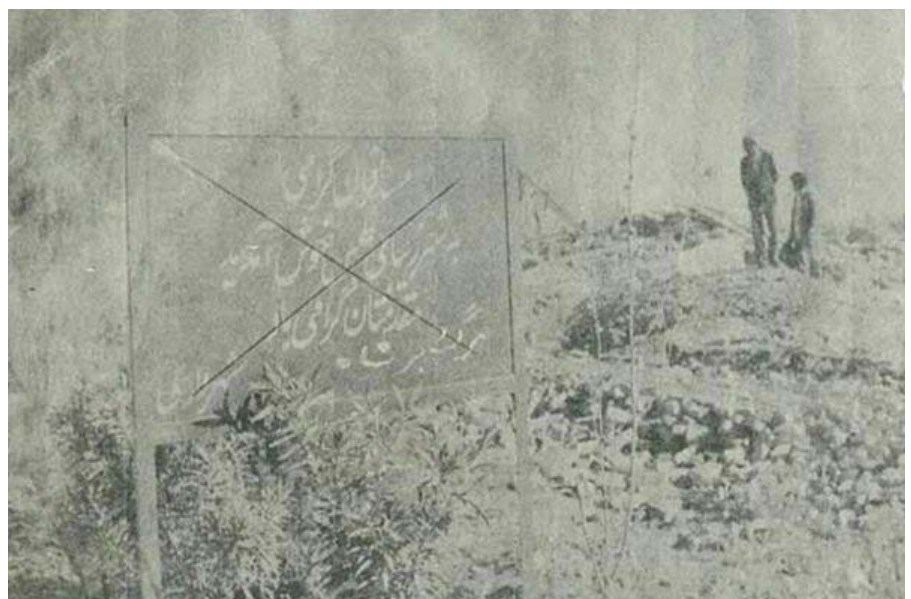
وی با اشاره به اینکه پس‌از این اتفاق تا سال‌ها بیماری‌های قلبی و سکته شایع بود، گفت: در حال حاضر جوامع بشری به این نتیجه رسیده‌اند که برای چنین بلایای طبیعی باید چاره‌ای اندیشید و اقدامات کارشناسی انجام داد.

حقی ابراز امیدواری کرد باگذشت سال‌ها و روی کار آمدن نسل جدید شهر در حال بازبانی هویت است و این مسئله نویدبخش روزهای خوشی برای مردمان این دیار دارد.

روایتی از روزهای سخت بی‌خانمانی

اما شنیدن نظرات حجت‌الاسلام زنجانی امام‌جمعه موقت طَبس هم خالی از لطف نیست، وی از آن روزها خاطراتی دارد که شنیدنی است؛ در آن روزها و به دلیل فعالیت علیه شاه از سوی ساواک تحت تعقیب بودم به همین منظور و به سفرش مادرم طَبس را به مقصد مشهد ترک کردم.

وی گفت: شب پس از عزیمتم به مشهد زلزله طَبس رخ داد این واقعه را از مادرم هنگامی که سخت‌گریه می‌کرد، شنیدم.





وی از زلزله ۷.۷ ریشتری طبس به‌عنوان زلزله بی‌سابقه تا آن زمان یاد کرد و گفت: زلزله شهر طبس با خانه‌های کاه‌گلی و خشتی را دگرگون کرد پی‌خانه‌ها به دلیل قرارگیری در کویر بزرگ طراحی شده بود این هم به دلیل نفوذناپذیری در فصل سرما و گرما بود.

حجت‌الاسلام زنجانی بایمان اینکه نزدیک به ۹۰ درصد شهر در این زلزله ویران شد، گفت: در آن سال اگر پایین‌شهر می‌ایستادید بالای شهر را می‌توانستید ببینید حجم ویرانی به‌قدری زیاد بود که گوشه شهر قابل روئیت بود.

آن زمان در طبس خانواده‌ای نبود که داغدار نباشد، برخی خانواده‌ها یک نفر یا بیشتر را از دست داده بودند، حتی خانه‌هایی را می‌توانستید ببینید که همه اعضای خانواده از دست‌رفته بودند، ناامیدی و یاس عجیبی تمام شهر را فراگرفته بود، این توضیحات امام‌جمعه موقت طبس است وقتی که داشت عمق فاجعه را توصیف می‌کرد.

به گفته حجت‌الاسلام زنجانی در زمان وقوع زلزله آب و غذا پیدا نمی‌شد، هوای گرم مجروحان را آزار می‌داد و بوی تعفن شهر را برداشته بود، خانه و سرپناهی وجود نداشت، حجم فاجعه به‌قدری زیاد بود که کسی وقت نمی‌کرد خانواده‌های داغدار را دلداری دهد.

وی گفت: بسیاری از بازماندگان این حادثه شب‌هایی را به یاد می‌آورند که مادران داغدار در نبود فرزندانشان تا صبح گریه‌زاری می‌کردند.

امام‌جمعه موقت طبس در بخش دیگری به کمک مردمان شهرهای هم‌جوار اشاره کرد و گفت: اهالی بشرویه و فردوس به کمک مردم طبس شتافتند.

وی با اشاره به اینکه حادثه هفدهم شهریور یک هفته پیش از زلزله طبس رخ داد، اضافه کرد: در این حادثه سه الی چهار هزار نفر شهید شدند، ولی این موضوع باعث نشد که مردم طبس را فراموش کنند و سخاوتمندانه به‌سوی این شهر زلزله‌زده شتافتند.

حجت‌الاسلام زنجانی به ورود روحانیت به طبس اشاره کرد و گفت: پس از حادثه دل‌خراش زلزله ورود روحانیت به شهر طبس باعث امیدواری مردم شد، گروه‌های امدادی از قم، مشهد و دیگر شهرهای کشور برای کمک‌رسانی به مردم در شهر حضور یافتند.

امام‌جمعه موقت طبس تأکید کرد: آیت‌الله صدوقی از شهر یزد، روحانیت مبارز شامل بزرگانی چون مقام معظم رهبری، آیت‌الله واعظ طبسی، شهید هاشمی نژاد و شهید صدوقی به طبس آمدند و در شمال شهر آنجایی که باغ گلشن بود گروهی تحت عنوان امام را تشکیل دادند. در آن‌ها سال‌ها بردن نام امام خمینی (ره) جرم محسوب می‌شد به همین دلیل نام گروه را امام گذاشتند.

وی تأکید کرد: در گروه امام مبارزانی از شهرهای مختلف حضور داشتند، تبادل فکر و اندیشه در این گروه باعث شد که مبارزات در سطح کشور به‌خوبی رهبری شود.

حجت‌الاسلام زنجانی به یکی از ابتکارات روحانیون در شهر طبس اشاره کرد و گفت: آن‌ها با تشکیل بازار امام در مجاورت باغ گلشن باعث شدند که کسب‌وکار میان مردم رونق بگیرد.

طبس در زلزله سال ۵۷ جمعیت بسیاری را از دست داد اما امروز شهری شاداب و سرزنده است که به میقات الرضاع) شهرت دارد.

جمعیت شهرستان طبس در حال حاضر چیزی حدود ۷۰ هزار نفر است و در تلاش است تا شهری در خور شان به نسل آینده خود تحویل دهد.





دغدغه‌های سالمندی در سومین استان پیر / تلفیق ضعف جسمی و مشکلات روحی



تأمین
مامقانی نژاد

چند سالی است که سخن از پیرشدن جمعیت و افزایش آمار ورودی مراکز سالمندان به میان می‌آید، قشری که نیاز به حمایت جسمی و روحی دارند و برای خدمات به آنان در سال‌های آتی باید برنامه‌ریزی شود.

چند سالی است که مساله افزایش جمعیت سالمندی در کشور با استناد به آمارهای حاصل از دو سرشماری اخیر مطرح و نگرانی‌هایی در این رابطه عنوان می‌شود. این افزایش ناشی از بالا رفتن سن مرگ و میر و امید به زندگی به دلیل ارتقای خدمات بهداشتی و درمانی، سواد سلامت و رفاه نسبت به دهه‌های قبل و کاهش موالید است.

دغدغه‌هایی که در رابطه با آمار جمعیت سالمندی در کشور وجود دارد از سویی به افزایش این نرخ در سال‌های آتی و مشکلات ناشی از پیر شدن جمعیت و نیروی انسانی بازمی‌گردد و از سوی دیگر نظر به ضرورت فراهم سازی زیرساخت مناسب برای خدمات به این قشر از جامعه که در حال افزایش نیز هستند دارد.

طبق پیش بینی‌های کارشناسان و صاحب نظران بر مبنای آمارهای موجود، طی ۳۰ سال آینده ۳۳ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال سن خواهند داشت که آمار بسیار بالایی بوده و این در حالی است که در سال ۹۴، هشت درصد جمعیت کشور سالمند بودند. به گفته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، امروز با شش میلیون سالمند در کشور مواجه هستیم که در آینده‌ای نه چندان دور، این رقم به ۳۰ میلیون نفر خواهد رسید و این مهم سیاست گذاری‌های معطوف به ساماندهی مساله سالمندی کشور را می‌طلبد.

همچنین براساس سرشماری سال ۹۵، استان مرکزی از نظر متوسط سنی جمعیت، با دارا بودن میانگین سنی ۳۱ سال، بعد از دو استان گیلان و مازندران، سومین استان پیر کشور است که قطعاً این روند افزایش میانگین سنی جمعیت در دهه‌های آتی این

استان صنعتی را که برای تولید و اشتغال نیاز به نیروی انسانی جوان دارد، با مشکلات عدیده مواجه خواهد کرد.

علاوه بر موضوع سیاست گذاری و برنامه ریزی برای ارائه خدمات مطلوب و جامع به سالمندان، مساله دیگری که در این میان رخ می‌نماید اصلاح و ارتقای فرهنگ رفتار با سالمندان است، دغدغه‌ای که امروز بیش از هر زمان وجود دارد و شاهد آن هستیم که سالمندان علاوه بر مشکلات جسمی و بیماری‌های ناشی از کهنلت سن، گاهی دچار مشکلات روحی به سبب عدم آگاهی صحیح اطرافیان و خانواده خود از رفتار صحیح با وی هستند.

مسائل ذکر شده و بسیاری از دیگر دغدغه‌های این حوزه، سبب شده که صاحب نظران در رابطه با مشکلات ناشی از افزایش سالمندی در کشور هشدار داده و خواهان برنامه ریزی اصولی برای مدیریت صحیح مساله باشند تا این دغدغه در سال‌های آتی تبدیل به بحران نشود.

نرخ سالمندی در استان مرکزی ۲ درصد بالاتر از میانگین کشور است

مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری مرکزی در رابطه با موضوع افزایش جمعیت سالمند در کشور و استان گفت: مطابق آمار، هم اکنون ۸.۲ درصد از جمعیت کشور را سالمندان شامل می‌شوند و این در حالی است که جمعیت سالمند استان مرکزی ۱۰.۲۶ درصد و بیش از دو درصد بالاتر از میانگین کشوری است.

غلامرضا فتح آبادی افزود: طی دهه اخیر، سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر در کشور و به تبع آن استان مرکزی افزایش یافته و مطابق پیش بینی‌ها، در ۳۰ سال آینده جمعیت سالمند ایران همچنان روند افزایشی خواهد داشت.

وی بیان کرد: این افزایش جمعیت در گروه میانسالان که شامل سنین ۳۰ تا ۶۴ سال هستند نیز مشهود است به نحوی که سهم آنها از کل جمعیت ایران به ۴۴.۸ درصد رسیده و در حقیقت بیش از نیمی از جمعیت کنونی کشور را افراد میانسال و سالمند

تشکیل می‌دهند.

مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری مرکزی خاطر نشان ساخت: با توجه به اینکه سالمندی در کشور روندی افزایشی دارد، پس باید این قشر و کیفیت زندگی آن‌ها مورد توجه قرار گیرد و همچنین به کیفیت زندگی در میانسالی توجه شود تا در قشر سالمند نیز شاهد مسائل و مشکلات کمتری در رابطه با سلامت آنها باشیم.

فتح آبادی با اشاره به مشکلات پیش روی سالمندان گفت: یک چهارم سالمندان توانایی لازم برای انجام امور شخصی مانند غذا خوردن، دستشویی و حمام رفتن، خرید مواد غذایی و دارو، انجام امور منزل، تعویض لباس خود و... را ندارند و این یکی از مهم‌ترین مشکلات این افراد به شمار می‌رود.

وی عنوان کرد: در حال حاضر سالمندان استان سالانه حدود ۱۵ بار به پزشک مراجعه کرده و حداقل یک بار در مراکز درمانی بستری می‌شوند، بنابراین باید برای ارتقای سلامت آنان، امکانات بهداشتی و درمانی تقویت شود.

مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری مرکزی تصریح کرد: افزایش آگاهی خانواده‌ها از ویژگی‌های سالمندی، تدوین قوانین کارشناسی در این رابطه با توجه به وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور و افزایش سطح آگاهی سالمندان به ویژه از نظر بهداشتی و پزشکی، نقش مهمی در کاهش مشکلات سالمندان دارد.

فتح آبادی اضافه کرد: همچنین استفاده از توان سازمان‌های مردم نهاد در این زمینه، مناسب‌سازی محیط شهری برای سهولت تردد سالمندان، گسترش خدمات سالمندی بیمه‌های اجتماعی، تدارک برنامه‌های تفریحی، سیاحتی، ورزشی برای این قشر، گسترش چتر حمایتی از سالمندان بی بضاعت و تقویت امکانات مراکز نگهداری از سالمندان در کاهش مشکلات آنان تاثیر به سزایی دارد و در حقیقت برنامه ریزی‌ها بایستی هم در مسیر رفع مشکلات مادی و هم تأمین سلامت روحی سالمندان پیگیری شود.

جامعه دچار ناآگاهی از نحوه رفتار مناسب با سالمندان است

بهرروز رفیعی، مدیرکل بهزیستی استان مرکزی ضمن بیان اینکه استان مرکزی رتبه سوم کشور را در نرخ سالمندی دارد، اظهار داشت: طبق آمار هم اکنون ۱۴۱ هزار نفر در استان مرکزی سالمند هستند.

وی بیان کرد: همچنین تعداد زیادی از جمعیت این استان هم اکنون در سنین میانسالی به سر می برند که پیش بینی می شود در دهه های آینده افزایش شدید نرخ سالمندی را در استان مرکزی شاهد باشیم. مدیرکل بهزیستی استان مرکزی تصریح کرد: طبق پیش بینی های انجام شده، در سال ۲۰۲۵، بیش از ۱۷ درصد جمعیت استان مرکزی سالمند خواهند بود. رفیعی با بیان اینکه جمعیت سالمند کشور گنجینه ای از معرفت، تجربه و عقلانیت بوده و نیازمند رسیدگی و توجه هستند، خاطر نشان ساخت: همانطور که طب کودک وجود دارد باید طب سالمندی و پرستاران متخصص سالمندان نیز برای رفع نیازهای این قشر وجود داشته باشد و لازم است دستگاه های مرتبط همکاری لازم را در این زمینه داشته باشند تا خدمات در حوزه سالمندی تقویت شود.

مدیرکل بهزیستی استان مرکزی عنوان کرد: طبق برآوردهای انجام شده نیازهای اساسی سالمندان به سه گروه نیازهای مالی، بهداشتی - درمانی و روحی - روانی تقسیم می شوند که باید برنامه ریزی لازم برای رفع نیازمندی های این قشر صورت پذیرد.

وی ادامه داد: در حال حاضر هشت خانه سالمند و دو مرکز روزانه سالمندان در استان مرکزی فعال هستند و در شهرستان های استان نیز در صورت درخواست برای ایجاد مرکز روزانه سالمندان، همکاری و مساعدت لازم را انجام خواهیم داد.

رفیعی اضافه کرد: در مراکز روزانه سالمندان، خدمات توانبخشی، آموزشی و شیوه های سبک زندگی سالمندی ارائه شده و در این مراکز تلاش داریم حتی الامکان سلامت روحی و جسمی این قشر نیز تقویت شود.

مدیرکل بهزیستی استان مرکزی بیان کرد: خانه سالمند برای نگهداری سالمندان بی سرپرست، مجهول الیه و در واقع افرادی است که خانواده ای در کنار خود ندارند، در حالی که شاهد هستیم سالمندانی به این مرکز مراجعه می کنند که دارای فرزند و خانواده در کنار خود هستند، همچنین بسیاری از این افراد از لحاظ روحی شرایط مناسبی ندارند.

وی ضمن بیان اینکه سالمند به عنوان شهروند ارشد است و همه تلاش های لازم برای تکریم و احترام هرچه بیشتر این قشر باید انجام پذیرد، افزود: در حال حاضر سالمند آزاری در کشور آمار مطلوبی ندارد و بعد از کودک آزاری و همسر آزاری، شاهد آمار بالای تماس های اورژانس اجتماعی بهزیستی در رابطه با سالمند آزاری هستیم، درک شرایط سالمندی نیازمند اقدام فرهنگی گسترده از سوی دستگاه های مرتبط برای آگاه سازی شهروندان و خانواده ها است.

در مباحث حوزه جمعیت شناسی «انفجار سالمندی» به شرايطی اطلاق می شود که ۲۱ درصد جمعیت یک کشور را سالمندان تشکیل دهند، به نظر می رسد کشور ما و استان مرکزی نیز با این پدیده فاصله چندانی ندارد و در دهه های اخیر این اتفاق که جلوگیری از آن نیز ممکن نیست، رخ خواهد داد، بنابراین باید از همین امروز برنامه ریزی و اقدامات لازم را در همه زمینه ها آغاز کنیم، تا در شرایطی که با بحران سالمندی روبرو شدیم، حتی الامکان مسائل ناشی از این قضیه مدیریت و ساماندهی شود و با کمترین مشکل روبرو باشیم.



شور حسینی پایان ندارد؛ مرزهای خوزستان رنگ و بوی اربعین گرفت

پیوندی ناگسستنی

نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری با اشاره به اینکه امسال مردم خوزستان، عزاداری و ارادت خود به خاندان عصمت و طهارت را به اوج رساندند، اظهار کرد: این ارادت مردم خوزستان در ایام اربعین حسینی و در میزبانی از زائران امام حسین به اوج خود خواهد رسید چون پیوندی که مردم خوزستان با خاندان نبوت دارند، ناگسستنی است. آیت‌الله عباس کعبی با اشاره به اهمیت راهپیمایی اربعین اظهار کرد: حرکت جهانی اربعین حسینی بیانگر تجدید میثاق، وفاداری و بیعت مجدد با مکتب امام حسین(ع) و بیانگر لزوم تحکیم پیوند عمیق امت و امامت در ساخت تمدن اسلامی است.

وی، راهپیمایی اربعین را راهی برای مبارزه با دشمنان اسلام و مسلمانان دانست و افزود: در حرکت اربعین اعتقاد عمیق به باورها و ارزش‌های اسلامی و استحکام روانی امت اسلامی بر پایه عشق به نهضت حسینی(ع) تبلور پیدا می‌کند.

عضو مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر اینکه هر گام صادقانه پیاده‌روی به سمت حرم حسینی(ع) گامی به سمت جهاد و فداکاری در راه دین است، تصریح کرد: در جهت ساختن تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای مقابله با استکبار جهانی این راهپیمایی واجب و لازم است.

آیت‌الله کعبی، راهپیمایی اربعین را عظیم‌ترین اجتماع بشریت عنوان کرد و گفت: این حرکت برکات زیادی مانند تحکیم برادری اسلامی، همراهی، همدردی، مسئولیت‌پذیری آحاد ملت و پایبندی به اخلاق اسلامی دارد.

تاریخ به یادگار ماند را حفظ کرده و قرار است این شور و شعور حسینی به ایام اربعین پیوند بخورد. مرزهای شلمچه و چذابه که در چند سال اخیر میزبان شایسته‌ای برای زائران اربعین حسینی به‌منظور حضور در این مراسم در کشور عراق بوده‌اند نیز این روزها جنب‌وجوش بی‌نظیری به خود دیده‌اند. تقریباً بعد از پایان دوازدهم ماه محرم بود که موکب داران اربعین حسینی در مرزهای چذابه و شلمچه مستقر شده و هم‌اکنون در حال برپایی موکب‌های خود هستند.

نشانی بهشت

این روزها، نشانی بهشت برای برخی مردم خوزستان، همان مرزها و به عبارتی بیابان‌هایی است که هر ساله میزبان خیل عظیم عاشقان نهضت حسینی است و مرزداران با علاقه‌ای وصف‌نشدنی از آن‌ها میزبانی می‌کنند.

چند روز دیگر همه مردم، شکوه مثال‌زدنی خدمت بی‌منت به زائران حسینی را از سوی مردم خوزستان شاهد خواهند بود، مثل همان عباس، بچه دبستانی که سال قبل در حد وسعش و به خاطر اینکه کاری برای زائران امام حسین(ع) کرده باشد، بین زائران دستمال کاغذی توزیع می‌کرد یا مریم و سمیه و سارا دخترانی دبیرستانی که کفش خاکی شده زائران را با افتخار واکس می‌زدند. حالا قصه ابورحمان، پیرمردی که سال‌های قبل زائران خسته را ماساژ می‌داد بماند برای روزهایی که حماسه اربعین حسینی به اوج خود می‌رسد.

خوزستانی‌ها بعد از سپری کردن دهه اول محرم، خود را مهیای پذیرایی از خیل عظیم زائران اربعین در مرزهای شلمچه و چذابه می‌کنند به طوری که موکب‌ها اکنون در مرزها در حال علم شدن است.



علی نواصر

خوزستانی‌ها برای دهه اول محرم مثل هر سال، سنگ تمام گذاشتند. عزاداری‌ها و مراسم جانبی آن بی‌شک در خوزستان سال‌به‌سال در حال افزایش است. موکب‌هایی که توسط مردم به‌خصوص جوانان در ابتدای ماه محرم در گوشه گوشه شهر شکل می‌گیرد و آن‌ها به یاد قیام امام حسین(ع) به پذیرایی از عابران و مردم می‌پردازند باعث شد سال‌به‌سال جلوه‌های ویژه ماه محرم در خوزستان افزایش و گسترش یابد.

امسال نیز موکب‌ها در جای‌جای شهرهای خوزستان، حتی در خیابان‌های کوچک، روستاها و جاده‌های بین‌شهری دیده شدند و این نشان از عشق بالای مردم خوزستان به ائمه است. اما برخی قصد دارند موکب‌های خود را تا ایام اربعین بر پا نگه‌دارند و بعضی‌ها هم به مرز رفته‌اند تا تدارک برپایی موکب در مرزهای شلمچه و چذابه را ببینند.

همه این موارد در کنار عزاداری‌ها، سینه‌زنی‌ها، روضه‌خوانی‌ها، مداحی‌ها و آئین‌های خاص مردم نشان می‌دهد، خوزستان هنوز حال و هوای عاشورای حسینی که در آن محشری به پا شد و برای همیشه در حافظه



سه‌میه روزانه ۳۰ هزار پرس غذا در عراق تدارک دیده شده است، گفت: امیدواریم با همکاری و هماهنگی دقیق میان دستگاه‌های دولتی و خصوصی، زمینه تردد و عبور و مرور زائران، هرچه بیشتر آسان شود.

همه مقررات خروج از کشور رعایت می‌شود

همچنین معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی خوزستان در خصوص شرایط تردد زائران اربعین حسینی به خارج از کشور گفت: همه مقررات خروج از کشور برای اربابین نیز رعایت می‌شود. سرهنگ علی قاسم پور اظهار کرد: افرادی که قصد دارند برای زیارت عتبات عالیات مشرف شوند، باید در سامانه حج و زیارت ثبت‌نام خود را انجام دهند. وی افزود: خروج از مرز فقط با گذرنامه معتبر که ۶ ماه اعتبار داشته باشد، امکان پذیر است و افرادی که گذرنامه ندارند به مرزها مراجعه نکنند.

سرهنگ قاسم پور با اشاره به اینکه زائران هرچه زودتر نسبت به اخذ روادید (ویزا) ورود به کشور عراق از طریق سفارت یا سرکنسولگری‌های آن کشور اقدام کنند، تأکید کرد: زائران از موقوف کردن این امر به روزهای پایانی (نزدیک به اربعین) و همچنین حرکت به سمت مرزها قبل از اخذ روادید (ویزا) خودداری کنند.

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی خوزستان بیان کرد: همه مقررات خروج از کشور ناظر بر ایام اربعین نیز خواهد بود، بنابراین افراد ممنوع‌الخروج، سربازان و مشمولین وظیفه، زندانیان و محکومان، اجازه خروج از کشور را نداشته و خروج کارکنان دستگاه‌های خاص منوط به طی مراحل قانونی خود است.

دریافت ویزا از سامانه سماح

مدیرکل حج و زیارت استان خوزستان نیز از زائران اربعین حسینی خواست تا ویزای خود را از طریق سامانه سماح تهیه کنند.

ناصر حویزای عنوان کرد: تهیه ویزا از طریق این سامانه به منظور تأمین آرامش و امنیت خود زائران برنامه‌ریزی شده است.

وی خطاب به زائران اربعین حسینی افزود: در هیچ‌یک از دفاتر تهیه ویزا وجه نقد دریافت نمی‌شود.

حویزای ضمن تأکید بر تهیه ویزا از طریق مراکز معتبر اظهار کرد: تهیه ویزا از مراکز غیر معتبر نه تنها در نقطه صفر مرزی برای عبور زائران ایجاد مشکل و دردسر می‌کند بلکه در صورت ایجاد حوادث احتمالی امکان ارائه هیچ‌گونه خدماتی به زائران را ندارند.

مدیرکل حج و زیارت استان خوزستان تصریح کرد: اسامی مراکز معتبر تهیه ویزا تا اوایل هفته آینده از طریق روزنامه‌ها و رسانه‌ها به اطلاع مردم می‌رسد. حویزای گفت: تهیه ویزا از طریق مراکز معتبر، پیش‌بینی هرگونه خدمات‌رسانی از جمله پرداخت هزینه‌های بیمه در حوادث احتمالی را آسان می‌کند.

هیچ ویزایی در مرز صادر نمی‌شود

از سوی دیگر فرماندار خرمشهر خطاب به آن دسته از کسانی که قصد سفر به عراق برای شرکت در آئین اربعین حسینی را دارند، گفت: هیچ ویزایی در مرزهای شلمچه و چذابه صادر نمی‌شود.

ولی‌اله حیاتی ضمن تأکید بر ضرورت همراه داشتن تمامی مدارک موردنیاز برای خروج از مرز به خصوص گذرنامه و ویزا افزود: در زمان حاضر سه مرکز کنسولگری در آبادان، اهواز و دشت آزادگان آماده صدور ویزا برای زائران هستند.



قزوین، قم، مرکزی، گیلان، مازندران، گلستان، لرستان، ایلام و همدان می‌توانند از مرز مهران تردد کنند. از مرز خسروی نیز زائران استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان و کرمانشاه وارد کشور عراق می‌شوند.

زائران استان‌های اصفهان، خوزستان، خراسان جنوبی، فارس، کرمان، یزد، سمنان، تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی از مرز چذابه و زائران استان‌های اصفهان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، بوشهر، خوزستان و تهران می‌توانند از مرز شلمچه تردد داشته باشند.

استقرار بیش از ۸۰۰ موکب

رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات استان خوزستان نیز از استقرار بیش از ۸۰۰ موکب اربعین در دو مرز شلمچه و چذابه برای پذیرایی از زائران ابا عبدالله الحسینی (ع) خبر داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود موسوی اظهار کرد: این روزها و بلکه از ماه‌ها قبل، بسیاری از محبان اهل بیت (ع) خود را آماده سفر کربلا در ایام اربعین می‌کنند که مسئولان باید برای عبور و مرور زائران تدابیر لازم را اتخاذ کنند و در این راستا، اقدامات مطلوبی از حیث خدمت‌رسانی، انجام داده‌اند.

وی بیان کرد: از آنجایی که هزاران نفر از پایانه‌های مرزی زمینی خوزستان راهی زیارت می‌شوند، ضروری است موکب‌های پذیرایی ویژه‌ای در بین راه تا مرزهای خروجی تدارک دیده شوند.

حجت‌الاسلام موسوی با بیان اینکه تا به امروز بیش از ۸۰۰ موکب در دو مرز شلمچه و چذابه تدارک دیده شده است، عنوان کرد: از هر ۴۰۰ موکب مستقر در یکی از مرزها برای خدمت‌رسانی به زوار ابا عبدالله الحسینی (ع) تعداد ۱۰۰ موکب بین‌راهی و مربوط به مسیرهای منتهی به مرزهای چذابه و شلمچه هستند. رئیس ستاد بازسازی عتبات و عالیات خوزستان با بیان اینکه منازل زیادی برای استقبال و پذیرایی از زوار اعلام آمادگی کرده‌اند، گفت: اردوگاه‌های سپاه از جمله اردوگاه شهید باکری، مساجد و حسینیه‌ها نیز اعلام آمادگی کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود در سال جاری، شاهد خدمت‌رسانی بهتری به زائران اربعین حسینی باشیم.

حجت‌الاسلام موسوی با بیان اینکه تعداد ۲۵ موکب با

کعبی بایان اینکه میزبانی مردم عراق از حضور میلیونی ایرانی‌ها در اربعین نشانی از پیوند عمیق دو ملت ایران و عراق دارد، عنوان کرد: باشکوه برگزار شدن راهپیمایی اربعین سبب وحشت دشمنان شده و تبلیغات تکفیری‌ها علیه راهپیمایی اربعین بی‌فایده است.

ستاد اربعین تعطیل نشد

بعد از پایان مراسم اربعین سال قبل، تلاش‌های دستگاه‌های دولتی برای میزبانی خوب از زائران اربعین با شناسایی نقاط قوت از همان روزهای اولیه آغاز شد و در این مدت، ماهانه و هفتگی بازدیدهایی از مرزهای شلمچه و چذابه صورت گرفت تا روند کارهای اجرایی به روزهای آخر موکول نشود.

استاندار خوزستان با اعلام تعطیل نبودن ستاد اربعین خوزستان در یک سال اخیر گفت: با وجود یکسان بودن اعتبارات این استان نسبت به سایر استان‌ها، کارهای زیرساختی خوبی به‌ویژه در مرز چذابه انجام شد.

غلامرضا شریعتی اظهار کرد: از محبت و کمک سایر استان‌ها به خدمات‌رسانی زائران حسینی در سنوات قبل تقدیر و تشکر می‌کنم؛ امیدوارم امسال نیز با همکاری آن‌ها خدمات‌رسانی با کیفیت بهتری به زائران حسینی داشته باشیم.

وی افزود: طی یک سال اخیر ستاد اربعین تعطیل نبوده و در حوزه زیرساخت‌ها به‌ویژه در چذابه که مشکلات بسیاری داشته کارهای خوبی انجام شد. هرچند از نظر اعتباری مثل سایر استان‌ها بودیم و ریالی اضافه بابت اربعین به ما پرداخت نشده است. استاندار خوزستان با اشاره به چهار خطه شدن بخشی از جاده سوسنگرد به چذابه تصریح کرد: در زمینه پارکینگ، اسکان و سایر زیرساخت‌ها نیز فعالیت‌هایی انجام شده است. البته مرزها در عین حال که مجرای برای عبور زائران اربعین است برای مسائل تجاری هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شریعتی گفت: امسال نیز با همت هرچه بیشتر تمام تلاش خود را برای خدمات‌رسانی خوب و باکیفیت به زائران حسینی به کار می‌گیریم.

تقسیم‌بندی زائران بین ۴ مرز رسمی

امسال برنامه‌ریزی صورت گرفته از سوی سازمان حج و زیارت به گونه‌ای است که زائران هر استان باید از یکی از مرزهای چهارگانه رسمی ایران برای ایام اربعین تردد کنند. به این ترتیب، زائران استان‌های تهران، البرز،

توصیه به زائران

فجعی زاده توصیه کرد که زائران در صورت امکان، سفر خود را در همان اوایل ماه صفر که شروع فرآیند اربعین و این راهپیمایی عظیم است، آغاز و به موقع به زیارت خود برسند و با سلامتی و امنیت کامل برگردند.

وی عنوان کرد: توصیه می‌کنم که زائران در حین این مسافرت از مبدأ سکونت تا مرز و همچنین خارج از کشور تا بازگشت به کشور با مأموران امنیتی - انتظامی همکاری لازم را داشته باشند؛ آن‌ها باید به تذکرات، تأکیدات و راهنمایی‌های این مأموران و مسئولان توجه کنند تا در مسیر هیچ اتفاقی برای آن‌ها رخ ندهد و با سلامت در راهپیمایی عظیم اربعین شرکت و به استان خود برگردند.

سال قبل مرزهای خوزستان در ایام اربعین نمره قبولی گرفتند ولی حضور افراد بدون مدارک و دارای مدارک ناقص، باعث شد ازدحام بی‌موردی در مرزها ایجاد و مرز مهران با مشکلات جدی مواجه شود به همین دلیل به نظر می‌رسد امسال، در صورتی که زائران اربعین حسینی مقررات و دستورالعمل‌های ابلاغی از سوی دستگاه‌های مختلف را به صورت جدی رعایت کنند، شاهد کم‌نقص‌ترین عملیات عبور و مرور زائران اربعین از مرزهای کشور به منظور حضور در مراسم اربعین حسینی باشیم.

افزایش زائر برای امسال

جانشین معاون هماهنگ کننده ناجا هم ماه قبل هنگام بازدید از مرز شلمچه اظهار داشت: پیش‌بینی ما برای سال جاری این است که با افزایش زائر مواجه شویم؛ امسال احتمالاً با گرمای هوای بیشتری نیز مواجه خواهیم بود و به همین خاطر باید آمادگی بیشتری داشته باشیم تا مشکلی در مسیر راه به وجود نیاید.

سردار محسن فتحی زاده اظهار کرد: همان‌طور که همه مسئولان تأکید داشتند، اکنون فرصت مناسبی است که زائران خودشان را برای این سفر معنوی بسیار با عظمت و بزرگ آماده کنند؛ بنابراین باید از همین روزها نسبت به تأمین شرایط سفر اقدام کنند. فتحی زاده خبر داد: در نیروی انتظامی ظرفیت برای صدور گذرنامه تقویت و آمادگی خدمات‌رسانی در شیفت‌های متعدد کار وجود دارد؛ در این مدت تقاضای صدور گذرنامه را سریعاً پاسخ داده و رواید را به متقاضیان می‌رسانیم.

جانشین معاون هماهنگ کننده ناجا با تأکید بر مهیا شدن اسناد و مدارک سفر برای عازم شدن به سفر عتبات عالیات گفت: از زائران تقاضا داریم سفر خود را به روزهای آخر اربعین موکول نکنند چون در آن ایام معمولاً تراکم و فشار جمعیت بیشتر و احتمال معطل شدن در مسیر هم بیشتر وجود دارد.

وی اظهار کرد: پنج استان و هفت شهرستان امسال نیز به‌عنوان معین خرمشهر آماده ارائه خدمات به زائران ابا عبدالله الحسین و برگزاری باشکوه همایش عظیم اربعین حسینی خواهند بود.

افزایش ظرفیت استراحتگاه‌ها

فرماندار خرمشهر، افزایش ظرفیت‌های موجود در مرز شلمچه را مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد: با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و تمهیدات اندیشیده شده، ظرفیت استراحتگاه زائران از ۱۰ هزار نفر سال گذشته به ۱۵ هزار نفر در اربعین امسال افزایش می‌یابد.

حیاتی، زمان آغاز رسمی خدمات‌دهی به زائران حسینی را یکم آبان ماه اعلام کرد و گفت: خدمات‌دهی به زائران تا ۱۰ روز پس از آئین باشکوه اربعین حسینی ادامه خواهد داشت.

وی افزود: امسال ۴۵۰ موکب در مسیر ۱۱ کیلومتری شلمچه تا پایانه مسافری مرزی مستقر می‌شوند. حیاتی اظهار کرد: برنامه‌ریزی‌ها و نحوه خدمات‌دهی به زائران به گونه‌ای خواهد بود که اگر به طور هم‌زمان ۱۰۰ هزار زائر وارد مرز شلمچه شوند هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود.

استقرار پایگاه‌های مراقبتی در مرزها

رئیس مرکز بهداشت خوزستان نیز از استقرار پایگاه‌های مراقبتی در شلمچه و چذابه به منظور کنترل وضعیت سلامتی زائران اربعین قبل از خروج از کشور و همچنین انجام غربالگری پس از بازگشت آنان خبر داد.

شکرالله سلمان زاده اظهار کرد: قبل از ورود زائران به کشور عراق در این پایگاه‌ها آموزش‌های لازم در راستای پیشگیری از ابتلای آنان به برخی بیماری‌ها ارائه می‌شود و پس از بازگشت زائران از سفر زیارتی نیز غربالگری‌هایی با هدف جلوگیری از ورود احتمالی بیماری‌های خاص به کشور صورت می‌گیرد.

وی با اشاره به استقرار پایگاه‌های اورژانس، بیمارستان صحرایی و پایگاه‌های مراقبتی در مرزهای استان عنوان کرد: زائران در صورتی که با مشکلات تنفسی، گوارشی، خونریزی و غیره مواجه شدند الزاماً به این پایگاه‌ها مراجعه کنند تا عوارض جانبی برای آنان به حداقل کاهش پیدا کند.

رئیس مرکز بهداشت استان خوزستان با تأکید بر اینکه ایام اربعین با موعد اپیدمی آنفلوآنزا در ایران و عراق مقارن است، یادآور شد: زائران قبل از خروج از کشور قطعاً باید نسبت به تزریق واکسن آنفلوآنزا اقدام کنند و همزمانی این ایام با بارش‌های پائیزی و مشکلات تنفسی ایجاب می‌کند که بیماران مبتلا به مشکلات تنفسی اعم از آسم، آلرژی و تنگی نفس ماسک و افشانه‌های تسهیل‌کننده تنفس را با خود به همراه داشته باشند.

سلمان زاده تأکید کرد: ضرورت دارد بیماران قبل از عزیمت به سفر زیارتی با پزشک معالج خود مشورت کرده و داروهای تجویز شده را نیز به همراه داشته باشند زیرا امکان دارد نوع دارویی که در کشور عراق وجود دارد با نوع داروی آنان دارای تفاوت‌هایی باشد، بیماران دیابتی با فواصل زمانی منظم پاهای خود را بررسی کنند تا در صورت بروز زخم قبل از وسیع شدن روند درمان آن آغاز شود.

وی توصیه کرد: زائران منحصراً از آب آشامیدنی به‌صورت بسته‌بندی شده و بطری استفاده کنند و در طول مسیر از آشامیدن نوشیدنی‌ها و غذاهای سرد، سالاد و سبزیجات اجتناب کنند تا دچار مسمومیت غذایی نشوند.



لبخند تلخ فقر در باغ زرد آلو / قصه تلخ آلونک نشین ها حکایت می شود



اسما محمودی

شعارهای توسعه برای باغ زرد آلو در چند کیلومتری کرمان هیچ تاثیری نداشته، محرومیت اینجا قصه تلخی را حکایت می کند که در چند کیلومتری خیابان های رنگارنگ شهر بیداد می کند.



در استان کرمان می توان برخی از مناطق محروم و فاقد امکانات را دید که اکثرا در مناطق دور افتاده جنوب و شرق استان کرمان و در چند صد کیلومتری مرکز استان وجود دارند، نماد زندگی این مردم کپر است، محرومانی که با پاک کردن صورت مساله فقرشان توسط برخی از مسئولان کپرهايشان به فرهنگشان گره زده می شود، اینها مردمی هستند که نه شغل دارند و نه هیچ امکاناتی برای زندگی، برخی از این ها حتی شناسنامه هم ندارند. اما اینها تنها محرومان بزرگترین استان کشور نیستند. محرومیت های پنهان در مرکز استان برخی مواقع حیرت آور می شود، حتی در چند متری محل زندگی یک شهروند کرمانی.

از خانواده آواره در بوستان مطهری تا باغ زرد آلو

در حالی دغدغه اکثر مردم و فعالان اجتماعی زندگی کپر نشینان است که فقط چند متر آن سوتر از مکانی که در حال نگارش این گزارش هستیم خانواده ای در بوستان مطهری کرمان با همه آبرو و چند تکه باقی مانده از زندگی شان بیش از دو ماه است که آواره پارک شده اند و در چادر زندگی می کنند و هر روز از ترس جمع شدن دار و ندارشان به پشت دیواری چادر می زنند، طی هفته گذشته با برخی از مدیران برای چاره اندیشی وضعیت این خانواده تماس هایی گرفتم که نتیجه نداشت. وضعیت این خانواده آواره در یکی از پارکهای کرمان در آستانه زمستان با چهار فرزند که دو نفرشان کودکانی کمتر از سه سال هستند دغدغه ای شده که در ذهنم پاسکاری می شود.

بی سامانی این خانواده مقابل چشم همه مدیران و دستگاههای حمایتی کرمان ماه هاست ادامه دارد، اینجا نه روستایی دور افتاده در جنوب کرمان است و نه روستایی کپر نشین در شرق استان، زندگی این کودکان و والدین شان دغدغه بی پایانی ست که هنوز التیام نیافته است اما افکارم وقتی مشوش می شود که در یکی از کانال های تلگرامی اسم باغی را در حومه شهر کرمان به نام باغ زرد آلو می بینم که داستانی عجیب تر از روستاهای دور افتاده و محروم جنوب و شرق استان کرمان دارد.

با فکر رمزگشایی از این قصه عجب راهی شهرک سیدی در حومه شرقی کرمان می شوم، شهرک سیدی که خود از شهرک های حاشیه ای شهر کرمان است به مرور زمان با توسعه حاشیه نشینی حالا در آن سوی کمربندی شرقی کرمان خود به شهرکی پرجمعیت تبدیل شده که رفته رفته به عنوان واقعیتی در کنار شهر کرمان پذیرفته شده و توسعه یافته است.

اما باغ زرد آلو کجاست، با پرس و جو از شهرک سیدی می گذرم و به مکانی حد فاصل کرمان و شهرک می رسم که به باغ زرد آلو شهرت دارد، جاده ای خاکی که یک سویش باغ های میوه قرار دارد و سوی دیگرش سازه های ناهمگون که نه چادر است و نه کپر اینها همه آلونک هستند.



دیوارهایی از باقیمانده نخاله های ساختمانی و یا چوب و لاستیک ماشین، ساخته است.

اینجا نه لوله کشی آب دارد و نه برق و گاز و تلفن، هر چه به اطرافم نگاه می کنم سرویس بهداشتی و حمام نمی بینم، اینجا فقط سازه هایی ست که مشخص نیست از چه ساخته شده و چگونه سرو پا ایستاده است. بعدا در می یابم خرابه های نزدیک چادرها نقش سرویس بهداشتی را ایفا می کنند!

تردید برای حضور در این آلونک ها با توجه به دوری از شهر و قرار گرفتن در این منطقه متروک طبیعی است اما در نهایت به گفتگو با پسری می پردازم که نامش اکبر است، نوجوانی که در کنار یکی از آلونک ها با چرخ رها شده دوچرخه ای در حال بازی کردن است. از این نوجوان سراغ پدرش

تعداد خانوارهایی که در این دشت خشک و در چند کیلومتری شهر کرمان سکونت دارند مشخص نیست چون بسیاری از آن ها برای جستجوی اندکی غذا از باغ خارج شده اند و شب برمی گردند اما می توان حدس زد بین ۲۰ تا ۳۰ خانوار اینجا زندگی می کنند. از خیابان های پر زرق و برق شهر که مازراتی و لکسوس بچه های پول دارها تردد می کنند و لباس های برند می خردند تا باغ زرد آلو کمتر از ۴۵ دقیقه راه است اما این مکان که نمی توان هیچ نامی روی آن گذاشت فقط یک جاده خاکی دارد که کودکانی با لباس های کهنه و پاره در آن در پی یک لاستیک دوچرخه می دوند.

اینجا اکثر خانه ها چند تیرک است که بر روی آن ها تکه ای پارچه آویزان شده و سقفی لرزان بر روی

وی می گوید: اینجا ما حتی سرویس بهداشتی نداریم، در صورت نیاز به حمام به جوی های اطراف می رویم و آب آشامیدنی سالم هم نداریم. دستشویی ما هم خرابه های اطراف است.

پیرمرد می گوید: مردمی نداریم که فقر سال هاست گریبان ما را گرفته و فراموش شده هستیم، چون شناسنامه نداریم حتی یارانه هم نمی گیریم تولد بچه هایمان جایی ثبت نمی شود و تمام مراحل زندگی ما در همین آونک ها می گذرد و کسی از ما یاد نمی کند.

ساکنان اینجا نه لباس مناسبی به تن دارند و نه کفشی به پایشان است مشخص نیست اوج گرمای تابستان را چگونه گذرانده است و چگونه با این وضع مالی می خواهند مانند هر سال به مناطق گرمتر جنوب کشور مهاجرت کنند.

نگاه های ساکنان باغ زردآلود هر لحظه کنجکاو تر می شود و دور من و پیرمرد، جمع می شوند و هر کس از مشکلات می گوید، بسیاری از این مردم مدت هاست طعم غذای گرم و کامل را نچشیده اند. کودکانشان مدت هاست در همین وضعیت به دنیا می آیند و با فقر خومی گیرند و زندگی را می گذرانند.

فکر می کنند می توانم کاری برای بهبود زندگی شان بکنم سعی می کنند نداشته هایشان را به رخم بکشند.

از وجود حشرات گزنده تا حیوانات ولگرد اطراف چادرهایشان می گویند، از خانه های عجیبشان محرومیت را فریاد می زنند اما کسی نمی شنود، وقتی نگاه همراه با درخواست هایشان را می بینم یاد همان خانواده ای می افتم که دو ماه است آواره پارک مطهری کرمان شده اند اما با وجود پیگیری هایم نتوانسته ام برایشان کاری کنم.

استان کرمان با شهرهایی که هر سال چندین میلیارد تومان فقط از باغ های پسته اش درآمد دارد و خیابان های پر زرق و برق شمال شهرش در کنار معادن غنی مس و سنگ آهنش زیر پوستش محرومی دارد که دیدنش نیاز به این دارد که با نگاهی دقیق تر به اطراف مان بنگریم و دست محرومانش را بگیریم.

گوید ما هیچ شناسنامه ای نداریم، مدرسه نداریم، یارانه نمی گیریم حتی آب آشامیدنی بهداشتی نداریم و تنها منبع درآمدمان پولی است که طی ماه های حضور در اطراف کرمان در می آوریم. فقیر هستیم اما مزاحم کسی نیستیم در میانه بیابان زندگی می کنیم، وقتی اینجا هوا سرد و فصل برداشت پسته هم تمام می شود به هرمزگان برمی گردیم و باز همین سازه ها را با وسایلی که در دسترس است آنجا بنا می کنیم. آنجا زمستان گرم تر است، زندگی را می گذرانیم و تابستان به کرمان باز می گردیم.

پیر مردی در حالی که بر ستون چوبی و خمیده میانه آونکش تکیه داده است با دست من را به سوی خودش می خواند و از من می پرسد اینجا چه می خواهیم، برایش توضیح می دهم و می گوید طی روزهای اخیر چند خبرنگار و عکاس اینجا آمده اند اما تاکنون هیچ مسئولی چه در هرمزگان و چه در کرمان تا الان باغ زردآلود نیامده است.

را می گیرم که می گوید پدرم به همراه تعدادی از پسرها برای پسته چینی به باغ های اطراف رفته اند. می گوید از اهالی استان کرمان نیست اما تقریباً نیمی از سال را در این منطقه زندگی می کنند و مجدداً به محل زندگی اصلی شان مهاجرت می کنند.

زنی به نام اکرم در چادر کناری در کنار دو کودک نشسته است، از زن جوان در خصوص وضعیتش می پرسم، اکرم می گوید: سال هاست در فصل برداشت محصولات کشاورزی و برای فرار از گرمای جنوب به حومه کرمان می آییم و با روش های مختلف زندگی را می گذرانیم. آزارمان به کسی نمی رسد، کار زنان اکثراً تکدی گیری در شهر است و مردان هم در زمین های کشاورزی اطراف و یا هر جای دیگری که بتوانند کار می کنند.

اینجا کسی یارانه نمی گیرد

در خصوص مدرسه فرزندانش سوال می کنم که می



مرز چیلات از وعده تا عمل / تردد زوار اربعین از دهلران شاید وقتی دیگر



مرز چیلات در شهرستان دهلران قرار بود به منظور رونق اقتصادی منطقه و سهولت تردد زوار اربعین راه اندازی شود ولی آنطور که از شواهد مشخص است، تا اربعین بازگشایی نمی شود.



مجیدی کاور

از دحام زوار در مرزهای مهران، جذابه و شلمچه در سال گذشته سبب شد که مسئولان وزارت کشور ایجاد گذر موقت در مرز چیلات دهلران برای بازگشت زوار در دستور کار خود قرار دهند به طوری که معاون عمرانی وقت وزیر کشور و مسئولان امنیتی برای بررسی مرز چیلات به شهرستان دهلران سفر کرده و اقدامات اولیه از جمله ایجاد داربست به جای گیت‌های امنیتی و تسطیح مکان مشخص شده انجام شد ولی عدم موافقت کشور عراق باعث شد که گذر موقت در مرز چیلات دهلران ایجاد نشود. از آن روز اقدامات انجام شده در چیلات سبب شد که ایجاد بازارچه مرزی چیلات دهلران به یک مطالبه عمومی تبدیل شود و در این راستا پرونده ایجاد بازارچه مرزی چیلات از سوی استانداری ایلام به هیئت دولت ارائه شد. در این بین بازار داغ دیدار مقامات ایرانی و عراقی چه به صورت ملی و چه محلی برای ایجاد مرز جدید در چیلات دهلران راه به جایی نبرد ولی استاندار وقت استان برای به سرانجام رسیدن احداث مرز دهلران با تخصیص اعتبار خواستار ایجاد زیر ساخت‌های لازم در چیلات شد. در نهایت هم در تیر ماه سال جاری با موافقت هیئت دولت بازارچه مرزی تپله کوه واقع در استان کرمانشاه و بازارچه های چیلات و شهبلی در استان ایلام، تصویب شد.

رحمانی فضلی وزیر کشور نیز در سفر اخیر به استان ایلام در این زمینه اظهار داشت: با توجه در پیش بودن ایام اربعین حسینی امسال دولت افزایش مرزهای رسمی تعیین شده برای تردد زائران اربعین حسینی را در دستور کار قرار داده و در این راستا مرزهای خسروی و چیلات در استان های کرمانشاه و ایلام علاوه به سه مرز قبلی مهران، شلمچه و جذابه مورد استفاده قرار می گیرد.

عراق برای ایجاد بازارچه چیلات دهلران موافقت نکرده است

اواخر هفته گذشته هم خبری مبنی بر موافقت کشور عراق برای بازگشایی مرز چیلات دهلران از زبان معاون سیاسی امنیتی وزیر کشور در رسانه ها و فضای مجازی منتشر شد، از سوی دیگر اما مدیرکل مرزی وزارت کشور و دبیر ستاد اربعین گفت: تاکنون کشور عراق برای ایجاد بازارچه چیلات دهلران موافقت نکرده است.

مجید آقابابایی اظهار داشت: هفته گذشته حسین ذوالفقاری معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور با وزیر کشور عراق در خصوص آخرین اقدامات اربعین دیدار و گفتگو کردند.

وی اظهار داشت: یکی از مباحثی که در این دیدار مطرح شد ایجاد مرزی جدید در چیلات دهلران برای تردد زوار اربعین بود که مورد موافقت وزیر کشور عراق قرار نگرفت است.

آقابابایی بیان داشت: با رایزنی های معاون وزیر کشور و موافقت وزیر کشور عراق قرار شد که بعد از اربعین با بررسی کارشناسی، ایجاد مرز جدید چیلات در دستور کشور عراق قرار گیرد.

دبیر ستاد اربعین بیان داشت: در صورت موافقت وزارت کشور عراق باید در هیئت دولت کشور ما و هیئت وزیران کشور عراق موافقت ایجاد مرز جدید چیلات نیز به تصویب برسد.

شهرستان دهلران ۲۲۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد

نماینده مردم حوزه انتخابیه دهلران در مجلس شورای اسلامی نیز گفت: با توجه به حجم بسیار زیاد تردد از مرز مهران و به منظور سهولت در تردد زائران اربعین یکی از نقاطی که می تواند به عنوان مسیر کمکی مورد استفاده قرار گیرد، مرز چیلات دهلران است.

شادمهر کاظم زاده بیان داشت: شهرستان دهلران با داشتن ۲۲۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق یکی از امن ترین مرزهای کشور است و همین سبب شده رایزنی ها برای ایجاد زیرساخت های لازم در چیلات به منظور تسهیل در پیاده روی اربعین در دستور کار قرار گیرد.

عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی افزود: با توجه به هموار بودن مسیر دهلران و نزدیکی با کشور عراق متأسفانه تاکنون اعلام رسمی در خصوص مجاز بودن این مسیر انجام نشده که مطالبه عمومی مردم از دولت اعلام رسمی این مسیر برای پیاده روی اربعین سال جاری است.

وی گفت: به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی پیگیر اعلام مسیر دهلران و موسیان در ایام عبور کاروان پیاده روی اربعین هستم تا امسال شاهد عبور زائران از این مسیر باشیم.

کاظم زاده گفت: بدون شک راه اندازی مرز چیلات علاوه بر اشتغال جوانان منطقه باعث توسعه همه جانبه و از همه مهم تر کاهش ازدحام جمعیت در مرزهای مهران، جذابه و شلمچه خواهد شد.

عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: خوشبختانه طی یک سال گذشته اقدامات خوبی در بحث زیر ساخت‌ها بازارچه چیلات دهلران صورت گرفته است.

آخرین وضعیت زیرساخت‌های مرز چیلات دهلران
فرماندار دهلران هم درباره امکانات و زیرساخت های مرزی در چیلات گفت: ایجاد بازارچه چیلات بر اساس ضرورت اجتماعی، اقتصادی و اهمیت ارتباطی با توجه به قربت‌های فAMILI که مردم منطقه دهلران با استان میسان دارند می تواند نقش مهمی در توسعه و اشتغال منطقه داشته باشد.

سید حسینی موسوی بیان داشت: یکی از خواسته و مطالبات به حق مردم دهلران نیز بازگشایی مرز چیلات است و در این راستا مذاکرات متعددی با استانداران طرف عراق صورت گرفته است.

وی تصریح کرد: یکی از ضروریات ایجاد بازارچه چیلات دهلران جانمایی از طرف کشور ایران و عراق است که تاکنون این کار صورت نگرفته است.

وی بیان داشت: شهرستان دهلران با داشتن یک سوم خاک استان و دارا بودن ۲۲۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق و نزدیکی به عتبات عالیات شرایط مناسبی برای بازگشایی مرز چیلات را دارد و امیدواریم در اربعین امسال با عنایت مسئولان این مهم محقق شود.

فرماندار دهلران اظهار داشت: خوشبختانه زیرساخت‌های لازم از قبیل راه دسترسی، فیبر نوری، آب شرب و برق در این نقطه مرزی فراهم شده است.

موسوی عنوان کرد: سال گذشته نیز برای تکمیل زیرساخت های این مرز شش میلیارد تومان هزینه شده است و امسال هم شش میلیارد تومان دیگر برای تکمیل زیر ساخت ها از جمله آسفالت ۱۰ کیلومتر باقی مانده اعتبار اختصاص یافته است.

وی ادامه داد: خوشبختانه با برنامه ریزی های انجام شده در بحث بازارچه چیلات دهلران هیچ گونه مشکل اعتباری و تخصیص بوجه وجود ندارد و در تلاش هستیم که مرز چیلات دهلران به دلیل فاصله ۳۰۰ کیلومتری تا شهر نجف اشرف بازگشایی شود چرا که در ایام اربعین تسهیل در تردد زائران عتبات عالیات دو کشور بسیار حائز موثر خواهد بود.

به هر تقدیر همایش چند ده میلیونی مسلمانان در ایام اربعین و ضرورت تسهیل برگزاری آئین پیاده روی، مسئولان را به تحرک واداشته تا مقدمات آن را مهیا کنند ولی آنچه که اهمیت دارد، توافق مسئولان دو کشور عراق و ایران است که به نظر می رسد برای امسال در زمینه مرز چیلات حاصل نشده و کماکان مرز مهران تنها مرز استان ایلام برای تردد خواهد بود.

■ پهنای صورت همه مردم ایران را دیشب اشک‌هایی پر کرده بود که برای نمایش اقتدار ایران و ایرانی بر گونه‌ها جاری شده بود. امروز شهید بی سر همانند سرداری تشییع شد که همه جهان نظاره گر این تشییع بودند. امروز نجف آباد، دیروز اصفهان و تهران و دو روز گذشته مردم مشهد میزبان پیکر بی سر محسن بودند و می توان گفت همه ایران به احترام محسن ایستاد.

■ رشد قارچ گونه شمار کانال‌های ماهواره‌ای به زبان کردی در حالی همچنان ادامه دارد که اغلب این رسانه‌ها در راستای سیاست و برنامه‌های لابی غرب گام برمی دارند.

■ در روزهایی که شبکه‌های تلویزیون یکی دو تا بیشتر نبود و هر شبکه هم فقط چند ساعت برنامه داشت، موبایل‌ها اینقدر پیشرفته نبود و هر ثانیه چندین فیلم آپلود و دانلود نمی‌شد، شبکه‌های اجتماعی به گستردگی الان نبود، شبکه‌های خانگی اینگونه فعال نبود، مردم این قدر کمبود وقت نداشتند و... سینماها هم رونق بیشتری داشتند.

■ طی سال‌های اخیر هر چقدر به فکر گسترش و توسعه مشاغل و فعالیت‌های صنایع دستی در رشته‌های مختلف بوده‌ایم، اما کمتر به بازار عرضه این محصولات فکر کرده‌ایم و این ضعف کماکان در استان قم و یا سایر شهرهای کشور وجود دارد.

فرهنگ و هنر ایران



اجرای مستمر جشنواره «فیلم سبز» در همدان / فرهنگ سازی با ابزار هنر



گزارش های مردمی از اکران فیلم های جشنواره فیلم سبز در همدان حاکی از اینست که مخاطبان فیلم های جشنواره خواستار تداوم برگزاری برنامه های فرهنگی با موضوع محیط زیست در همدان هستند.



پروین قادری
دانشمند

جشنواره دوسالانه فیلم سبز طی چهار دوره در سالهای ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ برگزار شد و پس از توقفی ۱۱ ساله دوره پنجم جشنواره بین المللی فیلم سبز برای نخستین بار توسط یک انجمن مردم نهاد به نام تمدن سبز هنرمندان حامی محیط زیست در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ به طور همزمان در تهران و ۳۱ استان کل کشور شد.

استان همدان یکی از این استان ها بود که سال گذشته اکران فیلم های جشنواره را در مجتمع آوینی همدان انجام داد و امسال در مرکز همایش های بین المللی همدان شاهد برگزاری ششمین دوره جشنواره هستیم.

این دوره با مشارکت معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری همدان و معاونت سازمان های مردم نهاد زیست محیطی در حال برگزاری است و اکران فیلم از روز گذشته در آمفی تئاتر این مرکز در ۴ سانس صبح و بعد از ظهر آغاز شده که سانس صبح مخصوص کودکان است.

رئیس کمیسیون خدمات شهری، حمل و نقل و ترافیک، محیط زیست بهداشت شورای شهر همدان در حاشیه برگزاری این جشنواره گفت: برگزاری جشنواره ها و برنامه های هنری از جمله جشنواره فیلم سبز برای فرهنگ سازی در خصوص حفظ محیط زیست مفید و اثر بخش است.

کامران گردان اظهار داشت: هر بحث فرهنگی که از طریق فیلم تئاتر به جامعه ارائه شود اثر بخشی بیشتری دارد.

وی افزود: برگزاری جشنواره هایی چون جشنواره فیلم سبز برای کودکان و نوجوانان با توجه به اینکه مفاهیم از طریق تصویر منتقل می شود بسیار اثر بخش بوده و در فرهنگ سازی موثر است.

رئیس کمیسیون خدمات شهری، حمل و نقل و ترافیک، محیط زیست بهداشت شورای شهر همدان اضافه کرد: اگر در این جشنواره مخاطبان دسته بندی

شد و از اینکه در این مراسم به موضوع اصلی یعنی محیط زیست توجه شد نشان از نگاه محیط زیستی برگزار کنندگان است چراکه بخش دو فیلم در آئین افتتاحیه در نوع خود جالب بود.

وی مکان برگزاری جشنواره را مناسب دانست و بیان کرد: وقتی در این مکان هستیم هنگام خروج اولین چیزی که جلب توجه می کند طبیعت دامنه های الوند است که به نظرم انتخاب این سالن در تغییر نگرش افراد در برخورد با منظره باغات و دامنه های الوند هنگام خروج تلنگری در حفظ محیط زیست است.

زمان برگزاری جشنواره به ایام فعالیت مدارس تغییر کند

یکی دیگر از شهروندان همدانی در این خصوص گفت: اکران فیلم کوتاه «آدم خانگی» در آئین افتتاحیه بسیار مناسب بود خصوصاً اینکه متوجه شدم این فیلم را یکی از شهروندان همدانی ساخته و به این جشنواره راه یافته است.

میثم حبیبی ایجاد دغدغه در مخاطبین برای حفاظت از محیط زیست را مهمترین هدف برگزاری جشنواره فیلم سبز دانست و افزود: اگر جشنواره نتواند در مخاطبین خود دغدغه ایجاد کند پروژهای شکست خورده است.

وی حضور مدیران و مسئولان در آئین افتتاحیه را به فال نیک گرفت و عنوان کرد: در سال های گذشته اگر برنامه هایی از این جنس برگزار می شد کمتر مدیری را در آن می دیدم اما تعداد قابل توجهی از مدیران دستگاه های مختلف و فعالین زیست محیطی از سازمان های مردم نهاد حضور داشتند که پیام تغییر نگرش و دغدغه مند بودن مدیران را به جامعه ارائه می کند.

این فعال محیط زیستی اضافه کرد: برگزاری این جشنواره باید در سال های آینده ادامه یابد و زمان برگزاری آن به مقطع زمانی فعالیت مدارس و مراکز آموزشی تغییر کند تا به صورت منسجم بتوان دانش آموزان و دانشجویان را در این جشنواره گردهم آورد و انتقال مفاهیم و فرهنگ سازی در گستره بیشتری انجام شود.

جشنواره فیلم سبز فرصتی برای آموزش شهروندی است

گردان تأکید کرد: برگزاری جشنواره فیلم سبز در همدان می تواند فرصتی برای آموزش شهروندی در خصوص محیط زیست و راه های حفظ آن باشد که از متولیان آن از جمله سازمان محیط زیست تشکر می کنیم.

وی ابراز امیدواری کرد: با همکاری بین دستگاهی شهرداری، شورای شهر، محیط زیست و دیگر دستگاه های اجرایی در تغییر فرهنگی در خصوص حفظ محیط زیست بیشتر تلاش کنند.

در همین زمینه یکی از شهروندان همدانی گفت: برای اینکه فرهنگ سازی و تغییر نگرش در سطح جامعه انجام شود بهتر است جشنواره فیلم سبز به صورت مستمر در سال های آینده نیز برگزار شود.

فواد عظیمی با بیان اینکه برگزاری این جشنواره در همدان غنیمت است، گفت: امیدوارم این جشنواره در سال های آینده نیز برگزار شود و دیگر دچار وقفه نشود.

وی افزود: آئین افتتاحیه جشنواره فیلم سبز در همدان خوب برگزار



آخرین بازمانده از نسل نقاشان قهوه‌خانه‌ای

است که درویش باید به خواندن آن وارد باشد. الان همه حرکات امام حسین (ع) در ذهن من حک شده است. یک پرده حدوداً بین ۸۰ تا ۱۰۰ صحنه است. پرده من را به روستاها و چادرنشینان می‌برند و در آنجا پرده خوانان واقعه کربلا را همانند یک فیلم تلویزیونی با بیان خاص می‌خوانند. وی ادامه می‌دهد: در جاهایی این پرده خوانی انجام می‌شود که سواد وجود ندارد. درویش با این پرده خوانی اسلام را به مخاطبان تبلیغ می‌کند. پرده خوانی تأثیر موثرتری دارد، چون بر روی پرده واقعیت‌ها ملموس‌تر نشان داده شده و با زبان تصویر بیان می‌شود.

اژدر تأکید می‌کند: از مسئولان می‌خواهم به من یک کارگاه بدهند. بعد از این همه سال فعالیت می‌خواهم کارگاهی داشته باشم که وقتی دو پرده در این کارگاه نصب می‌کنم، جا بگیرد. متأسفانه در این استان یک کارگاه برای آموزش و ادامه فعالیت هنری ام به من نداده‌اند.

از اژدر حمایت می‌کنیم

در این میان مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان از کمک به «اژدر» خبر داد و گفت: این اداره کل طی سال‌های اخیر برای تداوم فعالیت‌های استاد محمودی «اژدر» کمک‌هایی در قالب برنامه ریزی برای حضور وی در برخی نمایشگاه‌ها کرده است.

یحیی رحمتی با تأکید بر اینکه کمک به هنرمندان صنایع دستی و تداوم فعالیت‌های آنها از مهم‌ترین برنامه‌های اداره کل میراث فرهنگی است، افزود: یکی از اهداف مهم سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی جلوگیری از منسوخ شدن صنایع دستی و هنرهای سنتی است، که در این راستا دوره‌های آموزشی این هنر توسط پژوهشکده میراث فرهنگی در تهران انجام می‌شود.

در گذشته قهوه‌خانه‌ها به شیوه چند رسانه‌ای مردم را جذب و آن‌ها را سرگرم می‌کردند. شخصی که به آن نقاش گفته می‌شد به قهوه‌خانه می‌آمد و صحنه‌ها و چهره‌های وقایع مهم تاریخی و حماسی از جمله واقعه کربلا را ترسیم می‌کرد. سپس نقال از روی همان نقش‌ها با علم بر مقاتل و یا کتب حماسی به روایت داستان خود می‌پرداخت. این کار هم به گردهمایی مردم و هم به ماندگاری آثار سنتی، ملی، آیینی و مذهبی ما کمک می‌کرد.



هنر نمی‌کنند، این در حالی است که علاقه دارم این هنر را آموزش دهم تا از بین نرود اما متأسفانه هیچ‌کس در این زمینه پا پیش نمی‌گذارد. هم‌اکنون کارگاهی دارم که ۲۰ نفر را آموزش می‌دهم و هر سال ۲ پرده همراه با تابلوهایی در ابعاد کوچک با مضامین تاسوعا و عاشورا طراحی می‌کنم.

به گفته اژدر، نقاشی قهوه‌خانه‌ای هنری ذهنی است و از روی مدد نقاشی نمی‌توان به این کار مبادرت کرد. هم‌اکنون در حال مطالعه کتاب نوحه امام حسین (ع) هستم که در این کتاب آمده است: «در میدان، امام حسین (ع) حضرت علی اصغر (ع) را در آغوش دارد و عمر سعد به حرمه دستور می‌دهد که حضرت علی اصغر (ع) را به شهادت برساند» که من این صحنه را مجسم کرده و به تصویر می‌کشم.

وی با بیان اینکه با مردمک چشم، چهره شخصیت‌ها را ترسیم می‌کنم، می‌گوید: چهره امام فقط از روی مردمک چشم تشخیص داده می‌شود. اژدر در مورد وضعیت حال حاضر هنر نقاشی روی پرده می‌گوید: الان بازار این هنر در حدود شش سال است که از طرف ترکیه، نخجوان، آذربایجان خوب است و به عنوان نمونه یک آقای دکتری هست که سالانه چندین مورد سفارش نقاشی بر روی پرده را می‌دهد. اما متأسفانه در ایران جمع شده است.

در زنجان پرده خوان نداریم

این هنرمند پیشکسوت نقاشی قهوه‌خانه‌ای، با بیان اینکه نقالان زیادی در گذشته روایت نقاشی‌های روی پرده‌ها را نقل می‌کردند، می‌گوید: آخرین پرده‌خوان «سلیمان» بود که به رحمت خدا رفت و در حال حاضر در زنجان پرده‌خوان نداریم. اژدر ادامه می‌دهد: پرده‌خوانی هنری

به دنیا آمد و الان هم ۷۷ سال سن دارم. از همان دوران کودکی به نقاشی علاقه داشتم و شروع به طراحی کردم و وقتی به سن ۱۶ سالگی رسیدم، طراحی را تکمیل و شروع به نقاشی روغن بر روی بوم را کردم. همچنین به خود این جرات را دادم تا واقعه عاشورا را در ابعاد ۲ در ۳ متر نقاشی کرده و به یک درویش بفروشم.

وی ادامه می‌دهد: ۷ سال بیشتر نداشتم که به هنر علاقه مند شدم. آن زمان به طراحی و نقاشی علاقه داشتم و با پول تو جیبی مداد و کاغذ می‌خریدم. در ۹ سالگی سر از مسگری در آوردم. شاگرد مسگر شدن برای من دنیای دیگری داشت. محل کارم در نزدیکی میدان امیرکبیر معروف به «تیرچیلر میدانی» بود. ۲ سال در این صنعت کار کردم.

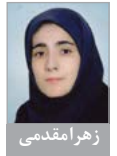
او ادامه می‌دهد: از سال ۱۳۳۸ هنر من نقاشی قهوه‌خانه‌ای است، هر چند هنر قلم‌زنی را نیز کماکان با چند شاگرد ادامه می‌دهم. در حال حاضر نیز این هنر را ادامه می‌دهم ولی اولین پرده را که فروختم، دومین تابلوی من در ابعاد یک متر در دو متر بر روی چادر ماشین بود که برای این کار، شمایل حضرت ابوالفضل (ع) را بر روی اسب انتخاب کردم و آن را هدیه دادم تا در کربلا (مسجد حضرت ابوالفضل) نصب شد و الان هم موجود است.

اژدر می‌گوید: خواهری داشتم که در همان سال بعد از ازدواج به کربلا رفت و هر تابستان به ایران می‌آمد و ۲۰ روز می‌ماند و همان روزها بود که تابلو را دادم تا به کربلا ببرند.

حمایتی از هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای در کشور صورت نمی‌گیرد

وی با بیان اینکه در حال حاضر حمایتی از هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای در کشور صورت نمی‌گیرد، ادامه می‌دهد: الان متأسفانه مسئولان حمایتی از این

اتاقی کوچک با سقفی از چوب که رطوبت به داخلش نفوذ کرده و پیرمردی که همه عشقش را در هنرش متجلی کرده است، آری «اژدر» در اتاقی برای بقای هنرش تلاش می‌کند.



زهرامقدمی

به جرات می‌توان گفت که اژدر، تنها بازمانده هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای است، او روایت‌گر تاریخ هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای در زنجان است، او همچنین اولین کسی است که در استان زنجان فیلم‌سازی کرد و در مسیر تدوین فیلم‌اش از زنجان تا آلمان مرارت‌ها کشید. او از روزهایی می‌گوید که نکاتیوها را از طریق پست به آلمان می‌فرستاد و پس از ماه‌ها و بعد از تدوین برایش ارسال می‌شد.

اژدر از روزهایی می‌گوید که هنر نقاشی روی پرده در اوج بود، و مردم پای هنرش می‌نشستند تا تصاویر نقاشی‌های روی پرده‌ها را نقلان برایشان قلمه‌گویی کنند، هنری که امروز کورسویی از آن مانده و آرام آرام منسوخ می‌شود.

نقاشی قهوه‌خانه شیوه‌ای از نقاشی ایرانی است. نقاشی روایی رنگ روغنی با درون‌مایه‌های رمزی، مذهبی و بزمی است که در اواخر قاجار و اوایل پهلوی هم‌زمان با جنبش مشروطه ایران، اوج گرفت. نمونه‌های قابل توجهی از آثار هنرمندان نقاشی قهوه‌خانه‌ای در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود.

مبداء این هنر، سنت قصه‌خوانی و مرثیه‌سرایی و تعزیه‌خوانی در ایران است که پیشینه آن به سده‌ها پیش از ایجاد قهوه‌خانه‌ها و چای‌خانه‌ها می‌رسد. این نقاشی به دست هنرمندانی مکتب ندیده پدیدار شد. در اواخر دوران قاجار و اوایل پهلوی هم‌زمان با جنبش مشروطه ایران، این هنر ایرانی اوج گرفت. پس از آن در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ خورشیدی، این شیوه مورد توجه هنرمندان مدرنیست ایرانی به ویژه اهالی مکتب سقاخانه قرار گرفت.

حسین محمودی معروف به اژدر سال‌ها است که در اتاق محقر و کوچک‌اش نقاشی می‌کند، روی مس حکاکی می‌کند و بالاخره هنرش را با همه مرارت‌هایی که دارد، عرضه می‌کند. اژدر شاید تنها بازمانده از نسل نقاشان قهوه‌خانه‌ای است که این روزها به جرات می‌توان گفت نسل امروز تصور و تعریفی از این هنر ندارد.

آغاز هنر نقاشی از ۷ سالگی

اژدر در معرفی خودش می‌گوید: من حسین محمودی معروف به اژدر نقاش هستم. در سال ۱۳۱۹ شمسی در زنجان

اعتماد و شادی نیاز کودکان/داستان برای خواباندن کودک نیست



بیستمین جشنواره قصه‌گویی استان اردبیل در حالی به کار خود پایان داد که کودکان قصه‌گو از غفلت‌های تربیتی والدین در لابه‌لای داستان‌های خود گفتند.



ونوس بهنود

کودکان شیفته داستان‌ها هستند. داستان‌های رازآلود، داستان‌های ملموس از وقایع پیرامون، داستان‌هایی که گویای بخشی از اتفاقات و تجربیات روزمره آن‌ها است و داستان‌هایی که تخیل آن‌ها را به جنبش درمی‌آورد.

شاید به سادگی بتوان تصویر علاقه‌مندی کودک به داستان را آنجا که به پدر و مادر اصرار می‌کند تا داستانی برایش خوانده شود تا به خواب آرام برود مشاهده کرد.

امروز کودکان با همه دگردیسی‌هایی که در پیرامون خود می‌بینند، از داستان‌ها نیز انتظارات جدید دارند. هر چند سندیاب، سیندرلا، خاله کفشدوزک، خرس مهربان، پینوکیو، روباه مکار و شنل قرمزی جذابیت داشته باشد اما ذهن کودکان امروزی چیزی فراتر از قصه شب و سرگرمی موقت از داستان‌ها می‌طلبد. انتظاراتی که گاهی غفلت‌های تربیتی والدین را نیز عیان می‌سازد.

کودکان نیازمند اعتماد والدین هستند

نگار سلیمانی نوجوان قصه‌گوی اردبیلی معتقد است داستان‌ها می‌توانند مسیر زندگی آدم‌ها را عوض کنند.

وی محبوب‌ترین کتاب خود را «پرانه‌های لیا سندی ماریس اثر طاهره میبید» و محبوب‌ترین شخصیت داستانی خود را «شازده کوچولو» و «دیو بزرگ مهربان» می‌داند و از اینکه در این کتاب‌ها آدم‌ها بعد از طی سختی به هدف خود رسیده‌اند لذت برده است.

سلیمانی می‌گوید اگر روزی کتابی بنویسد یا داستانی بگوید تمنایش از بزرگ‌ترها این خواهد بود که به بچه‌ها اعتماد کنند و اجازه بدهند بچه‌ها با آزادی

شده نیز مورد نقد قرار می‌گیرند. مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تأکید کرد: هدایت کارگاه‌ها با کمک خود کودکان انجام می‌شود و تمامی تلاش مربیان تربیت خلاقیت و قدرت بیان کودک است.

قوانین زندگی نباید مانع خلاقیت کودک شود

جشنواره قصه‌گویی در هر سالی که سپری می‌کند با رشد فکری کودکانی که از یک سالگی هم رایانه و هم فضای مجازی را می‌شناسند مواجه است.

فاطمه حقی نوجوان اردبیلی که خودش معتقد است کم‌سال‌ترین نویسنده کودک اردبیل محسوب می‌شود آرزو دارد روزی کتابی برای بزرگسالان بنویسد و از آن‌ها درخواست کند که به کودکان مجال زندگی و خلاقیت بدهند.

وی تأکید کرد: هر چند باید قوانین زندگی رعایت شود اما نباید کنج‌کاو کودک را در نطفه خفه کند و کودکان نیازمند راحتی و شادی هستند.

حقی دو کتاب «میل سحرآمیز» و «سرزمین مورچه‌ها» را منتشر کرده و معتقد است کتاب نباید کودک را بخواباند بلکه در مقابل داستان‌ها باید کودک را بیدار کند.

وی که هدف زندگی خود را تحصیل در رشته زبان‌شناسی قرار داده است، افزود: اغلب نویسندگان کودک در کشور افراد ۳۰-۴۰ ساله هستند که از دنیای کودکان فاصله دارند و ما نیازمند نویسندگان جوان و کودکانی هستیم که دغدغه‌ها را مطرح کنند. این قصه‌گوی کوچک نیز معتقد به هدف به جای آرزو است و می‌گوید زمانی که چیزی را آرزو می‌کنید شاید تلاشی برای آن صورت نگیرد اما وقتی هدفی دارید برای دستیابی به آن تلاش می‌کنید.

کتاب جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی در اردبیل بسته شد و شادی‌ها و غصه‌ها از سرنوشت شخصیت‌های داستانی بر چهره کودکان نقش بست. این جشنواره حاوی پیام‌های متعددی از غفلت‌های تربیتی، خلأهای ادبیات کودک و نوجوان و بی‌توجهی به استعدادهای کودکان داشت و آیا تا جشنواره سال آینده دستاوردهای آن مورد توجه قرار خواهد گرفت؟

فکر و عمل بیشتری زندگی کنند. این قصه‌گوی کوچک که سال گذشته در جشنواره بین‌المللی رضوی رتبه نخست را از آن خود کرده، تأکید کرد: از سویی بچه‌ها باید هدف داشته باشند و وقت خود را به بطالت سپری نکنند.

هر چند نگار آرزو دارد جراح مغز و اعصاب شود اما عاشق فعالیت برای بچه‌ها است و می‌خواهد بزرگ‌تر که شد قصه‌گویی به بچه‌ها را ادامه دهد.

به اعتقاد مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان اردبیل جشنواره قصه‌گویی فرصتی برای طرح دغدغه‌ها، آمال، آرزوها و نیازمندی‌های کودکان است.

هاجر جمادیه تصریح کرد: جشنواره قصه‌گویی به بیستمین دوره خود رسیده و امروز این جشنواره بخشی برای کودکان قصه‌گو ترتیب داده تا در لابه‌لای قصه‌های که روایت می‌کنند، قسمتی از دغدغه‌های دنیای کودکان را به زبان بیاورند.

وی افزود: در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کارگاه‌های قصه‌گویی، داستان‌نویسی و نقد داستان تدارک دیده شده و حتی داستان‌های منتشر



آلمانی‌ها اولین غربی‌هایی که حافظ را شناختند



هادی فتحی

بیستم مهر ماه هر سال در تقویم ملی به نام یادروز حافظ ثبت شده است. شاعری که در بسیاری از نقاط جهان شاعران را تحت تأثیر خود قرار داد و در ایران نیز بر شعرای بعد از خود تأثیر گذاشت. یکی از لقب‌های حافظ را لسان‌القیب قرار داده‌اند اینکه این لقب توسط چه کسانی مطرح شده، چیزی است که دکتر اسماعیل آذر استاد ادبیات فارسی آن را بازگو کرد. دکتر اسماعیل آذر به ابعاد فراملی آثار حافظ نیز پرداخت و تشریح کرد که چگونه آلمانی‌ها از او تأثیر گرفتند.

را به عالم بی منتها تعبیر کرده است. نوز کجا می رسد کهنه کجا می رود گورنه و رای نظر عالم بی منتهاست

«آیا حافظ لقب شهید داشته است؟» بله در نسخه گل اندام برای حافظ لقب شهید به کار برده شده است.

«شهید به عنوان لقب در چه معنی آمده است؟» در اثری که خلیفه نیشابوری برای ابوعبدالله حاکم نیشابوری متوفی به سال ۴۰۵ ترجمه و تلخیص می کند اغلب عالمان را «الشاهد» خوانده است مانند ابوبکر الشاهد نیشابوری. به نظر می رسد این لقب را برای فقها، متکلمین یا محدثین به کار رفته است.

«سوال بعدی در ارتباط با تاریخ روزگار حافظ است، اگر بخواهیم از تاریخ روزگار حافظ سخن بگویید ابتدای این تاریخ کجاست؟»

می دانید که آخرین شاه اتابکان فارس آتش خاتون بود، او به ازدواج منکو قالیان یکی از فرزندان هلاکو درآمد. از این به بعد فارس به دست امیران مغول افتاد، یکی از این سلسله‌های مغول را دو برادر بنیاد نهادند یکی امیر شیخ حسن چوپانی بود که آن را امیر شیخ حسن کوچک می نامیدند و دیگری ملک اشرف چوپانی نیمه دوم قرن هشتم که بعد از برادرش به دست ازبکان قیجلی (قزاقستانی) به قتل رسید. پسر حسین پسر عموی شیخ حسن به نیابت از او حکومت را به دست گرفت، مسعود شاه برادر شاه شیخ ابواسحاق را شکست داد، مردم بر او شوریدند و فرار کرد و دوباره مسعود به جای خود بازگشت که البته بعد از این ماجراها باید سراغ خاندان و سلسله اینچو برویم. به نظر حقیر اگر بخواهیم خط زمانی حافظ را مطالعه کنیم باید از روزگار سعدی مطالعات تاریخی را آغاز کنیم که بنده مدخلی در ارتباط با آن را گفتم.

«کدامیک از کشورهای غربی ابتدا با ساحت شناخت حافظ رسیدند؟»

آلمانی‌ها قبل از هر کشور دیگری این افتخار را داشتند که با نام و غزل‌های حافظ آشنا شوند، گوته شخصیتی است که شرق و غرب را با ادبیات بهم گره زد و در ادبیات جهان پایگان بلندی دارد. او در سن ۶۵ سالگی با حافظ آشنا شد و آنس گرفت کتابی پیرامون حافظ به نام «غربی شرقی» تعریف کرد. این کتاب بر مستشرقین شهیری چون امرسون که خود فیلسوف بود و ویکتور هوگو که خود کتابی به تقلید از گوته نوشت به نام شرقیات تأثیر گذاشت البته فردریش رکرتر روح غزل را در آلمان زنده کرد. غیر از گوته شخصیت‌های دیگری چون فون هامر، پورگشال، هردر، پلاتن، هلموت ریتتر، دکتر کرسنوف بورگل بخش‌هایی از غزل‌های حافظ را به زبان آلمان ترجمه کردند.

در میان این افراد کرسنوف بورگل اسلام شناس بود و در دانشگاه برن کرسی شرق شناسی و اسلام شناسی داشت، بعد از آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها و بعد از آن انگلیسی‌ها به ترجمه غزل‌های حافظ پرداختند.

«یعنی اینها همه فارسی می دانستند؟»

بله در فرانسه و برخی کشورهای دیگر، مدرسه السنه شرقی که در فرانسه آن را «سیلوستر دوساسی» اداره می کرد و در این مدارس زبان‌هایی مانند عربی ترکی و فارسی را آموزش می دادند.

«چه کسانی حافظ را لسان‌الغیب می نامند؟» در منابع گوناگونی از حافظ سخن به میان آمده است که او را لسان‌الغیب لقب داده‌اند، حامی متوفی به سال ۸۹۸ در نفحات الانس وقتی از احوال حافظ می نویسد او را لسان‌الغیب نامیده و لقب ترجمان الاسرار را به او داده است. دولت‌شاه سمرقندی نیز در تذکره الشعرا (۸۹۲) حافظ را لسان‌الغیب لقب داده است. شهاب الدین عبدالله مروارید به فرمان ابوالفتح میرزا شاهزاده تیموری نسخ بسیاری را مطالعه کرده و یک نسخه را انتخاب می کند او هم حافظ را لسان‌الغیب نامیده است.

خود حافظ هم می گوید:

بیار باده که دوشم سروش عالم غیب

نوید داد که عام است فیض رحمت او

و یا:

دوش گفتم بکنند لعل لبش چاره من

هاتف غیب ندا داد که آری بکنند البته ما عالم غیب و عالم شهادت داریم که از آنها در قرآن نام برده شده است این دو عالم نام محدود هستند و هر آنچه در عالم شهادت حضور می یابد قبلا در ساحت غیب بوده است. مولوی عالم شهادت

«حافظ از چند واژه بیشتر استفاده می کند از جمله واژه عشق، این عشق از چه وقت در ادبیات و به ویژه در شعر حافظ نقش پیدا کرد، منظور این است که این واژه اولین بار کجا به کار رفت که حافظ و دیگر شعرا وام دار آن شدند؟»

اگر منظور شما کاربرد عشق در غزل‌های حافظ باشد، شاید یکی از کلیدی ترین بیت‌ها به سوال شما نزدیک تر است:

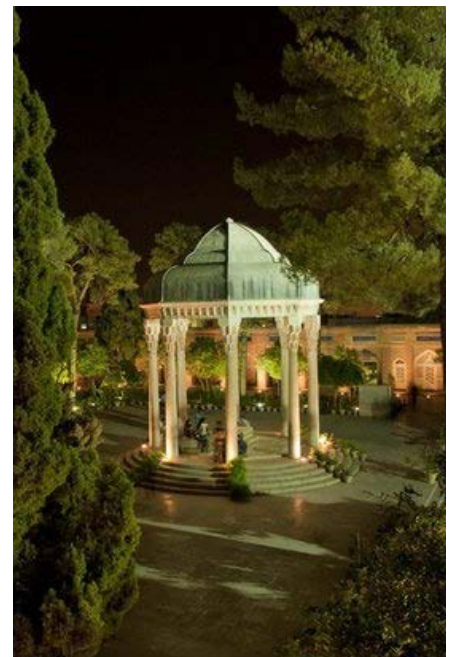
در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد نکته اینجاست که در روز ازل پرتو حسن ذات الهی تجلی می کند، حسن در مفهوم زیبایی ظاهر می گردد، با ظهور زیبایی عشق متولد می شود چون عشق با زیبایی پیوند دارد در کنار عشق به لفظ آتش می رسیم چرا؟ برای اینکه فقط عشق می ماند و هر چه جز عشق گذشتنی است بنا بر این وقتی آن عشق برآمده از حسن تجلی ذات بروز می کند جز ماهیت ذات الهی هر چه را در عالم وجود دارد محو می کند.

مولوی هم توصیه می کند عشق آن زنده گزین کو باقی است وز شراب جانفزایت ساقی است

«حافظ از جان گرمی می گوید، جان گرمی با جانی که گرمی نیست چه تفاوتی دارد؟»

زمان از زمان ارسطو یعنی حضور در یک مکان و شمارش حرکات به دفعات در مورد انجام کاری، از نظر فیزیک دانان غربی آغاز زمان از یک بانگ است، این نظر سودی برای بشر نداشته است، وقتی آغاز یا بیهودگی شکل می گیرد طبعاً پایان هم به بیهودگی می رسیم. از نظر فلسفه اسلامی زمان با «کن» یا فرمان الهی آغاز می شود، از همانجا خداوند با ذریه آدم پیوند برقرار می کند «الست بریکم قالو بلی» از آن زمان انسان موظف می شود فرمان الهی را انجام دهد در اینجا باید تفاوت زمان و وقت را بدانیم، زمان مقید به گذشته، حال و آینده است و حال اگر این تقید برداشته شود، وقت حاصل می شود که با آن وقت مسرمد می گویند وقتی که بقا دارد و فنا نمی شود. در حقیقت جان انسان کامل به بقا متصل است بنا بر این وقتی که بعد جاودانگی دارد همان جان گرمی و جان مقدس است البته اگر آن با نور جمع شود محصولش همان جان گرمی و عشق می شود.



آوای سوگسرو در عزای حسینی / کتل‌هایی که در ماتم ملون می‌شوند



کرمانشاهیان نیز چون دیگر نقاط ایران در عزای سرور و سالار شهیدان با نمادهای آیینی ایرانی و محلی از جمله کتل، پنجه، چمری و نواهای سوگواری (سوگسروها) به عزاداری می‌پردازند.



طیبه قدمی

ایرانیان از دیرباز در مراسم و مناسبت‌های مختلف، آیین‌ها و نمادهایی داشته‌اند که برخی از این آیین‌ها تا به امروز نیز ادامه داشته و اجرا می‌شوند و برخی در گذر زمان و بنا به رخدادهای مختلف دستخوش تغییراتی قرار گرفته‌اند.

از جمله آیین‌های ایرانیان می‌توان به آیین‌های عزاداری آنها در سوگ ائمه اطهار و به ویژه سرور و سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع) اشاره کرد که در هر منطقه با توجه به قومیت، زبان و خوی مردمان آن دیار شکلی ویژه به خود گرفته است.

مردم استان کرمانشاه نیز چون دیگر مناطق ایران در ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان شکلی ویژه از عزاداری را انجام می‌دادند که البته اکنون تغییراتی کرده و بخش‌هایی از این آیین‌ها که با شرعیات دین مقدس همخوانی نداشته است حذف شده‌اند اما برخی از آنها هنوز هم وجود دارد و شاهد اجرای آنها در ایام ماه محرم هستیم.

تاریخچه عزاداری برای امام حسین (ع) به ۳۵۱ هجری قمری برمی‌گردد

اردشیر کشاورز، پژوهشگر و مورخ کرمانشاهی در خصوص آیین‌ها و نمادهای سوگ در استان کرمانشاه به ویژه سوگواری و عزای حسینی گفت: سوگواری برای بزرگواران خاندان عصمت و طهارت معمولاً به صورت عام و از قدیم الایام در بین مردم کشور ما وجود داشته است.

وی افزود: ریشه این مراسمات سوگواری به سال ۳۵۱ هجری قمری برمی‌گردد، که در این سال «امیر معز الدوله دیلمی» روز دهم محرم دستور داد که بغداد یکپارچه سیاه پوش شود و زنان و مردان شیعه به پیروی از آیین‌های باستانی و حماسی که در اشعار حکیم ابوالقاسم فردوسی آمده است، جامعه نیلی یا سیاه بپوشند. زنان نیز به این منظور صورت هایشان را با ناخن می‌خراشیدند و گل بر سر و رو می‌زدند.

آیین‌های سوگ در شاهنامه فردوسی هم به تصویر کشیده شده است

این پژوهشگر کرمانشاهی تصریح کرد: موارد فوق در شاهنامه حکیم فردوسی هم آمده و حتی گیسو کردن زنان نیز در شاهنامه به تصویر کشیده شده است.

وی ادامه داد: مردها هم در آن روزگار در فقدان امام حسین (ع) و یارانشان به بانگ بلند گریه و عزاداری می‌کردند.

کشاورز گفت: یک سری آیین‌های قدیمی نیز وجود داشت که طی آن همه ساله طی ماه محرم، به صورت یکنواخت در مصل‌ها و تکایا و... برگزار می‌شد. وی افزود: در جوامع محلی غرب کشور چون استان کرمانشاه، طی ایام محرم اما نمادهای خاصی معمول و مرسوم بود و همه سال و طی این ماه به کار گرفته می‌شد.

نمایش دسته موهای بریده زنان با قیطان‌های رنگارنگ در عزاداری‌ها به نشان عزاداری برای جوانان

کشاورز گفت: مردم غرب کشور، مضاف بر همه موارد ذکر شده، موی کنده شده یا بریده خانم‌ها، که در سوگواری‌های پیشین کنده یا بریده شده بود را که با نخ‌های قیطانی و رنگارنگ بسته بودند، به صورت دسته دسته روی پارچ‌های روی کتل آویزان می‌کردند.

وی تصریح کرد: این اقدام زنان و مردم کرد و غرب کشور، به نشانه توجیه مرگ نوجوانان و جوانان و در ایام محرم به نشانه سوگواری و عزای سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع) بود.

حرکت دسته‌جات عزاداری از محلات و تکایا به سمت مصلای شهر

این مورخ و نویسنده کرمانشاهی گفت: عزاداران حسینی طی ایام محرم در شهر کرمانشاه از تکیه معاون الملک یا حسینیه معین الرعایا که فضای بسیار وسیع و بازی در حد چند هزار متر بود، حرکت می‌کردند و به عزاداری می‌پرداختند.

وی افزود: هر محله در کرمانشاه دسته زنجیر زن یا سینه زن خودش را داشت که از آن جمله می‌توان به دسته جات محلات فیض آباد، حسینیه معین الرعایا محله برزه دماغ و... اشاره کرد.

کشاورز ادامه داد: دسته جات محلات مختلف کرمانشاه در اشکالی که ذکر شد و با نمادهای عزایی که به همراه داشتند، صبح روز عاشورا حرکت می‌کردند و به سمت مصلی (قبرستان شهر) می‌رفتند.

فریاد «یا محمد» دسته جات و هیئات عزاداری در قبرستان شهر

وی تصریح کرد: این دسته جات، زمانی که به قبرستان شهر نزدیک می‌شدند، یکپارچه فریاد «یا محمد» سر می‌دادند و به سمت قبور درگذشتگان

استفاده از ساز، دهل و کتل در عزاداری‌های مردمان غرب کشور و کرمانشاه

این مورخ و پژوهشگر کرمانشاهی ادامه داد: از جمله این موارد می‌توان به حضور مردمانی همراه باوسایلی چون ساز و دهل و کتل در عزاداری‌های حسینی اشاره کرد.

وی گفت: مردم جوامع محلی غرب کشور و استانهای غربی که کرد و لک هستند، معمولاً از ساز و دهل و کتل در مراسم عزای بزرگان خودشان استفاده می‌کنند.

مردان کرد با نوای «آقامی رو، هی رو» به عزای حسینی می‌پرداختند

استاد کشاورز تصریح کرد: مردم این مناطق در ایام محرم با حضور امواج انسانی بالا، خواندن انواع نوحه‌ها و مرثیه‌ها و بانگ بلند و شیون آسای «حسینم وای حسینم» یا با گویش کردی «آقامی رو، هی رو» که آن را «زارا» می‌گفتند، آنچه را که شرح عاشورای حسینی بود و به اینصورت کاربرد داشت انجام می‌گرفت.

وی دیگر نمادی را که در عزاداری‌های مردم کرمانشاه و غرب کشور به کار برده می‌شود «کتل» عنوان کرد و گفت: «کتل» نماد ذوالجناح (اسب حضرت امام حسین) بود.

آویز کردن «تفنگ نگون فنگ» و پارچه‌های زربافت به کتل

این پژوهشگر کرمانشاهی افزود: مردم کرمانشاه در مراسم عزاداری خود، آسبی را می‌آوردند و البسته مردگان و به ویژه جوانانشان را روی اسب پهن می‌کردند، و پارچه‌های الوان، رنگارنگ و زربافت نیز به آن آویز می‌کردند.

وی ادامه داد: همچنین در کنار موارد بالا، «تفنگ نگون فنگ» را آویز می‌کردند. لوله این تفنگ میل به زمین داشت که نشانه عزای سوگ بود.



وی افزود: از همین روست که ما ایرانیان، «مینویان یا فرشتگان یا بافندگان آسمان» را سبزهپوش می دانیم. همچنان از همین روست که مردان و زنان سپید، که تبار به پیشوایان دین می رسانند یا جامعه سبز می پوشند، یا نشانه ای سبز را بر جامعه خود می دوزند. این چهره ماندگار کشور خاطر نشان کرد: همچنان، در یکی از باژها (دعاها) ی ما ایرانیان آن است که برای کسانی که دوستشان می داریم «سرسبز» آرزو می کنیم. یا دلبندی را که از ما دور شده است و به سفر رفته است. می گوئیم که «جای تو سبز است» یا جای تو سبز باد.

وی تصریح کرد: این سخن به راستی بدان معنی است که «اگر تو به تن کنار ما نیستی در دل ما جای داری». همچنان ما تو را در کنار خویش می دانیم و می شماریم.

پیوند نماد پنجه با خورشید

کزازی نماد دیگر آیین های سوگ را «پنجه» دانست و گفت: نمادی دیگر که در آیین های سوگ همچنان در ژرفاهای تاریخ ایران و هزاره های پیشین برجای مانده است نشانه یا ابزاری است دیگر در آیین ها که آوندی (ظرفی) است که همچنان از فلز به رنگ زرد که پنجه ای از میان آن رسته است.

این پژوهشگر برجسته با بیان اینکه، رنگ زرد را، ما هم در آن سروهای نمادین می بینیم و هم در این نماد دیگر، گفت: می توان بر آن بود که این رنگ، پیوند این نمادها را با خورشید آشکار می دارد. به ویژه در این «بدان». آن پنجه نماد پر توهای خورشید است. یا آنچنان که در افسانه های ایرانی بارها به کار برده شده، «پنجه آفتاب» است.

وی افزود: در داستان های کهن هنگامی که می خواهند، «دلارامی»، «دل آرا» را به زیبای بستاید، می گویند: «رویی داشت که مانند پنجه آفتاب می درخشید». این «پنجه» نماد پر توهای خورشید است. در آیین های سوگ با این آوند (ظرف آب) به سوگواران آب می نوشانیدند. نمادهای دیگری نیز وجود دارد اما این دو نماد برجسته ترین نمادهای سوگ هستند.

سوگسرودها از نمادهای کهن ایرانی در عزاداری ها

وی یکی دیگر از نمادهای سوگ در ایران را سرودهای سوگ بر شمرده و گفت: یکی دیگر از ویژگی ها و رسم و راه های آیین سوگ در ایران که هنوز نیز روایی و کاربرد دارد و در آیین سوگ حسینی هم با برجستگی و نمود بسیار دیده می شود، سردادن سرودهای سوگ است.

وی با بیان اینکه، از این روی آیین سوگ هم مانند آیین سسور، پیشینه ای دیرینه در ایران دارد، گفت: در روزگاران گوناگون، این آیین ها، کما بیش، بی هیچ دگرگونی برجای مانده اند. آن دگرگونی هم که گاهی رخ داده است، به رویه و پوسته این آیین ها بر می گردد. کزازی خاطر نشان کرد: در آیین و سوگ سالار شهیدان، که هنوز در سراسر ایران برگزار می شود، ما نشانه ها و نمادهایی باستانی را آشکارا می توانیم دید. من تنها به چند نمونه آن بسنده می کنم.

کتل از نمادهای سوگ در ایران

وی یکی از نمادهای سوگ در ایران، را «کتل» دانست و گفت: یکی از نمادهای سوگ در ایران، آن است که در کرمانشاه «کتل» نامیده می شود. این نماد، چندین شاخه دارد که شاخه میانی بلند تر از شاخه هایی است که در دو سوی آن برآمده اند. این پژوهشگر برجسته و چهره ماندگار کشور تصریح کرد: این شاخه ها از فلز ساخته می شود، بر پایه چوبین جا دارد که آن پایه را با شال ترمه بیشتر از رنگ سبز - می پوشانند.

وی افزود: آن نماد باستانی در شاخه ها بیشتر دیده می شود. این شاخه ها نشانه رازورانه ای سرواند.

«سرو» در ایران از کهن ترین روزگاران، کارکردی نمادی و آیینی داشته است. نماد خرمی و شکفتگی و سبزی جاودانه است. در پی آن نماد زندگانی جاوید است زیرا که سرو درختی است که در پژمردگی های خزان نیز همچنان شاداب و سبز می ماند.

استاد کزازی با بیان اینکه بی گمان شما هم می دانید که سرو زرتشت آوازه بلند یافته است، گفت: سروی که بر پایه تراداد (سنت) این پیامبر باستانی ایرانی خود با دست خویش آن را در نشانده است.

این استاد کرمانشاهی و چهره برجسته کشور گفت: در شاهنامه نیز سخن از سروی رفته است که «گشتاسب»، نخستین پادشاهی که به آیین زرتشت گروید، آن را در آستانه کاخی بلند که پی افکنده بود، می کرد.

وی افزود: بیهوده نیست که بالای بلند و به آیین یار را، سخنوران ایرانی به سرو مانند می کنند. این ماندگاری پیشینه تاریخی و باورشناختی نیز دارد.

سبزی نشانه هستی پیراسته از نابودی است

کزازی گفت: از سوی دیگر، آنچنان که پیشتر گفته شد، پوشش «کتل» را می کوشند که از «ترمه سبز» برگزینند. سبزی خود در نمادشناسی ایرانی، نشانه شکفتگی همواره و هستی پیراسته از نابودی و فرجام است.

می رفتند.

این پژوهشگر کرمانشاهی گفت: هیئات و دستجات عزاداری در محل مصلی به عزاداری پرشوری همراه با شیون و فریاد امام حسین (ع) و یارانشان برگزار می کردند و پس از پایان عزاداری به نقطه اول چون حسینیه، تکیه یا مسجد که عزاداری در آنجا آغاز شده بود، برمی گشتند و از غذای طبخ شده و نذورات آماده شده می خوردند.

وی افزود: مردم استان کرمانشاه پس از پایان عزاداری ظهر عاشورا به منازل خود باز می گشتند اما دوباره همان شب، خود را برای شام غریبان آماده می کردند و در مزار درگذشتگان، تکایا و مساجد همراه با نوحه سرایی چراغ و شمع روشن می کردند.

تغییر برخی نمادها و آیین های عزاداری به دلیل عدم مطابقت با نمادهای شرعی آن

کشاورز گفت: به تدریج چون نمادهای شرعی در این مراسم ها کم رنگ می شد، آرام آرام تغییراتی کرد، تا اینکه امروزه می بینیم به شکلی نوتر و با نمادهای شرعی برگزار می شود.

وی تاکید کرد: عزاداری های ایام محرم حرکت های احساسی خود انگیزه ای است که هیچ حاکمیت و دولتی در آن تاثیر ندارد و با برنامه ریزی خاصی از سوی حاکمان همراه نیست.

این پژوهشگر کرمانشاهی خاطر نشان کرد: از روز اول و شب اول محرم، این حرکت های احساسی، جوششی خود انگیزه از قلب و نیت و روح مردمان ایران اسلامی سرچشمه می گیرد و به صورت بسیار باز و بالایی تا عاشورا و سوم امام حسین (ع) ادامه دارد و بسیار خودجوش، احساسی و انگیزه از احساس و حسی است که در قلوب مردم جامعه ما، این دیار و کشورمان نسبت به ائمه اطهار و امام حسین (ع) وجود دارد.

کتل و پنجه از نمادهای سوگ ایرانیان در عزای حسینی

استاد میرجلال الدین کزازی در خصوص نمادهای سوگواران در ایران و استان کرمانشاه گفت: از جمله نمادهای سوگ می توان به «کتل» و «پنجه» اشاره کرد. وی افزود: در ایران از نگاهی بسیار فراخ، جشن ها و آیینی های فرهنگی را می توان به دو گونه و گروه بخش کرد. یکی آیین ها و جشن های سور است و دیگری جشن ها و آیین های سوگ.

این پژوهشگر برجسته و چهره ماندگار کشور تصریح کرد: ایرانیان هم شادمانی را بدین شیوه ارج می نهند به نمود می آورده اند، پدیده ای فرهنگی، هنری، نمایشی از آن می ساخته اند هم سوگ را.



پهلوان بزرگ، رستم دستان، می موبیده اند. این استاد برجسته و چهره ماندگار کشور تصریح کرد: در میان این مویه ها، مویه ی زال بر فرزند برومند و بالابندش، جانگزی تر و اندوهزای تر و دردافزایتر بوده است. از همان روی، آن سرود و آواز مویه ی زال نام گرفته است. کزازی در پایان گفت: روزهای سوگ را به یکایک ایرانیان، که دل در گرو مهر خاندان (خانواده پیغمبر) دارند، دم مباد می گویم.

مردم استان کرمانشاه از دیرباز به اهل بیت (ع) دلدادگی دارند

منصور خدامرادی، یکی از شهروندان کهنسال کرمانشاهی که حدود ۸۰ سال سن دارد، در خصوص آیین های سوگواری مردم این استان به ویژه در عزای سرور و سالار شهیدان گفت: مردم کرمانشاه و غرب کشور، مردانی خونگرم با قلبی پر از محبت به اهل بیت (ع) هستند و این دلدادگی را در طی سالیان میزبانی از زائران کربلا به اثبات رسانده اند.

وی افزود: مردم استان کرمانشاه در عزاداری های خود چون دیگر مردم نواحی مختلف ایران آداب و رسومی دارند که آنها را از سایر نقاط تفکیک می کند.

استفاده از نوا «چمیری» در عزاداریهای کرمانشاهیان برای امام حسین (ع)

این شهروند کرمانشاهی تصریح کرد: مردم این مناطق در عزاداری های خود به ویژه عزاداری جوانان از یک دستگاه موسیقی بسیار سنتی و تاثیر گذار به نام «چمیری» استفاده می کردند و زمانی که چمیری نوازان بر دهل می کوبیدند و در سورنا می دمیدند، همزمان زنان و مردان کرد نیز علاوه بر هم نواپی با استفاده از نواهای بومی و محلی صورت های خود را می خراشیدند و بر سر سینه می کوبیدند.

وی تاثیر گذاری این شکل عزاداری مردم کرد را در تماشگران این واقعه بسیار زیاد دانست و گفت: این شکل عزاداری به حدی اثرگذار است که گویی حاضرین در مراسم، قیامتی را تجربه می کنند.

عزاداری کرمانشاهیان برای امام حسین (ع) و یارانشان چون عزاداری برای جوانانشان است

خدامرادی ادامه داد: مردم غرب کشور و استان کرمانشاه در عزای سرور و سالار شهیدان و یاران و اهل بیت ایشان نیز این شکل از عزاداری را به نمایش می گذارند و عزاداریشان برای این بزرگواران بسیار به عزاداری برای جوانانشان شباهت دارد.

وی گفت: زنان و مردان کرد، در عزای محرم و امام حسین (ع) درست مانند عزاداری برای فرزندان جوانشان سرتا پای خود را گل گرفته و نواهای حزن انگیز عزا که به اصطلاح محلی «مور» می گویند، سر می دهند.

این شهروند کرمانشاهی، کندن مو و بریدن آن، خراشیدن صورت، پوشیدن جامه سیاه عزا و گل و خاک بر سر و صورت مالیدن و پاشیدن را از جمله اشکال مختلف عزاداری در بین این مردمان دانست.

این پژوهشگر برجسته افزود: در این سرودهای سوگ از دیدگاه های گوناگون رخدادی که مایه ی سوگ و اندوه است، بازتاب می یابد.

ویژگی های سوگسروده ها

وی در خصوص ویژگی های این سروده ها گفت: ویژگی این سوگسرودها این است که هم به شیوه تک خوانی و هم به شیوه گروهی و هم آوایی انجام می گیرد. استاد کزازی تصریح کرد: سوگ خوان برتر، آن سرود را به تنهایی بر زبان می آورد و دیگران هم آوا آن را باز می سرایند.

وی ادامه داد: این رسم و راه خواندن سرودهای سوگ به این شیوه آنچنان که گفته شد، پیشینه ای کهن در ایران زمین داشته است. این چهره ماندگار کشور تصریح کرد: برای نمونه صدها سال پیش در آیین سوگ سیاوش، سوگسرایان در بخارا به همین شیوه بر مرگ درد انگیز و دریغ آمیز «سیاوش» می موبیدند.

اهل بخارا بر کشتن سیاوش با سوگسرود می موبیدند

وی گفت: در کتاب تاریخ بخارا که تاریخی گرانسنگ و دراز دامان بوده است که ابوبکر محمد جعفر نرشخی، آن را در سده سومین هجری نوشته بوده است و ابونصر قبادی آن را به پارسی برگردانیده است، محمد بن زوفریں عمر آن را فرو فشرده است و کوتاه کرده است. آمده است که: «اهل بخارا را بر کشتن سیاوش، سرودهای عجب است و مطربان آن سرودها را کین سیاوش گویند». استاد کزازی افزود: محمدبن جعفر گوید که، از این تاریخ سه هزار سال است. در این نوشته سخن از این رسم و راه در آیین های سوگ ایرانی رفته است.

«کین سیاوش» از سوگسرودهای سی گانه «باربد» بوده است

وی خاطر نشان کرد: این سوگ سرود با نام «کین سیاوش» یکی از آهنگ ها یا لحن های سی گانه «باربد» آهنگساز و خنیا دان نامبردار ایران در روزگار ساسانی بوده است.

این استاد زبان و ادب پارسی افزود: تاریخ نگار و ایران شناس روس «دیاکونوف» به ایران شناس آمریکایی «ریچارد فرای» گفته بوده است، که سوگ سرایانی تا چندی پیش، بوده اند که «کین سیاوش» را بر زبان می آورده اند.

وی ادامه داد: این سوگسرود، به خنیا ی فراگیر ایرانی راه جسته است و یکی از آن سی آهنگ و آواز شده است که نام آنها در آبخورهای پهلوی و پارسی، برجای مانده است.

«کین سیاوش» را می توان با خنیا ی ایرانی «مویه ی زال» سنجید

استاد کزازی گفت: کین سیاوش را می توان با آهنگی دیگر در خنیا ی ایرانی سنجید که آن هم خاستگاهی سوگینه داشته است و «مویه ی زال» نامیده می شود.

وی افزود: مویه ی زال هم مانند کین سیاوش از آیینی در سوگ می باید بر جای مانده باشد که در آن بر مرگ اندوهبار و جان خراش



پای افزاری به قدمت ۸ قرن در کردستان / «کلاش» دیگر تنها کفش مردان نیست



چنور صادقی

ساخت کلاش در کردستان قدمتی نزدیک به هشت قرن دارد و طی این سال ها هنوز طرح اولیه آن بین مردم مناطق کردنشین داخل و خارج از کشور طرفداران زیادی دارد و بتازگی نوع زنانه آن هم تولید شده است.



۲۶ تیرماه امسال ارزیابان شورای جهانی صنایع دستی در شهرستان مریوان به منظور بررسی وضعیت تولید کلاش در راستای ثبت جهانی مریوان به عنوان شهر کلاش حضور پیدا کردند و دو ماه پس از بازدید این بازرسان خبر ثبت جهانی شدن مریوان به عنوان شهر جهانی کلاش اعلام و منتشر شد.

ثبت جهانی مریوان به عنوان شهر کلاش مستلزم داشتن مولفه ها و شرایط و زیرساخت های مختلفی بود که از جمله آنها می توان به وجود میدان و خیابانی به نام کلاش، وجود المان هایی از این نوع کفش در سطح شهر اشاره کرد که این موارد در مریوان به خوبی انجام شده است.

از دیگر موارد حائز اهمیت برای بازرسان شورای جهانی صنایع دستی در ثبت جهانی شهرهای متقاضی جهانی شدن دکوراسیون و طراحی اتاق شهرداران که بالاترین مقام شهرها هستند، است که در ایران به دلیل اینکه فرمانداران بالاترین مقام اجرایی در شهرها هستند محل و اتاق کار او باید مزین به المان ها و نشانه هایی از صنعت دستی شاخص جهانی شدن، باشد.

حال و هوای و منظر شهری مریوان با این ثبت جهانی نسبت به سال های گذشته تغییراتی کرده است و در هر کوی و برزن و خیابان و محله ای نشانه ای از کلاش را می توان دید.

وجود ۵۰ باب مغازه کلاش فروشی در خیابان کلاش مریوان

خیابانی که به نام کلاش نامگذاری شده اکنون دارای حدودا ۵۰ باب مغازه کلاش فروشی است که روزانه پذیرای تعداد زیادی از خریداران از اقصی نقاط کشور و حتی خارج از کشور است.

البته مغازه های کلاش فروشی محدود به این خیابان نیست و در سطح بازار و مجتمع های تجاری سطح شهر مریوان هم مغازه هایی هستند که در کنار دیگر محصولات خود اقدام به فروش کلاش هم می کنند.

بیشترین تولید کلاش مربوط به شهر مریوان و محله جوجه سازی در شهر کانی دینار است و روستاهایی از شهر مریوان هستند که هر کدام سازنده بهترین قسمت این کفش اند و از این لحاظ شناخته شده اند به عنوان نمونه روستای ناو و هجیج بهترین بافت (رویه) کلاش و روستای دل معروف به ساخت بهترین زیره کلاش هستند.

شهر مریوان دارای بیشترین تعداد بافنده کلاش است و با گشتی در کوچه و محله های این شهر به وضوح می توان این را مشاهده کرد، زنان و دختران این دیار اوقات فراغت خود را به بافت کلاش اختصاص می دهند و اکثر آنها هم عصرها و جلوی درب خانه های خود به همراه دوستان و همسایه هایشان

دیگری اقدام به تولید کلاش کردیم ولی زیاد مورد پسند مردم قرار نگرفت. کلاش، کفشی سبک، خنک، مقاوم و انعطاف پذیر و مخصوص دو فصل بهار و تابستان است و تنها کفشی است در دنیا که چپ و راست ندارد.

برای نخستین بار کلاش زنانه هم تولید شد

در گذشته این نوع کفش تنها ویژه مردان بود و برای آنها ساخته می شد ولی مدتی است برخی از تولیدکنندگان مریوانی با طراحی ویژه ای اقدام به ساخت کلاش زنانه هم کردند البته به دلیل اینکه در منطقه کردستان فعلا زیاد طرفدار ندارد در صورت سفارش زنان با هر رنگ و مدلی اقدام به تولید آن می کنند.

درخشان اختر زن ۳۰ ساله مریوانی، که ۱۱ سال است در زمینه تولید رویه کلاش مشغول به فعالیت است، گفت: در کنار خانه داری روزانه دو یا سه ساعت از وقت خود را به بافتن رویه کلاش اختصاص می دهم.

وی عنوان کرد: برای من بافت رویه یک جفت کلاش در کنار سایر کارهای روزانه ای که انجام می دهم، دو روز وقت می برد.

وی از درآمدی که از ساخت کلاش بدست می آورد، ابراز رضایت کرد و اظهار داشت: چون این کار را در خانه انجام می دهم و در کنار آن به دیگر کارهای خود هم می رسم مبلغی که در ازای بافت کلاش به من داده می شود.

۹۰ درصد صادرات تولیدکنندگان کلاش به اقلیم کردستان عراق

یکی از صادرکنندگان کلاش در مریوان با اشاره به اینکه ۱۰، ۱۵ سال است در زمینه صادرات کلاش فعالیت می کند، گفت: در حال حاضر هزار نفر

مشغول به بافت رویه کلاش می شوند. قدمت ساخت کلاش در کردستان به ۸۰۰ سال پیش بر می گردد و نمونه کلاش پیرشالیار که در مردق این عالم بزرگوار در هورامان وجود دارد، گویای این قدمت و تاریخ کهن تولید این نوع کفش است.

همبستگی زن و مرد گرد در ساخت کلاش

مادح مکی یکی از تولیدکنندگان و فروشندگان کلاش که مغازه ای در این خیابان دارد و خود مدیرعامل تعاونی کلاش بافی مریوان هم هست، گفت: ۱۵ سال است که در رشته کلاش مشغول به فعالیت هستم و هم اکنون ۱۷۰ نفر بافنده در این واحد تولیدی مشغول به کار کردم.

وی با اشاره به اینکه کلاش در سه مرحله تولید می شود، بیان کرد: زیره کلاش در کارگاه و توسط مردان تولید می شود چراکه ساخت این قسمت از کلاش نیاز به قدرت بدنی دارد.

وی ادامه داد: رویه کلاش چون به ظریف کاری بیشتری نیاز دارد همواره توسط بانوان تولید می شود.

این تولیدکننده کلاش با اشاره به اینکه هر جفت کلاش توسط چهار نفر دو نفر مرد و دو نفر زن تولید می شود، اظهار داشت: همبستگی زن و مرد در منطقه کردستان را می توان به خوبی در ساخت این نوع از کفش مشاهده کرد.

مکی ادامه داد: جنس زیره کلاش از پارچه که در آن از پوست گاو و موی بز هم استفاده شده، ساخته می شود براساس بررسی های که انجام شده این قسمت از پوست گاو که در ساخت کلاش استفاده می شود بو گیر و بسیار مقاوم و محکم است.

وی با بیان اینکه طرح اولیه کلاش هنوز بین مردم بیشترین طرفدار دارد، افزود: با طرح ها و رنگ های



بافنده کلاش برای واحد تولیدی ما کار می کنند که از این تعداد ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر آنها مرد و مابقی زن هستند.

شاهو قادری نیا بیان کرد: سال گذشته ۲۰ هزار جفت کلاش را به خارج و داخل کشور صادر کردیم که از این تعداد ۹۰ درصد آن به اقلیم کردستان عراق صادر شده است.

وی اظهارداشت: صادرات داخل کشور بیشتر مربوط به استان های کردنشین است البته به استان های اصفهان و اهواز هم صادرات داشتیم و آنها هم از کلاش استقبال کردند.

وی با اشاره به اینکه در صورت بسته شدن مرزهای ایران و عراق متاسفانه بیشتر بافندگان ما بیکار می شوند، افزود: صادرات داخل کشور را با ۲۰ نفر بافنده می توانیم انجام دهیم.

تهیه و تدوین جزوه آموزش ساخت کلاش

خانواده خسی که چهارنسل آنها در زمینه تولید کلاش هم اکنون در حال فعالیت هستند، خالد خسی بزرگ خانواده با ۹۰ سال سن هنوز هم در

مغازه مشغول به کار است و از محدود مردانی است که در زمینه تولید روبه کلاش کار می کند.

مولود فرزند، لایق نوه و آروین خسی نتیجه خالد خسی هستند، آروین ۱۰ ساله است و روزهای تعطیل و فراغت خود را در مغازه با کمک به خانواده اش در تولید کلاش سپری می کند.

لایق خسی گفت: علاوه بر پدر بزرگ، پدر و پسر، مادر، خواهران و همسر هم در زمینه تولید کلاش کار می کنند.

وی بیان کرد: خانواده ما تمامی مراحل تولید کلاش را می دانند و آن را به افراد دیگر هم آموزش داده و می دهند.

وی اظهارداشت: در تولید مواد اولیه کلاش از هیچ ماده شیمیایی استفاده نمی شود به همین دلیل می توان گفت کلاش تنها کفشی قابل تجزیه در محیط است.

این تولید کننده کلاش ادامه داد: برای نخستین بار اقدام به تهیه و تدوین جزوه نحوه ساخت و تولید کلاش کردیم و آن را در اختیار متقاضیان و علاقمندان به تولید این نوع از کفش قرار داده ایم.

خسی با اشاره به اینکه مواد مورد استفاده در ساخت کلاش شامل پارچه، نخ، میخ، موی بز و پوست گاو است، گفت: در حال حاضر در مریوان سه کارگاه نخ رسی ایجاد شده که نخ های یک لا را در قالب ۲۷،۲۱ و ۲۸ لا که برای ساخت روبه کلاش کاربرد دارد، در می آورد.

وی با اشاره به اینکه زیره کلاش در رنگ های مختلف تولید می شود، بیان کرد: بیشتر کردهای سنج طرفدار رنگ های قرمز و سفید، در اقلیم کردستان عراق آبی و قرمز و مریوانی ها هم طرفدار رنگ آبی برای زیره کلاش هستند و ما هم متناسب با خواست و علاقه مردم اقدام به تولید می کنیم.

بعد از ماه محرم الحرام قرار است جشن جهانی شدن مریوان به عنوان شهر کلاش با حضور نمایندگان از پنج قاره، مسئولان ارشد کشوری و استانی در مریوان برگزار شود.



جوان ترین مرکز استان کشور سینما ندارد؛ نسخه‌هایی که افاقه نکرد

در استان بود و کار به انعقاد تفاهم‌نامه هم رسید. به طوری که ساخت این مجتمع‌ها بر عهده استان و تجهیز و راهاندازی آنان نیز بر عهده معاونت سینمایی باشد. اما این وعده هم همچون دیگر وعده‌ها بر زمین ماند.

در این چند سال گاهی به جای درمان، مسکن‌هایی هم داده شد اما تاکنون جوابگو نبوده است. از آن جمله سالن آملی تئاتر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اقدام به اکران برخی فیلم‌های روز می‌کند اما قرار داشتن در یک مجموعه اداری و اختصاصی نبودن این سالن برای سینما (به طوری که در آن از جلسات تودیع و معارفه تا همایش‌ها و از اجرای نمایش تا کنسرت موسیقی برگزار می‌شود) باعث شده هنوز نتواند در منظر عموم به‌عنوان یک سالن با کارکرد سینمایی حرفه‌ای شناخته شود.

همچنین بسیج استان اقدام به پخش فیلم در یکی از سالن‌های خود و نام‌گذاری آن به نام سینما انقلاب کرده اما این هم نتوانسته خلأ سینما در شهر یاسوج را پر کند.

باین حال شهر یاسوج روزبه‌روز بزرگ‌تر و بر جمعیتش افزوده می‌شود اما به این میزان امکان فرهنگی و تفریحی آن رشد نکرده و نمی‌کند. اگر در دهه ۵۰ تنها یک سالن سینما برای جمعیت ۱۵ هزار نفری این شهر کافی بود، امروزه جمعیت جوان این شهر به مکان‌های فرهنگی، هنری و تفریحی بیشتری نیاز دارند.

آوار شد و تنها زمینی خالی از آن باقی ماند تا به گفته مسئولان وقت شورا و شهرداری، در این زمین سینمایی مدرن در پنج طبقه ساخته شود.

اما سالی از پی سال دیگر گذشت و شورایی از پس شورایی و شهرداری از پس شهرداری دیگر آمدند و وعده‌ها دادند و سینمایی ساخته نشد.

شهر یاسوج در این یک دهه سه شهردار عوض کرد و جوانانش رنگ سینما ندیدند و تنها یادگاری آن سینما خیابانی است که هنوز هم مردم آن را سینما می‌نامند.

آخرین وعده داده شده، ساخت مجتمعی فرهنگی و هنری و تجاری در هفت طبقه در زمین به‌جامانده از سینما دنای یاسوج بود که با جذب سرمایه‌گذار جدید و مشارکت شهرداری یاسوج، کلنگ احداث آن در هفته دولت سال ۹۴ به زمین زده شد و قرار بود ظرف سه سال به پایان برسد اما به نظر می‌رسد اگرچه این پروژه در دست احداث است اما جوانان یاسوجی به این زودی‌ها نباید منتظر اتمام آن باشند.

وعده‌هایی که عمل نشد؛ نسخه‌هایی که افاقه نکرد

در این یک دهه تنها شهرداران و اعضای شورای شهر نبودند که وعده ساخت سینما دادند. درسفرهای چندباره مسئولین فرهنگی و سینمایی کشور خرمن خرمن وعده‌ها داده شد و دفتر دفتر نسخه‌ها پیچیدند اما هیچ‌کدام محقق نشد و افاقه نکرد.

یکی از این وعده‌ها ساخت ۱۰ مجتمع سینمایی

شهر یاسوج با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر پس از یک دهه از داشتن سینما بی‌بهره بوده و این در حالی است که بیشترین جمعیت جوان را در بین شهرهای کشور دارد.



یوسف امید

بر خلاف جوانان دهه ۵۰ و ۶۰، متولدین دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در یاسوج هیچ تصویری از سینما ندارند. زمانی که آن‌ها دوره کودکی و نوجوانی خود را طی می‌کردند، تنها سینمای شهر یاسوج تخریب شد تا سینمایی مدرن به جای آن ساخته شود اما هنوز خبری از این سینما نیست.

سینمای شهر یاسوج که «دنا» نام داشت در دهه ۵۰ متولد شد و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در اوج توجه بود به طوری که برای دیدن فیلم‌های آن صف‌های تماشاگران گاهی تا خیابان‌های اطراف ادامه می‌یافت. اما این سینما به یکباره و به دلیل ضعف مدیریت و سیاست‌های غلط سینمایی از اوج به زیر آمد و این تنها مکان تفریحی جوانان شهر یاسوج کم‌کم از رونق افتاد و چند سالی تار عنکبوت بر پرده‌های آن اکران می‌شد و صدای جیرجیر کها در سکوت سرد آن می‌پیچید.

عصر گرم مرداد روزی در سال ۸۶ شهرداری یاسوج به‌عنوان متولی این سینما تصمیم گرفت به دلیل فرسودگی، این سینما را به دست بیل و کلنگ بسپارد، و این‌گونه بود که ساختمان سینما دنای یاسوج



توسعه سینماهاست.

وی با ابراز نگرانی از کمبود اماکن فرهنگی در شهر یاسوج و نبود سینما در این شهر، تصریح می‌کند: شهر یاسوج از نظر سرانه فضای فرهنگی و هنری یکی از محروم‌ترین شهرهای کشور است.

اسلامی می‌گوید: به نسبت رشد جمعیت و جمعیت جوان این شهر شاهد رشد اماکن فرهنگی و هنری نبوده‌ایم و این شاید یکی از دلایل رشد بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در این شهر باشد.

وی همچنین در خصوص نیاز شهر به سینما می‌گوید: وجود سینما و دیگر اماکن فرهنگی یکی از شاخصه‌های رشد و توسعه فرهنگی هر جامعه‌ای است که یاسوج در این زمینه حتی از بسیاری از شهرهای کوچک استان‌های دیگر عقب‌مانده‌تر است.

رئیس حوزه هنری استان می‌گوید: یکی از برنامه‌های مهم حوزه هنری کشور توسعه و احداث سالن‌های سینما در شهرهایی است که از داشتن سینما محروم هستند و در صورت همکاری مسئولان استانی این مهم می‌تواند در استان و شهر یاسوج نیز اجرایی شود.

اسلامی می‌افزاید: موسسه بهمن سبز وابسته به حوزه هنری از اصلی‌ترین متولیان صنعت سینما در کشور است که طی سال‌های اخیر اقدامات بسیاری خوبی در زمینه توسعه سالن‌های سینما در کشور انجام داده و در صورت اختصاص زمین و حمایت مسئولان استان، شهر یاسوج نیز می‌تواند صاحب سینما و یا پردیس سینمایی شود.

بنابراین گزارش، وجود اماکن فرهنگی و هنری نیاز هر جامعه‌ای است تا شهروندان آن جامعه بتوانند در آن فضا به رشد و پرورش استعدادها و توانمندی‌های فرهنگی خود بپردازند. ایجاد این بسترها یکی از مهم‌ترین وظایف مسئولان استانی و شهری است.

اعضای جدید شورای شهر یاسوج به‌طور رسمی آغاز به کار کرده‌اند و حالا همه چشم‌ها به شورای پنجم است که آیا می‌تواند معضلات فرهنگی شهری را که به‌سرعت در حال گسترش و رشد جمعیت است، حل کند و یا اینکه انبوه مشکلات اجتماعی و فرهنگی این شهر باز هم روی هم تلنبار می‌شوند.



ساخت سینما تسهیلاتی ارائه دهد و از آن‌ها حمایت کند.

به نظر می‌رسد در نبود بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ و سینماداری، برخی نهادهای عمومی غیردولتی همچون شهرداری و حوزه هنری می‌توانند بار نبود بخش خصوصی را به دوش بکشند.

احداث سینما در شهر یاسوج دور از دسترس نیست

رئیس حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد در این خصوص می‌گوید: سینما داری یک کار تخصصی و حرفه‌ای است و با یک نیرو یا دو نیرو امکان‌پذیر نیست و تنها یک دستگاه با مسئولیت‌های فرهنگی و هنری می‌تواند سینماداری کند.

شریف اسلامی می‌افزاید: هم‌اکنون یک‌سوم از سینماهای کشور در اختیار حوزه هنری است و این نشان‌دهنده توانمندی بالای این نهاد در سینماداری و

شهر یاسوج نیاز به اماکن تئاتر و سینما دارد

به گفته محمود پاک‌نیت بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، شهر یاسوج نیاز به اماکن فرهنگی، تئاتر و سینما دارد و باید برای جامعه سرگرمی ایجاد کرد. محمود پاک‌نیت می‌گوید: ساخت پارک و امکانات و زیرساخت‌ها کار مناسب و خوبی است اما اولین حرکت برای توسعه شهر فرهنگ‌سازی است.

وی هنر را اشاعه‌دهنده فرهنگ جامعه عنوان می‌کند و می‌گوید: فرهنگ و هنر همدیگر را کامل می‌کنند و توجه به فرهنگ و هنر در هر جامعه‌ای موجب رشد آن خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین موانعی که بر راه احداث سینما در این استان بوده این است که طبق قانون بخش دولتی نمی‌تواند سینما داری کند و باید بخش خصوصی به این عرصه ورود پیدا کند اما به علت سودآوری پایین، بخش خصوصی تمایلی به این کار نشان نمی‌دهد.

نیاز به سینما در شهر یاسوج کاملاً مشهود است

نماینده مردم بویراحمد و دنا در مجلس شورای اسلامی یکی از کسانی است که طی این سال‌ها تلاش‌های زیادی برای رفع مشکل نبود سینما در شهر یاسوج کرده و در این راستا مذاکراتی با متولیان کشوری این امر داشته است.

غلام محمد زارعی می‌گوید: نیاز به سینما در شهر یاسوج کاملاً مشهود است اما موانع اقتصادی موجب شده تا امکان ساخت آن فراهم نشود.

وی بیان می‌کند: بخش خصوصی تمایل چندانی برای ورود به این عرصه نشان نمی‌دهد چرا که سینما برای آن‌ها بازدهی اقتصادی ندارد. اما تلاش‌ها برای تحقق چنین امری متوقف نشده و همچنان خواهان تأسیس یک سینما برای مردم شهر یاسوج هستیم.

وی می‌گوید: متأسفانه به دلیل اینکه در یک مقطع زمانی طولانی سینما از این منطقه حذف شد، فرهنگ سینما رفتن هم تقلیل یافته است به همین دلیل همراه کردن دوباره مردم با این جریان فرهنگ‌ساز نیازمند زمان است.

زارعی عنوان می‌کند: سینما و اماکن فرهنگی مشابه می‌توانند سلامت جامعه را تأمین کنند و براین اساس دولت حاضر است به متقاضیان بخش خصوصی برای



حمله به فرهنگ و هویت کردی / آنتن‌هایی که از دل غرب تغذیه می‌شوند



رشد قارچ گونه شمار کانال‌های ماهواره‌ای به زبان کردی در حالی همچنان ادامه دارد که اغلب این رسانه‌ها در راستای سیاست و برنامه‌های لابی غرب گام برمی‌دارند.



آرمان نصرابی

طی دو دهه اخیر و هم‌زمان با تحول در حوزه رسانه، فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای آن‌هم با زبان کردی وارد فاز جدیدی شده است و هرچند مدت یکبار رسانه‌ای با نام و ادعای دفاع از فرهنگ کردی قدم به میدان می‌گذارد. رشد قارچ گونه شمار کانال‌های ماهواره‌ای از یک سو و امکان دریافت سهل و آسان آن‌ها از سوی دیگر باعث شده است تا طی دو دهه اخیر فرهنگ و هویت کردی نیز با چالش‌های جدی مواجه شود و میزان این تأثیرگذاری تا جایی است که جای ناهنجاری‌ها و ارزش‌ها نیز در برخی موارد تغییر پیدا کرده است. راهاندازی شبکه‌های ماهواره‌ای کرد زبان وابسته به کردهای خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران به سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد بازمی‌گردد و شاید در ابتدا هدف اصلی از راهاندازی این شبکه‌های ماهواره‌ای پخش برنامه‌های موسیقی و سرگرمی بود که چندی طول نکشید که راهبرد اصلی آن‌ها تغییر پیدا کرد.

بعد از راهاندازی چندین شبکه ماهواره‌ای کرد زبان از سوی کردهای شمال عراق، این بار نوبت به گروهک‌های ضدانقلاب کردی رسید تا آن‌ها نیز از این امکان بهره‌برداری کرده و راهاندازی شبکه‌های متعدد ماهواره‌ای را در دستور کار قرار دهند. با گذشت زمان شمار شبکه‌های کرد زبان ماهواره‌ای روند فزونی به خود گرفت و امروز بر اساس آمارهای رسمی اعلام شده بیش از ۶۰ کانال ماهواره‌ای به زبان کردی و به صورت شبانه‌روزی از کشورهای مختلف جهان پخش می‌شوند و نکته جالب‌تر اینکه این عطش همچنان ادامه دارد و وابسته به تحولات روز نیز شبکه‌های جدید در این حوزه فعالیت خود را آغاز می‌کنند.

طی سال‌های اخیر و با ایجاد رقابت در بین شبکه‌های ماهواره‌ای کرد زبان، ماهیت فعالیت‌های بسیاری از آن‌ها نیز تغییر کرده و درحالی که در اساسنامه تمامی آن‌ها خدمت به هویت و فرهنگ کردی قید شده است، آن‌ها در مسیر ترویج بی‌هویتی و همچنین خدشه‌دار کردن فرهنگ، آئین و رسوم مناطق کردی گام برمی‌دارند. اخذ مجوز برای فعالیت رسانه‌ای در فضای مکتوب، مجازی و تلویزیونی در اقلیم کردستان عراق مسیری سهل و ساده است و به همین دلیل امروز بخش زیادی از کانال‌های ماهواره‌ای کرد زبان از اقلیم کردستان عراق پخش می‌شوند و البته در کنار این مهم امروز کانال‌های ماهواره‌ای وابسته به ضدانقلاب از کشورهای اروپایی تغذیه و پخش می‌شوند.

چندی قبل رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در سنج اعلام کرد: در حال حاضر ۲۶۰ کانال و شبکه ماهواره‌ای فرهنگ و هنر جمهوری اسلامی ایران را نشانه رفته و با فعالیت‌های خود به مقابله با انقلاب اسلامی ایران ادامه می‌دهند.

علی‌عسگری با اشاره به پیچیده بودن کار رسانه‌ها گفت: کار و اهداف دشمنان، افول رسانه ملی است و در این خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای زیادی علیه فرهنگ و هویت کشور ایجاد شده اما خوشبختانه نتوانستند به ایران

قهرمان لطمه‌ای بزنند.

ماهیت اصلی کانال‌های ماهواره‌ای کرد زبان یکی است

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان کردستان و در خصوص راهبرد و برنامه اصلی کانال‌های ماهواره‌ای کرد زبان، عنوان کرد: ماهیت و هدف اصلی تمامی این کانال‌های کرد زبان ایجاد و آگرایی و دامن زدن به اختلافات قومی است.

محمود الله مرادی ادامه داد: درحالی که هر کانال و شبکه‌ای با پرچمی واحد وارد فضای رسانه‌ای می‌شود ولی باید توجه داشت که راهبرد اصلی همه آن‌ها یکی است و در یک نقطه مشترک که همان ایجاد اختلاف قومی و مذهبی است به همدیگر متصل می‌شوند.

وی با بیان اینکه دشمن از بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران توطئه‌های مختلفی را در استان کردستان اجرایی کرده است، عنوان کرد: از بدو پیروزی انقلاب و درحالی که جنگ هشت ساله آغاز نشده بود گروهک‌های ضدانقلاب تجهیز شده و به دنبال ایجاد آشوب و ناامنی در منطقه و این استان بودند که با هوشیاری خود مردم این فتنه‌ها دفع شد.

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان کردستان عنوان کرد: وقتی که از طریق جنگ نظامی نتوانستند در استان کردستان فعالیت‌ها را انجام دهند، راهبرد خود را تغییر داده و این بار در فضای فرهنگی و رسانه‌ای به دنبال فتنه و توطئه هستند و به همین دلیل سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای صورت داده‌اند.

وی افزود: در واقع تمامی این شبکه‌های ماهواره‌ای درحالی خود را مدافع فرهنگ و هویت کردی معرفی می‌کنند، که بر اساس سیاست غربی‌ها کاملاً در جهت عکس آن گام برمی‌دارند و نه تنها خدمتی به فرهنگ و هنر مردم کردستان نمی‌کنند بلکه با ترویج فرهنگ غربی به آن خیانت نیز می‌کنند که البته باید توجه داشت که این عین سیاست رژیم غاصب صهیونیستی و آمریکادار منطقه است.

تغییر فرهنگ و هویت کردی راهبرد اصلی شبکه‌های ماهواره‌ای است

هرچند که بر اساس گفته دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان کردستان راهبرد تمامی این شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی یکی است و همه در جهت ایجاد و آگرایی در بین کردها به ویژه مناطق کردنشین جمهوری اسلامی ایران گام برمی‌دارند که یک کارشناس رسانه نیز معتقد است که تمامی این شبکه‌های ماهواره‌ای و حتی فعالیت‌های رسانه‌ای در فضای مجازی کاملاً همسو با سیاست‌های غرب بوده و آن‌ها با استفاده از شیوه‌های مختلف رسانه‌ای به دنبال حاکم کردن سیاست‌های خود در منطقه هستند.

اسعد علی بیگی اظهار داشت: اگر روند تاریخی شکل‌گیری شبکه‌های ماهواره‌ای کرد زبان را نگاه و سیر تکاملی آن‌ها را بررسی کنیم تمامی این فعالیت‌های رسانه‌ای در یک سو حرکت کرده و هم‌زمان با آن فرهنگ و هنر کردی را نشانه رفته‌اند.

وی ادامه داد: درحالی که هر شبکه‌ای با پرچم وابسته به یک گروه، حزب و یا جریانی وارد فضای

رسانه‌ای می‌شود ولی در مواقع مورد نیاز همه آن‌ها در یک مسیر قرار گرفته و یک هدف مشخص را دنبال می‌کنند و به همین دلیل مشخص است که همه آن‌ها هدفی جز حمله به ارزش‌ها، هویت، رسوم و آئین مناطق کردی را ندارند.

این کارشناس حوزه رسانه عنوان کرد: وقتی که در خصوص چگونگی اداره این کانال‌های ماهواره‌ای تحقیق کنید مشخص می‌شود که هزینه‌های سرسام‌آور اداره کردن بسیاری از آن‌ها نه از سوی احزاب کوچک و بدون بنیه مالی، بلکه از سوی لابی‌های غربی و صهیونیستی تأمین می‌شود و به همین دلیل در مواقع مورد نیاز تمامی آن‌ها در یک مسیر قرار گرفته و یک هدف را دنبال می‌کنند.

وی ضمن اشاره به یک مورد مشخص در خصوص راهبرد رسانه‌ها و کانال‌های ماهواره‌ای کرد زبان، بیان کرد: در مورد مشخصی که می‌توان مثال زد موضوع برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق است که در این مورد مشخص تمامی این کانال‌ها در یک مسیر قرار گرفته و همه آن‌ها با تغییر تمامی رویکردهای قبلی خود همسو با رسانه‌های وابسته به رژیم غاصب صهیونیستی در راستای عملیاتی کردن این مهم قرار گرفتند.

دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی در اولویت کانال‌های ماهواره‌ای است

وی یکی دیگر از اهداف پشت پرده کانال‌های ماهواره‌ای کرد زبان را ایجاد و آگرایی، دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی به ویژه در داخل ایران و ترویج بی‌بندوباری به نام دفاع از فرهنگ مردم کرد عنوان کرد و افزود: در این مسیر نیز آن‌ها با تهیه و تولید برنامه‌های مختلف این هدف و سیاست را به صورت کلی دنبال می‌کنند.

علی بیگی وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها، بازی با آمار و حتی آمار سازی در خصوص وضعیت مناطق کردنشین را از دیگر مسائل مهم فعالیت کانال‌های ماهواره‌ای عنوان کرد و گفت: متأسفانه به‌ویژه طی یک دهه اخیر فعالیت‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است که البته به دلیل هوشیاری مردم و آگاهی آن‌ها، این گونه اقدامات چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

بدون شک با گسترش تکنولوژی و ورود شیوه‌های نوین ارتباطی، فعالیت‌های رسانه‌ای طی سال‌های آینده با تغییر و تحولات زیادی مواجه خواهد شد و به همین دلیل لازم است که برای سراسر کشور به ویژه مناطق کردنشین برنامه‌ریزی بهتری در دستور کار قرار گیرد.

توجه ویژه به مسائل فرهنگی و هنری در این مناطق از یک سو و تهیه و تأمین برنامه‌های متعدد متناسب با نیازهای مردم این خطه از کشورمان از سوی شبکه‌های مختلف استانی و سراسری یکی از نیازهای لازم و ضروری است که باید به‌عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گیرد.

صنایع دستی قم چشم انتظار بازار / محصولاتش که در کارگاه خاک می خورد



۷۰ رشته از ۳۰۰ رشته صنایع دستی در قم فعال است و این می‌تواند به بازار خوبی را برای فروش این محصولات در استان دایر و به زائران عرضه شود.



مرزیبه میرفاردی

طی سال‌های اخیر هر چقدر به فکر گسترش و توسعه مشاغل و فعالیت‌های صنایع دستی در رشته‌های مختلف بوده‌ایم، اما کمتر به بازار عرضه این محصولات فکر کرده‌ایم و این ضعف کماکان در استان قم و یا سایر شهرهای کشور وجود دارد. ایجاد نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های دائمی عرضه صنایع دستی و یا مراکز فروش ثابت، یکی از انتظاراتی است که فعالان و تولیدکنندگان صنایع دستی از مسئولان امر انتظار دارند چرا که بخش عمده‌ای از محصولات صنایع دستی از سوی کارگاه‌های کوچک و یا خانگی تولید می‌شود و در همان کارگاه‌ها می‌ماند و خاک می‌خورد زیرا آنان توانایی برنامه‌ریزی برای ارائه محصولات خود به بازار هدف ندارند و امکانات اجازه این اقدام به آنان را نمی‌دهد.

بنا به گفته حسین بحرینی، معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قم هم اکنون بیش از دو هزار نفر در استان قم در عرصه صنایع دستی فعال هستند و در کارگاه‌های تولیدی فعالیت می‌کنند که این آمار ضرورت توجه به بازار محصولات آنان را دوچندان می‌کند.

در این راستا بخش خصوصی می‌تواند با حمایت دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط از جمله اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با راه‌اندازی فروشگاه‌ها و مراکز عرضه، نقش آفرینی داشته و حلقه واسطی بین تولیدکنندگان و بازار باشد.

بیش از ۳۰۰ رشته شغلی مرتبط با صنایع دستی در کشور وجود دارد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم در این رابطه، اظهار داشت: کشورها برای شناساندن خود باید جاذبه‌های مختلف فرهنگی، طبیعی، تاریخی و هنری خود را به دیگران ارائه کنند که در این بین جاذبه‌های هنری اهمیت زیادی دارد که مهمترین آن صنایع و هنرهای دستی می‌باشد که همواره مورد توجه افراد و گردشگران بوده است.

عیسی رضایی با بیان اینکه صنایع دستی یک هنر است، افزود: یک توریست زمانی که وارد کشوری می‌شود برای آنکه ذهنیت و شناخت خود را از آن کشور تکمیل کند، به سراغ هنرهای آن کشور به خصوص هنرهای دستی می‌رود تا با تهیه آن به عنوان سوغات و یادگاری به همراه خود ببرد.

وی ابراز داشت: در ایران ظرفیت‌های بسیار خوبی در عرصه تولید صنایع دستی داریم که بیش از ۳۰۰ رشته شغلی مرتبط با صنایع دستی در کشور وجود دارد که در استان قم نیز ۷۰ رشته از این ۳۰۰ رشته صنایع دستی فعال است.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم تأکید کرد: برخی از صنایع دستی در قم از جمله منبت‌کاری، انگشترسازی و معرق‌کاری در کشور نیز سرآمد است و هنرمندان بسیاری در این زمینه‌ها



حسن بحرینی با بیان اینکه در عرصه صنایع دستی سه حوزه اصلی داریم، بیان داشت: بخش آموزش اولین قسمت است که در این راستا آموزشگاه‌های بسیاری در این زمینه فعالیت دارند و علاقمندان برای فراگیری به این مراکز مراجعه می‌کنند. وی ادامه داد: بخش تولید بعد از مرحله آموزش است که کارآموزان پس از دریافت آموزش‌های لازم و بهره‌گیری از تجربیات اساتید و پیشکسوتان پا در عرصه تولید می‌گذارند.

سرپرست معاونت صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قم اضافه کرد: عرضه محصولات بخش سوم حوزه صنایع دستی است که مهم‌ترین بخش نیز به شمار می‌رود چرا که تمامی زحمات گذشته در عرصه آموزش و تولید را حمایت و پشتیبانی می‌کند و به همین دلیل دارای اهمیت بسزایی است.

در هر حال با توجه به اینکه قم شاهراه ۱۷ استان است و هر ساله حدود ۲۰ میلیون زائر از این شهر عبور و مرور می‌کنند فعال شدن بازارچه‌های صنایع دستی و عرضه تولیدات هنرمندان می‌تواند درآمدزایی خوبی به همراه داشته باشد.

مشغول به فعالیت هستند.

وی با بیان اینکه در عرصه تولید صنایع دستی، مشکلی نداریم، افزود: مشکل اصلی حوزه صنایع دستی، بازار عرضه محصولات است که راه‌اندازی مراکز و فروشگاه‌هایی که انواع صنایع دستی را در معرض دید علاقمندان قرار دهند در رونق این صنایع می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

وی تصریح کرد: راه‌اندازی مرکز و فروشگاه عرصه صنایع دستی در رونق تولید و اشتغال نیز می‌تواند سهم بسزایی داشته باشد چرا که این‌گونه مراکز در حقیقت حلقه وصل بین مردم و تولیدکنندگان هستند و زمینه مناسبی برای افزایش درخواست‌ها و به دنبال آن افزایش تولیدات خواهد شد.

صنایع دستی بخشی از میراث فرهنگی گذشتگان است

سرپرست معاونت صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم، اظهار داشت: صنایع دستی بخشی از میراث فرهنگی است که از گذشته‌های بسیار دور نسل به نسل به ما رسیده است.

عشق و دیگر هیچ / تئاتری های زنجان به امید رستگاری هستند



رحیم مقدمی

عشق و دیگر هیچ، شاید کوچکترین واژه ای باشد که می توان برای فعالان بی ادعای عرصه تئاتر استان زنجان عنوان کرد، واژه ای هر چند کوچک و کلیشه ای ولی در خود، دنیایی حرف را جای داده است.

هنوز عرصه تئاتر زنجان نام های بزرگی را به یاد می کشد و برای ترسیم آینده ای بهتر با تمام وجود می جنگد و امروز به اعتبار بزرگان است که تئاتر زنجان با همه مشکلات و چالش هایش برای بقا امید به تجربه پیشکسوتان و پشتکار جوانانش دارد.

هنوز روزهای اوج و اقتدار تئاتر زنجان در دهه های ۶۰ و ۷۰ به عنوان یک خاطره نه چندان دور زبانه زد فعالان هنر است، روزهایی که بزرگانی همچون حسین عباسی، مشهود ابراهیم خانی و صفرعلی کریمی، علی اکبر اوصانلو و بسیاری از بزرگان رقم زده اند و روزهایی که تئاتری های زنجان به امید بازبانی آن روزها تلاش می کنند و خاک صحنه می خورند تا هنرشان در غبار روزگار خاک فراموشی نخورد.

پیشکسوت تئاتر استان زنجان با بیان اینکه در زمینه هنر تئاتر در استان زنجان مشکلات سخت افزاری و نرم افزاری داریم، گفت: در بحث سخت افزاری ما سالنی را داریم در سطح خود شهر زنجان که این وضعیت زینده بچه های نمایش نیست. با یک سالن نمایش و این همه متقاضی واقعا نمی شود نیازها را پوشش داد و می طلبید مسئولان کمک و یاری کنند تا سالن های مختلف دیگری ساخته شود یا سالن های دیگری که در اختیار سایر ارگان ها است در آن ها اجرا شود.

مشهود ابراهیم خانی با بیان اینکه هر چند سالن تئاتر فرهنگسرای برای اجرای نمایش های صحنه ای مطرح است وی شهروندان از اجرای نمایش ها در این محل مطلع نمی شوند، گفت: مردم نمی دانند که در این سالن اجرا است یا نه. به لحاظ برنامه ریزی باید روی این کار شود.

وی ادامه داد: در کنار این سالن در حال پیگیری ساخت یک پلاتو هستیم که کمک حال بچه ها خواهد بود و امیدواریم هر روز شاهد اجرای نمایش باشیم.

ابراهیم خانی با بیان اینکه خود نمایش تا زمانی که مخاطب نداشته باشد لنگ است، گفت: هنر تئاتر هنر کاملی است و از اول تشکیل گروه های نمایشی تا الان آن مقاومت و قداست خود را نگه داشته است و حتی سینما هم با آن ابزار و صنعت نتوانسته است رضایت صد درصدی ایجاد کند و تئاتر الان جلوتر از سینما حرکت می کند.

لزم ورود بخش خصوصی برای ساخت پلاتو

این پیشکسوت تئاتر با دعوت از همه علاقه مندان برای کمک به توسعه تئاتر و ساخت پلاتوهای خصوصی، گفت: ما در تجهیز پلاتوها به آنها کمک خواهیم کرد و در حال حاضر وزارتخانه دست یاری به سمت کسانی که می توانند پلاتو بسازند دراز می کند و ما هم تجهیز می کنیم، ما انتظار داریم که بخش خصوصی ورود پیدا کند و به بچه های تئاتر کمک کند.

ابراهیم خانی با بیان اینکه باید توجه ویژه به بحث مخاطب شناسی در حوزه تئاتر صورت بگیرد، گفت: در بحث مخاطب شناسی مشکلی در بین خود هنرمندان و نویسندگان تئاتر داریم که این مشکل از ابتدا بوده و در زمینه مخاطب شناسی نتوانستیم خوب عمل کنیم.

وی ادامه داد: متأسفانه یک مقدار مخاطب خود را نمی شناسیم بعد می آییم کارهایی تولید می کنیم که با شکست مواجه می شود. باید به دنبال رفع این ایرادها باشیم. متن های ما بومی نیستند و به مشکلات روز جامعه نمی پردازند.

ابراهیم خانی افزود: مردم به نمایشی که سنت ها را به تصویر بکشند و با مسائل روز اجتماعی را مطرح کنند علاقه دارند همه آن را می بینند.

وی با بیان اینکه احساس می شود هنرمندان از بحث مخاطب شناسی دور هستند، گفت: هنرمند باید از سایر اقشار جامعه یک قدم جلوتر باشد در غیر این

صورت اتفاقی رخ نمی دهد. هنرمندان نباید در فضای بسته خودشان بنویسند به گونه ای که فقط برای خودشان کاربرد داشته باشد. باید در مسائل مختلف ورود پیدا کنند چون ما سلاقی مختلفی در تماشاگران داریم که هر کس دوست دارد ژانر مختلفی را دنبال کند.

وی ادامه داد: بحث بلیت فروشی را در تئاتر جدی نمی گیریم. نمایش کچل اوغلان که ۱۵ روز اجرا شد کسی برای خرید بلیت نیامد و این نشان می دهد که هنوز در سبد خانواده ها جایی برای تئاتر نیست. یا کارهای صحنه ای ما مشکل دارند و یا اینکه برنامه ریزی خوبی در این زمینه نداریم.

باید کارهایی تولید کنیم که با سلاقی مردم جور باشد

ابراهیم خانی با تأکید بر اینکه باید کارهایی تولید کنیم که با سلاقی مردم جور باشد، گفت: بحث بلیت فروشی تئاتر باید جدی گرفته شود چون تنها منبع درآمدی تئاتری ها از محل بلیت است و باید نسبت به این امر توجه ویژه صورت بگیرد.

این پیشکسوت تئاتر استان زنجان در ادامه به وضعیت تئاتر خیابانی در زنجان گفت: بحث تئاتر خیابانی رفتن هنرمندان در بین مردم است و به نوعی تئاتر خیابانی ارزش خاصی دارد که به جای اینکه مردم به سمت تئاتر بروند خود تئاتری ها به سمت مردم می روند و با امکانات و وسایل کم مسائل را به مردم انتقال می دهند.

ابراهیم خانی با بیان اینکه در زمینه تئاتر خیابانی چالش های خاصی وجود دارد، گفت: کارهای نمایشی خیابانی حدوداً سفارشی شده و ارگانی می آید و به تعدادی از گروه ها سفارش می دهد ولی این اتفاق اگر به این شکل بیافتد باز هم ما مشکل مالی را داریم. برگزاری تئاترهای خیابانی کمک کرده مردم با تئاتر آشتی بکنند.

یک پیشکسوت دیگر تئاتر زنجان در خصوص وضعیت تئاتر زنجان گفت: آنچه که در رابطه با وضعیت تئاتر زنجان می شود گفت این است که در حال حاضر تحولی در انجمن نمایش صورت گرفته و گروهی که آمده اند تازه نفس هستند و خوب کار می کنند چشم انداز خوبی هم می توانند داشته باشند.

داود خیری افزود: تئاتر در سطح کلی دچار مشکل است و کسی مقصر نیست چون از قبل با اینکه کم بوده اما وجود داشته است. جشنواره تقریباً منحصر به قشر خاصی می شود که خود اعضای تئاتر کس دیگری را نمی بینید و از بیرون کسی نمی آید و همان گروه هایی که خودشان اجرا دارند می آیند و کار سایر گروه ها را نگاه می کنند.

وی با بیان اینکه ارتباط خوبی بین مردم و تئاتر وجود ندارد، ادامه داد: پی بردن به دلایل این امر نیاز به آنالیز و موشکافی بیشتری دارد که چرا مردم استقبال نمی کنند. باید دید که نمایش ها آیا مردم پسند نیستند یا اصلاً مردم در سبب زندگی خود جایگاهی برای تئاتر ندارند.

خیری با بیان اینکه تئاتر یک مقوله روشنفکری بوده و ارتباط آن هنوز با مردم قطع است و این یکی از اساسی ترین چالشهاست که برای تئاتر می تواند وجود داشته باشد، گفت: نمایش ها را واقعا بچه ها کار کردند





و زحمت کشیدند ولی عملاً دو روز اجرا می گذارند و ناچاراً ملزم هستند که اجرای عمومی هم بگذارند اما باز هم با سالن های خالی مواجه می شوند که این مشکل یک معضل کشوری است که باید یک مقدار آنالیز کنیم که ارتباط مردم چرا با تئاتر قطع شده است.

محمودولی فروتن با بیان اینکه وضعیت تئاتر زنجان خیلی بدتر از این حرفها که بتوان آن را بیان کرد، گفت: متأسفانه تئاتر پر از مشکلات است به ویژه در شهرستان زنجان. یکی از مشکلات اصلی ما نبودن سالن و پلاتو است. یعنی ما در کل شهرستان یک سالن اختصاصی برای تئاتر نداریم.

وی با بیان اینکه یک پلاتوی اختصاصی در زنجان نداریم، گفت: الان وضعیت جشنواره را می بینید که بچه ها در گالری و سالن انتظار اجرا می کنند. فقط و فقط به خاطر اینکه بالاخره چون کارشون پلاتویی اجرا می کنند و این پلاتوها صد درصد استاندارد نیست و کیفیت کار پایین می آید و در وضعیت بدی قرار داریم.

تئاتر تنها چیزی که می خواهد جایی برای اجرا است که ما نداریم

یک هنرمند تئاتر استان زنجان هم به می گوید تئاتر تنها چیزی که می خواهد جایی برای اجرا است که ما نداریم.

وی ادامه داد: متأسفانه مرکز استان هستیم، مثلاً در ابهر پلاتو داریم که خودشون ساختن. در خدابنده داریم. تنها جایی که پلاتوی اجرا و سالن اختصاصی نداریم زنجان است. خیلی بد است برای یک مرکز استان که پلاتو اختصاصی نداشته باشد.

محمد ولی فروتن با بیان اینکه در شهرهای خیلی کوچک در کل ایران کمترین امکان این است که یک سالن برای تئاتر داشته باشند، گفت: ما فقط باید روز اجرا بتوانیم سالن را تحویل بگیریم. بازیگری که در فضای کوچک تمرین کرده و به یکباره در فضای متفاوت اجرا قرار می گیرد، میزانها را گم می کند و با دکور و فضا آشنایی ندارد و کیفیت کار پایین می آید.

این هنرمند تئاتر با بیان اینکه بچه های ما با خیلی از چیزها کنار آمده اند، گفت: تئاتری های زنجان با

بی پولی تئاتر و فرمایشی بودن کارها کنار آمده اند تنها چیزی که نیاز جزئی است اینکه یک پلاتوی درست و حسابی داشته باشیم.

فروتن گفت: در جشنواره های استانی می توانیم با شرایط به ناچار کنار بیایم و می توانیم در گالری و سالن انتظار اجرا کنیم، اما اگر قرار باشد جشنواره ملی باشد، این قضیه برای ما آبروریزی است که اگر این قضیه حل شود شاید نیمی از مشکلات بچه های تئاتر حل می شود.

ناهید پیوندی و همسرش داود نجفی از نویسندگان و کارگردانان تئاتر شهرستان خرمدره دل پرغصه ای از وضعیت تئاتر در شهرستان خرمدره دارند، زن و شوهری که بار سنگین احیا و بقای تئاتر در شهرستان خرمدره راه به کمک محمد رحمانیان مدیر گروه تئاتر قلندر به دوش کشیدند تا تئاتر خرمدره را به روزهای اوج خود برگردانند.

ناهید پیوندی با بیان اینکه با همه تلاش های صورت گرفته طی سالهای اخیر تئاتر خرمدره آرام آرام از خواب بیدار می شود، گفت: برای رسیدن به نقطه حداقلی در حوزه تئاتر خرمدره راه بسیاری پیش رو داریم.

وی با بیان اینکه بسیاری از هنرمندان تئاتر شهرستان خرمدره یا به کلی تئاتر را کنار گذاشتند و یا به

همچنین داوود نجفی نیز با بیان اینکه وضعیت تئاتر خیابانی وضعیت مشابه تئاتر صحنه ای را دارد و از مخاطب خوبی برخوردار نیست، گفت: تئاترهای خیابانی بیشتر مناسبتی بوده و در مواقع خاصی از سال تئاترهای شهر اجرا می شود همانند هفته مبارزه با مواد مخدر و در اعیاد و مناسبت های ملی و مذهبی تئاترهای خیابانی اجرا می شود.

این کارگردان تئاتر نبود مخاطب و نیز حمایت را از چالش های حوزه تئاتر در شهرستان خرمدره عنوان کرد و افزود: هیچ گونه حمایت خاصی از تئاتر توسط مسئولان در شهرستان خرمدره صورت نمی گیرد و این امر باعث شده است از نظر کمی و کیفی تئاترها در شهرستان خرمدره مشکلاتی پیش بوجود بیاید.

وی با بیان اینکه مردم شهرستان خرمدره از فضای تئاتری دور شده اند، گفت: این امر در زمینه استقبال هنرجو های تئاتر نیز تاثیر گذاشته و استقبال چندانی برای فعالیت در رشته تئاتر صورت نمی گیرد.

نجفی افزود: متأسفانه استقبال خوبی از نمایش های جدی صورت نمی گیرد و حتی شاهد آن بودیم که برای دیدن یک نمایش جدی تنها یک نفر تماشاگر به سالن آمده است.

مشکلی از نظر امکانات سخت افزاری در عرصه هنرهای نمایشی در زنجان وجود ندارد

در این میان مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان گفت: در استان زنجان مشکلی از نظر امکانات سخت افزاری در عرصه هنرهای نمایشی وجود ندارد، و این استان شاهد هنرمندان، نویسندگان و کارگردانی در سطح ملی است و باید تلاش کرد تا مسائل و مشکلات اجتماعی از سوی این هنرمندان در سالن های تئاتر به مردم ارائه شود.

مقدم شهرستان خدابنده را قطب تئاتر استان دانست



جشنواره‌ها کمتر شرکت کردیم و اگر هم موفق بودیم خیلی کم. رفته رفته هم شکل اجرای تئاترها به لحاظ سیاسی و اجتماعی کشور تغییر کرد. رئیس اداره امور هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان گفت: الان اجراها اکثر به صورت پلاتویی انجام می‌شود و فداست صحنه را نمی‌بینیم. هنرمندان تنبیل شده‌اند و بیان و اجرای قوی نمایش دیده نمی‌شود که برگرفته از زندگی است که ما داریم و زندگی ما از حالت ویلایی به آپارتمانی می‌آید، بالطبع تئاتر هم به این سمت و سو پیش می‌رود.

کرمی با یادآوری اینکه تئاتر استان زنجان و یک برهه خود زنجان و برهه‌های دیگر تئاتر خدابنده حرکت‌های خوبی شروع کردند، گفت: الان هم تئاتر ابهر کارهای خوبی دارند انجام می‌دهند چون این هنرمندان مراجعه می‌کنند به تهران و از طریق دانشگاه پیگیر اتفاقات روز تئاتر هستند تاثیر می‌گذارد.

وی ادامه داد: تئاتر زنجان هم قوی بوده ولی در سال‌های اخیر کمی ضعیف‌تر شده که باید بحث آموزشی و برگزاری کارگاه‌های تخصصی را تقویت کنیم. کرمی در ادامه بر لزوم پرورش نیروهای جوان خصوصا در حوزه نویسندگی تاکید کرد و گفت: یکی از عناصر مهم ما در تئاتر بحث متن است و نویسندگان بومی ما خیلی کم هستند و این‌ها را باید دعوت کنیم و بحث آموزش را در این بحث جدی بگیریم. متن‌هایی که به خود استان می‌پردازد را باید بیشتر دقت کنیم هم از نظر حمایت‌های اداری و هم خود هنرمندان. بالاخره باید برنامه منسجمی را داشت.

رئیس اداره امور هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان با بیان اینکه اگر این روند ادامه داشته باشد برای استان و شهر ما خوب نخواهد بود، گفت: در کنار این بحث، اجراهای عمومی است و تلاش ما این است که بحث اجرای عمومی را جدی بگیریم و حمایت جدی داشته باشیم. مخاطبان ما منتظرند نمایش با ژانرهای مختلف اجرا شود و ببینند.

کرمی گفت: هدف ما طی دو و سه سال اخیر این بوده که توجه جدی داشته باشیم به اجراهای عمومی، پرورش نویسندگان بومی و توجه به آن‌ها حتی در راستای چاپ نمایشنامه‌های آن‌ها و شرکت در جشنواره‌های مختلف که به نوعی انگیزه می‌شود برای خود هنرمندان.

وی ادامه داد: بالاخره جشنواره‌ها باعث می‌شود که یک حرکت و انگیزه‌ای برای هنرمندان باشد و کارهای خوبی ارایه بدهند. ما با استان‌های هم‌جوار خودمان در حال ارتباط هستیم تا گروه‌ها در استان‌ها اجرا داشته باشند و تبادل فرهنگی هنری داشته باشیم که در راستای افزایش سطح آموزش و کارهای اجرایی خود بچه‌ها است.

تئاتر استان زنجان با همه فراز و نشیب‌ها به راه خود ادامه داده و توانسته است کورسوی‌های امید برای تحقق آینده بهتر را زنده نگه دارد، با نبود پلاتو با نبود مخاطب و با همه نبوده‌ها و اما و اگرها به نقطه‌ای از بلوغ خود رسیده که باز هم رقیب حساب ویژه‌ای در جشنواره‌ها برایش باز می‌کنند.

مسئولین به عنوان سیاستگذاران فرهنگ و هنر استان نقش تاثیرگذاری در حمایت از تئاتر زنجان دارد و برای بازسازی و بازگشت به روزهای اوج باید تئاتر زنجان را حمایت کنند هر چند کارهای زیادی صورت گرفته ولی مشکلات زیاد است و چالش‌ها باید رفع شود، تئاتر زنجان نیاز به حمایت مسئولان دارد تا برای بقایش بجنگد و توانایی‌هایش را به روز کند تا بازگشت به روزهای طلایی و را جشن بگیرد.



اجرا در آید.

همچنین رئیس اداره امور هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان با بیان اینکه تئاتر استان زنجان از دیرباز هم خود هنرمندانش و هم خود تئاترش قوی بوده و تلاش‌های زیادی صورت گرفته است، گفت: تئاتر زنجان طی دهه ۶۰، ۷۰ با ۸۰ و ۹۰ فراز و نشیب‌های متفاوتی داشت و دهه ۶۰ و ۷۰ به گمان بعضی‌ها اوج تئاتر زنجان بوده و جوایز متعدد کشوری و منطقه‌ای دریافت شده است.

اکثرا نمایش‌های ما در دهه ۷۰ در جشنواره‌های ملی و منطقه‌ای حضور موفق داشته‌اند

معراج کرمی افزود: در دهه ۷۰ اکثرا نمایش‌های ما در جشنواره‌های ملی و منطقه‌ای حضور موفق داشته‌اند. وی با بیان اینکه در زمینه آموزش و نیروسازی فعالیت خاصی نشد و از همین رو رفته رفته با مشکل روبه‌رو شدیم، افزود: دهه ۸۰ با این مشکل مواجه شدیم که گروه‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ گرفتار کارهای دیگری بودند و پرورش نیروی جدیدی انجام نشد و در

و افزود: تمام هنرمندان هنرهای نمایشی که در سطح شهرستان‌ها فعالیت می‌کنند، از ظرفیت بالایی برخوردارند.

وی با بیان اینکه هنرمندان تئاتر به دنبال ایجاد جذابیت برای خود نباشند بلکه باید این جذابیت را برای مردم ایجاد کنند، افزود: اینکه هنر تئاتر چگونه می‌تواند به شکل تاثیرگذار با مخاطب و عموم مردم ارتباط برقرار کند، دغدغه‌ای است که متولیان فرهنگی با آن درگیر هستند و تا زمانی که تئاتر ارتباط خود را با عموم مردم برقرار نکند تمام این زحمات بی نتیجه می‌ماند.

مقدم از اینکه هنر تئاتر تنها مخاطبان خاص خود را دارد انتقاد کرد و افزود: این هنر بستر مناسبی برای بیان مسائل اجتماعی است و باید به صورت عمومی تری ارائه شود.

وی گفت: سالن چند منظوره‌ای برای اجرای برنامه‌های نمایشی در دست ساخت است که امید می‌رود با تکمیل آن تا زمان برگزاری جشنواره فرهنگی و هنری غواصان دریادل، برنامه‌های جشنواره در این سالن به

کاهش استقبال از سینما / کمبود فیلم‌های خوب و دانلود رایگان آثار



این روزها دیگر صف‌های طولانی جلوی سینماها را نمی‌بینیم، استقبال از سینما کمتر از دهه‌های گذشته شده است و به نوعی شور و شوق سابق در سینماها کاهش یافته است.



سعید رضایی

در روزهایی که شبکه‌های تلویزیون یکی دو تا بیشتر نبود و هر شبکه هم فقط چند ساعت برنامه داشت، موبایل‌ها اینقدر پیشرفته نبود و هر ثانیه چندین فیلم آپلود و دانلود نمی‌شد، شبکه‌های اجتماعی به گستردگی الان نبود، شبکه‌های خانگی اینگونه فعال نبود، مردم این قدر کمبود وقت نداشتند و... سینماها هم رونق بیشتری داشتند.

گاهی اوقات باید به اندازه یک سانس سینما در صف می‌ماندی تا بتوانی بلیطی برای سینما بگیری و بعضی روزها که فیلم‌های جدید می‌آمد، گرفتن بلیط کار بسیار سختی بود و بعضی روزها بدون دیدن فیلم برمی‌گشتیم.

شاید فیلم‌ها با کیفیت‌تر بود و یا شاید هم مردم علاقه بیشتری به سینما رفتن داشتند ولی هر چه بود استقبال از سینما بیشتر بود و شور و شوق فیلم‌دیدن در سینما هم بیشتر از الان بود.

این روزها هر چند شاهد افزایش نسبی از فیلم‌های سینمایی هستیم ولی باز هم نسبت به دهه گذشته افت محسوسی در تعداد افرادی که به سینما می‌روند را شاهد هستیم.

ولی در برخی از لین روزها نیز همان صف‌های گذشته جلوی سینماها تشکیل می‌شود؛ برخی فیلم‌های خوب باعث می‌شوند که اشتیاق مردم برای دیدن فیلم بیشتر شود ولی گاهی نیز این شور و شوق فروکش می‌کند.

سینمای خانگی و حق کپی رایت

امروزه در هر یک از خانه‌ها شاهد وجود تلویزیون‌ها بزرگی هستیم که هر یک ادعای سینما بودن

دارند، شبکه فیلم‌های خانگی گسترش یافته است و فیلم‌های روز نیز در دسترس افراد است. فیلم‌هایی که بدون رعایت حق کپی‌رایت با قیمت دو هزار تومان به وفور در بازار یافت می‌شوند و افراد نیز علاوه بر اینکه فیلم‌ها را در خانه به همراه خانواده می‌بینند، به دیگران هم قرض می‌دهند. سایت‌های اینترنتی در سرقت فیلم‌های روز و انتشار رایگان آن با هم مسابقه می‌گذارند و افرادی که بدون توجه به حقوق معنوی سازندگان، تنها با یک کلیک، فیلم را دانلود کرده و تماشا می‌کنند.

سینما شور خاص خود را دارد

علی‌داریابی از جوانان بوشهری است که علاقه بالایی به سینما دارد و اعتقاد دارد که برای رونق سینماها اگر گاهی فیلم خوبی هم نمایش نمی‌دهند، باید به سینما برویم تا از فیلم‌ها حمایت کرده باشیم. او می‌گوید: هر هفته یکی دو بار به سینما می‌روم، هر چند بسیاری از این فیلم‌ها در شبکه فیلم‌های خانگی هم می‌توان یافت ولی سینما رفتن شور خاصی دارد که هرگز با فیلم‌دیدن در تلویزیون قابل مقایسه نیست.

حسین شایسته نیز از طرفداران پر و پا قرص سینما است و اسم همه فیلم‌های روز با کارگردان و بازیگران و دیگر عوامل آن را از بر است و بی‌صبرانه منتظر است که فیلم‌ها به سینما بیایند تا آنها را ببیند.

او می‌گوید: هیچ چیزی جای سینما را نمی‌گیرد؛ دیدن فیلم در سالن سینما لذت‌بخش‌تر از دیدن آن در خانه است؛ شور و شوق مردم در سینما قابل مقایسه با دیدن فیلم در تلویزیون نیست.

لزوم افزایش کیفیت فیلم‌ها

اما محمد عقیده دیگری دارد، او می‌گوید که فیلم‌های سینمایی دیگر کیفیت گذشته را ندارند و این روزها بعضی‌ها فقط فیلم می‌سازند که فیلمی ساخته باشند و برخی نیز بازی می‌کنند که فقط بازی کرده باشند.

محمد با وجود اینکه عقیده دارد که گاهی فیلم‌های خوبی نیز با کارگردانی و بازیگرانی خوب ساخته می‌شود، ولی می‌گوید: بسیاری از فیلم‌ها دچار روزمرگی شده‌اند و موضوع و پیام خاصی در فیلم‌ها نمی‌بینیم. بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند صبر نکنند تا فیلم‌ها وارد اینترنت و یا کلپ‌ها شود و فیلم‌ها را در زمانی که دوست دارند روی صفحه کامپیوتر یا تلویزیون خود ببینند.

تشریح دلایل عدم استقبال از سینما

رئیس اداره امور سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر درباره کاهش استقبال مردم از سینما می‌گوید: تلویزیون این روزها برنامه‌های متنوعی دارد و فیلم‌های زیادی را پخش می‌کند که مردم به سوی آن کشیده می‌شوند.

عبدالرسول جمالی با اشاره به اینکه دیدن فیلم در سینما با دیدن فیلم در تلویزیون و کامپیوتر متفاوت است، خاطرنشان کرد: در بسیاری از کشورها که تلویزیون نیز گستردگی خاص خود را دارد ولی مردم از سینما نیز استقبال می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه بسیاری از فیلم‌ها از طریق مجاری غیرقانونی و با عدم رعایت حق کپی‌رایت وارد خانه‌ها می‌شود، تصریح کرد: یکی از مشکلات نیز کمبود فیلم‌های خوب با کارگردانی و بازیگران توانمند است.

رئیس اداره امور سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر افزود: هم‌اکنون در شهرهای بوشهر و برازجان سینماها فعال هستند و در برخی از شهرستان‌ها نیز فیلم‌های سینمایی در سالن‌ها اکران می‌شوند.

در این روزهایی که بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کند، شاید اگر استقبال مناسبی از سینما می‌شد و فیلم‌های فاخرتری تولید می‌شد، بخش خصوصی نیز ورود جدی‌تری در این بخش داشت.

ایجاد سالن‌های مدرن سینما و ساخت فیلم‌های پر محتوا و باکیفیت می‌تواند بار دیگر پای مردم را به سینماها باز کند. این مهم نیازها همکاری مسئولان و تلاش بیشتر هنرمندان سینما است.



هنرمندی که روی صحنه تعزیه عشق بازی می کند؛ قلبی حسینی در لباس شمر

تعزیه از هنرهای اصیل و فاخر مردم ایران زمین است که با آن ارادت و عشق خود را به سیدالشهدا(ع) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) نشان می دهند.



وجیهه
غلامحسین زاده



ماندگار است، اخیراً هم دخترخانمی که از بچگی در اجرای تعزیه‌های من حضور داشت اعتراف کرد که همیشه از من می ترسیده و حتی جرأت نزدیک شدن به من را نداشته است.

وقتی شمر در عزای حسین(ع) می‌گرید

سال‌ها اشک‌های بسیاری در عزای سرور سالار شهیدان جاری کرده اما هنوز هم هر نمایش تعزیه برایش تازگی دارد، غم‌بارترین بخش تعزیه را جدا شدن و وداع حضرت زینب و امام حسین(ع) می‌داند و معتقد است، «بخش وداع در تعزیه عاشورا» و قرار گیری در موقعیت صحبت با سرها از صحنه‌هایی است که حتی اشک شمرها را هم بارها و بارها جاری کرده است.

از درد گفتن و شنیدن داغش را کمرنگ نمی‌کند، عموتقی حالا سال‌هاست که از غم عزای حسین(ع) و خاندانش می‌گوید اما هنوز هم گاهی تاب نمی‌آورد «اینکه در طول اجرا گاهی خدا یاری کند چشم سر را ببندی و چشم دل را باز کنی، واقعه را حس کرده و با تمام وجودت درد را حس خواهی کرد، یکی از همین لحظه‌ها روزی بود که در یکی از تعزیه‌ها از لحظه وداع سخن می‌گفتم که اشکم جاری شد و کنترل خود را از دست دادم و حدود

زمانی که برای اولین بار در ۱۳ سالگی به ایفای نقش در صحنه تعزیه پرداخت و تا ۱۹ سالگی که برای اولین بار مرحوم مشهدی علی اکبر قاری، پرچم نوکری امام حسین(ع) را به دست او داد و در قالب نقش شمر به صحنه رفت تا جایی که لباس‌دار شده و خود زره بافی کرده است همیشه خدمت به خلق و شرکت در عزاداری امام حسین(ع) اولویت اولش بوده است.

نامش «محمدتقی ساده»، فرزند شهید علی و برادر شهید محمدرضا ساده است، همه اما عموتقی صدایش می‌کنند. حتی فرزندانش برای معرفی خودشان می‌گویند که فرزند عموتقی هستیم. حالا سال‌هاست که در شهرهای مختلف روی صحنه می‌رود، شمر، ابن سعد، یزید، ابن زیاد و هر نقش مخالف دیگری را بازی کرده است، بیشتر از همه اما شمر بوده، در این راه سختی‌های زیادی هم کشیده است.

بازخوردهای منفی بینندگان از جمله سختی‌هایی است که عموتقی روی آن تأکید داشته و می‌گوید: در اجرایی که در روستا داشتیم خانم سالخورده‌ای بنام «باجی فاطمه» برای تماشای تعزیه می‌آمد که در حین اجرای نقش واکنش نشان می‌داد و با صدای بلند لعنت می‌فرستاد که همیشه در ذهنم

سال‌هاست لباس سرخ بر تن کرده در ماه عزای حسین(ع) و تعزیه می‌خواند، عمرش را داده برای داشتن سهمی از خیمه عزای سرور و سالار شهیدان. می‌گوید برادران و فرزندانش همگی اولیا خوان هستند، اما او صدایش خوب نبوده باید لباس اشقیبا به تن می‌کرد، می‌گوید «عشق حسین(ع) که صدا نمی‌خواهد، دل می‌خواهد» و او دلش مملو از این عشق است و با خود می‌خواند «کردم از عقل سؤالی که بگو ایمان چیست؟ عقل در گوش دلم گفت که ایمان ادب است».

اعتقاد دارد که در تعزیه باید چشم سر را بست و چشم دل را گشود، می‌گوید «پیش‌ترها آن‌قدر در نقشم وارد می‌شدم که از قالب تعزیه خارج شده و حس زیاد می‌شد، از همان ابتدای شروع تعزیه تصور می‌کنم که در سال ۶۱ هستیم، روز واقعه ورود کرده است و من در بیابان برهوت و کنار فرات ایستاده‌ام و همین هم ذات پنداری شقاوت شمر را برای تماشاکنندگان بیشتر به تصویر می‌کشد».

یک عمر روی صحنه تعزیه

۴۸ سال دارد و تقریباً برابر سنش را در صحنه تعزیه بوده است، از زمان نوزادی در روستای محل تولدش «موجان» و بودن در لباس حضرت علی اصغر(ع) تا



۲۰ دقیقه نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم و تنها اشک می‌ریختم».

گاهی هم فرصتی پیدا می‌شود که خودت را بگذاری جای یکی از شخصیت‌های کربلا و برای لحظه‌ای تلاش کنی تا واقعه را از نگاه آن‌ها ببینی، عمو تقی این فرصت را داشته و حالا بعد از سال‌ها آن را به خاطر آورده و از یادآوری‌اش متأثر می‌شود. «سال ۸۴ اجرایی در مشهد داشتیم، فرزند کوچکم علی اصغر شده بود و خواهش کردم که نقش حرمله را خودم بازی کنم، فرزندم در نوزادی در آغوش هیچ کسی جز مادرش آرام و قرار نداشت و در روز اجرای تعزیه وقتی به آغوش بازیگر نقش امام داده شد شدیداً گریه کرد اما بعد از مدتی صدایش قطع شد که من خیلی نگران بودم که نکنند از حال رفته است اما وقتی تیر به گلوی او پرتاب کردم متوجه شدم که در آغوش امام‌خوان خوابیده است و امام در این حال به بخشی از نسخه رسیده بود که می‌خواند «عجب سیراب شد قلب فکارت، به روی دست بابا برده خوابت».

آئینی به گستره یک تاریخ

عمو تقی از لحظه‌های آئینی سخن می‌گوید که یک تاریخ را پشت سر دارد، آئینی که هنری است از ترکیب موسیقی، نمایش و متون که در لحظه لحظه‌اش عشق در جریان است، این تعریفی است که عمو تقی از هنری که عمر خود را در آن گذرانده است ارائه می‌دهد.

آن طور که او می‌گوید در کشور چندین زمینه برای نسخه‌های تعزیه وجود دارد، مثل زمینه میره عزا که نویسنده و گوینده اشعار آن میره عزای کاشانی بوده و این نوع از نسخ در تهران و قم اجرا می‌شود. زمینه بحر انجم در اراک و زمینه مداح در قزوین همه از زمینه‌های مشترکی است که در کل کشور استفاده می‌شود و اخیراً هم زمینه‌های معاصر جدیدی نوشته شده است.

این هنر اصیل و فاخر ایرانی اما ابزارهایی هم لازم دارد، زره، کلاه خود، شمشیر و مشک آب بخشی از ابزاری است که در تعزیه به کار گرفته می‌شود که ساخت هر کدام سختی‌ها و ممارست‌های بسیار را می‌طلبد، محمد تقی ساده سال‌های سال است که در ساخت زره نیز دستی بر آتش دارد و دانه به دانه مفتول‌های فلزی را در هم می‌آمیزد تا در نهایت یکی از حلقه‌های تعزیه کامل شود. به گفته او زره‌های مورد استفاده در تعزیه تماماً با دست بافته شده و راه ساخت دیگری برای آن وجود ندارد، این زره‌ها تشکیل شده از بالغ بر ۳۰ الی ۵۰ هزار دانه حلقه مفتول است که به هم بافته شده و زره را می‌سازد.

شرط اول خلوص نیت و تعهد

سفارش او به کسانی که می‌خواهند به میدان تعزیه بیایند این است که اول خودسازی داشته و متوجه باشند به میدانی می‌روند که نمایش محض نیست بلکه عشق است و عشق بازی، او معتقد است خلوص نیت و تعهد بیش از هر چیزی در نقش آفرینی در تعزیه اهمیت دارد. وی که خود سال‌ها مطالعات ضمنی در تاریخ و انواع نسخ این آئین داشته است، فعالان این عرصه

را به تحقیق و مطالعه تشویق کرده و می‌گوید: فعالان این عرصه لازم است که با مطالعه وارد شوند و در زمینه هنر تعزیه کتاب و مقاله و مقاتل را مطالعه کنند و از آن مهم‌تر این است که احترام به دیگران، پیشکسوتان، مستمعین و همکاران را سرلوحه کار خود قرار دهند. وی معتقد است با خرید یک دست لباس و کلاه خود و زره کسی تعزیه خوان نمی‌شود باید خاک میدان تعزیه را خورد و ادب را چاشنی آن کرد تا آخر عاقبت به خیر باشی.

به گفته او سیاحتی چون پیتربلوکوفسکی لهستانی - روسی تبار تعزیه را گشاینده درهای بسته تئاتر جهانی می‌نامند و یا پیتربروک معتقد است که «تعزیه، نمونه بارز نیوغ نمایشی مردم ایران است». هنر والای شبیه خوانی، افزون بر جنبه‌های

اعتقادی و عاطفی، جلوه‌های تصویری و حرکات نمایشی چشمگیری دارد و تأثیر آن در تجسم صحنه‌های کربلا بسیار عمیق است. ساده معتقد است این نقش با اهمیت نباید سیر نزولی طی کند و لازم است برای جلوگیری از این سیر نزولی که چند سالی است دامن‌گیر این نمایش آئینی سنتی مذهبی و ایرانی شده توجه بیشتری به آن شده و تحویل آیندگان دهیم و لازمه این امر هم در کنار هم بودن به جای در مقابل هم بودن است.



تعزیه برای عمو تقی نه شغل است و نه سرگرمی و نه صرفاً عزاداری، تعزیه برای او زندگی است، زندگی که لحظه لحظه‌اش را از خاطر نخواهد برد و حالا با یادآوری هر آنچه که گذشته لیخندی از رضایت بر لب‌هایش نقش می‌بندد.

وداع عاشورایی با شهید حججی / تلبور ایران در نجف آباد



مریم یآوری

همه ایران با چشمانی اشکبار برای آخرین بار پیکر شهید محسن حججی که نماد مقابله با کفر شد را تشییع کرده و او را تا آرامگاه ابدی‌اش بدرقه کردند.

همه ایران به نجف‌آباد آمدند، از بروجن، شیراز، تبریز، تهران، کرج و همه و همه در یک کلام از ایران آمده‌اند. آمده‌اند تا بار دیگر غیرت ایرانی را به رخ جهانیان بکشند و آمدند تا به پدر و مادر، همسر و فرزند محسن بگویند که همه ایران عزادار محسن است.

پهنای صورت همه مردم ایران را دیشب اشک‌هایی پر کرده بود که برای نمایش اقتدار ایران و ایرانی بر گونه‌ها جاری شده بود. امروز شهید بی‌سر همانند سرداری تشییع شد که همه جهان نظاره‌گر این تشییع بودند. امروز نجف آباد، دیروز اصفهان و تهران و دو روز گذشته مردم مشهد میزبان پیکر بی‌سر محسن بودند و می‌توان گفت همه ایران به احترام محسن ایستاد.

پیکر محسن ساعت هشت صبح بر روی دستان مردم قدرشناس نجف آباد وارد میدان بسیج شد، میدانی که امروز کربلای تجربه کرد، یک مملکت بی‌تاب محسن بود محسنی که امروز در کنار اربابش حسین (ع) نظاره‌گر ولوله مردمان ایران برای تشییع‌اش بود. خیل عظیم جمعیت توان حرکت را از همه مردم گرفته بود، عاشقان دلسوخته منتظر رسیدن لحظه وصال با یار بودند. همه با هم «خوش آمدی مدافع حرم»، «سلام عزیز پرپر»، «سلام عزیز برادر»، «سلام ماه منورم» را زمزمه می‌کردند و همه از محسن طلب دعا داشتند.

از محسن طلب بازگشت مر تزی را دارم

مادری حدود ۷۰ ساله که تازه از راه شیراز با در دست داشتن عکس پسر شهیدش و به عشق محسن به نجف آباد آمده بود، گفت: از محسنم می‌خواهم که

پیکر شهیدم؛ مر تزی، هم به خانه بازگرد. او که برای تسلی خاطر مادر شهید حججی از راه دور آمده بود، ادامه داد: امروز آمده‌ام تا به مادر شهید بگویم ما هم همدرد و همراه وی هستیم و او در تحمل این غم بزرگ تنها نیست.

حضور جانبازان و رزمندگان دفاع مقدس در کنار دیگر مسئولان ملی و استانی از جمله سردار سلامی جانشین سپاه پاسداران، محمود حجتی، وزیر کشاورزی، سردار پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه، سردار وحید نماینده رهبر معظم انقلاب، سرلشکر مصطفی ایزدی، سردار غلامرضا سلیمانی فرمانده سپاه صاحب‌الزمان (ع) و جمع کثیری از خانواده شهدای مدافع حرم نیز در این مراسم با شکوه وداع قابل توجه بود و اشک‌های جاری بر گونه‌های این عزیزان از حسرتی بر دل مانده‌شان نشان داشت.

محسن عاقبت بخیر شد و آرزو دارم به او بپیوندم

حامد ادیب در حالی که بر روی ویلچر در حال حرکت در بین مردم ایران در نجف آباد بود خود را جا مانده از غافله محسن دانست و گفت: محسن عاقبت بخیر شد و آرزو دارم به محسن بپیوندم.

وی با بیان اینکه مردم ایران سه ماه است که برای محسن اشک می‌ریزند، گفت: دشمن باید بداند ما امثال محسن حججی را زیاد داریم و این غیرت همواره در جامعه ایران جاری است.

احترام سربازانی که با چشمان اشکبار در مراسم تشییع شهید بودند نظاره‌گر تابوت شهید با حس غیرت و انتقام جویی خون او بودند به گونه‌ای که مردم ایران با دیدن هر یک از این سربازها بر خود میبالیدند چرا که در چهره هر یک از این سربازان محسن حججی دیده می‌شد.

اما مردم امروز در آخرین وداع با پیکر شهید حججی همراه با خود وسایلی را نیز برای تبرک آورده بودند تا یادگاری از شهید را نیز همراه با خود به خانه ببرند. با نگاهی اجمالی به میدان بسیج و خیابان‌های منتهی به این میدان شاهد مردمانی بودیم که هر کدام با حاجتی در دل نظاره‌گر تابوت شهید بی‌سر محسن

حججی بودند و از این شهید بزرگوار تقاضای وساطت برای برآورده شدن حاجتشان را داشتند.

در ادامه این برنامه و پس از مداحی رضا نریمانی و سخنرانی سردار سلامی، جانشین فرمانده سپاه انقلاب اسلامی، پیکر شهید حججی از میان خیل عظیم جمعیت مسیر میدان بسیج تا گلزار شهدا را طی کرد.

۴۰۰ عکاس و خبرنگار وداع آخر مردم ایران با محسن را ثبت کردند

موکب‌ها نیز پذیرای استقبال کنندگان پیکر شهید حججی بودند و همه مردم با نظم و ترتیب خاصی در این موکب‌ها با نهایت احترام پذیرایی می‌شدند.

اما حضور چشمگیر خبرنگاران نیز در مراسم تشییع پیکر شهید حججی قابل توجه بود به گونه‌ای که حدود ۴۰۰ خبرنگار و عکاس از رسانه‌های گروهی برای پوشش این برنامه حضور یافتند.

پیکر شهید بزرگوار در نهایت پس از یک ساعت حرکت در مسیر وارد گلزار شهدای نجف آباد و با قرار گرفتن بر روی دستان مردم قدرشناس ایران راهی خانه ابدی‌اش شد.

اقامه نماز میت شهید حججی توسط حجت‌الاسلام حسناتی

خانواده این شهید بزرگوار نیز برای تقدیم بدن قطعه قطعه شده محسن‌شان در حال آماده‌سازی آرامگاه این شهید شدند. آرامگاهی که به باور بسیاری از مردم شعبه‌ای از حرم امام حسین (ع) است.

نماز میت در فاصله صد متری آرامگاه شهید به امامت حجت‌الاسلام حسناتی، امام جمعه نجف آباد اقامه شد و در نهایت پیکر شهید محسن حججی پس از وداعی با شکوه و پس از حدود سه ماه با تقدیم سلام به امام حسین (ع)، و با دادن شعارهایی همچون مرگ بر آمریکا و اسرائیل با چشمان اشکبار خانواده‌اش، در آرامگاه ابدی‌اش پس از انجام آداب دفن میت آرام گرفت.

محسن جان! سلام ما را هم به ارباب برسان.

■ عمارت تاریخی «بلدیه» با عمری ۹۰ ساله در مرکزی‌ترین نقطه شهر رشت این روزها همچون بمب ساعتی در انتظار فاجعه‌ای است که این عمارت کهنسال را تهدید می‌کند.

■ تپه پوستچی در نزدیکی بلوار رحمت شیراز این روزها محلی برای کشف‌های تاریخی شده است. کشف‌هایی که نه تنها تاریخ شیراز را افزایش می‌دهد بلکه اطلاعاتی را از محلی ارائه می‌دهد که باستان‌شناسان به‌عنوان نخستین استقرارگاه در دشت شیراز می‌شناسند.

■ در منظر اول همه تصور می‌کنند تنها اثر ثبت جهانی و در حال مرمت این شهر، ارگ بم است اما طی سال‌های اخیر ده‌ها اثر تاریخی دیگر نیز مرمت شده است و همگی این داشته‌ها نتیجه کار کارشناسان و کارگرانی است که در گرمای شدید خرمایزان بم شب و روز کار مرمت این مجموعه تاریخی را به عهده دارند.

■ این روزها برخی تصمیمات در خصوص مسجد جامع بجنورد، هراس تخریب را بر پیکره این قدیمی‌ترین مسجد شهر پدید آورده و سایه تیشه لرزه بر ستون‌های آن افکنده است.

میراث ایران



اسرار جدید «شهر راز» برملا شد؛ احتمال افزایش تاریخ شیراز



فصل دوم کاوش‌های باستان‌شناسی تپه پوستچی دستاوردهای ویژه‌ای داشت، اسکلتهایی از دوران ساسانیان کشف شد و ادامه کاوش‌ها احتمالاً تاریخ شیراز را به بیش از ۶۵۰۰ سال می‌رساند.

تپه پوستچی در نزدیکی بلوار رحمت شیراز این روزها محلی برای کشف‌های تاریخی شده است. کشف‌هایی که نه تنها تاریخ شیراز را افزایش می‌دهد بلکه اطلاعاتی را از محلی ارائه می‌دهد که باستان‌شناسان به‌عنوان نخستین استقرارگاه در دشت شیراز می‌شناسند.

فصل اول کاوش‌ها در خردادماه سال ۹۵ انجام و منجر به کشف حدود هزار شیء باستانی از این تپه شد و البته کاوش‌ها باعث شد تاریخ شیراز را سه هزار سال افزایش دهد و به عدد شش هزار و ۵۰۰ سال برساند. حالا فصل دوم کاوش‌ها هم با دستاوردهایی آغاز شده و باستان‌شناسان احتمال می‌دهند ادامه لایه‌نگاری‌ها باعث افزایش تاریخ شیراز از این عدد شود و اطلاعات بیشتری از این استقرارگاه به آن‌ها بدهد.

در این رابطه حسنعلی عرب سرپرست مشترک تیم کاوش تپه پوستچی شیراز گفت: دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی تپه پوستچی شیراز به‌عنوان کار مشترک دانشگاه هنر شیراز و پژوهشکده باستان‌شناسی از بیستم شهریور شروع شد.

وی گفت: هدف ما در فصل دوم کاوش، ادامه کارهای فصل قبل بوده و درواقع گاه‌نگاری محوطه باستانی پوستچی

مهم‌ترین هدف محسوب می‌شود و اینکه بتوانیم به شناختی از لایه‌های قدیمی‌تر این محوطه برسیم. این سرپرست تیم کاوش با اشاره به اینکه لایه‌های فصل کاوش مربوط به دوره‌ای است که به‌عنوان «شمس‌آباد» شناخته می‌شود که شش هزار و ۵۰۰ سال قدمت دارد، بیان کرد: در این فصل معماری‌هایی به دست آوردیم که جالب‌توجهی هستند چراکه از این دوره تا حالا در استان موارد معماری قابل توجهی نداشته‌ایم.

وی عنوان کرد: درواقع بر اساس مطالعاتی که تاکنون انجام‌شده نشان می‌دهد تپه پوستچی نخستین استقرارگاه در دشت شیراز است. ما هنوز لایه‌های قدیمی‌تر از ۶۵۰۰ سال را داریم که کاوش نکردیم و آثار و شواهد نشان می‌دهد که زندگی در دشت شیراز به بیش از شش هزار و ۵۰۰ سال قبل برمی‌گردد. این باستان‌شناس با اشاره به شواهد دیگری که در کاوش‌ها به‌دست‌آمده نیز بیان کرد: ازجمله شواهد دیگری که از این فصل به دست آمد تعداد زیاد قطعات سفالی و ابزارهای سنگی است که اطلاعات زیادی در خصوص نحوه معیشت مردمان دوره شمس‌آباد می‌دهد.

کشف اسکلتهای ساسانیان

وی بیان کرد: داده‌های استخوانی نیز به دست آمد که به این نتیجه رسیدیم در این محل تدفین‌هایی از دوره ساسانی وجود داشته است و انسان‌ها به‌صورت گذرا تدفین انجام داده‌اند که احتمالاً مربوط به کوچ‌نشینانی بوده که در دوره ساسانی در این منطقه حضور داشته‌اند.

این باستان‌شناس ادامه داد: بعدازآن وارد دوره‌های

قدیمی‌تر می‌شویم. همچنین دیگر سرپرست مشترک این تیم کاوش نیز بیان کرد: در ادامه کاوش‌ها مجموعاً دو کارگاه ایجادشده در دو سطح تپه که یکی از آن در لایحه تختانی و زیرین است و کارگاه دوم در لایحه‌های پیش از تاریخ مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد و شاید هزاره ششم قبل از میلاد یعنی حدود شش هزار و ۵۰۰ تا ۷ هزار سال پیش را مورد کاوش قرار می‌دهیم.

علیرضا سرداری ادامه داد: هدف ما لایه‌نگاری است و اینکه نهایتاً برسیم به قدیمی‌ترین روستایی که بنا نهاده شده است.

وی توضیح داد: باید گفت تپه پوستچی بقایای به‌جامانده از روستایی از دوران پیش از تاریخ از شش هزار و ۵۰۰ تا هفت هزار سال پیش بوده که در باستان‌شناسی به آن «باکون» یا «شمس‌آباد» گفته می‌شود یعنی مرحله شکل‌گیری روستاهای بزرگ و پیچیده با فرهنگ مسنجم که با روستاهای قدیمی‌تر متفاوت است.

این باستان‌شناس ادامه داد: این روستا نیز بخش زیادی از شیراز را در برمی‌گرفته است و این روستاییان معماری از خشت و ... که عمدتاً مصالح ساده‌ای بوده داشته‌اند.

وی گفت: در کارگاه ما بقایایی از معماری خشتی را شناسایی کردیم که خیلی ساده هست و نباید توقع معماری بزرگ و فاخر داشته باشیم اما با کشف این خشت‌ها می‌توانیم به پلان خانه‌هایشان پی ببریم و با نوع نظام سکونت‌شان آشنا شویم.

بنابراین گزارش با استمرار کاوش‌ها در این بخش از شیراز به نظر می‌رسد باید منتظر رونمایی فصل جدیدی از تاریخ این شهر پرمرزوراز باشیم.

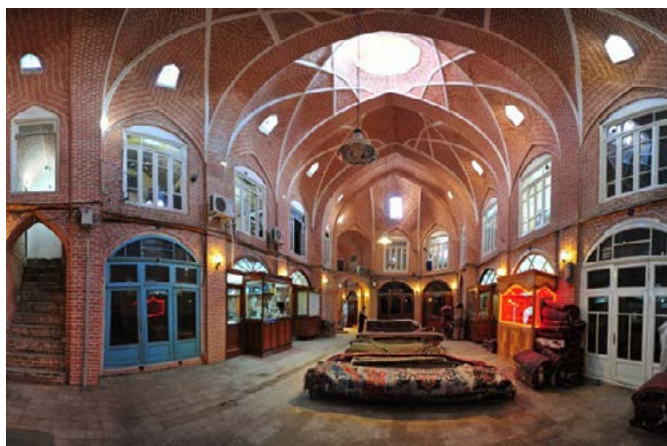


اولین جاذبه‌هایی که باید در شهر اولین‌ها دیدن کنید



تبریز و آذربایجان شرقی اماکن بسیار زیاد و زیبایی برای گردش دارند. تبریز شهر تناقض‌هاست. درحالی‌که سنتی‌ترین بازار را دارد، در یافت مدرن آن شاهد برج‌های تجاری متعدد هستیم. درحالی‌که کویر دارد، پیست اسکی نیز دارد. اما آن‌هایی که قرار است به تبریز بیایند جزو ۷۰ میلیون گردشگری هستند که با اهداف فرهنگی سفر می‌کنند و بی‌شک به همین خاطر، عامل «تفاوت»، اصلی‌ترین دلیل آنان از سفر به تبریز می‌تواند باشد. در این گزارش به معرفی ۷ نقطه گردشگری تبریز و حوالی‌اش می‌پردازیم. مکان‌هایی که باید اولین مقصد شما در شهر اولین‌ها باشند.

تاریخ زنده در تیمچه‌های بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان
یکی جاذبه‌های تبریز که بسیاری از گردشگران خارجی هدف از سفرشان به تبریز را دیدن آن عنوان می‌کنند، بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان است که به‌نوعی



تبریز که به‌عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۸ انتخاب‌شده، از مکان‌های تاریخی و طبیعی بسیار زیبایی برخوردار است که باید آن‌ها را اولین مقاصد بازدید خود قرار دهید.



بهنام عبداللهی

تنها ۱۰۰ روز تا بزرگ‌ترین اتفاق گردشگری ایران باقی‌مانده است؛ «تبریز ۲۰۱۸...» شاید بسیاری از خوانندگان این گزارش این عنوان برایشان ناآشنا باشد که حاکی از عدم اطلاع‌رسانی کافی توسط رسانه‌هاست اما برای بیان اهمیت تبریز ۲۰۱۸ کافی است بگوییم که تبریز میان ۵۷ کشور اسلامی جهان به‌عنوان پایتخت گردشگری در سال ۲۰۱۸ توسط سازمان‌های بین‌المللی انتخاب شده است.

هرسال یکی از شهرهای کشورهای اسلامی این عنوان را دریافت می‌کند که تبریز نیز جزو آن‌ها شده است. این فرصت بی‌نظیر گردشگری نه‌تنها برای تبریز و آذربایجان شرقی، بلکه برای ایران می‌تواند بهره‌های بسیار ماندگاری به همراه داشته باشد و شاید اینکه شهرهای ایران بعد از ۵۷ سال شانس انتخاب به این عنوان را خواهند داشت، بیانگر اهمیت این رویداد باشد.

بسیاری از افراد فکر می‌کنند که با تحویل سال ۲۰۱۸ میلادی، سیلی از مسافران روانه تبریز خواهند شد اما مسئولان شهری و استانی که همواره به خاطر کم‌کاری در این‌باره موردانتقاد قرار می‌گیرند، می‌گویند این اتفاق صرفاً جهت معرفی و تبلیغ تبریز است و می‌تواند آغازی برای توسعه صنعت توریسم در این خطه باشد. اکنون چیزی حدود ۱۰۰ روز تا تبریز ۲۰۱۸ باقی‌مانده است و طبق گفته مسئولان بخش‌های مختلف، قرار است طی سال ۲۰۱۸، برنامه‌های متنوع ملی و فراملی در تبریز برگزار شود تا از آن طریق بتوان گردشگر جذب کرد اما چیزی که امروز نیز شاهد آنیم، افزایش مسافران به‌ویژه مسافران خارجی در تبریز است.

به زمان (مثلاً در ساعت ۱، یکبار، در ساعت ۲، دو بار و...) به صدا درمی آید و مدت‌هاست تبریزی‌هایی که از این مکان عبور می‌کنند، سراغ زمان را از عمارت ساعت می‌گیرند.

مسجد کبود، فیروزه جهان اسلام



در همان حوالی عمارت ساعت در خیابان امام که قدم بزنید مسجد کبود تبریز به چشم خورده می‌شود، «فیروزه جهان اسلام». چنانچه از صفت زیبایش پیداست، این مسجد علاوه بر اینکه رابطه‌ای معنوی با اسلام دارد، از یک رابطه ظاهری نیز برخوردار است.

کاشی‌ها و گچ‌کاری‌هایی که به قوه معماری اسلامی یک مسجد بسیار زیبا را فراهم آورده، در طول تاریخ پرفرازونشیب تبریز، لرزه‌های محکمی را به تن خود دیده است ولی از آنجایی که از استحکام مردان این سرزمین ارث برده، همچنان پابرجاست و به‌عنوان نماینده‌ای از تاریخ زیبای اسلامی در یکی از خیابان‌های قدیمی تبریز زندگی می‌کند.

مقبره‌ای که ۴۰۰ شاعر، شعر مرگ را در آن سروده‌اند



تبریز به همان اندازه که به خاطر زیبایی و قدمتش شناخته می‌شود، به‌عنوان مهد فرهنگ و هنر نیز نام‌برده می‌شود و برای اثبات این حرف کافی است کمی آن‌طرف‌تر از موزه قاجار به مقبره الشعرا برویم. مقبره‌ای که در خیابان سرخاب قرار گرفته... خیابانی که هزاران فرهیخته در آن سر به زمین گذاشته‌اند.

۴۰۰ شاعر در مکانی مثل مقبره‌الشعرا سر به شانه سردمدار شعر ترکی، شهریار گذاشته و آرام گرفته‌اند. قدم زدن در مقبره‌الشعرا شاید بتواند همه را شاعر کند. شاعری که می‌تواند بی‌نهایت از عمق این دیار بسراید.

اثر گلی که نیاز به معرفی ندارد

همان جایی که با نشات از آسمش همه مردم آن را می‌شناسند. حتی شاید اولین مقصد مسافران در تبریز همین اثر گلی است و از آنجایی که گل یا همان استخر وسط این باغ زیبا مدت‌هاست در کتب و فضاهای مختلف به‌عنوان نماد تبریز شناخته می‌شود شاید خوب نباشد که فقط آنجا را در توصیف تبریز به کار ببریم بلکه

دالان‌ها و کوچه‌های آن، شاه‌رگ‌های شهر تبریز تلقی می‌شود. بازاری که به‌اندازه تاریخ تجارت این سرزمین طولانی و بزرگ است و می‌توان گذر عصرها و قرن‌ها را در آن با وضوح دوربین‌های امروزی دید. بازار سرپوشیده تبریز که مدت‌ها پیش به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار مسقف دنیا، در سازمان یونسکو ثبت جهانی شده، پر است از آدم‌هایی که بیش از مغازه‌هایشان جذاب هستند. این بازار در گذشته‌های دور و به عبارتی از سده چهارم هجری به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، گذرگاه بسیاری از تجار خارجی و به عبارتی ورودی کشورهای همچون کشورهای اروپایی بوده که به گفته تاریخ‌دانان، بزرگ‌ترین علت رونق این بازار همین است.

موزه قاجار، راوی خوش‌چهره دوران قاجار



در فاصله نه‌چندان زیاد با بازار، یکی از بهترین موزه‌های ایران سکونت دارد؛ موزه قاجار. این موزه که به نام خانه امیرنظام گروسی نیز شناخته می‌شود با ساخت و معماری کم‌نظیرش، یکی از بهترین عمارت‌های تاریخی ایران به شمار می‌آید که راوی یک دوره مهم از تاریخ ایران یعنی دوره قاجار است.

بی‌شک اگر کسی در کتاب‌ها یا فیلم‌ها درباره دوران قاجار مطالعه نداشته باشد، با یک گشت کوچک در این موزه، حتی به جزئیات زندگی آدم‌ها و اهالی دربارهای قاجاری پی خواهد برد. این موزه به‌تازگی با گسترش حیاط خود، به پارک‌موزه‌ای بی‌نظیر تبدیل شده است که هم‌روزه میزبان تاریخ‌دوستان از سرتاسر ایران و جهان است.

سراغ زمان را از عمارت ساعت بگیرد



اما به مرکز شهر که می‌رویم، به یکی از زیباترین نمادهای تبریز می‌رسیم. عمارت ساعت یا عمارت تاریخی شهرداری تبریز که بیش از ۸۰ سال پیش به دست مهندسان آلمانی ساخته‌شده، مدت‌هاست که به‌عنوان یکی از نمادهای تبریز در کتب و منابع مختلف از آن استفاده می‌شود.

هرچند بخشی از این عمارت کاربری اداری پیدا کرده‌اند و اعضای شورای شهر در آن استقرار دارند، اما بخش دیگر و اعظم آن صرف نگه‌داری اشیای تاریخی و باارزش مثل فرش تبریز است که در معرض بازدید گردشگران قرار می‌گیرد.

ساعت بزرگی که در بلندای این عمارت نقش بسته است، هر ساعت با توجه

یک گردشگر کانادایی کلیبر را این گونه توصیف می کند: «شهری دورافتاده و خواب آلود در میان کوه های سر به فلک کشیده ای که قله هایشان در زیر مه غلیظ از دیده پنهان شده اند... مکانی است عالی؛ به طراوت و سر سبزی انگلیس و وری ذهنیت ما از طبیعت کویری و خشک ایران.»

وقتی انسان می خواهد



پا به کندوان که می گذاریم، خانه های یک شکل و یکرنگی به چشم می خورد که در دل کوه، مانند کندوهای عسل لانه ای هستند برای زندگی انسان های یکرنگ و غریب دوست و مهربان. کندوان که در حوالی اسکو جای گرفته، نه تنها دیدنی است، بلکه فهمیدنی نیز است. باید فهمید که اگر انسان بخواهد می تواند حتی کوه ها را برای خود پناهگاه قرار دهد و زندگی کند.

کمی آن طرف تر نیز جلفا و منطقه آزاد ارس بر پیکره این استان جای خوش کرده است. جایی که کم کم نه تنها مسافرانی که به تبریز می آیند به آنجا سر می زنند، بلکه مسافرانی که این منطقه می آیند موقع گذر، تبریز را نیز می بینند. آسیاب خرابه و کلیسای سنت استپانوس از جاذبه های کهن این دیار است ولی کسی که به منطقه آزاد ارس سفر می کند، هرگز بر بازارهای مدرن و پیشرفته و گردشگر طلب آن چشم نمی بندد.

مکان هایی که از آن ها نام پرده شد، تنها مکان های گردشگری تبریز یا آذربایجان شرقی نیستند، اما دقیقا همان هایی هستند که سال هاست تبریز را با آن ها می شناسید و به عنوان نمادهای تبریز یاد می کنید. این ها همان مکان هایی هستند که پای سندن زیبایی و تاریخ تبریز امضا انداختند تا بزرگترین رویداد گردشگری جهان اسلام در تبریز برگزار شود. باید منت دار این بناها باشیم.



اثر گلی است که زیبایی و سبزی رگ های تبریز را تداعی می کند. اما از تبریز که کمی بیرون می آییم، در استان آذربایجان شرقی و حوالی تبریز، طبیعت های بکر و مکان های تاریخی فراوانی وجود دارند که ممکن نیست گردشگری به خاطر تبریز به این خطه سفر کند و آن ها را ندیده، این دیار را ترک کند.

شهری دور افتاده، خواب آلود، میان کوه های سر به فلک کشیده



استان ما یک شمال کوچک در دل خود دارد؛ کلیبر. در مورد این شهرستان سبز و بهشتی آذربایجان شرقی کافی است به مرور نظر یک گردشگر خارجی اکتفا کنیم.



TABRIZ

the Capital of Islamic Tourism

پایتخت گردشگری

کشورهای اسلامی

تبریز

بی پولی ارگ بم را فتح کرد/ سه ماه تاخیر در پرداخت حقوق کارگران

رنجش همه ما می شود اما باید این را بدانیم که میراث فرهنگی تمام تلاش خود را برای حمایت از کارگران می کند در واقع باید پولی وجود داشته باشد که بتوانند ابلاغ و پرداخت کنند.

ابراهیمی افزود: پیگیری های مستمری صورت گرفته و بنا به آخرین اطلاعاتی که دارم اعتبار مورد نیاز طی امروز و فردا ابلاغ و حداکثر تا چند روز آینده پرداخت ها انجام می شود.

ابراهیمی به این نکته اشاره کرد که با وجود اینکه چند ماه حقوق کارگران پرداخت نشده اما حتی یک روز کار متوقف نشده است و کارگران با تمام توان روند عادی کار را انجام داده اند.

رئیس پایگاه جهانی ارگ بم اظهار کرد: این ارگ با تلاش همین کارگران در حال بازسازی است و هیچ وقفه و خللی در بازسازی صورت نگرفته است.

وی بیان کرد: حدود ۱۳۵ کارگر و کارشناس در این مجموعه مشغول به کار هستند و ارگ بم بخشی از مجموعه های ثبت جهانی است در واقع ۲۳ هزار هکتار مساحت تحت پوشش است که ارگ بم ۱۸ هکتار را تشکیل می دهد.

وی گفت: خانه عامری، مجموعه کوشک، مجموعه وکیل، کارخانه حناسازی و ... تنها بخش کوچکی از پروژه های پایگاه است که با جدیت پیگیری شده و روند بازسازی ارگ بم نیز جلوتر از برنامه زمان بندی شده در حال انجام است.

وی ابراز امیدواری کرد که با اختصاص اعتبار مورد نظر مشکلات کارگران که در صف اول بازسازی ارگ بم هستند به زودی رفع شود.

این در حالی است که اواسط هفته گذشته مدیرکل امور پایگاه های میراث جهانی کشور در گفتگو با رسانه ها وعده داده بود که حقوق کارگران پایگاه ارگ بم به زودی پرداخت می شود.

وی علت عدم پرداخت حقوق کارگران را اینگونه اعلام کرده بود که به دنبال افزایش اعتبارات مالی برای پرداخت همه معوقات مزدی کارگران ارگ قدیم بم و چند پروژه دیگر بودیم و برای همین تاخیر به وجود آمد و در حال حاضر این اعتبارات تامین شده و طی امروز و فردا دستور پرداخت اعتبارات جاری و معوقه کارگران به پایگاهها ابلاغ می شود.

این وعده که اواسط هفته قبل داده شد در حالی هنوز محقق نشده است که کارگران پایگاه جهانی ارگ بم امیدوارند طی امروز و فردا حقوق بر زمین مانده ماه های اخیر را دریافت و با خیال آسوده تری کار بازسازی ارگ بم را ادامه دهند.



وی بیان کرد: اقساط و کرایه خانه های ما مانده است و هر بار وعده می دهند که حقوق کارگران تا چند وقت دیگر پرداخت می شود، سوال من این است که چرا سال های گذشته چنین اتفاقی روی نمی داد.

این کارگر افزود: هر چند کارشناسان کار تخصصی را انجام می دهند اما ما کارگران اگر نبودیم و برای مرمت ارگ بم تلاش نمی کردیم کار به اینجا می رسید؛ بعد از اینکه بخش قابل توجهی از ارگ مرمت شده است چرا دستمزد ما را اینگونه پرداخت می کنند.

طبق گفته این کارگر بخشی از حقوق طبق وعده داده شده قرار است پرداخت شود اما سوال این است که این روند تا چه زمانی ادامه خواهد یافت.

محمود وفاپی، مدیرکل میراث فرهنگی استان کرمان اظهار داشت: پیگیری های سازمان میراث فرهنگی به صورت مستمر برای رفع این مشکل ادامه دارد اما علت عدم پرداخت حقوق، ابلاغ نشدن اعتبار بوده است.

وی افزود: طبق اقداماتی که انجام شده قرار است اعتبار از مرکز به زودی ابلاغ و حقوق کارگران ارگ بم پرداخت شود. وفاپی ادامه داد: اعتبارات ارگ بم به صورت مستقیم و جداگانه از امور پایگاه های ثبت جهانی ابلاغ می شود و امیدواریم با حل این مشکل در آینده هم شاهد بروز چنین مشکلاتی در زمینه بازسازی ارگ بم و پایگاه جهانی این شهر نباشیم.

مشکل عدم پرداخت حقوق کارگران به زودی رفع می شود
رئیس پایگاه جهانی ارگ بم نیز اظهار داشت: مشکل مربوط به بخش مسائل مالی و اداری است و در این خصوص مسئولان مربوطه باید پاسخگو باشند.

وی افزود: ۹ سال است که کنار کارگران ارگ بم در حال کار و زندگی هستیم و این افراد همچون اعضای خانواده ام هستند و عدم پرداخت حقوق کارگران منجر به

اما گویی این ارگ که همیشه سد راه متجاوزان به شرق کشور بوده است حالا خود اسیر بی پولی شده است که گاه و بیگاه از حصارهای بزرگ این بنا سرک می کشد و نفس ارگ را می گیرد.

طی دو سال اخیر بارها شاهد عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران پایگاه جهانی ارگ بم بوده ایم، کارگران این بنا که اکثرا از مردم محلی و شب و روز مشغول فعالیت هستند بعضا، حقوق خود را بعد از رسانه ای شدن مشکلات مالی و فشارهای رسانه ای دریافت می کنند.

پیش از این خبرگزاری مهر در گزارشهایی به این مشکل پرداخته است، هر چند عدم پرداخت حقوق موجب مختل شدن روند کار بازسازی ارگ نشده است اما بدون شک موجب بروز مشکلاتی برای کارگران بمی مجموعه شده است.

در آخرین مورد از این دست مشکلات مالی، کارگران ارگ بم که طی هفته گذشته از عدم پرداخت حقوقشان به مدت ۴ ماه خبر داده بودند امروز هم مجبور شدند طبق اعلام رسانه های محلی مقابل ارگ بم برای لطفاتی تجمع کنند.

یکی از این کارگران اظهار داشت: بیش از صد نفر از کارگران ارگ بم چندین ماه است که هیچ گونه پرداختی نداشته اند. در این مدت مجبور شدیم با قرض گرفتن از اطرافیان زندگی را مدیریت کنیم.

برای امرار معاش مجبوریم چند ماه پول قرض کنیم

وی افزود: تنها محل امرار معاش ما حقوقمان است و عدم پرداخت حقوق به مدت چهار ماه روند زندگی ما را مختل کرده است، طی این مدت حتی یک روز کار را متوقف نکرده ایم اما آیا این درست است که طی سال های اخیر حقوق کارگران هر چند ماه یک بار پرداخت می شود و دلیلش هم مشکلات اداری و مالی عنوان می شود.

ارگ بم که به بزرگترین بنای خشتی جهان شهرت یافته هر از چند گاهی با مشکل کمبود اعتبار و عدم پرداخت حقوق



اسما محمودی

کارگران مواجه می شود که نگرانی هایی را در مسیر بازسازی این بنا به وجود آورده است.

بم تنها شهر ایران است که ثبت جهانی شده و طبق اطلاعات میراث فرهنگی مساحت جغرافیایی پرونده ثبت جهانی این مجموعه ۲۳ هزار هکتار می باشد که نه فقط شامل ارگ بم بلکه صدها اثر تاریخی و کلیه بناها و منظر شهر بم را شامل می شود. از پایگاه جهانی ارگ بم به عنوان بزرگترین پایگاه جهانی ایران یاد می شود که چه از نظر حجم کار و چه نیروی انسانی گوی سبقت را از دیگر بناهای ثبت جهانی در کشور ربوده است.

با مروری بر آنچه طی سال های گذشته در این پایگاه گذشته است و مرمت بخش قابل توجهی از این بناها با وجود همه کمبودها، به سادگی می توان سعی و تلاش را در گوشه گوشه بناهای تاریخی بم به خصوص ارگ بم مشاهده کرد.

در منظر اول همه تصور می کنند تنها اثر ثبت جهانی و در حال مرمت این شهر، ارگ بم است اما طی سال های اخیر ده ها اثر تاریخی دیگر نیز مرمت شده است و همگی این داشته ها نتیجه کار کارشناسان و کارگرانی است که در گرمای شدید خرمایزان بم شب و روز کار مرمت این مجموعه تاریخی را به عهده دارند.

اهمیت ارگ بم برای مردم این شهر و همچنین فعالان عرصه گردشگری و باستان شناسی آنقدر زیاد است که برای پایان مرمت ارگ بم دقیقه شماری می کنند. اگر در ایام پیک گردشگری به ارگ بم سر بزنید این بنا مملو از گردشگرانی است که از مناطق مختلف جهان و کشور به این بنا مراجعه کرده اند.

ارگ همچنین در اقتصاد خانوار مردم بم نیز بسیار قابل توجه است و بسیاری از مردم این شهر تاریخی در عرصه گردشگری فعال هستند و تمام این اطلاعات به این معنی است که بازسازی این بنای حیرت انگیز تاریخی همچون حفظ مهمترین شریان زندگی در بم است.

فاجعه در کمین عمارت «بلدیه» رشت / مدیریت شهری در خواب است



پالیز ایمانی
عمارت تاریخی «بلدیه» با عمری ۹۰ ساله در مرکزی‌ترین نقطه شهر رشت این روزها همچون بمب ساعتی در انتظار فاجعه‌ای است که این عمارت کهنسال را تهدید می‌کند.

عمارت بلدیه شهرداری رشت که با الهام از معماری سنت پترزبورگ روسیه توسط «آرتم سرداراف» یک ارمنی روسی مقیم رشت ساخته شد، از سال ۱۳۰۸ در تملک شهرداری این شهر ثبت شده و حالا پس از ۹۰ سال، نه تنها تغییر کاربری نیافته بلکه بازدید از بنا نشان می‌دهد یک فاجعه در کمین عمارت بلدیه است.

بارندگی اخیر، چکه‌های شدید سقف از یک سو و سیم‌های برق پراکنده و رها شدن روی لمبه‌های چوبی، به مثابه یک بمب ساعتی است که با یک اتصال هر لحظه ممکن است کل بنا را به ویرانه‌ای تبدیل کند.

چگونگی ساخته شدن عمارت بلدیه

به گفته یک رشت‌پژوه، کنگ آحادت ساختمان اداری بلدیه در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در زمان «یاور محمود خان غفاری» شهردار وقت، به زمین زده شد و مهندسی ارمنی به نام «آرتم سرداراف» - که از ارمنه‌های روسیه و مقیم شهر رشت بود - کار طراحی و نظارت بر ساخت آن را بر عهده گرفت.

مهندس روبرت واهانیان تبریز توضیح می‌دهد: اداره بلدیه از اول فروردین ماه سال یاد شده، «آرتم سرداراف» را به سمت مهندس بلدیه رشت یا ماهی ۷۰ تومانی حقوق استخدام کرد تا وی هفته‌ای سه روز در بلدیه شعبه ساختمان (یعنی واحد عمران شهرداری) برای انجام وظایف حاضر شود.

چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ خورشیدی عمارت بلدیه با یک برج دیدبانی به صورت نیمه کاره افتتاح و دو ماه بعد از تکمیل نهایی، ساختمان اداری شهرداری رشت به مکان تازه تاسیس خود منتقل شد.

وی ادامه می‌دهد: سال ۱۳۰۸ در برج دیدبانی تغییراتی رخ داد. در همان سال با یک فراخوان، چهار ساعت بالای برج قرار گرفت و دو کلید متقاطع به سمت پایین همراه با دو گلدان بر روی عمارت شهرداری نقش بست

و بالکنی هم برای سخنرانی‌ها به برج اضافه شد.

زلزله رودبار و تخریب عمارت بلدیه

۶۴ سال بعد از تاسیس، زلزله مهیب رودبار، برج ساعت را فروریخت. شدت آوار به حدی بود که ستون‌های برج بر پاگرد پله‌های دو طرف داخل بنا ریخت و ساعت‌های آلمانی برج در آوار برداری ناپدید شد. آن زمان با نظارت سازمان میراث فرهنگی، عمارت بلدیه با نظارت «روبرت واهانیان» مرمت شد.

آنگونه که وی توضیح می‌دهد، با الگوبرداری و کشیدن طرح‌های گلدان و کلید، برج بلدیه همانند اصل بنا مرمت و به جای ساعت‌های آلمانی چهار ساعت ژاپنی بالای برج رفت تا اهمیت زمان را به مردم یادآور شود. واهانیان توضیح می‌دهد که برای استحکام برج، چهارستون آهنی در چهار طرف برج جانمایی و برای جلوگیری از تجمع آب باران، از بالای برج دو لوله بلند نآودان تا پایین بنا کشیده شد تا کل عمارت از رطوبت مصون بماند.

زلزله دوم و مرمت‌های غیر اصولی

آبان ماه سال گذشته، یک بار دیگر این بنای فاخر مورد تخریب قرار گرفت. تخریبی که آسیب‌های آن

هر روز بیشتر خود را نشان می‌دهد. سال گذشته شهرداری رشت لایحه‌ای تحت عنوان بازآفرینی ساختمان تاریخی بلدیه به شورا ارسال کرد تا عمارت را مرمت کند. هرچند در بودجه مصوب شده بود که پروژه‌های بازآفرینی می‌باید با اعتبار دولتی هزینه شود ولی، شورای شهر رشت ۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای مرمت و احیای عمارت بلدیه تخصیص داد.

پروژه، به یک شرکت غیر بومی واگذار شد و این شرکت در یک طرح عجولانه و بدون اخذ مجوز از سازمان میراث فرهنگی بازآفرینی بنا را آغاز کرد. اما با مداخله میراث فرهنگی گیلان، جلوی ادامه پروژه گرفته شد.

آبان ماه سال گذشته، معاون وقت سازمان میراث فرهنگی با حضور در صحن شورا، متذکر شد که بارها به شهرداری اعلام کرده که طرح شرکت مذکور، فاقد نگاه میراثی است و بسیار ناپخته طراحی شده است. محمدرضا باقریان یادآور شده بود که طبق دستور العمل ابلاغ شده، طرح مرمت هر بنای میراثی می‌باید ابتدا در سازمان میراث فرهنگی کشور تایید و سپس اجرا شود.

با این حال سازمان میراث گیلان اعلام آمادگی کرد که حاضر است نواقص طرح را برطرف و با نظارت میراث عمارت بلدیه مرمت شود. مرمتی که هیچ‌گاه به سرانجام نرسید.

اکنون به جای برخی از درهای اصیل این بنا، درهای جدید قهوه‌ای رنگ با شیشه‌های شکسته جا خوش کرده است و از سرنوشت درهای قبلی هم خبری نیست و یکی از سالن‌های طبقه پایین، محل دپوی لوازم اداری مستهلک شده است.

فاجعه در کمین نماد شهر رشت

اکنون اما خطر از سقف، بنا را تهدید می‌کند. سیم‌های برق دپو شده و بی‌نظم در زیر شیروانی و بالای برج ریخته شده و رطوبت بالای ساختمان و نم‌ی که با بارندگی‌های اخیر شدت یافته، هر لحظه فاجعه اتصال سیم‌کشی و آتش‌سوزی این بنا را تهدید می‌کند. دیوارهای طبقه پایین تا نیمه رطوبت زده و طاق‌های زیر برج ساعت، ترک برداشته و در برخی از اتاق‌های طبقه بالا، آب از سقف چکه می‌کند.

بازدید از زیر شیروانی و برج، عمق فاجعه را گزارش می‌دهد. چوب‌های ۹۰ ساله پوسیده، سیم‌های برقی که افشان و پراکنده و تنها با نوار چسب اتصالات را نگه داشته است و آب بارانی که از شیروانی چکه می‌کند



میراث فرهنگی برای آنکه یک بنای میراثی از گزند تخریب و آسیب حفظ بماند، بنا را در فهرست بناهای میراثی کشور ثبت می کند. ولی وظیفه حفظ و نگهداری این بناها قانوناً بر عهده مالک است. میرصالحی همچنین یادآور می شود: طرحی که شرکت پل شیر برای مرمت بنای بلدیه آرایه داده بود، فاقد نگاه کارشناسی بود و به همین دلیل سال گذشته سازمان میراث فرهنگی جلوی ادامه کار را گرفت. این مقام مسئول در پاسخ به وضعیت فعلی عمارت بلدیه ابراز می کند: بازدیدهای دوره ای توسط یگان حفاظت میراث صورت می گیرد. در بازدیدی که روزهای اخیر صورت گرفت، به شهرداری اخطار داده شد که وضعیت سیم کشی های بنا را بررسی و به لحاظ ایمنی از بنا رفع خطر کند. در شرایط کنونی باید پرسید، شهرداری به عنوان مالک چهاربنای شاخص تاریخی در شهر رشت، تا چه اندازه از وضعیت نگه داشت و ایمنی این بناها با خبر است؟ اکنون مشخص شده عمارت بلدیه به عنوان شاخص ترین بنای مرکز استان در شرایط نایمن بسر می برد و هر لحظه ممکن است یک فاجعه میراثی و حتی انسانی در مرکز رشت رخ دهد.

اندکی بدون پوشش رها شده باشد، در زمان بارندگی یک فاجعه ایجاد می کند.

بنایی که باید موزه مردم شناسی گیلان می شد

کارشناس مسئول ثبت بناهای میراثی گیلان، درباره این بنای فاخر می گوید: عمارت بلدیه از معدود بناهایی است که هنوز عمر آن بنا به نیمه نرسیده، در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۵۶ به شماره ۱۵۱۶ در فهرست بناهای میراثی کشور ثبت شد.

مهدی میرصالحی می افزاید: عمارت بلدیه در زمان ثبت، مصوب شده بود که به عنوان موزه مردم شناسی بلدیه گیلان تغییر کاربری دهد، اتفاقی که در عمارت بلدیه تبریز رخ داد. همچنین برخی تلاش کردند که یکی از طبقات به عنوان موزه هنرهای معاصر تغییر کاربری یابد و به همین منظور وزارت فرهنگ وقت، تابلوهایی را از نقاشان بنام گیلان از جمله آیدین آغداشلو و حسین محجوبی و... خریداری کرد. ولی تا کنون عمارت بلدیه موزه نشده است و تابلوها نیز در بایگانی وزارت ارشاد خاک می خورد. وی با اشاره به تعدد بناهای ثبت شده در استان و محدودیت بودجه این سازمان، تاکید می کند: سازمان

و لگن هایی که برای جمع آوری آب روی لمبه های پوسیده قرار گرفته است، روشنایی برق زیر شیروانی قطع شده و هواکش هایی که زیر شیروانی برای خروج رطوبت تعبیه شده، از کار افتاده است.

از زیر سقف، پله مارپیچی به برج ساعت می رود، برجی که انتهای آن محل لانه زنبورهاست. در تمام مسیر داخلی برج، شدت رطوبت به حدی است که پنجره های چوبی برج را پوسانده و دیوارهای برج تباه کرده است.

وسط برج، شکاف گردی است که به گفته واهانیان محل استقرار بلند گو بوده اما اکنون در انتهای برج، شیشه های پنجره برج را در حد وسیع پرش داده اند تا چهار عدد بلندگو مستقر شود.

حالا همین شیشه های باز و شکسته نیز محلی برای هجوم رده باران به داخل برج شده است. چند بلندگوی مستهلک نیز در فضای میانی برج رها شده است.

با اینکه چهار نورافکن جدید در فضای باز برج تعبیه شده، نورافکن های سنگین و قدیمی دوران رضا ساغری (شهردار ۱۳۸۵-۱۳۸۶)، در فضای کوچک بالای برج بلااستفاده رها شده است.

در این فضا، ناودانی که محل خروج آب است، از انباشت سیم های نورافکن مسدود شده و سیم هایی که اگر

موزه های گلستان خواب گردشگر می بیند / افزایش بدون برنامه

مسئولان در حالی از افزایش کمی و حرکت به سمت استانداردهای موزه های گلستان خبر می دهند که کارشناسان معتقدند این افزایش در راستای توسعه گردشگری نیست.



زهرا اجهانی

موزه ها مجموعه های با ارزش و منحصر بفردی هستند که با ارتباط دادن حال و گذشته، هویت فرهنگی و اثرات فرهنگ جامعه گذشته در اشیاء مشاهده کرد.

چنین مجموعه های موزه ای، نه تنها گنجینه ملی یک کشور بلکه جزئی از اسناد جهانی فرهنگ و تمدن انسانی به حساب می آیند.

در واقع کارکرد موزه ها نه تنها یک نمایشگاه صرف است بلکه موزه ها به عنوان نهادی فرهنگی محسوب

شده و قادر هستند با فراهم آوردن محصولات فرهنگی و پژوهش در تاریخ و تمدن گذشته به روشن شدن گوشه های تاریک تاریخ منطقه کمک کنند.

در واقع موزه ها برای دستیابی به این اهداف، نیازمند توجه به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و همچنین توجه ویژه دولت هستند.

مدیرکل امور موزه های سازمان میراث فرهنگی کشور طی سفر خود به استان گلستان از گسترش کمی و کیفی موزه ها در کشور در سه سال گذشته خبر داد و گفت: ما در ابتدای شروع کار شعار همراه یک موزه را مطرح کردیم و سال گذشته قول افتتاح هر ۱۰ روز یک موزه را دادیم.

محمدرضا کارگر با بیان اینکه امسال هر هفته یک موزه در کشور ایجاد می کنیم، اظهار کرد: در سال گذشته ۴۵ موزه افتتاح شد و در واقع ما در فاصله کمتر از ۱۰ روز یک موزه افتتاح کرده ایم.

حرکت جدی به سمت موزه داری در کشور
مدیرکل امور موزه های سازمان میراث فرهنگی کشور ادامه داد: دستاوردهای ما نشان می دهد توجه به موزه و موزه داری در دولت تدبیر و امید اهمیت پیدا کرده و خیلی ها هم باورشان نمی شد این شعار تحقق پیدا کند.

وی با بیان اینکه آمار بازدید کنندگان از موزه ها هم سیر صعودی داشته، تصریح کرد: در سال ۹۴ حدود ۱۷ میلیون نفر از موزه های کشور بازدید کرده بودند که این آمار در سال گذشته به حدود ۲۰ میلیون نفر رسید.

کارگر با بیان اینکه یک میلیون و ۳۰۰ نفر از بازدیدکنندگان سال گذشته خارجی بوده اند، خاطر نشان کرد: آمار رسمی و دقیق از محل فروش بلیت نشان می دهد حدود یک چهارم از جمعیت کشور در سال گذشته از موزه ها و امکان تاریخی و فرهنگی کشور بازدید کرده اند.

هر چند کارگر از توسعه کمی و کیفی موزه های کشور خبر می دهد و معتقد است حرکت به سمت موزه داری در کشور جدی است، اما اغلب بازدید کنندگان از موزه ها به ویژه موزه های استان گلستان معتقدند؛ موزه های کشور بیشتر شبیه نمایشگاهی از آثار قدیمی است و ارزش چند بار دیدن را ندارد. مونا فرسادیان اظهار کرد: موزه های ما کیفی نبوده و از جذابیت لازم برخوردار نیستند. وی از موزه های استان به عنوان ویتروینی از اشیاء قدیمی نام برد و گفت: موزه فرش گنبد و چند موزه دیگر استان را یکبار بازدید کرده ام اما برای بازدید دوباره از آن ها تمایلی ندارم.

وی تاکید کرد: در حال حاضر موزه ها از جذابیت لازم برخوردار نیستند و شاید تغییر کارکرد موزه ها و تبدیل شدن آن ها به مکانی برای پژوهش و ارائه برنامه های فرهنگی بتواند در تغییر این روند موثر باشد.

ظرفیت ایجاد ۱۰۰ موزه در گلستان وجود دارد

اما برخلاف گفته های این بازدید کننده کارشناس مسئول امور موزه های استان گلستان معتقد است:



هزینه هستند اما نه نیروی کافی در این حوزه داریم و نه اعتبارات پاسخگوست.

دبیری نژاد بیان کرد: ما فقط می‌خواهیم در راستای فعالیت سازمانی خودمان از موزه‌ها استفاده ابزاری کنیم اما واقعیت این است که موزه‌های ما توان فعالیت برنامه‌ای را ندارند و توسعه موزه‌ها در راستای توسعه گردشگری نیست.

این کارشناس موزه با بیان اینکه موزه‌های ما بنا به سلیقه سازمانی و یا علاقمندی طراح راه‌اندازی می‌شوند، گفت: وقتی بدون در نظر گرفتن سلیقه گردشگران به طور واقعی، بدون امکان سنجی ظرفیت‌های گردشگری و بدون در نظر گرفتن توان فعالیت گردشگری منطقه موزه‌ای را ایجاد می‌کنیم چطور انتظار داریم موزه‌های ما در جذب گردشگر موثر باشند.

وی با تأکید بر اینکه موزه‌های گلستان برای تبدیل شدن به جاذبه گردشگری نیازمند تغییر رویکرد نسبت به موزه‌ها هستند، افزود: چاره‌ای نداریم جز آنکه با توجه به شرایط اجتماعی کشور و نوع سلیقه گردشگر و همچنین ظرفیت و قابلیت موزه‌های استان، سبک و سیاق جدیدی از موزه‌ها را ایجاد کنیم که برآمده از شرایط اجتماعی و بومی استان باشد و در شکل و محتوا رویکرد نوینی داشته باشد.

وی تأکید کرد: نباید اشتباه کرد صرف تقلید از موزه‌های جدید دنیا پاسخ مسئله نیست البته این به این معنا نیست که نباید موزه‌های جدید دنیا را ببینیم و از آن‌ها بهره‌برداری کنیم بلکه لازم است با شناخت از مخاطب و سلیقه آن بومی سازی کنیم و نه تقلید.

دبیری نژاد ادامه داد: یادمان باشد موزه‌ها قرار نیست موزه‌ها مستقیماً از حوزه گردشگری درآمد کسب کنند به عبارتی نباید انتظار داشته باشیم موزه‌های ما بتوانند از قیل فروش بلیط هزینه‌های خودشان را تأمین کنند؛ این شرایط نه تنها در استان گلستان و کشور ما بلکه در بهترین و پر مخاطب‌ترین موزه‌های دنیا هم رخ نمی‌دهد.

وی اضافه کرد: اگر موزه‌ها جاذب گردشگری بوده و به قطب گردشگری تبدیل شوند می‌توانند به کل شهر منافع برسانند و باعث رونق منطقه شوند؛ اساساً با همین نگاه است که مدیران به نمایندگی از مردم جامعه موزه‌ها را راه‌اندازی کرده و برنامه‌ریزی می‌کنند که آن‌ها تبدیل به جاذبه گردشگری شوند.

این کارشناس موزه بیان کرد: در حال حاضر موزه‌های مهم دنیا سازمان هستند یعنی اینکه برنامه پژوهشی، حفاظتی و فعالیت‌هایی برای معرفی و بازاریابی و تولید محصولات و اخبار دارند؛ اما هم‌اکنون هیچ یک از موزه‌های گلستان روابط عمومی ندارند و خبر تولید نمی‌کنند در حالی که باید موزه‌ها تبدیل به جریان و برنامه فرهنگی شده و جنب و جوش در شهر ایجاد کنند که عملاً چنین پلن مدیریتی و برنامه‌ریزی در موزه‌های گلستان وجود ندارد.

در حال حاضر گلستان دارای ۹ موزه (باستان‌شناسی، صنایع دستی، کاخ موزه و موزه خصوصی زمین‌شناسی در گرگان، تاریخی طبیعی در علی‌آباد، فرش در گنبد و سه موزه در آزادشهر، گمیشان و مینودشت است) در واقع با توجه به سیاست‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بر توسعه کمی موزه‌ها راه‌اندازی موزه در هشت شهرستان دیگر در گلستان در دستور کار قرار دارد و مقدمات راه‌اندازی دومین موزه روستایی کشور و موزه بزرگ گلستان انجام شده، توجه به کارکردها و موضوع موزه‌ها می‌تواند در نهایت موزه‌ها را به ظرفیتی برای جذب گردشگر تبدیل کند.



موزه‌های موجود گردشگر پسند نیست

هر چند حمیدی موزه‌های استان و ظرفیت‌های قومی، تاریخی و ... را برای توسعه موزه‌ها را در جذب گردشگر موثر می‌داند اما یک کارشناس موزه با تأکید بر اینکه ظرفیت موزه‌های کافی نیست و موزه‌ها برای تبدیل شدن به جاذبه باید برنامه داشته باشند، گفت: موزه‌های موجود در کشور و به ویژه گلستان خیلی مورد سلیقه گردشگران نیست.

رضا دبیری نژاد با بیان اینکه منظور از گردشگران جامعه هدف و مخاطب موزه‌هاست نه تنها مسافران و گردشگران داخلی و خارجی، افزود: بخشی از این موضوع به فضای فرهنگی، تربیتی و پرورشی جامعه و نوع نگاه به موزه‌ها باز می‌گردد و بخشی از آن را هم باید در خود موزه‌ها جستجو کرد.

وی ادامه داد: واقعیت این است در عین حال که با تنوع سوژه و موضوع در موزه‌ها روبرو هستیم اما همچنان از الگوهای قدیمی موزه‌های استفاده می‌کنیم.

این کارشناس موزه با بیان اینکه موزه صنایع دستی و باستان‌شناسی گلستان دارای تنوع شکلی و جنسی از نوع ارائه نیستند، اضافه کرد: در واقع موزه‌های ما بیشتر نمایشگاه هستند و یکبار راه‌اندازی می‌شوند و تا ۳۰ یا ۴۰ سال فعالیتی ندارند و تنوعی پیدا نمی‌کنند و این یعنی اینکه ما فاقد موزه‌های هستیم.

وی تصریح کرد: موزه‌های یعنی اینکه ما سلیقه مخاطب را به خوبی بشناسیم و آن را به برنامه تبدیل کنیم؛ به عبارت دیگر ما فاقد برنامه جذب مخاطب هستیم و به همین دلیل موزه‌های ما تنها یک ظرفیت گردشگری هستند.

دبیری نژاد با تأکید بر اینکه موزه‌های گلستان مجموعه‌هایی هستند که قابلیت و پتانسیل تبدیل شدن به جاذبه گردشگری را دارند، خاطر نشان کرد: ما برنامه عملی و استراتژی برای جذب گردشگر در موزه‌ها نداریم و این موضوع ناشی از نگاه و تصور ما از مدیریت موزه‌ها و همچنین بحران‌هایی است که بر موزه‌های ما حاکم است.

وی تأکید کرد: موزه‌های گلستان برای تبدیل شدن به جاذبه گردشگری باید برنامه داشته، رویداد محور شوند و بتوانند در موزه‌های فعالیتی را تحقق دهند.

استفاده ابزاری از موزه‌ها

وی متذکر شد: موزه‌ها برای اینکه بتوانند مخاطب را جذب کنند باید مدام برای مخاطب برنامه و رویداد داشته باشند و برای این کار نیازمند نیروی انسانی و

موزه‌های گلستان یکی از ظرفیت‌ها و جاذبه‌های مهم استان برای جذب گردشگران است.

غلامرضا حمیدی از موزه‌داری به عنوان یکی از پایدارترین سرمایه‌گذاری هر حکومت در توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ... نام برد و اظهار کرد: موزه‌ها در ذات خود حفاظت، پژوهش و معرفی و ... را دارند و پتانسیل خوبی برای پرداختن به نیازهای جامعه در این حوزه‌ها هستند.

وی با بیان اینکه موزه‌داری در مجموع مقوله نوپایی در ادبیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ماست، افزود: توسعه کمی و کیفی موزه‌ها جزو سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان میراث فرهنگی کشور و به تبعه آن استان گلستان است.

کارشناس مسئول امور موزه‌های استان گلستان با یادآوری اینکه در حال حاضر ۹ موزه در استان فعال است، ادامه داد: تنوع آب و هوایی و همچنین جغرافیایی، حضور اقوام، مشاهیر و شخصیت‌ها و ... ظرفیت ایجاد حدود ۱۰۰ موزه در استان را فراهم کرده است.

وی با یادآوری اینکه موزه‌ها باید جزو سه مرکز و کانون فرهنگی هر منطقه باشند، اضافه کرد: هم‌اکنون به روزرسانی و استانداردسازی در کنار معرفی موزه‌ها کمک می‌کند که به موضوع موزه‌ها به عنوان یک جاذبه شهری نگاه کرده و موزه‌ها در جذب گردشگر موثر باشند.

حمیدی با تأکید بر اینکه به سمت استانداردسازی موزه‌های استان در حرکت هستیم، تصریح کرد: ایجاد حداقل یک موزه در هر شهرستان در گلستان در دستور کار قرار دارد.

وی با یادآوری اینکه تعداد بازدیدکنندگان و درآمدهای موزه‌های استان در سال‌های اخیر روند رو به رشد داشته، خاطر نشان کرد: درآمدهای حاصل از فروش بلیت موزه‌ها و اماکن فرهنگی و تاریخی استان گلستان در سال ۹۳ حدود ۱۱۰ میلیون تومان بود که این رقم در سال گذشته به ۲۰۴ میلیون تومان رسیده است.

وی با بیان اینکه این رقم در سه ماهه نخست امسال ۱۰۶ میلیون تومان بود، یادآور شد: تعداد بازدیدکنندگان از ۱۱ موزه و اماکن فرهنگی و تاریخی ما در سال گذشته ۱۰۴ هزار نفر بود اما این رقم در سه ماهه نخست امسال به حدود ۵۰ هزار نفر رسیده که نشان‌دهنده رشد قابل توجه در این حوزه است.

حمیدی متذکر شد: برای اینکه موزه‌های استان به یک مجموعه فرهنگی و جاذب گردشگری تبدیل شوند باید همه دستگاه‌ها و شهروندان در کنار میراث در این حوزه قرار بگیرند.

فعالان گردشگری کشور از بافق می گویند/ افقی نو در گردشگری استان یزد



گردشگری طی سالهای اخیر رنگ و بویی دیگر در یزد گرفته و حتی شهرستانهای این استان نیز اغلب از این بخش منتفع شده‌اند به نحوی که به نظر می‌رسد افق‌های روشنی پیش روی این صنعت گشوده شده است.



رحیم میر عظیم

شهرستان بافق چندی پیش میزبان یکی از مهم‌ترین رویدادهای گردشگری کشور بود و جمعی از فعالان این حوزه به منظور بررسی و رصد مشکلات این بخش، در بافق گردهم آمدند و شاید بتوان گفت این جمع، یکی از مهم‌ترین اجتماعات فعالان گردشگری در سطح ملی و منطقه‌ای بود.

شرکت کنندگان سفر بافق را اتحادیه تأمین نیازهای فرش و صنایع دستباف، انجمن تورلیدرهای گردشگری و تعاونی‌های گردشگری و لیدرهای رسمی گردشگری تشکیل می‌دانند که هر کدام به سهم خود نقش بسیاری در تلاش برای توسعه گردشگری دارند.

بافق موقعیت برجسته‌ای در گردشگری کشور دارد

توجه نشان دادن به جاذبه‌های کویر و آشنایی با مجتمع گردشگری کویرکارال بافق به عنوان اولین مجتمع از نوع خود در استان یزد برای تدارک تورهای مسافرتی به این منطقه نیز یکی از اصلی دلایل این فعالان برای سفر به بافق به حساب می‌آید.

فعالان گردشگری کشور بعد از اقامت یک شبه در این مجتمع و برگزاری نشست‌هایی با موضوع چگونگی تعامل بین مجموعه‌های برای توسعه گردشگری در کشور و همچنین ارائه راهکارهایی برای استفاده و سفر بهتر گردشگران به این منطقه، نظرات خود در مورد استفاده بهینه از مجتمع کاراکال بافق که از مهم‌ترین جاذبه‌های این شهرستان است را به بحث گذاشتند.

خبرنگار مهر در گفتگو با چند تن از شرکت کنندگان در این نشست، نظر آنان در مورد بافق را جویا شده که می‌تواند به عنوان نگاهی از بیرون، مورد توجه مسئولان و فعالان گردشگری استان یزد و بافق قرار بگیرد.

از میزبانی بافق راضی هستیم/ توجه مسئولان امیدوار کننده است

آنچه در این گفتگوها جلب توجه می‌کند، ابراز رضایت این افراد از میزبانی خوب شهر بافق از برنامه‌های گردشگری بود زیرا این افراد معتقدند، توجه مسئولان به فعالان فرهنگی و ایده‌های آنها، به تسهیل امور در حوزه گردشگری کمک می‌کند.

یکی از شرکت کنندگان در این نشست با قدردانی از میزبانی خوب انجام شده، اظهار رضایت از سفر به بافق، کاربردی دانستن چنین نشست‌هایی برای توسعه گردشگری کشور همچنین مناطق میزبان اظهار داشت: چند نکته بسیار کوچک که شاید در بهبود و رونق صنعت توریست در این اقامتگاه و دیگر مکان‌های گردشگری این شهر کارساز باشد را بیان می‌کنم و امیدوارم این مطالب برای حوزه گردشگری

این فعال گردشگری ادامه داد: معرفی صنایع دستی منطقه و فروش آنها به گردشگران توسط افراد بومی و حتی معرفی فرش دستباف و نقش نگارها و دست بافته‌ها نیز از جمله مواردی است که علاوه بر کارآفرینی در روستاها، سود خوبی را عاید مدیران مجموعه‌های گردشگری بافق می‌کند که به نظر می‌رسد که چندان توجهی به آن نشده است.

وی یادآور شد: برگزاری جشنواره غذا و معرفی انواع غذاهای لذیذ و سنتی مربوط به بافق و فروش توسط افراد بومی به گردشگران، شناسایی ظرفیت‌های بومی و گردشگری منطقه و به عنوان مثال، شناسایی گونه‌های بومی جانوری، گیاهی، حشره و پرند شناسایی و برگزاری تورهای تخصصی، برگزاری تورهای عکاسی و آموزش نجوم در کویر از جمله مواردی است که مورد توجه بسیاری از گردشگران ایرانی و خارجی قرار می‌گیرد.

این فعال گردشگری ادامه داد: برگزاری مسابقات و

راهگشا باشد.

محسن شایسته‌فر افزود: داد و ستد با روستاها و آبادی‌های اطراف اقامتگاه‌ها و مردمان بومی این مناطق باید مورد توجه قرار گیرد زیرا در مرحله اول باید سود دهی را برای مردمان بومی و روستاهای اطراف در نظر داشت و به عنوان نمونه، استفاده از محصولات غذایی بهداشتی و با کیفیت تولید شده توسط ساکنان این مناطق در این مراکز مدنظر قرار گیرد.

وی ادامه داد: در منطقه بافق علاوه بر محصولات محلی که در بیشتر نقاط کشور نیز توسط روستاییان تهیه می‌شود می‌توان از شیر شتر و فرآورده‌هایی که احتمالاً می‌توان از آن تهیه کرد برای تغذیه گردشگران بهره برد.

کارآفرینی برای روستاییان توسعه گردشگری را به دنبال دارد

جشنواره های ورزش های محلی و بومی و آیین های سنتی نیز مانند دیگر نقاط کشور می تواند راهی برای جذب بیشتر گردشگران به این منطقه باشد. یکی دیگر از فعالان حوزه کارآفرینی و گردشگری شرکت کننده در این نشست اظهار داشت: سفر به بافق به مجتمع کویر کارال این شهر که بیشتر وقت ما را به خود اختصاص داد، برایم بسیار جالب و دیدنی بود و در گفتگوهایی که با دیگر دوستان همسفر داشتم آنان نیز از این سفر که به دعوت یک فعال بخش خصوصی گردشگری در این شهر صورت گرفت و حضور چند تن از مسئولان این شهر در ابتدای برنامه ها اظهار رضایت می کردند.

نکات کوچک و مهمی که باید مدنظر فعالان گردشگری و مسئولان بافق قرار گیرد

محمدعلی دهقان با زیبا خواندن شهر بافق گفت: به نظر من، برای جذب گردشگر به این منطقه زیبایی کویری باید به برخی از نکات که شاید از لحاظ افراد عادی چندان به چشم نیاید؛ ولی گردشگران را با مشکل مواجه می کند، توجه کرد که تبلیغات ضعیف در شهر بافق و کمبود تابلوهای راهنما یا عدم جاگذاری صحیح تابلوها به منظور هدایت سریع

گردشگران به مکان های دیدنی این شهر یکی از این مشکلات است و مجموعه ما در سفر به این شهر و برای پیدا کردن برخی از این مکان ها وقت بسیاری گذاشت.

وی افزود: با وجود یک قلعه تاریخی با معماری اصیل بافق که از آن دیدن کردیم و وجود الگوی مناسب برای احداث ساختمان های تفریحی و گردشگری، مشاهدات مرا به این نتیجه رساند که الگوبرداری های ساخت با این دیدگاه چشمگیر نیست و می توانست بسیار بیشتر از اینها از آثار به جا مانده تاریخی برای الگوی ساختمانی این مجموعه ها بهره گرفت.

دهقان گفت: نظم و انضباط مجموعه ای که شامل برخی از موارد چون پوشیدن لباس فرم افراد خدمتکار در مجموعه های گردشگری که باعث دسترسی آسان گردشگران به آنها می شود از جمله مواردی است که به مدیران این مجموعه ها پیشنهاد می کنم.

به موضوع اطلاع رسانی توجه جدی شود

این فعال گردشگری ادامه داد: در دنیای امروز، اطلاع رسانی به وسیله سایت های چند زبانه یکی از اصلی ترین راه های آشنایی گردشگران با پتانسیل های

گردشگری جهان است و شهر بافق و مجموعه های گردشگری و فعالان این حوزه باید بیشتر به این مسئله بها بدهند ضمن اینکه عدم برندسازی قوی و طراحی لوگو که امروزه به عنوان یک بخش مهم در تولید کالا و یا ارائه خدمات است، در مجموعه مورد بازدید کمتر به چشم می خورد.

دهقان با ذکر اینکه بیان چنین مواردی به دلیل اهمیت داشتن این شهر گردشگری برای فعالان گردشگری کشور و استفاده بهتر از ظرفیت های این شهر زیبا است، اظهار داشت: با توجه به اینکه مجموعه کارال در قالب تعاونی شکل گرفته و قرار داشتن زمان بازدید در هفته تعاون، از فرصت های

پیش رو استفاده و در این زمینه برای گردشگران برنامه ریزی نشد که در این راستا باید نقش ادارات ذیربط را پررنگ دید؛ چون تمامی دستگاهها تلاش می کنند که فعالیت های خود را انعکاس دهند و در راستای آشنایی مردم با مجموعه های تحت پوشش فعالیت کنند و حضور فعالان گردشگری کشور در مجتمع تعاونی کاراکال یک فرصت خوب برای مسئولان بود که باید در این زمینه ها بین مجموعه های خصوصی و دستگاه های ذیربط هماهنگی صورت بگیرد.

ایجاد مجتمع های گردشگری با تأکید بر مهندسی بومی و تاریخی باشد

این فعال گردشگری با بیان این که استفاده کمتر از منسوجات چوبی و سنتی و روی آوردن به استفاده از فلز که از نظر گردشگران خارجی و به خصوص توریست های اروپایی، خیلی مورد استقبال قرار نمی گیرد در این منطقه و برخی از اماکن تفریحی جای تعجب دارد، گفت: باید به این نکته توجه داشته باشیم که برای گردشگران و به خصوص گردشگران خارجی موارد ذکر شده جذاب نیست و آنها برای دیدن جاذبه های بومی، استفاده از غذاهای محلی و موارد اینچنینی وقت و هزینه می گذارند که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

تعامل مردم و مسئولان بافق را سمت رونق گردشگری سوق می دهد

شهر بافق با توجه به قابلیت های بسیار خود می تواند شاهد حضور گردشگران بسیاری باشد و حضور فعالان گردشگری کشور برای آشنایی هر چه بیشتر با این منطقه و برنامه ریزی برای سفر تورهایی گردشگری نشان از این مسئله دارد.

به وضوح مشخص است زمانی که چنین نشست با دعوت بخش خصوصی صورت می گیرد، باید بهترین بهره را از آن برای شناسایی شهر به کار گرفت و این تنها به مدد همراهی مسئولان امکان پذیر است و یکی از راهکارهای آن افزایش مدت اقامت آنان است تا بتوانند با فراغ بال با ظرفیتهای گردشگری منطقه آشنا شوند.

صحبت اغلب شرکت کنندگان در این نشست با بیان این که بخش خصوصی بهترین میزبانی را از آنان داشته است عنوان می شد که برای آشنایی بیشتر با ظرفیت های بافق زمان بیشتری لازم است زیرا با شناسایی بیشتر این منطقه توسط فعالان گردشگری کشور می توان شاهد افزایش حضور گردشگران ایرانی و خارجی از این منطقه زیبایی کویری بود و در صورت استفاده بهینه از حضور آنان، رونق گردشگری و کسب و کار در این منطقه و استان را بیش از پیش شاهد بود.



قبرستان تاریخی «خالد نبی» سایت موزه شود/ ضرورت تعیین حریم



زهرا بهرامی

معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان گفت: خالد نبی قابلیت تبدیل شدن به سایت موزه را دارد اما این مجموعه باستانی بیش از هر چیز نیازمند تعیین حریم است.



محوطه ۱۲ هکتاری گورستان اسرار آمیز خالد نبی با حدود ۶۰۰ سنگ مزار استوانه ای و بقعه خالد نبی، بقعه های عالم بابا و چوپان عطا و دره ای به نام پنج شیر و همچنین چشمه خضر دندان، رشته تپه ماهورهای خاکی، سرزمین عجایب ایران را در شرق استان گلستان در شهرستان کلانه تشکیل داده است.

فرم بیضی شکل و کشیدگی در جهت شمالی-جنوبی و سنگ مزارهای ایستاده و منحصر بفرد مجموعه فرهنگی-تاریخی خالد نبی سالانه بیش از ۱۵۰ هزار گردشگر داخلی و خارجی را به قله کوه گوگجه داغ که به سرزمین عجایب ایران معروف است و روستای ترکمن نشین گچی سو می کشاند.

بر اساس شواهد سطحی باستان شناسی این محوطه مربوط به قرون اول و میانی دوره اسلامی بوده و یکی از آثار شاخص استان و کشور محسوب می شود.

هرچند این مجموعه تاریخی و باستان شناسی بدون امکانات و زیرساخت های گردشگری سالانه پذیرای گردشگران داخلی و خارجی است اما مورد بی مهری قرار گرفته و در سال های گذشته بسیاری از سنگ مزارهای این گورستان اسرار آمیز تخریب شده اند.

در نهایت پس از سال ها بی مهری در آبان ماه سال گذشته این مجموعه با عنوان محوطه باستان شناسی خالد نبی در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. اما اوایل شهریورماه آتش سوزی بخشی از گورستان ۱۲ هکتاری خالد نبی خبر ساز شد و اظهار ضد و نقیضی در خصوص آتش سوزی و تخریب سنگ مزارهای به ویژه در فضای مجازی مطرح شد.

سه هزار متر علف خشک سوخت

با معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان در خصوص خالد نبی به گفتگو نشستیم و جاوید ایمانیان در مورد آتش سوزی ماه گذشته در این مجموعه اظهار کرد: طبق صورت جلسه تنظیم شده، بعد از حضور چند گردشگر در منطقه به دلایل نامعلوم، آتش سوزی رخ داده و حدود سه تا چهار هزار متر از علف های خشک سوخته است.

وی با بیان اینکه پس از آتش سوزی سنگ شکسته هایی که با علف های هرز پوشیده شده بودند، نمایان شدند، افزود: بر اساس گزارش کلانتری، پاسگاه انتظامی، یگان حفاظت و هیئت امناء خالد نبی تنها یک سنگ از خاک بیرون آمده و اتفاق پیش آمده ناگاهانه بوده است.

معاون میراث فرهنگی گلستان به ثبت ملی مجموعه و فنس کشی و ... اشاره کرد و ادامه داد: چونگی حفاظت از مجموعه که توسط میراث فرهنگی انجام شود یا توسط هیئت امناء نیروی مستقر شود، جزو مواردی است که در حال رایزنی برای انجام آن هستیم.

وی تاکید کرد: ساماندهی، محوطه سازی، پاکسازی علف های هرز و ساماندهی خود محوطه از موضوعاتی است که هر ساله باید در خالد نبی انجام شود.

ایمانیان با بیان اینکه مرمت سنگ شکسته های خالد

نبی نیاز به پژوهش دارد، اضافه کرد: باید ابتدا سنگ های شکسته شده را جمع آوری کرده و پژوهش انجام دهیم اگر امکان وجود داشته باشد، دوباره آن ها را نصب کنیم.

مرمت آناستیلوزی گورستان

وی ادامه داد: نیازمند انجام پژوهش هستیم تا ببینیم امکان مرمت آناستیلوزی در گورستان مانند کاری که در تخت جمشید انجام شد، وجود دارد یا نه و در نهایت به سمت ایجاد سایت موزه در این مجموعه می رویم.

وی با تاکید بر اینکه خالد نبی ظرفیت و امکان تبدیل شدن به سایت موزه را دارد، گفت: این مجموعه در گام نخست و قبل از هر کاری نیازمند تعیین حریم (کالبدی و منظری) است و پس از آن باید به سمت ساماندهی، محوطه سازی، مرمت و در نهایت ایجاد سایت موزه و احیاء آن برویم.

معاون میراث فرهنگی گلستان با تاکید بر اینکه در حفاظت و احیاء این مجموعه چند گروه نقش دارند، یادآور شد: در محوطه هایی همچون خالد نبی که کمی از شهر دور هستند، نقش مردم، تشکل های مردم نهاد، هیئت امناء و انجمن های میراث فرهنگی بسزاست هرچند سازمان ها و نهادهای دولتی هم در این حوزه نقش آفرین هستند.

وی با بیان اینکه فرمانداری و بخشداری و میراث جزو سازمان ها و نهادهای دولتی هستند که در این حوزه باید ورود کنند، گفت: نمی توان انتظار داشته باشیم میراث فرهنگی به تنهایی محوطه باستانی با این عظمت و فضای نادر و خاص آن را حفاظت کند.

ایمانیان با تاکید بر اینکه همه مردم و نهادها باید در حفاظت از این مجموعه نقش داشته باشند، متذکر شد: میراث فرهنگی بر اساس وظایف سازمانی باید این مجموعه را تعیین حریم کرده و مطالعات پژوهشی، ساماندهی و مرمتی آن را انجام دهد.

وی افزود: یکی از موضوعاتی که هم اکنون پیگیر آن هستیم این است که از سازمان مرکزی بخواهیم اعتبارات در جهت حفاظت، ساماندهی و ... به این مجموعه تخصیص دهد.

فنس کشی فرضی انجام شده

وی با بیان اینکه تا گمانه زنی ها در خصوص مجموعه خالد نبی انجام نشود، نمی توانیم تعیین حریم گورستان را

انجام دهیم، گفت: هر محوطه و تپه باستانی نیاز به گمانه زنی دارد تا بتوان عرصه و حریم آن را مشخص کرد.

وی با یادآوری اینکه تاکنون حتی گمانه زنی در خصوص این مجموعه انجام نشده است، ادامه داد: فنس کشی انجام شده در گورستان فرضی است و پیش از حفاظت، مرمت و انجام پژوهش های باستان شناسی و تاریخی و همچنین پاکسازی باید گمانه زنی انجام دهیم.

ایمانیان متذکر شد: مجموعه خالد نبی هر ساله نیاز به پاکسازی پارازیت های گیاهی دارد و باید برای ساماندهی و حفاظت آن برنامه داشته باشیم.

وی با یادآوری اینکه تا سال گذشته این مجموعه حتی در فهرست آثار ملی کشور به ثبت نرسیده بود، بیان کرد: پرونده ثبتی این مجموعه در سال های گذشته آماده شده بود و خیلی ها تصور می کردند این مجموعه ثبت هم شده اما متأسفانه اقدامات لازم انجام نشده بود.

وی اضافه کرد: هم اکنون بین ۲۰ تا ۳۰ محوطه باستانی و ۴۰ تا ۵۰ گورستان قدیمی در گلستان داریم اما جدای از مباحث تاریخی، مجموعه خالد نبی به دلیل سنگ قبرها، نمادها و الگوهای آن جزو محوطه های باستانی و گورستان های خاص استان است.

ایمانیان با تاکید بر اینکه ساماندهی مجموعه خالد نبی یکی از اولویات های میراث فرهنگی گلستان است، تصریح کرد: ثبت ملی، گمانه زنی، فنس کشی و ... سال ها قبل باید انجام می شد تا از تخریب سنگ مزارها جلوگیری کرده و این مجموعه را حفاظت کنیم.

وی خاطر نشان کرد: به هر دلیل این اتفاقات در گذشته انجام نشده و میراث فرهنگی گلستان از سال گذشته ثبت ملی و فنس کشی آن را انجام داده است و الان هم اعتقاد داریم باید با سرعت اقدامات پژوهشی، باستان شناسی و مرمتی در آن صورت گیرد و این مجموعه احیاء شود.

وی متذکر شد: پیشنهاد ما برای احیاء این مجموعه سایت موزه است تا با امکاناتی که در فضای سایت موزه ای فراهم می شود، گردشگران بتوانند از آن استفاده کنند.

معاون میراث فرهنگی گلستان در پایان اظهار کرد: بخش عمده تخریب های صورت گرفته در مجموعه خالد نبی مربوط به سال های گذشته است هرچند نمی توانیم مدعی باشیم در سال های اخیر تخریبی در سنگ مزارها انجام نشده است اما امید داریم به زودی در بخش حفاظت، مرمت و پژوهش و گمانه زنی در این مجموعه ورود کنیم.

لالجین؛ شهر جهانی سفال با ۱۲۰۰ کارگاه / مسئولان برنامه حمایتی ندارند



محمد بهمنی مهر با بیان اینکه درگیری های اجتماعی و ناراحتی های روحی و روانی در لالجین تقریباً صفر است، درباره علت آن گفت: کار هنری به ویژه با خاک اثرات روانشناختی عمیقی دارد و روح را پرورش می دهد.

وی با بیان اینکه لالچینی ها با هنر سفالگری عجین هستند و به همین دلیل در اینجا چیزی به نام ناراحتی و مشکلات روحی نداریم، افزود: مردم لالچین شاد، آرام، مهربان، خوش برخورد و بسیار مهمان نواز هستند و این ارمان ارتباط با هنر و خاک است.

بهمنی مهر با بیان اینکه ظرف های سفالی، یکی از قدیمی ترین ساخته های آدمی است و انسان های اولیه از آن زمان که به فکر ذخیره آب و غذا افتادند و به خاصیت چسبندگی و شکل گیری گل رس پی بردند، ظرف های سفالی را به شکل های گوناگون ساختند، گفت: با گذشت زمان و گسترش زندگی، سفالگری هم تکامل یافت و انسان های آفریننده با دستهایشان بر ظرف های گلی نقش و نگارهایی کشیدند و آنها را با رنگ های گوناگون آراستند.

این استاد سفالگری با اشاره به اینکه در ایران قدمت سفالینه ها به بیش از ۱۰ هزار سال می رسد، گفت: قدیمی ترین چرخ سفالگری و کوره پخت سفال جهان در شوش یافت شده و قدیمی ترین ظروف سفالی منقش، مربوط به ایران است. اگرچه سفالگری در جای جای ایران رونق دارد اما فقط لالچین پایتخت سفالگری جهان است و شغل بیشتر مردم این شهر سفالگری است.

وی با بیان اینکه لالچین رتبه اول صادرات سفال را در کشور به خود اختصاص داده است، گفت: صنایع دستی و هنر سفالگری مردمان این خطه، سابقه ای چند هزار ساله دارد و حتی گفته شده که چنگیز خان مغول در حیرت از هنر سفالگری لالچینی ها، دستور داد که از هنرمندان لالچینی، هنر سفالگری آموخته شود.

بهمنی مهر افزود: هنر سفالگری نسل به نسل به مردم شهر لالچین رسیده و سفالگری، میراث آباء و اجدادی مردم این شهر است.

وی ادامه داد: برخلاف سفال های چینی که اکنون در بازار ایران فراوان شده اند، سفال های تولیدی این منطقه از کیفیت و اصالت بسیاری برخوردار است و هنوز هم مردم لالچین برای ساخت سفال از چرخ های

دستی استفاده می کنند. محمد بهمنی مهر که خود یکی از اساتید موفق و خوشنام سفالگری در شهر لالچین است و نزدیک به ۳۰ سال از عمرش را مشغول همین کار بوده، درباره علت انتخاب این شغل می گوید: اگر کسی در لالچین متولد شود، به سختی می تواند سفالگر نشود، به ویژه اگر پدرش هم سفالگر باشد، کمابینکه من شغل پدرم را ادامه دادم و کارگاهی که نزدیک به ۳۰ سال است در آن مشغولم، بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد و این مکان برای بیش از یک قرن، کارگاه سفالگری بوده است.

وی افزود: در گذشته سفالگری به صورت استاد و شاگردی و پدر و فرزند آموزش داده می شد، هر چند محصولات سفال در قدیم ایام تنوع چندانی نداشت و فقط ظروف چرخی تولید می شد؛ اما امروز در دانشگاه های هنر و علمی - کاربردی رشته سفال و سرامیک تدریس می شود و علاقمندان علاوه بر شیوه سنتی می توانند سفالگری را به صورت آکادمیک بیاموزند.

وی ادامه داد: تنوع محصولات سفال بسیار گسترده شده و هنر مجسمه سازی، کتیبه، نقش برجسته و قالب گیری هم به کمک هنر سفالگری آمده است. این استاد کهنه کار درباره اینکه مدت زمان لازم برای

یاد گرفتن هنر سفالگری و رسیدن به نقطه امرار معاش از این طریق چقدر است، عنوان کرد: استعداد ذاتی و میزان علاقه افراد بسیار تعیین کننده است و مسئله مهم دیگر این است که فرد نزد چه استادی آموزش ببیند. اما برای سفالگری با چرخ اگر با یک استاد خیره و قدیمی سر و کار داشته باشید، حداقل بین ۳ تا ۴ سال باید زحمت کشید.

بهمنی مهر عنوان کرد: در لالچین بیش از ۸ هزار مدل سفال با لعاب ها و سایزهای متفاوت تولید می شود و این شهر با ۱۷ هزار جمعیت، یک هزار و ۲۰۰ کارگاه سفالگری و ۳۰۰ واحد فروشگاهی دارد که کار بازاریابی و فروش را انجام می دهند.

وی ادامه داد: اشتغالزایی لالچین به حدی است که نه تنها خود را سیراب کرده بلکه باری هم از روی دوش مرکز استان برداشته است. وی با بیان اینکه در کارگاه من ۳ نفر مشغول به کار هستند و هر محصول سفالین ۳۵ درصد سود خالص به همراه دارد، گفت: مواد اولیه ما خاک رس است که به قیمت هر کیلو ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان خریداری می شود.

بهمنی مهر ادامه داد: خاک رس خاصیت فرم پذیری، ایستایی، لعاب پذیری، شوک پذیری دارد و به همین دلیل بهترین خاک برای سفالگری است که البته در شهرهایی مثل تبریز، میبد و اصفهان به جای خاک رس از کائولن استفاده می کنند که ایستایی و فرم پذیری کمتری دارد و صرفاً برای تولید ظروف تخت و پارچ و لیوان کاربرد دارد.

این استاد سفالگری، مهمترین ضرورت این عرصه را دانش بنیان شدن فرآیند سفالگری دانست و عنوان کرد: اگر سفالگری دانش بنیان شود، ضایعات از بین می رود و استحکام و ماندگاری محصولات افزایش می یابد. دغدغه ما در انجمن هنری سفال و سرامیک لالچین استانداردسازی سفال برای فروش است و امیدواریم سفال لالچین با استاندارد شناخته شده این شهر وارد بازار شود.

وی گفت: مسئولان فقط برای ارائه آمار و موفق نشان دادن خود از لالچین استفاده می کنند اما برنامه ای برای حمایت عملی از هنر سفالگری و دانش بنیان کردن آن ندارند.

وی ادامه داد: تنوع محصولات سفال بسیار گسترده شده و هنر مجسمه سازی، کتیبه، نقش برجسته و قالب گیری هم به کمک هنر سفالگری آمده است. این استاد کهنه کار درباره اینکه مدت زمان لازم برای



معادن کاوی در جوار بزرگترین طاق طبیعی جهان / روزگار سیاه اسپهد خورشید



اسماعیل زاده

فعالیت معدنکاران و کوه تراشی، بزرگترین طاق طبیعی جهان با قدمت ۳۰۰ میلیون سال را در معرض آسیب و تخریب قرار داده است.



بزرگ‌ترین طاق طبیعی دنیاست، غاری با عمر ۳۰۰ میلیون سال که در دوره ساسانی، اسپهدان مازندران، در آن دژی برای مقاومت در برابر بیگانگان ساختند؛ این داستان دژی تسخیرناپذیر است که پایان خوشی نداشت و سرانجام نه با نبرد که با تزویر فتح شد. چنین داستانی، آدمی را برای دیدن شکوه دژی باستانی و طبیعت بکر یک غار، به‌سوی دژ غار اسپهد خورشید می‌کشاند، طاقی بزرگ که در مسیر سوادکوه به تهران، پس از پاسگاه دوآب، در سمت چپ جاده در میانه خطیر کوه خودنمایی می‌کند.

به‌تی غم‌انگیز، اولین احساسی است که آدمی را پس از رسیدن به پای کوهی که در آن اسپهد خورشید قرار گرفته، در برمی‌گیرد، انگار هم‌اکنون نیز، این کوه و این غار، صحنه نبرد و هجوم است؛ هجومی دیگرگونه، هجوم بولدوزرها و ماشین‌های کوه تراش که تا دامنه کوه پیشروی کرده‌اند.

در حریم منظر و روبروی غار، کوهی قرار دارد که پله‌پله در حال تمام شدن است و این یکی از چندین معدنی است که در این حوالی در حال کوه‌تراشی‌اند و سؤال اینجاست که چگونه می‌توان فردا و پس از اتمام کار این معادن، بر دامنه کوهی که دیگر نیست، گیاهان بومی کاشت و آن را دوباره احیا کرد؟

سروصدای ماشین‌ها و گردوغبار برخاسته از فعالیت معادن بیداد می‌کند و اگر لحظه‌ای برای نظاره کوه بایستی، لایه‌ای از گردوغبار به روی آدمی می‌نشیند و در بالای کوه نیز همه‌چیز آشفته است! هنوز سروصدا به گوش می‌رسد، بیشتر مصالح مسیر اریه‌رو ورودی غار فرور یخته و برای رفتن به درون غار باید راه دیگری برگزید، در بدنه بیرونی غار و دیواره آبنبار بیرون غار، از یادگاری نوشتن‌ها زخمی شده است؛ فرهنگ اشتباه یادگاری نوشتن که در بدنه تمام آثار باستانی این مرزوبوم به چشم می‌خورد!

باوجود تمام هجوم‌ها و بی‌مهری‌ها، اما هنوز هم، هنگامی که وارد غار شوی، می‌توان شکوه گذشته را از پس هزار سال گذر زمان، در بقایای ساخت‌وسازهای داخل غار دید و ترکیب تومانی طبیعت و تاریخ در این دژ غار افسانه‌ای، مسحورکننده است.

مهدی عابدینی عراقی، در بازدید از غار اسپهد خورشید، بابیان اینکه اسپهد خورشید اثری تاریخی - طبیعی است، گفت: این غار با ابعاد دهانه ۹۵ در ۸۵ بزرگ‌ترین طاق طبیعی دنیاست و از این‌رو، علاوه بر قدمت تاریخی از لحاظ طبیعی نیز، منحصر به فرد است. کارشناس اداره میراث فرهنگی استان مازندران، بابیان اینکه در اواخر دوره ساسانی در داخل این غار یک قلعه چهار طبقه در سمت چپ و یک شاه‌نشین در سمت راست ساخته شد، گفت: سازه‌ها بسیار خوب و محکم ساخته شده و اگر شرایط انسانی دخیل نبود، پس از حدود یک هزار و ۵۰۰ سال نیز، سلامت خود را حفظ می‌کرد.

وی بابیان اینکه با حمله اعراب، در قرن دوم هجری به منطقه، اسپهد خورشید، آخرین اسپهد مازندران، همسر و فرزندان و بخشی از سپاه خود را در این دژ مستقر کرد، افزود: اعراب حدود ۲ سال و ۷ ماه اینجا را محاصره کردند و سرانجام با آلوده کردن چشمه‌های

بسیار سالم‌تر و حریم منظر بسیار خوب و هنوز پای این غار خاک‌برداری نشده بود، افزود: اکنون در هر بازدید، شاهد تخریب جدیدتری هستیم و معادن کوچکی که در پایین دست بودند؛ مانند قارچ زیاد و بزرگ شدند و به عرصه هم تجاوز کردند، هر چند اکنون جلوی پیشروی آن در عرصه گرفته شده است. عابدینی بابیان اینکه اردیبهشت امسال، حریم و عرصه این غار مصوب میراث فرهنگی کشور شد، افزود: عرصه به بیش از ۲۱۰ هکتار رسید که در آن هر نوع ساخت‌وساز، خاک‌برداری و عملیات راه‌سازی کاملاً ممنوع است و حریم درجه یک آن نیز از پای کوه تا جایی که چشم کار می‌کند، مشخص شد که در نتیجه آن معادن اطراف باید جمع شوند.

کارشناس میراث فرهنگی استان بابیان اینکه مقرر بود این مصوبه از اردیبهشت سال جاری تا ۱۵ روز بعد، از سازمان میراث کشور به استانداری مازندران ابلاغ گردد، افزود: اما تاکنون و پس از گذشت چندین ماه، هنوز این مصوبه ابلاغ نشده است. وی بابیان اینکه در این مصوبه مقرر شده بود تا سازمان

که آب غار را تأمین می‌کرد، توانستند ساکنان آن را مسموم و غار را تسخیر کنند.

عابدینی ادامه داد: اسپهد خورشید که به دیلمان گیلان رفته بود تا با دو هزار نیرو بازگردد و مازندران را باز پس گیرد، در هنگام بازگشت در منطقه رحیم‌آباد امروزی، باخبر شد که غار شکست خورده و همسر و دخترانش اسیر و به عقد حاکم ری (مهدی فرزند خلیفه) درآمدند؛ این فشار چنان سنگین بود که وی با زهر به زندگی خود خاتمه داد و این غار نیز متروکه شد.

وی بابیان اینکه صعود به غار سخت بوده و باید از طناب استفاده کرد، افزود: اولین بار در سال ۴۶، چنگیز شیخلی، از غارنوردان قدیمی ایران، از این غار تصویری تهیه کرد و در سال ۸۱، ثبت ملی و برای ثبت جهانی آن اقدام شد اما متأسفانه در بازدید یونسکو، به دلیل وجود معادن در حریم منظر غار و آلودگی صوتی، از گزینه ثبت جهانی خارج شد.

کارشناس اداره میراث فرهنگی استان بابیان اینکه در اولین بازدیدی که در سال ۷۶ از این بنا داشته، بنا

میراث، زمین معوض به معادن دهد و بحث بر سر جابجایی و نه توقف معادن است، افزود: ما می‌خواهیم که این معادن جابجا و اینجا دوباره با بوته‌های این منطقه درختکاری شود و ترمیم این مکان به ابلاغ این مصوبه بازمی‌گردد.

عابدینی در رابطه با میدان تیر که در سمت دیگر غار وجود دارد، گفت: در این زمینه با ارتش صحبت شده است و آن‌ها همکاری بسیاری با ما داشته‌اند و مقرر شد که هر زمان ما اعلام کنیم، میدان تیر جمع شود.

وی بابیان اینکه این اثر تنها اثر باستانی در این محور نیست، از بالای خطیر کوه تا قلعه کنگلو را یک حوزه فرهنگی و مسیر تاریخی برشمرد و بر لزوم استعلام معادن از میراث در این حوزه تأکید کرد و افزود: اما از آنجاکه معادن این بخش از قدیم بوده و تاکنون هستند، برای تمدید مجوز از ما استعلام نمی‌گیرند. عابدینی با تأکید بر حفظ اثر باستانی اسپهبد خورشید گفت: شاید محیط طبیعی در طول چند هزار سال دوباره احیا گردد، اما اثر باستانی اگر از بین رود، دیگر بازمی‌گردد.

یداللهی، در بازدید از غار اسپهبد خورشید، بابیان اینکه غارهای این منطقه آهکی بوده و در اثر بارندگی و پی‌اچ، خاک ایجاد شده‌اند، بر لزوم حمایت از غارها به‌عنوان یک پدیده طبیعی که احیای دوباره آن نیازمند میلیون‌ها سال است، تأکید کرد.

معاون فنی اداره محیط‌زیست مازندران در رابطه با دژ غار اسپهبد خورشید گفت: این دژ، نیاکان ما را برای مدت‌زمان زیادی حفظ کرده است و اکنون با توجه به معادن روبروی غار، می‌توان دید که تا پای کوه هم برداشت انجام شده و هدف ما یافتن یک راهکار و

حفظ میراثی است که برای ما مانده است. وی بابیان اینکه در گذشته، این طبیعت شمال بوده است که موجب پایداری و حفظ آن از گزند بیگانگان شده، افزود: طبیعت بکر شمال، مانند باتلاقی‌ها، دره‌ها و جنگل‌های انبوه همچون پدافند غیرعامل در برابر هجوم بیگانگان عمل کرده و اکنون هدف ما، حفظ آن‌هاست.

معاون فنی اداره محیط‌زیست استان بابیان اینکه در حال حاضر، تهدیدکننده این غارها، کوه‌خوارها و غارخوارها هستند؛ بر توقف این روند تأکید و خاطرنشان کرد: هدف ما جلوگیری از توسعه نیست، بلکه هدف حداقلی ما، حفظ حریم این مکان و جابجایی معادن از حریم غار است.

یداللهی بابیان اینکه فاصله معدن روبروی غار اسپهبد با آن، حدود ۵۰۰ متر است، خواستار آن شد تا با مشخص شدن حریم و حفظ فاصله قانونی غارها، در مسیرهایی که غار وجود دارد، اجازه برداشت به معادن داده نشود.

فرماندار سوادکوه در بازدید از اسپهبد خورشید، از جمله دغدغه‌های اصلی‌اش را در بدو ورود به شهرستان، حفظ منابع طبیعی و میراثی برشمرد و افزود: اراده در شهرستان و استان برای حفظ این اثر ایجاد شده و ما حساسیت‌های لازم را در شهرستان ایجاد کرده‌ایم تا آنچه داریم را حفظ کنیم و منظر غار بیشتر از این تخریب نشود.

عبدالجواد توحیدی مقدم با اشاره به اینکه سوابق پیشین یک ماجرا زنجیره به هم متصل است و نمی‌توان بی‌توجه به حواشی و عواقب بود، افزود: مجوز معادن اطراف اسپهبد خورشید زمانی صادر شد

که حریم اولیه ۹۰ متر بوده و حریم منظر نیز تصویب نشده بود و برای صاحبان کارگاه حقی ایجاد شده و ما نمی‌خواهیم اجحافی در حق کسی صورت گیرد.

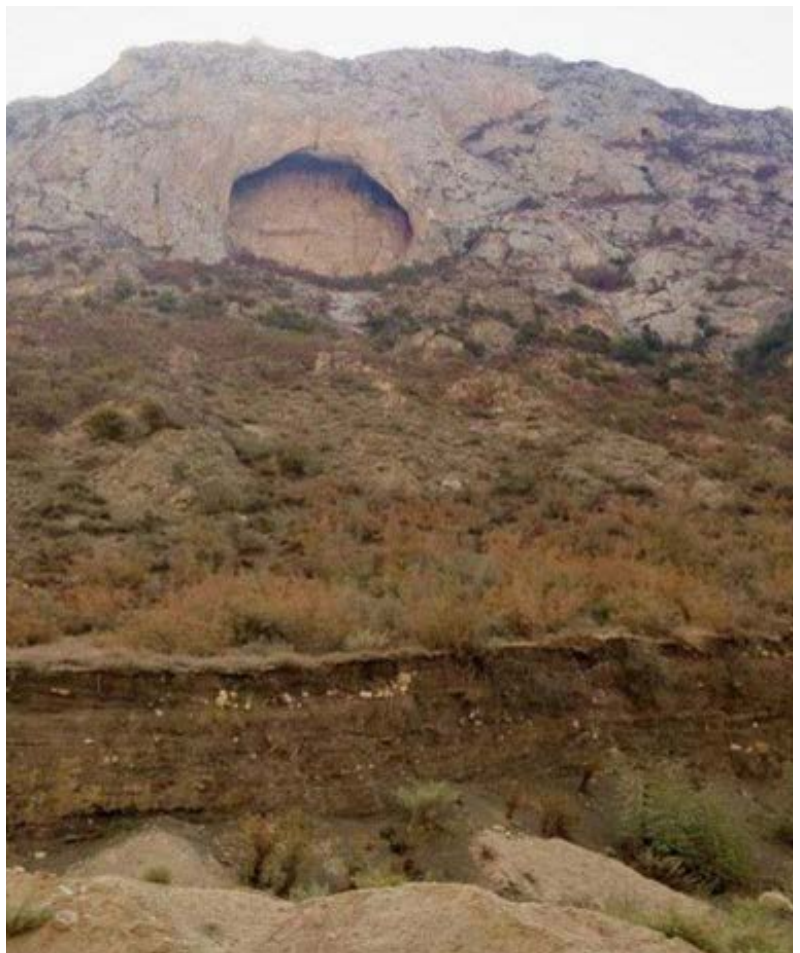
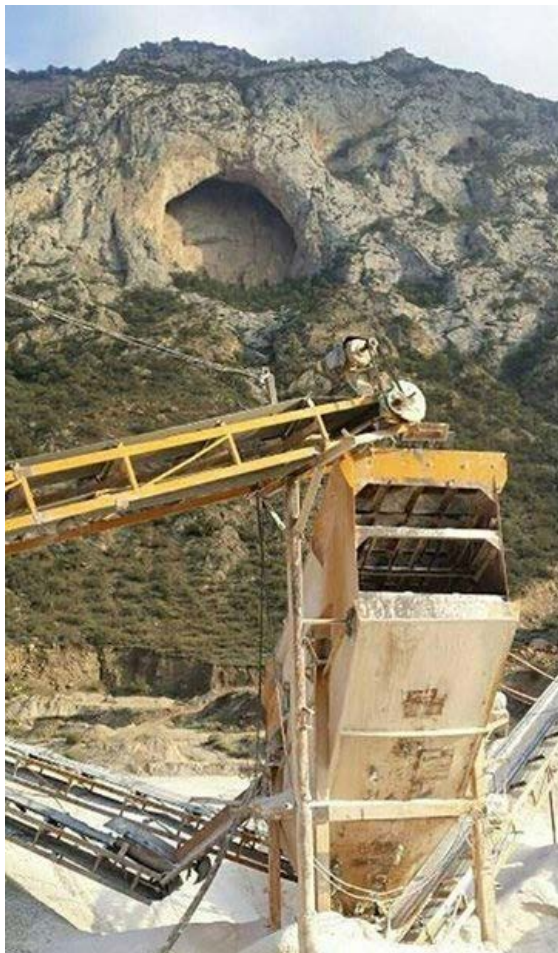
وی بابیان اینکه دیگر مجوز جدید صادر نمی‌شود، گفت: معادن موجود نیز در یک بازه زمانی جابجا می‌شوند و ما منتظر ابلاغ حریم منظر هستیم تا به محض ابلاغ، ظرف چند ماه، جابجایی این دو معدن نزدیک را در دستور کار قرار دهیم و محدودیت‌هایی ایجاد شود.

توحیدی در رابطه با تمدید مجوز معادن موجود گفت: اکنون مدت‌زمان تمدید مجوز این معادن به سه تا شش ماه کاهش یافته و نگاه ما این است که حداکثر سه بار بیشتر تمدید نشود اما باید به تبعات اجتماعی و کارگران هم توجه کرد و به سرمایه‌گذاران برای جانمایی و جابجایی فرصت داده شود.

فرماندار سوادکوه افزود: این غار در دنیا منحصر به فرد است و می‌تواند به‌عنوان یک برند استانی و کشوری مطرح شود.

ماندگاری میراث‌های طبیعی و باستانی همچون دژ غار اسپهبد خورشید نیازمند آگاهی بخشی و تلاش‌گری برای ایجاد حساسیت و تعهد نسبت به حفظ آن‌ها است؛ چراکه نتیجه سکوت در برابر هجوم کوه‌خوارها، تمام شدن کوه‌هاست و اگر کوهی نباشد، دیگر غاری نخواهد بود که دژی در دل آن نهفته باشد.

اکنون نیز، همچون پیشینان باید در برابر هجوم ایستادگی کرد و از پس تلاش و فریاد برای حفظ این میراث کهن، تنها می‌توان امیدوار بود که این بار و در این هجوم، پایان خوشی از تاریخ دژ غار اسپهبد خورشید برای آیندگان به یادگار بماند.



هویت معنوی شهر در سایه غفلت /

هراس تخریب بر پیکر ه مسجد جامع بجنورد



زلزله‌ای امکان ریزش دیوارها وجود دارد. وی می‌گوید: اوقاف پول اضافه برای ساخت این مسجد ندارد و قطعاً بازسازی آن با توجه به غیر مستحکم بودن بنا ضرورت دارد.

وی بابیان اینکه اوقاف موظف است مساجد قدیمی را نوسازی کند، می‌افزاید: برای تخصیص اعتبار به‌منظور بازسازی مسجد جامع بجنورد سختی‌های بسیاری کشیده شده است که نباید این‌گونه قضاوت‌هایی درباره آن شود.

رئیس اداره اوقاف بجنورد تصریح می‌کند: نقشه‌های ساخت بنای جدید مسجد جامع بجنورد تهیه شده است و این مسجد با توجه به اینکه قابلیت استحکام ندارد باید تخریب شود.

مسجد جامع بجنورد بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد / سازه مسجد قابل دفاع است

رئیس کمیسیون عمران، معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر بجنورد اظهار کرد: معماری سنتی مسجد جامع بجنورد مربوط به دوران قاجاریه است و این بنا بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد.

سید محسن موسوی می‌افزاید: طرح مرمت و احیای این مسجد باید از طریق تملک پیرامونی آن انجام شود و با اتصال مسجد جامع به فضای شهری، با حفظ معماری سنتی آن به رونق گردشگری بجنورد کمک کرد.

موسوی بیان می‌کند: اظهار نظرهایی مبنی بر غیر مقاوم بودن بنای مسجد جامع بجنورد را قبول نداریم، چراکه در زلزله اخیر که به برخی از مساجد جدیداً تأسیس شهر آسیب وارد شد، اما مسجد جامع بجنورد در این زلزله آسیب خاصی ندید.

وی با تأکید بر اینکه سازه مسجد جامع بجنورد قابل دفاع است، عنوان می‌کند: اینکه می‌گویند این مسجد ۷۰ سال قدمت دارد، تحلیل واقعی و درستی نیست و بر اساس ارزیابی دقیق انجام گرفته است. وی می‌گوید: مساجد جامع همه شهرها به دلیل قدمت تاریخی و معنوی، حفظ و نگهداری می‌شوند نه اینکه تخریب شوند.

رئیس کمیسیون عمران، معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر بجنورد با تأکید بر اینکه مسجد جامع به‌عنوان جزئی از هویت شهر بجنورد باید حفظ شود، عنوان می‌کند: با تخریب این مسجد به شدت مخالف هستیم.

موسوی تصریح می‌کند: طی روزهای آینده پیگیری تشکیل جلسات مشترک با میراث فرهنگی و اوقاف هستیم تا از طریق تفاهم‌نامه‌هایی به‌جای تخریب مسجد جامع بجنورد، احیای آن با حفظ بافت قدیمی و سنتی خود اجرایی شود.



آدینه محمد سویدانلویی می‌افزاید: مسجد جامع بجنورد فاقد عنصر معماری ارزشمند و برجسته است اما به دلیل معماری سنتی، قدمت و خاطرات مشترکی که مردم و اهالی با آن دارند، توسعه متوازن مسجد و طراحی بخش جدید باید به نحوی باشد که به تقویت ارزش‌های بنای مسجد کمک کند.

سویدانلویی بابیان اینکه این مسجد در فهرست آثار ملی قرار نگرفته است، عنوان می‌کند: برخی قدمت ۱۲۶ ساله را برای این مسجد ذکر می‌کنند که نادرست است. وی تصریح می‌کند: معماری بنا به‌وضوح بیان‌گر آن است که مسجد جامع مربوط به عصر پهلوی بوده و قدمت آن به ۷۰ سال می‌رسد، بنابراین این مسجد را نمی‌توان بنای میراثی تلقی کرد.

وی می‌گوید: مسجد جامع بجنورد ثبت ملی نشده است و بر همین اساس نمی‌توان دخالتی در کار اوقاف کرد.

مرمت ۱۲۱ اثر تاریخی طی ۵ ماه نخست امسال

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خراسان شمالی بابیان اینکه هویت بخشی یکی از وظایف ما است، اظهار می‌کند: حفظ بناهای قدیمی و هویت معماری شهر از دغدغه‌های میراث فرهنگی است.

سویدانلویی با اشاره به اینکه در دولت یازدهم ۴۷ اثر تاریخی خراسان شمالی در فهرست آثار ملی ثبت شده، می‌افزاید: طی ۵ ماه نخست امسال، ۳۱ اثر تاریخی مرمت شده است.

وی می‌گوید: از نیمه دوم سال ۹۲ تاکنون ۸۳ اثر تاریخی در خراسان شمالی با اعتبار ۷ میلیارد و ۲۷۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان مرمت شده است.

مسجد جامع بجنورد قابلیت استحکام ندارد / ۸۰۰ میلیون تومان اعتبار برای تخریب مسجد

رئیس اداره اوقاف بجنورد اظهار می‌کند: برای جذب اعتبار به‌منظور بازسازی مسجد جامع بجنورد تلاش‌های زیادی انجام گرفته است که در صورت محقق نشدن این امر، اعتبار ۸۰۰ میلیون تومانی برگشت خواهد خورد.

حجت‌الاسلام عظیم آسوده عنوان می‌کند: با اعلام کتبی میراث فرهنگی مبنی بر میراثی نبودن بنای مسجد جامع، جلسات متعددی در استانداری و با حضور معاونت امور عمرانی آن تشکیل و تصمیم بر تخریب مسجد گرفته شد.

حجت‌الاسلام آسوده با اذعان به اینکه کارشناسان فنی، بنا را نسبت به قابلیت تعمیر و مرمت و یا بازسازی آن مورد بررسی قرار داده‌اند، تصریح می‌کند: دیواره‌های این مسجد پوسیده شده است و با هر

مسجد جامع بجنورد با وجود اینکه جزو آثار ثبت شده میراث فرهنگی نیست اما به دلیل قدمتی که دارد، هویت معنوی شهر محسوب می‌شود که این روزها خبر تخریب آن به گوش می‌رسد.



محبوبه عبدی



چند مسجد جامع بجنورد جزو آثار ثبت شده در میراث فرهنگی نیست اما به سبب قدمت و خاطراتی که چندین نسل مردم مرکز خراسان شمالی از آن در دل خود دارند، بنایی ارزشمند محسوب می‌شود که به‌عنوان هویت معنوی شهر می‌توان از آن یاد کرد.

این روزها برخی تصمیمات در خصوص مسجد جامع بجنورد، هراس تخریب را بر پیکر ه این قدیمی‌ترین مسجد شهر پدید آورده و سایه تیشه لرزه بر ستون‌های آن افکنده است.

مهدی از ساکنان پا به سن گذاشته دریکی از محله‌های اطراف مسجد جامع بجنورد است که می‌گوید: این مسجد یادآور دوران نوجوانی من است، آنکه که در پایگاه بسیجش با بزرگ‌مردان کوچکی به فعالیت‌های دینی، علمی، آموزشی و ورزشی می‌پرداختم.

وی می‌افزاید: آیین‌های کهن و بناهای قدیمی یک شهر به‌عنوان روح مردمان باصفای آن دیار محسوب می‌شوند که باید در جهت حفظ آن تلاش کرد. وی عنوان می‌کند: ای کاش بنای مسجد جامع بجنورد توسط میراث فرهنگی مقاوم‌سازی و حفاظت شود.

علیمردانی نیز یکی دیگر از ساکنان اطراف مسجد جامع بجنورد است که می‌گوید: به سبب خاطرات مشترکی که از سال‌های دور با هم‌نسل‌های خود در این مسجد دارم، تقاضا دارم مسئولین به این مسجد رسیدگی کنند.

وی تصریح می‌کند: مسجد جامع بجنورد به‌عنوان قدیمی‌ترین مسجد شهر و نماد دین‌داری مردم بجنورد باید مرمت و مقاوم‌سازی شود.

یکی دیگر از شهروندان بجنوردی در خصوص این مسجد اظهار می‌کند: حفاظت از بنای مسجد جامع که به‌عنوان یک بنای قدیمی و مذهبی بجنورد شناخته می‌شود ضروری است.

محمدی بیان می‌کند: با توجه به اینکه مساجد متعدد در آن نقطه از شهر وجود دارد، لزوم تخریب مسجد جامع و ساخت مسجد جدید غیرقابل توجیه است.

وی می‌افزاید: هزینه‌ای که صرف بازسازی این مسجد می‌شود را می‌توان صرف مرمت و مقاوم‌سازی کرد. مسجد جامع بجنورد ثبت ملی نیست / نمی‌توان در کار اوقاف دخالت کرد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خراسان شمالی اظهار می‌کند: با مکانباتی که از سوی این اداره با اداره اوقاف بجنورد انجام شده بر حفظ بافت قدیمی مسجد جامع بجنورد در پروژه توسعه این بنا اشاره نشده است.

■ ربع قرن از نخستین باری که مطالبه شاهرودی‌ها برای داشتن دفتر گمرک برای تکمیل چرخه توسعه اقتصادی مطرح شد می‌گذرد و این مطالبه بالاخره با پیگیری مسئولان عملی شد.

■ تن پوش‌هایی با نوشتارهای خارجی و نامانوس با فرهنگ ایرانی و بومی بر تن دختران و پسران مازندرانی به وفور دیده می‌شود و این پوشش‌های تنگ و بدن‌نما هویت مان را نشانه گرفته است.

■ آمار ایجاد ۲۵ هزار شغل در لرستان موضوع بحث ۲ ساعته کارگروه اشتغال بود تا پس از آمار مشکوک احیای ۱۴۰ واحد تولیدی، این بار «دم‌خروس» آمار اشتغال در لرستان بیرون بزند.

■ راه آهن تبریز - میانه ۱۷ سال پس از آغاز به عنوان پروژه‌ای ملی هنوز به سرانجام نرسیده و زمان اتمام آن نیز باروند اجرایی فعلی و وعده‌های امروز و فردای مسئولان نامشخص است.

اقتصاد ایران



۴۰۰ کارگر در آستانه اخراج / مانع تراشی بر سر راه توسعه پارسیان



۴۰۰ نفر در منطقه ویژه پارسیان به دلایل مشکلاتی که در خصوص توسعه این منطقه ایجاد شده در آستانه اخراج قرار گرفته اند و زنجیره اخراج ماههای اخیر صنایع هرمزگان را طولانی تر کرده اند.

محیط زیست دریایی جهت بازدید به پارسیان سفر کرد و از نزدیک با فرماندار، اعضای شوراهای شهر و روستای پارسیان دیدار و گفتگو کرد و شرایط منطقه ویژه را هم مورد بررسی قرار داد.

کلیات استقرار منطقه ویژه پارسیان مشکلی ندارد

وی افزود: معاون محیط زیست کشور اعلام کرد فعالیت های منطقه ویژه پارسیان مشکلی ندارد و تنها باید یک سری ملاحظات را رعایت کند. زمانیکه محیط زیست مخالفتی برای فعالیت های منطقه ویژه ندارد نباید برخی با تحریک مردم سد راه توسعه و اشتغال زایی منطقه شوند. شریفی ابراز داشت: در افق توسعه منطقه ویژه، ایجاد اشتغال برای ۶۴ هزار نفر به طور مستقیم برنامه ریزی شده است. با توجه به آمار بالای فارغ التحصیلان دانشگاهی نیاز جدی برای استقرار صنایع در غرب استان داریم.

وی افزود: زمانی اعتراض بنده به عنوان فرماندار و حتی نمایندگان مردم غرب هرمزگان در مجلس به استقرار تمامی صنایع تولیدی در غرب شهر بندرعباس بود، بارها در نشست ها و در سفر مسئولان و وزرا خواستار تمرکز زدایی و استقرار صنایع در غرب استان هرمزگان شدیم. حالا که با استقرار صنایع در پارسیان موافقت شده است نباید با کارشکنی مانع ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری شویم.

نماینده مردم غرب هرمزگان در مجلس با بیان اینکه ۹۵ درصد جمعیت شاغل در منطقه ویژه پارسیان نیروهای بومی شهرستان پارسیان هستند. خاطرنشان کرد: نظارت کامل بر جذب نیرو در منطقه ویژه داریم و تنها زمانی اجازه جذب نیروی غیربومی داده ایم که متخصص و رشته مورد نیاز در شهرستان و یا استان وجود نداشته باشد.

منطقه ویژه پارسیان مشکل زیست محیطی ندارد

معاون محیط زیست دریایی محیط زیست کشور نیز در این خصوص گفت: طی بازدیدی که روز سه شنبه و امروز از سایت منطقه ویژه پارسیان داشته ام خوشبختانه این منطقه مشکل زیست محیطی ندارد و مجوزهای ارزیابی زیست محیطی این مجموعه صادر شده است. پروین فرشچی با بیان اینکه دیداری با فرماندار شهرستان پارسیان و رؤسای شوراهای شهر و روستای شهرستان پارسیان داشته است، عنوان کرد: مردم روستاها و رؤسای شوراهای توسعه و استقرار صنایع موافق هستند.

فریدون همتی، استاندار جدید هرمزگان نیز از زمان حضورش در استان هرمزگان بارها بر اشتغالزایی و حل مشکل سرمایه گذاران و حمایت از تولید و اشتغال تاکید کرده است و باید دید آیا در ماههای پیش رو تغییری در وضعیت حمایت از تولید و صنعت با محوریت اشتغال نیروهای ساکن در هرمزگان از سوی مسئولان ارشد استانی صورت خواهد گرفت یا همچنان شاهد اخبار اخراج کارکنان و کارگران از صنایع و مراکز تولیدی استان خواهیم بود و شاهد افزایش آمار روز افزون بیکاری در استان هرمزگان خواهیم بود.



سال قبل با هدف توسعه و ایجاد اشتغال در شهرستان های غربی استان کنگ زنی شد ولی متأسفانه برخی به بهانه های مختلف عملیات اجرایی پروژه را به تاخیر می انداختند.

ناصر شریفی عنوان کرد: شهرستان پارسیان و سایر شهرستانهای غرب استان نیاز به رونق اقتصادی و صنعتی دارد و ایجاد اشتغال در افزایش سطح معیشت مردم تاثیر مستقیمی دارد. اگر به دنبال ایجاد اشتغال هستیم باید از ایجاد صنایع و رونق تولید در منطقه حمایت کنیم. بدون استقرار صنایع نباید توقع ایجاد اشتغال را داشته باشیم.

وی افزود: یکی از بهانه هایی که برخی از مخالفان ایجاد منطقه ویژه پارسیان دارند مسائل زیست محیطی است و دغدغه مردم روستاهای اطراف هم همین است و اعتقاد داریم که این دغدغه مردم باید رفع شود، اما نباید زمانیکه سازمانهای مربوطه مجوز لازم برای احداث صنایع را می دهند ما مخالفت کنیم. این نماینده مردم غرب هرمزگان در مجلس با تاکید بر اینکه مسئولان شهرستان پارسیان باید پای کار بیایند و از منطقه ویژه پارسیان حمایت کنند، اظهار داشت: برای ایجاد اشتغال همگی باید کمک کنیم نه اینکه به دنبال دلایلی برای متوقف کردن توسعه در شهرستان باشیم. از زمان حضور نعمت زاده وزیر سابق صنعت، معدن و تجارت در منطقه ویژه پارسیان رونق این منطقه شتاب بیشتری گرفته است و قرارگاه خاتم الانبیا با جدیت پای کار آمده است و پیشرفت خوبی در ساخت اسکله منطقه ویژه داشته است.

وی با بیان اینکه عواملی نمی خواهد پیشرفت در پارسیان شکل بگیرد، خاطرنشان کرد: برخی با سنگ اندازی و تحریک و ایجاد کمپین هایی سعی در متوقف کردن فعالیت های اقتصادی و صنعتی در پارسیان را دارند که این عوامل بیشتر به ضرر مردم منطقه خواهد بود تا به نفع آنها. برای ایجاد اشتغال نیاز به استقرار صنایع و رونق تولید داریم نه مانع تراشی. شریفی با بیان این مثال که روشن کردن یک خودرو هم آلودگی ایجاد می کند، عنوان کرد: عسلویه به عنوان یک تجربه تلخ زیست محیطی در کنار ما قرار دارد، برای آنکه این تجربه در پارسیان تکرار نشود نامه ای به کالتنری رئیس سازمان محیط زیست کشور نوشتم و خواستار رفع حساسیت های زیست محیطی منطقه ویژه پارسیان شدم و خانم فرشچی معاون

طی سال گذشته و ماه های اخیر شاهد انتشار اخبار متعددی در مورد اخراج نیروی کار از برخی از صنایع و کارخانجات بزرگ کشور بوده ایم که در استان هرمزگان می توان به اخراج بیش از ۲۰۰ نیروی کار از مجتمع آلومینیوم المهدی و هرمز آل، بلاتکلیفی ۱۰۰ نیروی کار در پالایشگاه ستاره خلیج فارس، اخراج بیش از ۵۰ نیروی کار اهل شهرستان پارسیان از پارس جنوبی و در آستانه اخراج قرار گرفتن بیش از ۴۰۰ نیروی فعال در منطقه ویژه پارسیان اشاره کرد.

علیرغم تأکيدات صورت گرفته مبنی بر حمایت از تولید و توسعه صنایع و ایجاد اشتغال متأسفانه این امر در استان هرمزگان آنچنان مورد توجه برخی مدیران محلی و حتی برخی از فعالان مردمی قرار نگرفته است و بلاتکلیفی کارگران اخراجی مجتمع آلومینیوم المهدی و پرسنل پالایشگاه ستاره خلیج فارس، نشان از آن دارد که مسئولان حساسیتی در مورد تحقق شعار سال ندارند.

صنایع انرژی بر، با سرمایه گذاری ۸۵ درصدی پیمانکار داخلی، در حال حاضر، میلیاردها تومان در این صنایع سرمایه گذاری کرده اند که با تعطیلی و توقف این پروژه های عظیم به ازای هر روز، صدها میلیون تومان خسارت به بار خواهد آمد و این با شعار سال جاری در تضاد است.

طی سال های برخی با بیان اینکه منطقه ویژه پارسیان فاقد مجوزهای زیست محیطی است سعی در توقف پروژه های این منطقه دارند اما مدیران ارشد محیط زیست استان و کشور هیچگونه مخالفت و اعلام نظری مبنی بر نداشتن استانداردهای زیست محیطی در این منطقه نداشتند. اینگونه مخالفت ها با توسعه منطقه ویژه پارسیان در حالی از سوی تعداد اندکی در شهرستان مطرح می شود که بسیاری از مردم به دلیل اشتغال جوانانشان در این منطقه موافق و خواهان توسعه و رشد شتابان این منطقه هستند.

صنایع انرژی بر پارسیان نیز با توجه به خسارات احتمالی نیروهای خود را در آستانه اخراج قرار خواهد داد و ۴۰۰ نیروی کار مستقیم و غیر مستقیم شغل خود را از دست داده و خانه نشین خواهند شد.

دو مدیر شهرستان پارسیان با طرح شکایت از پیمانکار و منطقه ویژه پارسیان نسبت به ساخت اسکله و برداشت مصالح از محیط طبیعی مانند کوهها به دادگاه شکایت کرده اند. همچنین این دو مدیر مدعی هستند که منطقه ویژه پارسیان مجوزهای ارزیابی زیست محیطی ندارد، این در حالی است که مسئولان ارشد محیط زیست کشور و حتی مدیرکل محیط زیست استان هرمزگان با محل استقرار منطقه ویژه پارسیان موافق بوده اند و هیچگونه طرح شکایتی را مطرح نکرده اند.

منطقه ویژه پارسیان مشکل زیست محیطی ندارد

نماینده مردم غرب هرمزگان در مورد اینکه ۴۰۰ نیروی کار منطقه ویژه در آستانه اخراج قرار دارند، بیان داشت: منطقه ویژه صنایع انرژی بر پارسیان ۱۰

آب پایتخت انرژی کشور خوردن ندارد / اینجا بازار آب فروشی ها سکه است



طعم بد آب شرب در شهرها و روستاهای استان بوشهر به گونه‌ای است که حکایت رفتن به چشمه و آب سالم و زلال آوردن هنوز در اینجا مرسوم است، البته با کوزه‌های جدید و چشمه‌های مدرن!



نساء کروندی

اهالی نقاط مختلف استان بوشهر به علت تلخ، بدمزه بودن، بدرنگ و بدبو بودن آب همچنان برای تهیه آب تصفیه شده و سالم به مغازه‌های آب تصفیه‌ای که روز به روز تعداد آنها در حال افزایش است مراجعه می‌کنند.

وضعیت آب شرب در بوشهر به عنوان مرکز استان و دیگر مناطق شهری و روستایی استان به گونه‌ای است که طعم آب برای مردم قابل تحمل نبوده و ناچارند آب را تصفیه مجدد کرده و مصرف کنند.

با وجود اینکه مسئولان امر، سلامت و استاندارد آب خطوط آبرسانی را تأیید می‌کنند ولی مردم استان بوشهر این را نمی‌پذیرند و آبی را که یک بار تصفیه و وارد شبکه آبرسانی شده، مجدداً تصفیه و مصرف می‌کنند.

این روزها بسیاری از خانه‌ها مجهز به سیستم‌های تصفیه آب خانگی شده و این دستگاه‌های گرانقیمت مهمان خانه‌ها شده است تا بخشی از آب مصرفی هر خانواده را که معمولاً برای شرب و پخت‌وپز استفاده می‌شود، تأمین کنند. این دستگاه‌ها علاوه بر هدر رفت بالای آب، هر چند ماه یک بار نیازمند تعویض فیلتر هستند که هزینه‌های بیشتری را متوجه خانواده‌ها می‌کند.

امروز در هر محله شهر بوشهر وجود یک مرکز فروش آب تصفیه شده از ضروریات است چرا که بسیاری از خانواده‌ها تصفیه خانگی ندارند و آب را از مراکز فروش خریداری می‌کنند.

در حالی که طی سال‌های گذشته بوشهری‌ها از نعمت گاز بی‌بهره بودند و سیلندرهای گاز در دست در سطح شهر می‌گشتند، وضعیت نامناسب آب موجب شده که حمل سیلندرهای گاز امروز جای خود را به

از تصفیه اصلاً قابل مقایسه نیست و به غیر از افرادی که مجبورند، هیچ‌کس نمی‌تواند آب تصفیه نشده را مصرف کند.

وی ادامه داد: اگر با آب شهری چای درست کنیم و با غذا بپزیم می‌بینیم که رنگ چای و عطر آن خراب می‌شود و غذا هم اصلاً مزه واقعی خود را نخواهد داشت.

بشکه‌های آب دهد.

به دلیل استفاده مکرر خانواده‌های بوشهری، عابر آب‌های ۲۴ ساعته توسط مراکز فروش آب تصفیه تعبیه شده است که افراد با خرید کارت‌های اعتباری می‌توانند در شبانه روز آب تصفیه از این دستگاه‌ها خریداری کنند.

آبی که رنگ و بو و مزه خوبی ندارد

عباس شفیع از شهروندان بوشهری که با چند بشکه ۲۰ لیتری برای خرید آب به یک فروشگاه آب تصفیه شده مراجعه کرده است با انتقاد از وضعیت آب شرب در استان گفت: متأسفانه آب در هیچ نقطه‌ای از استان بوشهر قابل خوردن نیست.

وی با بیان اینکه آب بوشهر طعم و رنگ و مزه خوبی ندارد، تصریح کرد: مشخصات ظاهری آب بسیار بد است و از مصرف آن احساس بدی به ما دست می‌دهد و مجبوریم آب را مجدداً تصفیه و مصرف کنیم. حسین پورمحمدی نیز می‌گوید: آب شهری قبل و بعد

مردم طعم آب شهر را دوست ندارند

به یکی از این مراکز مراجعه می‌کنیم، مغازه‌ای کوچک با انبوهی از مخزن‌های بزرگ آب، فروشنده که مردی جوان است در خصوص فروش و درآمدش می‌گوید: ما تنها مرکز تصفیه آب این محله هستیم و همه خانواده‌ها از ما آب خریداری می‌کنند. صادق بهادری عنوان کرد: برخی طعم آب لوله‌کشی را دوست ندارند و برخی نیز از سالم بودن آن اطمینان ندارند.

وی افزود: اکنون بالغ بر ۸۰ درصد خانواده‌های این محله آب تصفیه شده خریداری می‌کنند، ۱۰ درصد دستگاه تصفیه نصب کردند و برخی نیز از آب لوله‌کشی استفاده می‌کنند.

فروشنده مرکز آب تصفیه بوشهر در خصوص اینکه از چه زمان خرید از این مراکز در بین خانواده‌های بوشهری افزایش یافته است، عنوان می‌کند: چند سال پیش زمستان، شاهد بارندگی شدید در استان بوده و با آلودگی آب لوله‌کشی روبرو بودیم.

صف‌هایی برای تهیه آب

در برخی از روزها که تأمین آب شرب در شبکه‌های خانگی با مشکل روبرو می‌شود، صف‌های طولانی در مقابل فروشگاه‌های آب تصفیه‌ای تشکیل می‌شود و افراد باید مدتی را در گرمای هوا برای تأمین آب انتظار بکشند.

شغل‌های جدیدی نیز ایجاد شده است؛ از فروشنده‌های آب تصفیه‌ای گرفته تا خودروهای حمل و توزیع آب تصفیه شده و افرادی که با گاری‌های کوچک و بزرگ خود اقدام به حمل و توزیع و فروش آب تصفیه می‌کنند.





باعث شده تا مردم هزینه‌های خیلی بیشتری را برای تامین آب مورد نیاز خود پرداخت کنند و گاهی برخی خانواده‌ها نمی‌توانند این هزینه‌ها را تحمل کرده و آب بد شبکه شهری را مصرف می‌کنند.

قیمت هر مترمکعب آب شهری به طور متوسط در همه نقاط کشور حدود ۴۰۰ تومان است و مردم همه شهرها و روستاها با داشتن آبی سالم، آب را به قیمت هر لیتر حدود ۴ ریال مصرف می‌کنند.

مرتضی افتخاری رئیس موسسه تحقیقات آب وزارت نیرو می‌گوید: هر مترمکعب آب با قیمت حدود ۴۰۰ تومان در اختیار مصرف‌کننده شهری قرار می‌گیرد. این در حالی است که بوشهری‌ها اگر آب را از مراکز آب تصفیه‌ای تامین کنند، هر لیتر ۵۰ تومان برای آنها هزینه دارد که این هزینه بدون هزینه حمل و نقل است و بیانگر بیش از ۱۰۰ برابر بودن قیمت آب خوردن در استان بوشهر نسبت به دیگر مناطق است. البته برخی از خانواده‌ها نیز آب مورد نیاز خود را از طریق آب‌های بسته‌بندی تهیه می‌کنند که هزینه تامین آب از این طریق بیش از هزار برابر آب مصرفی از طریق خط آبرسانی است.

انتظار می‌رود که این خواسته بحق مردم استان بوشهر یعنی برخورداری از آب سالم و بهداشتی و با طعم و رنگ و بو و مزه مناسب به درستی تامین شود تا مردم مشکلات کمتری داشته باشند.

در حالی آب سالم در شبکه‌های آبرسانی استان بوشهر جاری نمی‌شود که در بسیاری از روزها همین آب نامناسب هم در شبکه وجود ندارد.

در سال‌های اخیر شاهد مشکلات و سختی‌های بسیار زیادی در زمینه تامین آب استان بوشهر بوده‌ایم و وعده‌های عبور از بحران آب هر سال به سالی دیگر موکول می‌شود. مشکلات آب در استان بوشهر همچنان باقی است و محله‌هایی وجود دارند که هفته‌ها می‌گذرد و حتی یک قطره آب وارد خانه‌های آنها نمی‌شود و کل آب مصرفی خود را باید خریداری کنند.

استانی که عنوان قطب اقتصادی و انرژی کشور را یدک می‌کشد و دارای بیشترین ظرفیت‌های اقتصادی است، نباید اینگونه در تامین نیازهای اولیه خود دچار مشکل باشد.

آب تولیدی از تاسیسات آب‌شیرین‌کن‌ها دارای طعم و کیفیت بالایی هستند و افزایش تاسیسات آب‌شیرین‌کن می‌تواند نقش مهمی در افزایش کیفیت آب داشته باشد که مسئولان باید به وعده خود برای توسعه این تاسیسات عمل کنند.

ارزیابی مستمر کیفیت آب

کارشناس برنامه آب معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نیز گفت: یکی از عناصر کلیدی در کنترل کیفیت آب آشامیدنی، آزمایش میکروبیولوژی آب است؛ در آزمایش میکروبی نمونه‌هایی توسط کارشناسان بهداشت محیط مراکز بهداشتی جمع آوری شده و پس از انتقال به آزمایشگاه آب شبکه‌های بهداشت و درمان در سراسر استان از نظر میکروبی و شیمیایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فاطمه مرادیان اضافه کرد: علاوه بر نمونه‌برداری مناسب از شبکه‌های توزیع آب شهری و روستایی، مراکز تصفیه آب و یخ‌سازی‌ها، کلرسنجی هم در دستور کار ناظران سلامت آب دانشگاه علوم پزشکی قرار دارد.

وی ادامه داد: در سه ماهه اول سال ۱۳۹۶ تعداد کل کلرزی‌ها و کلرسنجی انجام شده در آب آشامیدنی شهری و روستایی ۱۹ هزار و ۶۳۰ مورد بوده و هزار و ۸۴۳ نمونه برداری میکروبی برای پایش سلامت آب انجام شده است.

کارشناس برنامه آب معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر خاطرنشان کرد: ارزیابی دائم و حساس بهداشت عمومی و بررسی امنیتی آب و قابلیت پذیرش سیستم‌های تامین آب به صورت مداوم برای بهبود کیفیت و کمیت پایدار انجام می‌شود تا اطمینان حاصل شود که کیفیت سیستم آب آشامیدنی قابل قبول است.

قیمت آب خوردن در بوشهر ۱۰۰ برابر دیگر نقاط

وضعیت آب در استان بوشهر و لزوم تصفیه مجدد آب



نصب دستگاه‌های تصفیه آب خانگی، فروش و تعمیر و ... این دستگاه‌ها نیز از دیگر مشاغلی است که این روزهای بازار خوبی دارند.

به سختی کشیدن عادت داریم

یکی از خریداران آب تصفیه شده در این خصوص بیان می‌کند: در برخی شهرهای جنوبی کشور مثل بوشهر و خوزستان خرید آب تصفیه مرسوم و عادی است.

بهرام فیضیان عنوان کرد: مردمان مطالبه‌گری نداریم و به سختی کشیدن عادت داریم، برای هیچ کدامان هم جای سوال نیست که چرا زندگی شهری ما مانند دیگر شهرها تسهیل نشده است.

وی بیان کرد: دارا بودن آب سالم در لوله کشی‌های شهری ابتدایی‌ترین نیاز هر خانواده است که متأسفانه مردم ما از آن برخوردار نیستند.

این خریدار آب تصفیه شده در ادامه عنوان می‌کند: خودتان یکبار آبی که در لوله کشی بوشهر است، بنوشید می‌توانید متوجه طعم بد آن شوید.

آب استاندارد است

مدیرعامل آب و فاضلاب استان بوشهر در این خصوص، اظهار داشت: آب در تمامی شهرهای استان بوشهر استاندارد و بهداشتی است.

کیفیت یاکیده عنوان کرد: مراکز بهداشت نظارت مستمر بر تولید آب در شهرها و روستاهای استان دارند. وی در خصوص مجوزهای لازم برای راه‌اندازی مراکز تصفیه آب، تصریح کرد: مراکز آب تصفیه نیازی به مجوز ایفا ندارند و آنها فقط از ما آب خریداری می‌کنند.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر خاطرنشان کرد: آب در این مراکز دوباره تصفیه می‌شود و علت استفاده مردم از آب تصفیه شده، تغییر طعم آن است و گرنه آب شهری استاندارد و بهداشتی است.

تغییر ذائقه مردم موجب حساسیت

معاون فنی مرکز بهداشت استان بوشهر نیز گفت: بازرسان مرکز بهداشت مکرراً و ماهانه استاندارد و بهداشتی بودن آب را مورد سنجش قرار می‌دهند.

محمد مهدی خواجه بیان افزود: آب لوله کشی شهر بوشهر و دیگر شهرستان‌ها سالم و استاندارد است و افراد می‌توانند با خیال راحت از آن استفاده کنند.

وی گفت: تغییر ذائقه مردم موجب گرایش آنها به خریداری آب‌های تصفیه و معدنی شده است.

پایانه صادراتی **آستارا** ضرورتی فراموش شده / فرصت هایی که از دست می روند



وی می افزاید: رژیم صهیونیستی در حوزه گل و گیاه و ماهی بازار روسیه را به خود اختصاص داده است. ترکیه نیز در حوزه ماهی به خوبی در این بازار نقش ایفا می کند و در حوزه میوه نیز مصر و کشورهای اروپایی از جمله فرانسه این بازار را در دست دارند بنابراین با توجه به چنین مراداتی به نظر می آید ایران به راحتی سهم و نقش خود در بازار روسیه را با وجود علاقمندی روس ها به محصولات کشاورزی ایرانی از دست داده و تا زمانی که بستر لازم برای ارتقای حمل و نقل و صادرات محصولات در مرزهایی مانند آستارا مهیا نشود همچنان این بازار در دست دیگران خواهد بود.

مشاور روابط اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و

هدر رفتن محصولات به دلیل نبود پایانه صادراتی در آستارا

با وجود چنین اشتیاقی برای محصولات کشاورزی ایرانی و حتی گیلاتی در بازار روسیه باید بتوان از فرصت موجود به نحو مطلوب بهره برد اما به عقیده یک فعال اقتصادی بازار روسیه و ایران، هنوز زیرساخت های لازم برای افزایش صادرات محصولات کشاورزی از مرز خشکی گیلان (آستارا) به روسیه در گیلان مهیا نیست.

سید جلیل جلالی فر می گوید: سهم بازار روسیه برای محصولات رژیم صهیونیستی از ایران بسیار بیشتر است در حالی که طبع و رغبت روس ها به محصولات ایرانی بسیار زیاد است.

نبود پایانه صادراتی در مرز آستارا باعث شده که نقش ایران و محصولات آن در بازارهای حاشیه دریای خزر کمرنگ شود.



مآده آسفندمز

استان گیلان به دلیل برخورداری از مرز خشکی و دریایی با کشورهای شمالی از موقعیتی قابل توجه در حوزه صادرات برخوردار است.

هر چند بسیاری از محصولاتی که از مرزهای آستارا و همینطور بندر انزلی به کشورهای حاشیه خزر صادر می شوند از تولیدات گیلان نیستند اما با اینهمه فعالیت این دو مرز باعث شده که سهم گیلان در صادرات کشور به کشورهای حاشیه خزر پررنگ باشد.

در این شرایط، نبود زیرساخت های لازم از جمله نداشتن پایانه صادراتی برای محصولاتی که عمر بالایی برای رسیدن به مقصد ندارند، سبب ایجاد خسران بالا و کاهش بهره مندی از موقعیت صادراتی مرزهای گیلان به ویژه مرز خشکی آستارا شده است.

تمایل روسیه به استفاده از محصولات کشاورزی ایران

چهار کشور قزاقستان، ترکمنستان، روسیه و آذربایجان در کنار ایران می توانند بازار مناسبی برای محصولات باشند. در رقابت بین این بازارها، با توجه به تعامل مثبت بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه، به نظر می رسد بازار روسیه بهترین بازار برای تولیداتی باشد که از اراضی کشاورزی به دست می آیند. کما اینکه علاقمندی روس ها به محصولات کشاورزی ایران بارها نیز مطرح شده است. به طوری که نماینده کنسولگری روسیه در ایران بر این موضوع تأکید دارد که صیفی جات و سبزیجات ایران مورد طبع و ذائقه روس ها است.

کنستانتین آلکسیف در این باره در نشست توسعه همکاری های بین ایران و روسیه در رشت گفت: محصولات کشاورزی، دریایی و حوزه گردشگری سه حوزه قابل توسعه برای همکاری های بین دو کشور روسیه و ایران است.

وی با بیان اینکه ظرفیت های متعددی برای توسعه مرادوات تجاری بین روسیه و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد اظهار کرد: حجم دو میلیارد دلاری مبادلات تجاری بین روسیه و ایران با وجود ظرفیت های بالای همکاری بین دو کشور، مطلوب نیست. سرکنسول روسیه در رشت با تأکید بر اینکه سطح روابط سیاسی بین روسیه و ایران در حال حاضر به سطحی عالی رسیده است افزود: چنین فرصتی می تواند فضای مرادوات تجاری بین دو کشور را ارتقا دهد.

آلکسیف معتقد است محصولات کشاورزی یکی از بهترین فرصت ها برای افزایش مرادوات تجاری بین گیلان و روسیه است و ادامه داد: میوه و تره بار، خشکبار و همینطور محصولات دریایی ایران از محصولاتی هستند که در بازار روسیه مشتری های بسیاری دارند.

از راهکارهایی سخن می گوید که شاید بتواند تا حدودی هرچند اندک وضعیت را مطلوب کند. وی می گوید: با وجود استقبال کمی که در این حوزه صورت گرفته سازمان راهداری تلاش کرده با جلب نظر یک شرکت حمل و نقل فعال در بحث حمل محصولات یخچالی، شعبه ای از آن را در آستارا به دلیل ضرورت راه اندازی کند تا بتوان بخشی از مشکلات ناشی از کمبود ناوگان یخچالی را رفع کرد.

بنا بر آمار سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای گیلان، در شش ماه نخست امسال، به طور متوسط ۱۶۰ دستگاه کامیون اعم از یخچال دار، چادری، تانکر و... از مرز آستارا تردد کرده اند. در این مدت، ۱۷۶ هزار و ۲۲۴ تن کالا از مرز آستارا صادر شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۲۱ درصد کاهش را نشان می دهد. سهم گروه کالایی تره بار و صیفی جات از این حجم کالا، ۴۲ هزار تن است. به نظر می رسد در صورت برخورداری از پایانه صادراتی مجهز و همینطور زنجیره حمل و نقل مناسب، این آمار می تواند بسیار بیشتر از این باشد و مطمئناً زمانی می توان نسبت به فروش پررنگ محصولات ایرانی در بازارهای کشوری پرجمعیت همچون روسیه امیدوار بود که بتوان طبق استانداردها و سلیقه بازار هدف، محصولات را به مقصد رساند.

با اینهمه آنچه که مشهود است در صورت غفلت از بازار فوق، روسیه منتظر نمی ماند و بازار خود را به کشورهای دیگری خواهد سپرد که مطمئناً ایجاد پایانه های صادراتی در مرزهایشان را در اولویت قرار می دهند نه در غفلت.

محمدرضا نازک کار با بیان اینکه بنا بر اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان راهداری به طور مستقیم نمی تواند در احداث پایانه صادراتی اقدام کند می افزاید: به همین دلیل، بنا بر ضرورت ایجاد پایانه از سرمایه گذار بخش خصوصی دعوت به عمل آمده و چندین نشست برای واگذاری شرایط آن بین طرفین تشکیل شده است. وی تاکید می کند: احداث پایانه صادراتی در آستارا نیازمند عزم همه جانبه تمامی دستگاه های مرتبط است.

استقبال کم ناوگان حمل و نقل از نوسازی و ایجاد ناوگان یخچال دار

اما نوسازی و تجهیز شبکه حمل و نقل باری مجهز به یخچال برای انتقال کالاهای فاسد پذیر از جمله صیفی جات و سبزیجات نیز به گفته نازک کار باید از سوی بخش خصوصی مورد استقبال واقع شود که هم اکنون چنین اشتیاقی به دلیل قیمت بالای خرید این ناوگان در بخش خصوصی کمتر دیده می شود.

نازک کار می گوید: به دلیل هزینه بالای خرید ناوگان یخچالی نسبت به سایر کامیون ها و همچنین دامنه شمول محدودتر کالاهایی که این نوع ناوگان می تواند بارگیری کند و همینطور هزینه های بالای نگهداری آن، تاکنون متقاضی کمتری برای خرید یا نوسازی ناوگان یخچالی وجود داشته در حالی که سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای نسبت به ارائه تسهیلات به متقاضیان نیز آمادگی خود را اعلام کرده است. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای گیلان اما

کشاورزی گیلان با روسیه با انتقاد از نبود زیرساخت هایی همچون پایانه صادراتی در مرز خشکی آستارا می گوید: گیلان پیشانی اقتصاد کشور با روسیه است و نبود یک پایانه صادراتی و زنجیره حمل و نقل مناسب که بتواند محصولات کشاورزی همچون صیفی جات و سبزیجات را با کیفیت مطلوب و مورد دلخواه بازار روسیه به این کشور صادر کند باعث شده که عملاً فرصت بهره مندی کشور از این بازار کاهش پیدا کند.

جلالی فر خاطر نشان می کند: بارها دیده شده که سبزیجاتی که به آستارا حمل می شود به صورت فله ای در جایی ریخته شده و کیفیت آن به مرور زمان پایین می آید در حالی که فرصت صادرات به روسیه با همین محصولات به راحتی از دست می رود.

به گفته وی، نبود پایانه صادراتی در آستارا و نبود شبکه حمل و نقل مناسب برای ارسال این محصولات به حدی وضعیت را نامطلوب می کند که در نهایت از ۳۰ تن سبزیجات حمل شده تا آستارا تنها ۱۰ تن قابلیت ارسال و صادر به روسیه را داراست.

بخش دولتی مجاز به ایجاد پایانه صادراتی نیست

اما ایجاد پایانه صادراتی در آستارا از مدت ها پیش در گیلان مطرح بوده به طوری که استاندار سابق گیلان نیز بارها نسبت به احداث آن مصاحبه رسانه ای کرد با اینهمه هنوز این مهم محقق نشده است. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای گیلان می گوید: احداث پایانه صادراتی در دست اقدام است.



پروژه ناتمامی که ۱۷ ساله شد / راه آهن تبریز - میانه در طلسم وعده‌ها



راه آهن تبریز - میانه ۱۷ سال پس از آغاز به عنوان پروژه‌های ملی هنوز به سرانجام نرسیده و زمان اتمام آن نیز با روند اجرایی فعلی و وعده‌های امروز و فردای مسئولان نامشخص است.

از سال ۱۳۷۹ پروژه‌های ملی با ماهیت احداث ریل راه آهن از تبریز به میانه آغاز به کار کرده که اتمام این پروژه هم اکنون به طلسمی ۱۷ ساله تبدیل شده است، طلسمی که مشخص نیست تا چندین سال دیگر نیز ادامه خواهد داشت در حالی که مسئولان هر ساله وعده اتمام آن را به افکار عمومی و رسانه‌های مطالبه گر می‌دهند اما ریل قطارهای تبریز-میانه سالهاست در حسرت افتتاح شدن مانده است. ایستگاه اصلی این مسیر تبریز است که از یک طرف به میانه و تهران کشیده می‌شود و فاصله تبریز تا پایتخت را از نظر مسافت ۱۱۸ کیلومتر و از نظر زمان از ۱۳ ساعت به هفت ساعت کاهش می‌دهد و از طرفی دیگر تبریز را به جلفا و در نتیجه راه آهن ایران را به کشورهای آذربایجان، ترکیه و ارمنستان متصل می‌کند.

این پروژه عظیم به دنبال خود ۱۱ تونل نسبتاً بزرگ، ۱۰ گالری در مجموع به طول ۱۴۳۴ کیلومتر، ۲۱ پل بزرگ به طول حدود هشت کیلومتر و بیش از ۵۱۵ آبرو با طول حدود ۱۰ کیلومتر دارد که در این مسیر ساخته خواهند شد.

پروژه ریل ترانزیتی تبریز - میانه که شریان ارتباطی کشورمان با اروپا به شمار می‌آید و از اهمیت بالایی برخوردار است، نیاز به وحدت و اراده‌های بزرگ در بین دولت مردان دارد تا انتظارات برای بهره‌برداری آن شاید در انتهای سال ۹۶ خاتمه پیدا کند.

استدلال‌های موجود مسئولان برای تاخیر این پروژه کمبود بودجه، زمان‌بر بودن واردات ریل‌های خریداری شده، به موقع نبودن تخصیص‌های اعتباری و موضوعاتی از این دست است که حتی جمع همه این موارد را نیز نمی‌توان عذرهای قابل قبولی در برابر به طول انجامیدن یک پروژه ملی در ۱۷ سال دانست چرا که اجرای طرح‌های سنگین تر و البته گاه کم‌اولویت تر از این پروژه چنین صحت توجیهاتی را باطل می‌کند.

تخصیص به موقع اعتبارات شرط اصلی تحقق وعده‌ها در مورد پروژه راه آهن تبریز-میانه

نماینده شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور در آذربایجان شرقی در این خصوص می‌گوید: هم اکنون سعی می‌کنیم که تا آبان سال جاری یک خط این پروژه را تا بستان آباد پیش ببریم اما همچنان این وعده بر اساس توان فیزیکی ما، توان مجموعه و توان پیمانکاران ما و از جهت ماشین‌آلاتی که در مجموعه مستقر و برنامه ریزی‌های انجام شده عنوان می‌شود.

حمید علی محمدزاده با بیان اینکه باید تاخیر این پروژه را در روند تامین و تخصیص اعتبار جست‌وجو کنیم، ادامه می‌دهد: پیمانکاران ما نشان دادند زمانی که تخصیص به موقع انجام گرفته، توان‌شان بیشتر از حد ممکن است.

وی وجود پیمانکاران و مشاوران توانمند در این محور را حاکی از اهتمام ویژه شرکت ساخت و توسعه برای ساماندهی به وضعیت اجرایی پروژه دانست و خاطر نشان می‌کند: بازدیدهای مکرر مسئولان ارشد

پروژه تا بستان آباد در شرف اتمام است و هم‌زمان دوخطه تبریز تا تهران پیش می‌رود و همچنین مسیر بستان‌آباد به تبریز نیز در مرحله آغاز قرار دارد. محمد حسین فرهنگی در خصوص تاخیر پروژه نیز معتقد است: کارهای اجرایی مخصوصاً پروژه‌های عظیم با هدف‌های بزرگ، مشکلات بسیاری دارد که مردم از این مشکلات بی‌خبر هستند و تاخیر در این پروژه‌ها کاملاً طبیعی است اما در یکی دو سال اخیر پیشرفت این پروژه سرعت قابل چشم‌گیری داشته است.

وی ادامه می‌دهد: این طرح ملی یکی از تاثیرگذارترین طرح در رونق اقتصادی کشور، رشد صنعت حمل‌ونقل کالاهای باری در این منطقه و کاهش مسیر و زمان انتقال مسافر از تبریز تا تهران است که باید هرچه سریعتر کارهای پایانی برای بهره‌برداری آن را انجام دهیم.

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی خاطر نشان می‌کند: مسئله‌ای که اهمیت این موضوع را بالا برده است تجارت با کشورهای دیگر از این مسیر است که در صورت تکمیل آن ترانزیت ریلی ایران برای اولین بار به اروپا متصل می‌شود و شریان ارتباطی کشور با اروپا نیز محسوب می‌شود.

با وجود این اظهارات و دلایل موجه و غیرموجه باید به این موضوع توجه شود که تا شش ماه آینده پروژه ملی راه آهن تبریز-میانه وارد ۱۸ سالگی خود می‌شود و سوال این است که در این شش ماه آیا تلاش‌های سازمان‌ها، شرکت‌ها، وزارت‌های راه و شهرسازی و صنعت معدن و تجارت و هزاران مردم زحمت کش در این پروژه به ثمر می‌رسد یا نه؟ در این میان مسئولان جواب تازه‌ای برای تاخیر طولانی این پروژه نداشتند و همچنان با دلایلی کلیشه‌ای و پیش پا افتاده در صدد پاسخ به سوالات بودند و با این حال تنها می‌توان آرزو کرد و امیدوار بود که شاید سال ۹۶ پایانی بر این پروژه باشد و این مسئولیت سنگین از دوش دولتمردان برداشته شود و انتظار و مطالبه مردم منطقه برای بهره‌برداری از راه آهن تبریز - میانه نیز به پایان رسد.

ساخت و توسعه کشور از این پروژه، نشانه اهمیت و اولویت عملیات در دست اجرای محور فوق است. وی فضای گفت‌وگو با مسئولین ذیربط مملو از امید و سرشاز از خبرهای امیدوار کننده در آینده‌های نزدیک می‌داند و می‌افزاید: از میانه تا بستان‌آباد شش دستگاه ایستگاه موجود است که به غیر از ایستگاه بستان‌آباد و تیکمه داش بقیه ایستگاه‌ها خاتمه یافته است.

نماینده شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور در آذربایجان شرقی در پاسخ به این سوال که چرا پروژه در هفته دولت سالجاری افتتاح نشد، عنوان می‌کند: دلیل عدم افتتاح پروژه در هفته دولت امسال نیز تخصیص نیافتن به موقع اعتبار مصوب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود و بنابراین تاثیر مستقیم به بحث اجرا داشت و باز نتوانستیم به وعده افتتاح پروژه در هفته‌ی دولت عمل کنیم.

وی با بیان اینکه تخصیص اعتبارات عقب‌تر از برنامه اجرایی ما حرکت می‌کند، اظهار می‌دارد: پیمانکاران این پروژه از جمله پیمانکاران رتبه یک کشور محسوب می‌شوند و رقمی حدود ۸۰ الی ۸۵ میلیارد تومان به این پیمانکاران زحمت‌کش در این محور بدهکار هستیم. محمدزاده تصریح می‌کند: ریل‌های مورد نیاز پروژه همه از کشورهای خارجی خریداری شده و این مبلغ به صورت نقد باید پرداخت شود که هزینه‌ای سنگینی است و علاوه بر نقدینگی خرید ریل، تاخیر در تحویل سفارش به مدت حداکثر شش ماه طول می‌کشد و البته با این وجود هم اکنون نسبت به پروژه‌های اجرایی دیگر خوب عمل می‌کنیم و در پروژه راه آهن تبریز - میانه بحث تملک اراضی، تامین مصالح مورد نیاز که داخلی تهیه شده، به خوبی پیش رفته اما درباره خریدهای خارجی، مشکل زمان‌بر بودن تحویل جنس و مشکل نقدینگی مانع سرعت بخشیدن به اتمام پروژه است.

بهره‌برداری از راه آهن تبریز-میانه یعنی اتصال ترانزیت ریلی ایران به اروپا

عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی در خصوص وضعیت راه آهن تبریز-میانه می‌گوید: مسیر این

تکاپوی برداشت عسل در بام ایران / بازار داغ فروش عسل گون تا مرکبات



برداشت عسل توسط زنبورداران چهارمحالی آغاز شده است و هم اکنون بازار داغ فروش عسل های مختلف از جمله گون و مرکبات استان از رونق خوبی برخوردار است.



سیدمحمدرضا موسوی

استان چهارمحال و بختیاری به واسطه داشتن شرایط ویژه جغرافیایی مانند توپوگرافی خاص، آب و هوای معتدل و قرار گرفتن در مسیر تابش مستقیم خورشید یکی از مهم ترین مراکز رویش گیاهان مرتعی و دارویی کشور و جهان است.

دره ها و کوهستان های استان چهارمحال و بختیاری سرشار از گیاهان دارویی است که بیشتر آن ها از گذشته های دور کاربرد دارویی مؤثری در بهبود بیماری ها داشته اند و شناخت و طرز استفاده آن ها از پیشینیان سینه به سینه نقل شده است.

ویژگی های خاص طبیعی و اقلیمی و تنوع آب و هوایی منحصر به فرد استان چهارمحال و بختیاری، این استان را در رده مهم ترین رویشگاه های گیاهان دارویی کشور قرار داده است.

چهارمحال و بختیاری به واسطه داشتن بیش از یک هزار و ۳۰۰ گونه گیاهی و مراتع سرسبز یکی از مهمترین مراکز پرورش زنبور عسل و تولید عسل با خواص درمانی است.

در استان چهارمحال و بختیاری زنبورداری یکی از مهمترین شغل ها به شمار می رود که و افراد بسیاری در این استان در شغل مشغول به فعالیت هستند.

اگرچه هنوز عسل تولیدی چهارمحال و بختیاری مانند برخی از شهرهای کشور برند سازی نشده است اما کیفیت عسل تولیدی این استان به خاطر وجود گیاهان دارویی مختلف جزء ممتاز ترین عسل های تولیدی کشور است.

مراتع این استان مملو از گیاه گون است که عسل گون مهمترین عسل تولیدی چهارمحال و بختیاری به شمار می رود و جزء خوش طعم ترین عسل های تولیدی کشور است.

در حال حاضر با نزدیک شدن به پایان فصل فعالیت زنبور

بسیاری راه اندازی شده است که خوشبختانه بیشتر این عسل فروشان خود زنبور دار هستند و عسل تولیدی زنبورداری های خود را به فروش می رسانند. وی ادامه داد: عسل گون پر فروش ترین عسل استان چهارمحال و بختیاری به شمار می رود.

در استان چهارمحال و بختیاری ۱۴۹ هزار کلنی زنبور عسل وجود دارد

مدیر بخش طیور و زنبور عسل سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری گفت: در استان چهارمحال و بختیاری ۱۴۹ هزار کلنی زنبور عسل وجود دارد. ابراهیم کوچکی بیان کرد: سالانه در این استان بیش از یک هزار و ۱۰۰ تن عسل تولید می شود.

مدیر بخش طیور و زنبور عسل سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری تاکید کرد: کیفیت عسل تولیدی در استان چهارمحال و بختیاری بالا است و عسل گون این استان از شهرت بسیار بالایی برخوردار است.

وی تاکید کرد: در حال حاضر یک هزار و ۳۰۰ نفر در شغل زنبورداری در این استان فعالیت می کنند.

مدیر بخش طیور و زنبور عسل سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری در ادامه با اشاره طرح آمارگیری از زنبورستان های در چهارمحال و بختیاری اجرا می شود، تاکید کرد: این طرح در مهرماه اجرایی می شود.

سند توسعه زنبورداری در استان چهارمحال و بختیاری تدوین می شود

ذبیح الله غریب مدیرکل جهاد کشاورزی چهارمحال و بختیاری با اشاره به اینکه پرورش زنبور عسل در چهارمحال و بختیاری توسعه می یابد، اظهار داشت: استان چهارمحال و بختیاری یکی از استان های توانمند در پرورش زنبور عسل است که این امر مورد توجه قرار می گیرد.

وی افزود: سند توسعه زنبورداری در استان چهارمحال و بختیاری تدوین می شود.

مدیرکل جهاد کشاورزی چهارمحال و بختیاری عنوان کرد: به دنبال افزایش ۱۰ هزار کلنی زنبور عسل در چهارمحال و بختیاری هستیم.

داری در استان چهارمحال و بختیاری، برداشت عسل از کلنی های زنبور عسل در این استان آغاز شده است و زنبور داران نیز در حال عسل گیری هستند. از طرف دیگر نیز بازار فروش عسل در این استان رونق گرفته است و خریداران عسل به دنبال تهیه تازه ترین عسل با کیفیت بالا هستند.

یکی از زنبورداران چهارمحالی در این زمینه اظهار داشت: عسل تولیدی چهارمحال و بختیاری یکی از با کیفیت ترین عسل های تولیدی کشور است که مشتریان خاص خود را دارد.

کریمی عنوان کرد: عسل معروف چهارمحال و بختیاری عسل گون است که در کمتر نقطه ای از کشور تولید می شود.

وی عنوان کرد: بسیاری از زنبورداران استان های دیگر کشور برای تولید عسل گون به چهارمحال و بختیاری کوچ می کنند.

این زنبور دار اظهار داشت: عطر و طعم دلپذیر عسل گون با هیچ عسل دیگری قابل مقایسه نیست و از نظر خواص درمانی عسل گون جزء برترین عسل ها به شمار می رود.

وی ادامه داد: عسل گون به واسطه فعالیت آوردن شهید توسط زنبور عسل از گیاه گون تولید می شود که این گیاه یک گیاه مرتعی خودرو است و عسل گون جزء ارگانیک ترین عسل ها به شمار می رود.

وی اظهار داشت: در استان چهارمحال و بختیاری عسل های دیگر از جمله عسل مرکبات نیز تولید می شود که بیشتر در شهرستان سامان چهارمحال و بختیاری به واسطه وجود باغات گسترده میوه انجام می شود. این فعال بخش کشاورزی تاکید کرد: چهارمحال و بختیاری دارای شرایط مناسب برای توسعه زنبور داری است.

یکی از فروشندگان عسل در شهرکرد اظهار داشت: عسل تولیدی چهارمحال و بختیاری یکی از سوغات های مهم و با ارزش این استان به شمار می رود.

علی حبیبی بیان کرد: طی آزمایش های انجام شده کیفیت عسل تولیدی چهارمحال و بختیاری بالا است و عسل ارگانیک در سطح کشور به شمار می رود.

وی اظهار داشت: در شهرکرد مراکز فروش عسل

چالش بزرگ ترین پروژه مسکن مهر؛ افزایش جمعیت و منابعی که آب می رود



هشتگرد شهری نزدیک به پایتخت است که بار بزرگ ترین پروژه مسکن مهر کشور را به دوش می کشد و با افزایش جمعیت منابع آبی اش روز به روز آب می رود.



ساره نوری

احداث بیش از ۴۹ هزار واحد مسکن مهر در شهر جدید هشتگرد که از آن به عنوان بزرگ ترین پروژه مسکن مهر کشور یاد می شود، استان البرز را در معرض مشکلات بی شماری قرار داده است.

در حالی نیمی از کل واحدهای مسکن مهر شهر جدید هشتگرد به متقاضیان تحویل داده شده است که به گفته ابوالقاسم پالیزگیر، فرماندار شهرستان ساوجبلاغ، کمتر از ۳۰ درصد از مردم حاضر به سکونت در این واحدها شده اند.

وجود هشت هزار واحد بدون متقاضی، کمبود سرانه های آموزشی و بهداشتی، نبود مدرسه، درمانگاه، فضای سبز، سینما، ورزشگاه و غیره باعث شده که شهروندان با مشکلات ریز و درشت بسیاری دست و پنجه نرم کنند. کمبود منابع آبی یکی دیگر از مشکلات شهر جدید هشتگرد است که مسئولان استان و به تبع شهرستان ساوجبلاغ را در معرض آزمون سخت قرار داده است، آزمون که سربلندی از آن رضایت مردم را به دنبال دارد.

تحویل واحدهای مسکن مهر و سکونت متقاضیان که به گفته متولیان امر جمعیت شهر را به مرز ۷۰۰ هزار نفر می رساند مسئولان استان را بر آن داشت تا آبان ماه سال گذشته و در آستانه سفر هیئت دولت به البرز وزارت نیرو را متقاعد کنند تا با اختصاص پنج میلیون مترمکعب آب از خط انتقال طالقان به شهر جدید هشتگرد موافقت کند.

تشنگی هشتگرد با انتقال آب سد طالقان رفع شد

اعلام موافقت وزارت نیرو با خواسته مسئولان البرزی باعث شده بود تا شرکت آب منطقه ای استان زمان انجام عملیات انتقال آب را تیرماه جاری اعلام کنند، اما عدم عملیات انتقال آب در زمان مقرر و قطعی های مکرر و چندساعته دست به دست هم داد تا طاقت فرماندار شهرستان ساوجبلاغ در جلسه دوازدهم شهریورماه شورای مسکن استان طاق شود و زبان به گلایه باز کند.

وی در این جلسه نسبت به تعلل و تأخیر شرکت آب منطقه ای استان انتقاد کرد و گفت: علی رغم اینکه بارها قول هایی مبنی بر تسریع در امورات مربوطه داده شده اما نتیجه ای از این امر حاصل نشده و چندین بار قول این شرکت به تأخیر افتاده است، اگر تا پایان شهریور این امر عملیاتی نشود شرکت آب منطقه ای را به دادگاه معرفی خواهیم کرد، زیرا از آبان سال گذشته و بعد از سفر رئیس جمهور به البرز مصوبه خط انتقال آب از طالقان به هشتگرد اخذ شده است.

معطل ماندن شش هزار واحد مسکن مهر به دلیل عدم اجرای این پروژه باعث شد اتمام حجت فرماندار کارساز شده و شرکت آب منطقه ای عملیات اجرایی انتقال آب سد طالقان به هشتگرد را تسریع ببخشد. با گذشت چهار سال و پس از پیگیری های مداوم مسئولان البرزی در ساعات اولیه روز یکم مهرماه جاری وعده وزارت نیرو محقق و سرانجام آب سد طالقان به

شهر جدید هشتگرد منتقل شد.

استقرار جمعیت کلاف مشکلات هشتگرد را پیچیده تر می کند

ابوالقاسم پالیزگیر و در پاسخ به این پرسش که آیا مشکل کم آبی شهر جدید هشتگرد با انتقال آب سد طالقان به طور کامل حل شده است یا خیر، گفت: در حال حاضر شهر با مشکل خاصی در زمینه کمبود آب مواجه نیست و میزان آب منتقل شده از سد طالقان پاسخگوی نیاز شهروندان است.

فرماندار شهرستان ساوجبلاغ جمعیت حال حاضر شهر جدید هشتگرد را طبق سرشماری سال گذشته، ۴۲ هزار و ۱۴۷ نفر اعلام کرد و گفت: در صورت تحویل واحدهای مسکن مهر و استقرار متقاضیان، جمعیت شهر بیشتر شده و طبیعتاً مشکلات افزایش خواهد یافت.

وی با تأکید بر اینکه افزایش حق آبه از سد طالقان به شهر جدید هشتگرد در دستور کار قرار دارد، گفت: این مهم به جد پیگیری می شود.

فرماندار شهرستان ساوجبلاغ با اشاره به اینکه وزارت نیرو مسئول تأمین و توزیع آب است، گفت: شرایط خاص شهر جدید هشتگرد و نزدیکی آن با پایتخت باعث افزایش جمعیت طی سال های اخیر می شود به همین منظور تأمین آب یکی از دغدغه های مسئولان استان به ویژه شهرستان است.

پالیزگیر با اشاره به ضرورت بهره برداری تصفیه خانه اضطراری شهر جدید هشتگرد، گفت: این مهم توسط شرکت آب منطقه ای در حال انجام است، امیدواریم این پروژه به زودی بهره برداری شود.

تصفیه خانه اضطراری هشتگرد مهرماه بهره برداری می شود

علی مظفریان معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه ای استان البرز و در پاسخ به این پرسش که تصفیه خانه اضطراری شهر جدید هشتگرد چه زمانی به بهره برداری می رسد، اظهار کرد: این پروژه تا پایان مهرماه سال جاری به بهره برداری می رسد.

مظفریان اضافه کرد: پروژه تصفیه خانه اضطراری شهر

جدید هشتگرد در دو فاز ساخت تجهیزات تصفیه خانه اضطراری و اجرای خط انتقال به طول هزار و ۴۰۰ متر و قطر ۴۰۰ میلی متر همچنین ساخت مستحقات در حال اجرا است.

معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه ای استان البرز افزود: روند احداث تصفیه خانه اضطراری، خط انتقال و مستحقات به اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان نیاز دارد که تاکنون تنها ۲.۷ میلیارد تومان آن تخصیص داده شده است، لذا رفع مشکلات یاد شده به حمایت مسئولان نیاز دارد.

وی بیان کرد: در مرحله نخست احداث تصفیه خانه اضطراری ۹۰ درصد تجهیزات به کارگاه منتقل شده و در حال نصب نخستین مدول تصفیه خانه به ظرفیت ۵۰ لیتر در ثانیه هستیم.

مظفریان با اعلام اینکه باقی مدول های تصفیه خانه اضطراری نیز نصب خواهد شد، گفت: خط انتقال آب سد طالقان به شهر جدید هشتگرد به طول هزار و ۴۰۰ متر کشیده شده و از پایان شهریور اتصال به خط اصلی طالقان با هماهنگی شرکت آب منطقه ای تهران صورت گرفته است.

وی بایبان اینکه آگیری مخزن ۱۰ هزار مترمکعبی شهر جدید هشتگرد انجام شده است، خاطر نشان کرد: این پروژه در حال تست مخزن و خطوط داخل شهری توسط شرکت آب و فاضلاب است.

معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه ای البرز تصریح کرد: ظرفیت اعلام شده برای برداشت سالانه شهر جدید هشتگرد پنج میلیون مترمکعب در سال معادل ۱۵۰ لیتر در ثانیه است.

بهره برداری از تصفیه خانه اضطراری شهر جدید هشتگرد و انتقال آب از سد طالقان مانند مسکنی است که به طور مقطعی درد شهر جدید هشتگرد را تسکین می دهد.

بر کسی پوشیده نیست استقرار جمعیت در این شهر که در نزدیکی پایتخت قرار دارد بر دردهای حال حاضر می افزاید به همین منظور مسئولان مربوطه باید برای حل ریشه های مشکلات دست به کار شده و پیش از اینکه معضلات ناشی از کمبود سرانه ها با پر گلوی شهر بگذارد و نفس شهر به یکباره بند آورد، کاری کنند.

چنبره ترک‌ها بر بازار البسه مازندران / تولیدات داخلی مغفول ماند

مازندرانی‌ها سالانه ۴۰۰ هزار دست لباس نیاز دارند و اکنون تولیدکنندگان ترکیه بازار پوشاک استان را قبضه کرده‌اند و برای لباس مردم استان نقشه می‌ریزند.



علیرضا نوری

تأمین ۸۵ درصد نیاز پوشاک مازندران از خارج استان در حالی است که کارخانه بزرگ تولید پوشاک در استان فعال است و بخش اعظم توان این کارخانه غیرفعال شده است و قاچاق پوشاک به تولید داخل در مازندران لطمه زده و بسیاری از تولیدکنندگان دیرروز را به ورطه ورشکستگی کشانده است.

تن پوش هابی با نوشتارهای خارجی و نامانوس با فرهنگ ایرانی و بومی برتن دختران و پسران مازندران به وفور دیده می‌شود و این پوشش‌های تنگ و بدن نما هویت مان را نشانده گرفته است.

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت مازندران، قاچاق را مهم‌ترین مشکل صنعت پوشاک بیان کرد و توجه به آن را از منظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ضروری می‌داند و می‌گوید: به لحاظ سخت‌افزاری، کنترل قاچاق در حیطه اختیارات دولت و حاکمیت بوده و از جنبه نرم‌افزاری موضوع مربوط به سلاقی مصرف‌کننده است و ترغیب و تشویق احاد جامعه برای خرید و به‌کارگیری پوشاک و لباس ایرانی از اهم مسوارد است.

مجتبی رضوی ادامه می‌دهد: لازم است تا تمامی افراد و دست‌اندرکاران وارد حوزه کار فرهنگی شده و با تبلیغ کالاهای ایرانی از طریق رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی و تدوین و پیاده‌سازی تولید و طراحی مدهای روز و قابل پسند، فرهنگ‌سازی لازم را به وجود آورند و تولیدکنندگان نیز باید با تولید محصول باکیفیت و با در نظر داشتن شاخصه‌های جهانی تلاش خود را مضاعف کنند.

وی بایان اینکه زنجیره تولید و توزیع پوشاک در کشور دچار نقصان است، تصریح کرد: گسستگی و بی‌نظمی که در خصوص پوشاک و البسه وجود دارد باید ساماندهی و ترمیم شود تا برای تأمین مواد اولیه تا این حد به خارج کشور متکی نباشیم.

وی پیشنهاد کرد: در ساخت برنامه‌های تلویزیونی و نیز ایجاد نمایشگاه‌های مد و طرح معرفی مدهای جدید باید بحث ترویج و تبلیغ البسه ایرانی مورد توجه قرار گیرد.

رئیس انجمن صنایع نساجی، پوشاک و چرم خانه صنعت، معدن و تجارت استان بایان اینکه سه میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از مردم استان به حدود ۴۰۰ هزار دست لباس در سال نیاز دارند افزود: ۸۵ درصد آن خارج از استان تأمین می‌شود و ۱۵ درصد آن با اشتغال ۳ هزار نفر در داخل استان تولید می‌شود. پیمان ولی پور ایجاد بازار را مهم‌ترین نیاز پوشاک کشور اعلام کرد و با ابراز تأسف گفت: کشور ترکیه بازار مصرف را به‌ویژه در بخش اسپورت قبضه کرده است و حدود ۳ برابر قیمت نسبت به تولیدکنندگان پوشاک ترکیه، مواد اولیه‌مان را تأمین می‌کنیم که به همین خاطر توان رقابت را به‌سادگی از دست می‌دهیم و حتی ماشین‌آلات روز را به خاطر اینکه با چند واسطه خریداری و وارد می‌کنیم برای ما گران

تمام می‌شود.

وی یکی از خواسته‌ها را فراهم کردن امکان واردات ماشین‌آلات توسط صنعتگران مطرح کرد و ادامه داد: این توانمندی در استان وجود دارد که مازندران را به‌عنوان قطب تولید و پوشاک کشور تبدیل کنیم. ولی پور با اشاره به سابقه حداقل ۲۵۰۰ ساله تولید پوشاک در کشور خاطرنشان کرد: در سال ۱۳۰۵ اولین کارخانه نساجی خاورمیانه در استان مازندران در شهرستان قائم‌شهر احداث شد، بنابراین انتظار می‌رفت مازندران جزو اولویت‌های اصلی وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت در بخش پوشاک مدنظر قرار می‌گرفت.

مرکز اقتصادی تولید و توزیع پوشاک و نمایشگاه‌های مختلف در سطح استان ایجاد شود

وی بایان اینکه کمترین هزینه سرمایه‌گذاری در صنعت پوشاک اتفاق می‌افتد، از تغییر جدی پوشش و سلیقه‌های افراد جامعه به‌واسطه هوشمند شدن وسایل ارتباط جمعی و ظهور فضای مجاز خبر داد و توریست پذیر بودن به‌ویژه توریسم جوان و خانوادگی را از امتیازات ویژه استان برشمرد که در همین راستا

پیشنهاد می‌شود مرکز اقتصادی تولید و توزیع پوشاک و نمایشگاه‌های مختلف در سطح استان ایجاد شود. وی ادامه داد: به خاطر اینکه تولیدات صنعتی در تولید ناخالص داخلی مدنظر قرار نمی‌گیرد در سیاست‌ها نیز لحاظ نمی‌شود درخواست ما این است این مهم مورد توجه قرار گیرد.

مسعود نیک پور نائب رئیس انجمن نساجی، پوشاک و چرم استان مازندران نیز با اشاره به نابرابری‌ها و مشکلات فراوان در صنعت پوشاک تصریح کرد: با چالش جدی واردات روبرو هستیم و به نظر ما واردات، بی‌رویه و بارانت صورت می‌گیرد.

نیک پور قابلیت و توانمندی پوشاک کشور را در حد بالایی خواند و خواستار توجه بیشتر به تولید خانگی به‌ویژه برای کمک به کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی شد.

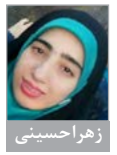
بالا بودن نرخ بهره بانکی، بیمه و مالیات از دیگر چالش‌های صنعت پوشاک در مازندران به شمار می‌رود و برای رهایی و نجات پوشاک مازندران و بازار استان از قبضه پوشاک ترک و خارجی لازم است تا طرح خرید ادارات استان از پوشاک داخلی مورد توجه قرار گیرد.



دم خروس آمار اشتغال در لرستان / آمارهایی که دوبار حساب می شوند



آمار ایجاد ۲۵ هزار شغل در لرستان
موضوع بحث ۲ ساعته کارگروه
اشتغال بود تا پس از آمار مشکوک
احیای ۱۴۰ واحد تولیدی، این بار
«دم خروس» آمار اشتغال در لرستان
بیرون بزند.



هنوز چند روزی از آمارهای متفاوت و مشکوک احیای ۱۴۰ واحد تولیدی در لرستان نمی گذرد که امروز در جلسه کارگروه اشتغال، «دم خروس» آمار ایجاد ۲۵ هزار شغل در لرستان نیز بیرون زد.

موسی خادمی استاندار لرستان دو دستور کار ویژه را در جلسه کارگروه اشتغال استان مورد بررسی و پرس و جو قرار داد تا در نهایت مشخص شود که میان آمار ایجاد ۲۵ هزار شغل جدید در لرستان با آمار واقعی این حوزه، ۱۵ هزار شغل تفاوت وجود دارد.

تناسب جمعیت بیکار با جمعیت شاغل در لرستان منطقی است!

در جریان بررسی دستور کار اول جلسه امروز، عملکرد کارگروه اشتغال در سال ۹۵ مورد بحث قرار گرفت تا استاندار لرستان پیرامون ارائه آمارها از سوی مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی قانع نشود و دستور جمع آوری مستند آمار را بدهد.

علی آشتاب مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان لرستان با اشاره به اینکه ۱۲ جلسه کارگروه اشتغال را در سال ۹۵ داشتیم که ۸۴ مصوبه را در پی داشت، اظهار داشت: از این تعداد ۵۷ مصوبه اجرا شده است و ۲۲ مصوبه در حال اجرا است.

وی با بیان اینکه ۵ مصوبه کارگروه اشتغال سال ۹۵ هنوز اجرا نشده است، تصریح کرد: طی سال گذشته بیش از ۳ هزار میلیارد تسهیلات در حوزه اشتغال پرداخت شد و برای ۲۵ هزار نفر ایجاد اشتغال شد. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان لرستان با اشاره به اینکه جمعیت بیکار لرستان بالغ بر ۶۹ هزار نفر است و نرخ بیکاری در لرستان طی سال ۱۳۳،۹۴ درصد بوده است و در سال ۹۵ به ۱۳ درصد رسید، گفت: امروز تناسب جمعیت بیکار با جمعیت شاغل در لرستان منطقی و معقول است.

اختلاف ۱۵ هزار تایی آمار اشتغال در لرستان

آشتاب در پاسخ به این سوال استاندار لرستان که جمعیت شاغل لرستان در پایان سال های ۹۴ و ۹۵ چقدر بوده است، گفت: جمعیت فعال استان در سال ۹۴، ۵۴۱ هزار و ۳۰۷ نفر بوده و جمعیت شاغل در همین سال ۴۶۹ هزار نفر بوده است؛ در سال ۹۵ جمعیت فعال استان به ۵۵۱ هزار نفر رسیده است و جمعیت شاغل لرستان به ۴۷۹ هزار نفر رسیده است. خادمی استاندار لرستان با بررسی همین آمار بیان داشت: تفاوت میان جمعیت شاغل استان در سال ۹۴ و ۹۵، ۱۰ هزار نفر می شود؛ یعنی برای ۱۰ هزار نفر ایجاد اشتغال شده و این آمار با تعداد ۲۵ هزار شغل جدید تفاوت ۱۵ هزار تایی دارد.

وی یادآور شد: وقتی نرخ بیکاری در لرستان ۳ درصد کاهش می یابد نمی توانید بگویید ۲۵ هزار شغل ایجاد کرده اید.

در ادامه جلسه توضیحات مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری

لرستان و رئیس سازمان برنامه ریزی لرستان، موسی خادمی استاندار لرستان را قانع نکرد تا استاندار لرستان در این رابطه بگوید: اطلاعات شما کامل نیست، تحلیل این موضوع را آماده کنید و برای جلسه بعد بیاورید.

غضنفری: سند ما ثبت در سامانه «رصد» است

مهرداد غضنفری معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری لرستان که همچنان بر صحت آمار ایجاد ۲۵ هزار شغل تاکید داشت، گفت: از ابتدای سال ۹۲ یک انباشت بیکاری در لرستان داشتیم که تحویل دولت یازدهم شد، ۱۱۳ هزار نفر در سال ۹۲ در لرستان بیکار بودند که تا پایان سال ۹۵ یک جمعیت ۴۸ هزار نفری جویای کار جدید به این آمار اضافه شد.

وی با بیان اینکه در حدود ۱۶۱ هزار نفر بیکار تا پایان سال ۹۵ در استان وجود داشت و با ایجاد ۷۵ هزار شغل در این مدت، تعداد بیکاران به ۸۶ هزار نفر رسید، تصریح کرد: در زمستان سال ۹۳ نرخ بیکاری ما ۱۱۵ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی ۳۲ درصد بود؛ این آمار در زمستان ۹۵ به ۱۲۸ و ۳۴،۷ درصد رسید.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری لرستان با تاکید بر اینکه این ۲۵ هزار شغل واقیعت دارد چون سند ما ثبت در سامانه «رصد» است، افزود: این افراد نیز الزما بیمه نشده اند چون برخی مشاغل، در حوزه مشاغل خانگی بوده است.

غضنفری یادآور شد: ایجاد ۲۵ هزار شغل جدید بله در لرستان اتفاق افتاده و دلیل ما هم مسیر پرداخت تسهیلات به استناد سامانه رصد است.

موسی خادمی استاندار لرستان در ادامه جلسه با اشاره به اینکه بحث آمار رسمی نیست، بحث ما آمار ایجاد شده کنترل شده دولتی است، گفت: صندوق توسعه ممکن است به یک نفر وام بدهد و در سامانه به عنوان اشتغال ثبت شود، ما کاری به آن نداریم، کار خودمان را می خواهیم دنبال کنیم.

استاندار لرستان: دنبال مچ گیری نیستیم

وی با بیان اینکه به طور مثال جهاد کشاورزی در جهت ایجاد یک باغ برای چند نفر شغل ایجاد کرده است؟ این نوع ایجاد اشتغال مدنظر ما است، تصریح کرد: می خواهیم ببینیم کار کمیته اشتغال در سال ۹۵ چگونه بوده است.

استاندار لرستان با تاکید بر اینکه کسانی هستند وام

می گیرند اما این تسهیلات تبدیل به کار نمی شود، افزود: فلان کارخانه اینقدر وام گرفته اما اشتغال ایجاد نکرده است و تسهیلات را صرف سرمایه در گردش کرده است، بنابراین شغل جدیدی ایجاد نشده است. خادمی با اشاره به اینکه بحث تعرض به آمار رسمی را نداریم، می خواهیم عملکرد کارگروه مشخص شود، گفت: ما به دنبال اشتغال برنامه ریزی شده هستیم؛ دنبال مچ گیری نیستیم.

دستور کار نخست جلسه با این نتیجه گیری به پایان رسید که در جلسه بعدی کارگروه اشتغال آمار مستند عملکرد این کارگروه در سال ۹۵ جمع آوری و ارائه شود.

دستور کار دوم جلسه بررسی سند اشتغال لرستان در سال ۹۶ بود که بازم مورد انتقاد استاندار لرستان قرار گرفت.

۲۵ هزار اشتغالی که مشخص نیست چگونه ایجاد می شود

علی آشتاب مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان لرستان در توضیح سند اشتغال ۹۶ لرستان با اشاره به اینکه سه کمیته تخصصی تولید، اشتغال و سرمایه گذاری برای این سند راه اندازی شده است، اظهار داشت: در بخش کشاورزی ۱۷۶۶ میلیارد تومان برای اشتغال ۶ هزار نفر در سال ۹۶ پیش بینی شده است.

وی با بیان اینکه این میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی شامل ۲۷ درصد کل سرمایه گذاری سند اشتغال استان است، تصریح کرد: در بخش صنعت ۳۴۹۵ میلیارد اعتبار برای اشتغال ۴۹۴۱ نفر پیش بینی شده که این میزان ۵۴ درصد از کل سرمایه گذاری را شامل می شود.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان لرستان افزود: در بخش خدمات ۱۴۷ میلیارد تومان برای اشتغال ۱۴ هزار و ۲۱۸ نفر پیش بینی شده است. آشتاب با اشاره به اینکه یک برنامه ۶۴۰۰ میلیاردی برای سند اشتغال سال ۹۶ تدوین کرده ایم، گفت: تا کنون ۱۲ جلسه کارگروه اشتغال برگزار شده است.

استاندار لرستان در ادامه بررسی این دستور کار از مدیرکل راه و شهرسازی استان خواست تا توضیحات



استاندار لرستان یادآور شد: اگر اینگونه باشد تعداد مشاغل ایجاد شده دوبار حساب شده است، یک بار از طریق تسهیلات پرداخت شده از سوی بانک ها و بار دیگر از طریق اداره کل بنیاد شهید.

سند اشتغال لرستان بازنگری می شود

خدمی با بیان اینکه الان مهر ماه است و ۵ ماه دیگر آخر سال است، مردم از من ۲۵ هزار شغل می خواهند، الکی نمی توانم قول بدهم، تصریح کرد: فکر نمی کنم ۲۵ هزار شغل در استان ایجاد شود؛ اینکه تعهد برای خودمان ایجاد کنیم نمی شود.

وی یادآور شد: مدیری که ایجاد این تعداد شغل را تعهد کرده باید پاسخگو باشد و دفاع کند.

استاندار لرستان ادامه داد: در جلسه بعدی کارگروه اشتغال هرکسی بیاید از اشتغالی که ایجاد می کند دفاع کند، هر مدیری بداند عدد مال خودش است و متولی اش هست.

خدمی با تأکید بر اینکه جریان های اقتصاد در استان متنوع هستند که خیلی ها در آمار نمی آید، افزود: یک بار دیگر سند اشتغال استان باید بازنگری شود، مدیری که نوشت ۱۰۰ شغل ایجاد می کند باید ۱۰۰ آدم جدید را به کار بگیرد.

وی با تأکید بر اینکه البته وضع موجود را باید حفظ کنیم، عدد سرمایه در گردش می دهیم را نباید در اشتغال جدید بیآوریم، افزود: یک کار علمی و عاقلانه در رابطه با سند اشتغال باید صورت گیرد.

جلسه به هم ریخته است و نیاز است من توضیحات تکمیلی را بدهم، گفت: دبیرخانه کارگروه به دستگاه ها گفته است امسال سرمایه گذاری که علاوه بر مشاغل و سرمایه گذاری های قبلی دارید را به ما بدهید.

وی تصریح کرد: اگر دستگاهی خودش را به آن راه می زند که دبیرخانه به من گفته اشکال از خودش است، بد است مدیری اینگونه بگوید.

استاندار لرستان در ادامه جلسه از مدیرکل بنیاد شهید خواست تا پیرامون برنامه اشتغال در نظر گرفته شده برای این دستگاه توضیحات خود را ارائه بدهد.

آمارهایی که دوبار حساب می شوند

مراد روشنی مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان لرستان با اشاره به اینکه برای این دستگاه برنامه اینجانب ۵۳۳ شغل در نظر گرفته شده است، در سال های ۹۲ و ۹۳، برای تعداد هزار و ۳۸۳ نفر در بخش خصوصی اشتغال ایجاد شده و ۹۰۲ نفر در حوزه دستگاه ها جذب داشتیم، ادامه داد: با شرکت ها و بخش های مختلف ریزنی داشتیم تا ایثارگران در این واحدهای اقتصادی مشغول به کار شوند.

روشنی در پاسخ به این سوال استاندار لرستان که تعداد ۵۳۳ شغل را چگونه ایجاد می کند، گفت: این شغل ها از طریق پرداخت تسهیلات و از طریق منابع بانک ها ایجاد می شود، ما چیز دیگری نداریم و این را برای ما تعریف کرده اند.

خود را پیرامون چگونگی ایجاد ۲ هزار و ۲ شغل در قالب سند اشتغال سال ۹۶ ارائه دهد.

علی علیخانی مدیرکل راه و شهرسازی استان لرستان با اشاره به اینکه بر اساس شاخص هایی که تعریف کرده بودند در حوزه های مختلف، برای ما تعریف شده است که به ازای ۱۲۵ تومان اعتبار یک اشتغال باید ایجاد شود، اظهار داشت: مشابه همین کار برای کمیته امداد مشخص شده، یعنی با ۳۰ میلیون اعتبار برای یک نفر اشتغال شود.

وی افزود: دبیرخانه کارگروه اشتغال میانگین تخصیص اعتبار سال ۹۵ اداره کل راه و شهرسازی را فرض کرده اند و تخصیص ۹۶ را پیش بینی کرده اند و بر اساس این میزان اعتبار، تعداد اشتغالی که این اداره کل باید ایجاد کند را در سند آورده اند.

مدیرکل کار لرستان: ما فقط فرم را در اختیار دستگاه ها قرار دادیم

علی آشتاب دبیر کارگروه اشتغال استان در پاسخ به این اظهارات گفت: دستگاه ها به ما برنامه داده اند، به دستگاه نگفته ایم چقدر اعتبار دارید و چقدر شغل ایجاد می کنید، خودشان گفته اند در بخش مسکن و راه اینقدر اشتغال ایجاد می کنیم.

وی یادآور شد: ما فقط فرم را در اختیار دوستان قرار دادیم و گفتیم برنامه بدهند.

مهرداد غضنفری معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری لرستان نیز در رابطه با انتقادات مطرح شده با اشاره به اینکه آشتاب مدیرکل کار استان از اول

صید «ترال» بلای جان صیادان / «اقتصاد بومی» در ساحل مکران غروب می کند



جواد قبری

صیادان بومی جنوب سیستان و بلوچستان این روزها حال و روز خوشی ندارند زیرا علاوه بر اینکه درگیر وضعیت بد معیشتی هستند برای لقمه‌ای نان باید جانانشان را نیز بر کف دست بگیرند.

استان سیستان و بلوچستان با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های فراوان و منحصر به فردی که دارد به‌عنوان محروم‌ترین استان کشور شناخته می‌شود و مردم صبور و مرزدار این استان سال‌هاست که با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. البته بخشی از این محرومیت‌ها تاریخی و مربوط به سال‌های دور است اما بخش قابل توجهی از این مشکلات با مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی قابل برطرف شدن هستند، از جمله ظرفیت‌های بالقوه این استان وجود بیش از ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان است.

ظرفیت‌های چابهار، تنها بندر اقیانوسی ایران

از همین رو سواحل این استان به دلیل قرار گرفتن در موقعیت راهبردی و ترانزیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است به‌ویژه بندر چابهار که تنها بندر اقیانوسی ایران و آسان‌ترین و بهترین راه دسترسی کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد است.

موضوع توسعه اقتصاد دریایی در جنوب کشور خصوصاً در محدوده سواحل مکران یکی از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه است که از سوی رهبر معظم انقلاب نیز به مسئولان ابلاغ و بارها نیز از سوی ایشان بر آن تأکید شده است.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه بندر چابهار نسبت به سایر نقاط ساحلی ایران، مزیت‌های خاص خود را دارد زیرا آب‌های عمیق در خلیج چابهار، شرایط پهلوگیری

کشتی‌های بزرگ و ایجاد تأسیسات بندری را فراهم کرده است.

اما در این میان یکی از مواردی که در سواحل جنوب سیستان و بلوچستان به‌عنوان منبع معیشتی مردم منطقه به‌حساب می‌آید موضوع صید و صیادی است که مردم جنوب استان نیز با توجه به شرایط منطقه سال‌هاست که از این موهبت الهی به‌خوبی استفاده می‌کنند.

در سال‌های اخیر میزان سهم مردم بومی این منطقه از این ظرفیت خدادادی هم کم‌تر شده است زیرا با توجه به توسعه صیدهای جدید از جمله صید «ترال» و ورود کشتی‌های بزرگ صیادان بومی با مشکلات فراوانی روبرو شده‌اند.

با توجه به آخرین آمار ارائه‌شده ۲۵ هزار صیاد دائمی و فصلی در جنوب استان سیستان و بلوچستان فعالیت دارند که در صورت رسیدن به صید یک‌میلیون تن در سال میزان اشتغال در بخش شیلات استان به ۳۰۰ هزار نفر هم می‌رسد.

اما موضوعی که این گزارش قصد دارد به‌طور خاص به آن بپردازد مشکلاتی است که صیادان بومی بلوچستان در خصوص صید و صیادی در این منطقه با آن مواجه هستند.

وقتی پای درد دل این ملوانان و صیادان می‌نشینیم مشکلات فراوانی از قبیل درآمد کم، نداشتن بیمه، مشکلات معیشتی و بسیاری موارد دیگر را مطرح می‌کنند اما یک نقطه مشترک در صحبت‌های همه آن‌ها وجود دارد و آن کم شدن ماهی‌ها و ذخایر آبزیان است.

این صیادان معتقدند که در سال‌های اخیر ورود

کشتی‌های چینی برای صید به سواحل مکران و استفاده آن‌ها از صید ترال موجب برهم خوردن توازن در زندگی دریایی این منطقه شده و صیادان را با کاهش چشمگیر ذخایر آبزیان مواجه کرده است.

خون چینی‌ها از خون مردم محلی و بومی رنگین‌تر است!

محمد شیرانی یکی از صیادان چابهار، اظهار داشت: محلی‌ها به نظر می‌رسد خون چینی‌ها از خون مردم محلی و بومی رنگین‌تر است زیرا آن‌ها حق استفاده از منابع ما را به‌راحتی دارند اما ما نمی‌توانیم این کار را انجام بدهیم.

وی افزود: اگر ما بخواهیم به دریا برویم باید از سوی اداره کل شیلات استان سیستان و بلوچستان بارها بررسی و ارزیابی شویم اما کشتی‌های چینی به‌راحتی همه منابع ما را به‌نیما می‌برند و هیچ اقدامی هم برای مقابله با آن‌ها نمی‌شود.

وی گفت: سؤال ما از مسئولان این است که اگر برای ما مجوز صید صادر و ما را کنترل می‌کنند که ذخایر دریایی حفظ شود چرا برای کشتی‌های چینی که به روش «ترال» صید و همه‌چیز را جارو می‌کنند نظارتی وجود ندارد.

این صیاد ادامه داد: صید ما کاملاً مشخص است زیرا ما برای صید ماهی‌های حلال به دریا می‌رویم و در ضمن با رعایت اصول صیادی می‌کنیم اما آن‌ها واقعا صید کشتی‌های چینی هم اصولی انجام می‌شود.

نکته مهم دیگری که در این بحث حائز اهمیت است این است که صید «ترال» مدت‌هاست که در

MEHR NEWSAGENCY
Photo: Mahmood Khekbaz

این استان رتبه اول میزان صید در کشور را دارا است. وی افزود: صیادان استان سیستان و بلوچستان با بیش از ۵۰۰ فروند شناور صید فراساحل مقدار قابل توجهی از صید خود را بر اساس قانون در شناگاه های مشترک انجام می دهند.

وی با اشاره به برنامه ریزی برای پهلوگیری کشتی های «پرساینر» گفت: هم اکنون کشتی های بزرگ صید صنعتی فردوس و طبس با ظرفیت ۱۵۰ تا ۲۵۰ تن بار خود را در اسکله هفت تیر چابهار تخلیه می کنند.

فقری که در عین دارایی بیداد می کند

در این میان باز هم سر صیادان محلی بی کلاه می ماند و روز به روز بر میزان فقر و تنگ دستی آن ها در عین دارایی افزوده می شود. اینکه فعالیت این کشتی های چینی منفعت دارد یا نه باید از سوی کارشناسان مختلف بررسی شود و همه زوایای آن مورد بحث قرار گیرد تا بهترین تصمیم در این خصوص اتخاذ شود، اما نکته ای که کاملاً واضح بوده این است که فعالیت این کشتی ها قطعاً به نفع صیادان بومی نیست و آن ها را با مشکلاتی معیشتی روبه رو کرده است.

از همین رو عبدالقادر چاکر زهی یکی دیگر از صیادان بومی منطقه، اظهار داشت: مدت هاست که کشتی های چینی در دریای عمان به صید ترال می پردازند و کف دریا را جارو می کنند. وی با اشاره به اینکه علیرغم گفته مسئولان این کشتی ها همه آذربایجان موجود را صید یا کوچ می دهند، افزود: این کشتی ها هیچ صیدی را برای ما باقی نمی گذارند از همین رو ما مجبور هستیم برای اینکه بتوانیم ماهی صید کنیم به مناطق دیگر برویم.

صیادان در تور دزدان دریایی

وی ادامه داد: از آنجایی که لنج های ما همانند کشتی های چینی پیشرفته نیست گاهی در طوفان ها دچار حادثه می شویم و حتی گاهی مجبور هستیم که به مناطق خطرناکی که احتمال به دام افتادن توسط دزدان دریایی وجود دارد هم برویم. این صیاد ادامه داد: ما چاره ای جز این نداریم زیرا تنها منبع درآمد ما صیادی است و اگر به این مناطق نرویم چه کسانی جواب شکم گرسنه کودکان ما را می دهد.

وی با اشاره به اینکه چندین نفر از صیادان بومی منطقه به همین دلیل در دام دزدان دریایی سومالی افتاده اند، گفت: چه کسی پاسخگوی خانواده ماست چه حالا که نانی برای خوردن نداریم و چه زمانی که در دام دزدان دریایی می افتیم.

وی گفت: صیادی یکی از سخت ترین و خطرناک ترین کارهای دنیا است خصوصاً با لنج و با شرایط کنونی اما ما از همه چیز محروم هستیم و هیچ آینده ای برای خود و فرزندانمان متصور نیستیم.

نکته ای که از این گزارش به خوبی می توان به آن پی برد این است که قطعاً کشتی های چینی در دریای عمان وجود دارند و به صید «ترال» نیز می پردازند اما نکته قابل بحث این است مجوزهایی که برای این کشتی ها صادر شده با چه بررسی هایی به آن ها داده شده است.

و نکته مهم تر شرکت هایی که این گونه مجوزها را دریافت می کنند مربوط به چه شخص یا اشخاصی هستند و چرا در این میان به هیچ عنوان به معیشت صیادان بومی منطقه توجه نمی شود، چرا صیادان بومی این منطقه در عین دارایی و داشتن ثروت خدادادی باید با مشکلات معیشتی روبه رو باشند.



ندارند.

وی ادامه داد: برخی از این کشتی ها فقط پرچم جمهوری اسلامی ایران را یدک می کشند و در واقع همه خدمه و صیادان آن ها غیر ایرانی هستند. اما حالا سؤال مهم این است که آیا واقعاً موضوع صید ترال توسط کشتی های چینی صحت دارد و اگر این موضوع درست است چرا از سوی مسئولان اقدامی انجام نمی شود.

جواب این سؤال در واقع حلقه مفقوده این ماجرا است که البته زیاد هم پیچیده نیست زیرا طبق اظهارات ضدونقیض مسئولان شیلات کشور و استان سیستان و بلوچستان کشتی های چینی وجود دارند اما متعلق به چینی ها نیستند. ظاهراً این کشتی ها با مجوز سازمان شیلات به صید می پردازند و دارای شریک ایرانی هستند یعنی چند شرکت ایرانی وجود دارند که این کشتی ها تحت اجاره آن ها و یا با همکاری آن ها این کار را انجام می دهند.

مدیرکل شیلات سیستان و بلوچستان، اظهار داشت: مجوزهای یک تا دو ماهه برای کشتی های صید «ترال» و تنها برای صید ماهی های غیرماکول صادر شده است.

وی با اشاره به اینکه کشتی های ترال چینی تنها به صید ماهی های غیرماکول که به دلیل ملاحظات شرعی مورد استفاده مسلمانان نیست، می پردازند، افزود: البته با توجه به اینکه در استان سیستان و بلوچستان کشتی های بزرگ صید صنعتی وجود ندارد برای کشتی های چینی با رعایت نوع، زمان و مکان مجوزهای صید محدود صادر شده است.

هدایت الله میرمراذهی خاطرنشان کرد: همه این کشتی ها با رعایت ضوابط خاص و دریافت مجوزهای لازم و با توره های میانی ترال به صید می پردازند و نظارت کامل بر روی عملکرد آن ها وجود دارد.

وی با اشاره به اینکه این روش صید فرصتی برای ارزآوری برای کشور و استان است، تصریح کرد: ماهی های غیرماکول در صورتی که به موقع صید نشوند از منطقه خارج می شوند و مورد استفاده کشورهای دیگر قرار می گیرند.

مدیرکل شیلات سیستان و بلوچستان خاطرنشان کرد: این استان با ۲ هزار و ۳۳۰ شناور صیادی تأمین کننده بیش از ۶۰ درصد ماهیان صنعتی کشور است به طوری

نقاط مختلف دنیا به دلایل مختلف از جمله مشکلات زیست محیطی متوقف و یا محدود شده است، ترال (Trawl) یا «گوفه» تور ماهیگیری بزرگی به شکل قیف است که از دو طرف به تخته هایی متصل و معمولاً به دنبال شناور در بستر دریا کشیده می شود. امروزه صید به روش ترال به شدت در برخی از کشورها کنترل می شود و هدف بسیاری از اعتراضات زیست محیطی است زیرا در این روش صید، تور ترال در آب های میان سطحی، عمیق و حتی کف دریا کشیده می شود که این عمل باعث آشفتنگی و بر هم خوردن توازن در زندگی موجودات دریایی و حتی برهم خوردن چرخه زندگی در کف دریاها می شود از همین رو این روش صید علاوه بر نگرانی هایی که برای دوستداران محیط زیست ایجاد کرده موجب خسارت ها و نگرانی هایی برای اقشار مختلف صیادان و ساحل نشینان منطقه نیز شده است.

در این روش صید در اکثر موارد به طور ناخواسته مقادیر زیادی از آیزبان که جنبه اقتصادی ندارند نیز صید می شوند که معمولاً این گونه صیدها به وسیله کشتی های بزرگ و مجهز انجام می شود.

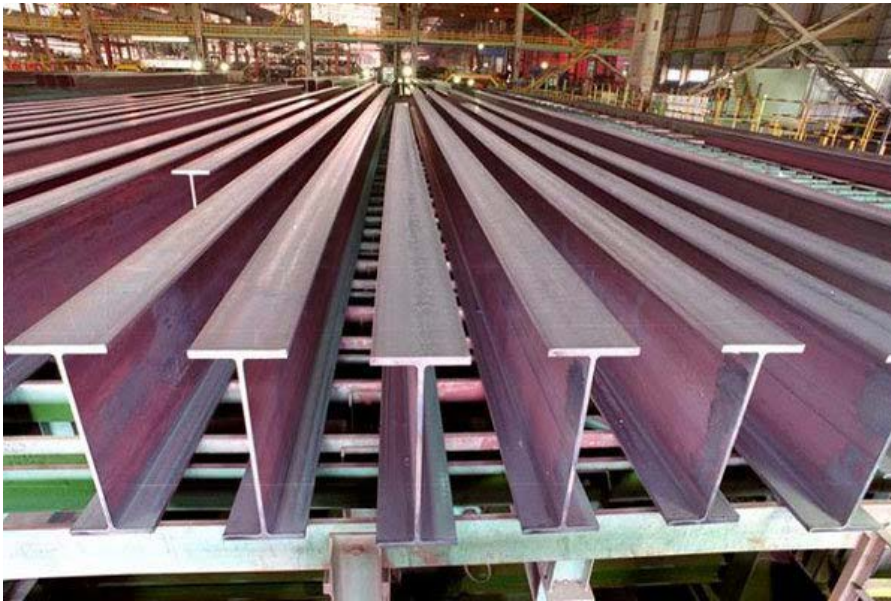
کشتی های چینی هیچ گونه محدودیتی در صید ندارند

محمود هوتی یکی دیگر از صیادان بومی منطقه که در بندر کنارک زندگی می کند، اظهار داشت: صید ماهی تنها منبع درآمد ما برای گذران زندگی در این منطقه است که متأسفانه در سال های اخیر با توجه به حضور کشتی های چینی درآمد ما به شدت کاهش پیدا کرده است.

وی افزود: با توجه به اینکه این کشتی ها اکثر ماهی ها این منطقه را به روش ترال صید می کنند ما مجبور هستیم به مناطق دیگر که برای ما ایجاد خطر می کند مراجعه کنیم.

وی گفت: این موضوع باعث شده علاوه بر مشکلات معیشتی که برای صیادان بومی ایجاد شده مشکلاتی در خصوص سلامتی و امنیت ما نیز ایجاد شود زیرا مجبور هستیم برای صید به مناطق خطرناک برویم. این صیاد بومی ادامه داد: زمانی که ما می خواهیم برای صید ماهی به دریا برویم نظارت های مختلفی از سوی ارگان های مسئول وجود دارد اما ظاهراً کشتی های چینی در این میان هیچ محدودیتی

قیمت آهن به سنگینی نامش / نظارتی بر تولید فولاد نیست



قیمت آهن طی چند ماه گذشته آنقدر بالا رفته که نه تنها باعث تشدید رکود شده بلکه روند ساخت و ساز را با تأخیری بیشتر از قبل مواجه کرده است.



ملیحه رفیع طلب

صنعت ساخت و ساز جز صنایع اصلی هر کشور محسوب می شود و طیف گسترده ای از مشاغل وابسته به آن هستند. چندی پیش موسسه تحقیقاتی «بیزینس مانیاتور» پیش بینی کرده بود صنعت ساخت و ساز ایران در سال ۲۰۱۵ رشد ۴/۱ درصد را تجربه کند و در پنج سال آینده به طور متوسط رشد سالانه ۱/۳ درصدی داشته باشد.

با توجه به رکود حاکم بر صنعت ساخت و ساز افزایش قیمت آهن آلات به عنوان مهمترین بخش هزینه های ساختمانی طی چند ماه گذشته آنقدر بالا رفته که نه تنها باعث تشدید رکود شده بلکه روند ساخت و ساز را با تأخیری بیشتر از قبل مواجه کرده است به صورتی که فعالان حوزه ساخت و ساز از افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصدی قیمت آهن آلات در کشور خبر می دهند.

کارشناسان دلیل این افزایش قیمت را صادرات سنگ آهن خام به کشورهای دیگر، افزایش قیمت جهانی آهن و قطع صادرات آهن از مقصد چین به دیگر کشورهای جهان عنوان می کنند.

رکود در حوزه ساخت و ساز ادامه دارد

برای اطلاع از دلیل افزایش چند برابری قیمت آهن آلات و باید و نبایدهایی در این خصوص با رئیس اتحادیه آهن آلات ساختمانی مشهد به گفتگو پرداختیم.

محمدرضا عطائی صانعی با بیان اینکه رکودی که در بازار حاکم بوده هم چنان ادامه دارد اظهار می کند: افزایش قیمت ها در این حوزه به این دلیل که بازار ساخت و ساز فعال شده، نبوده است. وی با اشاره به افزایش ۵۰ درصدی قیمت آهن آلات

وی ادامه می دهد: سازمان استاندارد، سازمان صنعت و معدن و به خصوص بازرسی و نظارت تعزیرات حکومتی باید روی این مسئله تمرکز کند اما عدم نظارت کافی باعث تولید محصولات سبک وزن می شود.

رئیس اتحادیه آهن آلات مشهد با اشاره به اینکه محصولات سبک وزن را از کشور ترکیه وارد می کنیم تصریح می کند: کیفیت محصولات برخی کشورها مانند چین پایین است اما محصولات سبک وزن که در ساخت و ساز غیر استاندارد است، از ترکیه وارد می شود.

وی می افزاید: آهن های سبک وزن در ساخت و ساز کشور استفاده می شود و سازمان های زیر ریط مانند نظام مهندسی باید نسبت به این قضیه ورود پیدا کند.

عطائی صانعی در ادامه به قیمت برخی آهن آلات موجود در بازار اشاره می کند و می گوید: قیمت تیر آهن ۱۴ اصفهان شاخه ای ۴۳۵ هزار تومان، هر شاخه تیر آهن ۱۶ اصفهان ۵۰۰ هزار تومان، تیر آهن ۱۸ اصفهان هر شاخه ۵۳۷ هزار تومان تیر آهن ۲۰، ۲۰۰، ۲۰۰ هزار تومان، میل گرد اژدر ۸۳ از ۱۴ الی ۲۸ کیلویی دو هزار و ۲۵۰ تومان است.

آهن فروشان جوشکار نما

عطائی صانعی با بیان اینکه شاغلان صنف آهن آلات با ریزش مواجه بوده است می گوید: دو عامل در این موضوع نقش داشته است که رکود و مالیات بر ارزش افزوده این دو عامل را شامل می شود.

وی می افزاید: مالیات بر ارزش افزوده که در سال ۸۹ به شکل آزمایشی شروع شد، متأسفانه هنوز شفافیت لازم را حتی برای مجربان قانون ندارد تا چهار چوبی را مشخص کنند و طبق آن پیش روند و بی ضابطه مالیات وضع می شود.

رئیس اتحادیه آهن آلات مشهد تأکید می کند: خلا موجود در قانون باعث شده برخی اتحادیه های همگن برای مالیات ارزش افزوده فراخون نشوند و اعضا اتحادیه جواز کسب آهن فروشی آن ها را باطل می کنند و آن ها برای مثال از اتحادیه جوشکاران جواز می گیرند. وی ادامه می دهد: در آنجا خبری از مالیات بر ارزش

می افزاید که دلیل آن افزایش بی ضابطه صادرات به شکل مواد خام است.

رئیس اتحادیه آهن آلات مشهد ادامه می دهد: صادرات شمش خام نیز حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش داشته و این مسئله باعث بیکار شدن کارگران داخلی شده است.

وی افزایش قیمت سنگ آهن جهانی را یکی دیگر از دلایل افزایش آهن آلات در خراسان رضوی می داند و تصریح می کند: چین برای اولین بار کل صادراتش را قطع کرد و وارد کننده شد و این موضوع در بحث عرضه و تقاضا تأثیر بسزایی می گذارد و خلل ایجاد می کند.

عطائی صانعی در خصوص کیفیت آهن آلات ابراز می کند: متأسفانه یک سری کارخانجات تولید محصولات فولادی داخلی، محصولات سبک وزن تولید می کنند، برای مثال آهن ۱۴ که وزن و قیمتش بین ۱۵۰ تا ۱۵۵ کیلویی تعریف شده است اکنون ۱۲۰ کیلو تولید می شود.



و سازها و نظارت سازمان نظام مهندسی روی این قضیه می گویند: مصالح استاندارد رسمی که از طرف دولت اعلام می شود، اقسام محدودی هستند.

وی می افزاید: در یک ساختمان بیش از ۲۰۰ کالا استفاده می شود طبعاً دامنه استانداردهای اجباری به خیلی از آن ها نرسیده است، مصالحی مانند آهن، شن و ماسه تحت استاندارد اجباری است و این استاندارد به وسیله نظارت دستگاه های نظارت کنترل می شود. رئیس سازمان نظام مهندسی خراسان رضوی بیان می کند: البته آهن آلات وارداتی دارای مشخصات خوبی نیستند و بعد از آزمایش های لازم اجازه استفاده از این محصولات داده شود.

وی ادامه می دهد: استفاده از محصولات نامرغوب ساختمانی تبعات زیادی را در پی دارد که آتش گرفتن نمای برای ساختمان ها در یک آتش سوزی بعضاً خفیف بیانگر این قضیه استو بعضی مالکان صرفه اقتصادی را بر کیفیت محصول ترجیح می دهند.

کامران با اشاره به ورود محصولات چینی بی کیفیت تصریح می کند: عمده این واردات بحث اقتصادی است و بین مهندس ناظر و کارفرما اختلافی وجود دارد که مهندسین به دنبال کیفیت ساخت هستند و کارفرمایان صرفه اقتصادی را مدنظر قرار می دهند.

بر کیفیت محصولات ساختمانی و کالاهای استاندارد مطلع شویم.

حسین کامران دیسفانی با بیان اینکه افزایش قیمت مصالح ساختمانی مانند تیرآهن، توجیه و ساخت و فروش با مشکل روبرو می کند اظهار می کند: رکود چند ساله بازار یکی از موضوعاتی بوده است که در ایجاد بنای جدید و ساخت و ساز تأثیر گذاشته است. وی می افزاید: بحث افزایش مصالح قطعاً موضوع مزید بر علت است و تأثیرات خود را برای احداث بنای جدید می گذارد.

رئیس سازمان نظام مهندسی خراسان رضوی تأکید می کند: به نظر می رسد اگر روند افزایش با رونق ساختمان در کنار هم قرار بگیرند در آینده تغییرات جزئی در قیمت ها خواهیم داشت اما مادامی که وضعیت رکود به همین شکل باشد بر روند ساخت و ساز تأثیر منفی خواهد داشت.

وی ادامه می دهد: امیدواریم بازار مسکن رونق بگیرد و در کنار رونق گرفتن قطعاً افزایش اقسام و مصالحی که مانند آهن گران شده است می تواند در افزایش قیمت خودش را لحاظ کند.

استاندارهای اجباری به خیلی از کالانمی رسد

کامران در خصوص کیفیت مصالح ساختمانی در ساخت

افزوده است و خدماتی بر اساس برق صنعتی به آن ها تعلق می گیرد و یک تعداد به صورت مستند اینگونه عمل کرده اند و از اتحادیه همگن جوشکاری، مشغول آهن فروشی هستند.

عطائی صناعی در رابطه با اطلاع مردم از کیفیت آهن خریداری شده بیان می کند: باید هر کارخانه ای بر روی محصول خود مشخصاتش را حک کند نه اینکه به صورت برجسیبی باشد.

وی با تأکید به اینکه باید سازمان های زیر ربط نظارت خود را شدید تر انجام دهند می گویند: فولاد سرمایه ملی است، آهن در کارخانجات ایرانی تولید می شود اما به حلقه آخر که اتحادیه های آهن آلات است نظارت ها شدید می شود.

رئیس اتحادیه آهن آلات مشهد می افزاید: درحالی که این نظارت اگر از خود مرحله تولید به شکل ابتدا به ساکن شروع شود، کالای غیر استاندارد شناسایی می شود و کالای غیر استاندارد به واحدهای عرضه وارد نمی شود.

افزایش قیمت آهن ساخت و ساز را دچار مشکل کرده است

در ادامه به سراغ رئیس سازمان نظام مهندسی خراسان رضوی رفتیم تا از میزان نظارت این سازمان

گمرک نخ تسبیح توسعه اقتصادی شاهرود / ربع قرن مطالبه گری محقق شد

دیگر که از تراقشان از راه فروش تولیدات به خارج از استان و کشور است بالاخره بر آورده شد هرچند این مجموعه به اداره بدل نشد و تنها در اندازه دفتر نمایندگی گمرک ماند، اما همین هم در شرق استان که از دو موقله بازار فروش و اشتغال رنج می برد، غنیمتی است.

گمرک برای شاهرود غنیمت است

اما گمرک چرا برای شاهرود تا این اندازه مهم است؟ پاسخ را باید از رضا صالحی استاد دانشگاه در رشته اقتصاد پرسید، وی معتقد است: شاهرود به دلیل قرارگیری بر چهارراه شمال شرق دارای اهمیت بسزایی است از سوی دیگر بخش اعظمی از کشاورزی استان در این شهرستان قرار دارد و به دلیل وجود زیرساخت هایی مانند فرودگاه فعال، مرکزیت راه آهن شمال شرق کشور و همچنین داشتن نیروهای مستعد انسانی به واقع نیاز به داشتن گمرک را احساس می کند.

این مدرس دانشگاه می گویند: امروز اقتصاد شاهرود با دو عامل می تواند متحول شود که باگذشت قریب به چهار دهه از انقلاب، به طرز شگفت انگیزی همچنان فقر آن ها را در شاهرود می بینیم نخست صنایع تبدیلی و دوم گمرک برای صادرات که این دو عامل می توانند حلقه مفقوده رفع مشکلاتی از قبیل اشتغال و مهاجرت در شرق استان سمنان باشند.

وی می افزاید: محصولات کشاورزی شاهرود که در کشور معروف هستند دو راه برای کمک به توسعه اقتصادی مردم منطقه دارند نخست اینکه با حضور دفتر گمرک در این شهرستان و تحقق مرز هوایی به سرعت صادر شده تا بتوانیم از تازه خوری این محصولات که عمدتاً سردرختی هایی مانند زردآلو، انگور، سیب و ... هستند، استفاده کنیم و یا باید به

مردم شهرستان کاسته شود، درست ۲۶ سال قبل زمانی که نماینده پیشین شاهرود در مجلس در دیدار با مسئول کمیسیون اقتصادی پس از آغاز مراحل ساخت فرودگاه شاهرود خواستار حضور گمرک در این شهرستان که قطب کشاورزی است، شد. حدود ربع قرن مطالبه ... ربع قرن عمر مردم شرق استان سمنان ...

«گمرک شاهرود افتتاح شد» این بار ۲۵ سال بعد تیر خبرگزاری مهر استان سمنان ... آن هم در میانه سفر وزیر کنونی اقتصاد و رئیس آن زمان گمرک کشور در بهار ۹۶ این آرزوی دیرین صنعتگران، کشاورزان، تولیدگران، تعاونی ها و دهه قشر و صنف

ربع قرن از نخستین باری که مطالبه شاهرودی ها برای داشتن دفتر گمرک برای تکمیل چرخه توسعه اقتصادی مطرح شد می گذرد و این مطالبه بالاخره با پیگیری مسئولان عملی شد.



مهناز همتی

«شاهرود گمرک دار می شود» تیر نشریه کویر در دهه ۷۰ خورشیدی برای مردم شاهرود آشنا است تیرتی که این روزها حتی غبار گذشت سال ها بر رویش باعث نشد تا این مهم از مطالبه و پیگیری



شهرستان است که صادرکنندگان می‌توانند محصول را از واسطه یا تولیدکننده تحویل گرفته و امور گمرکی را انجام دهند.

وی بایان اینکه بخشی از روند ثبت اطلاعات در منطقه رخ نمی‌دهد چرا که تاجران غیربومی محصول را خریده و در خارج از استان کار صادرات را تکمیل می‌کنند، افزود: این که تا چه حد دفتر گمرک بتواند در رونق صادرات کمک کند نیازمند به گذر زمان و دوره است تا بتوانیم ارزیابی مشخصی را از این دفتر را داشته باشیم لذا تا بهبود شرایط اطلاعات صادراتی باید از طریق دفتر شاهرود ثبت شود.

مدیر جهاد کشاورزی شاهرود ابراز داشت: قطعاً اگر مرز هوایی تحقق پیدا کند با توجه به اینکه صادرات را تسهیل می‌کند در حمل‌ونقل هوایی صادرات کم‌هزینه‌تر خواهد شد که می‌تواند برای فعالان حوزه صادرات این جاذبه را ایجاد کند که با کوتاه‌ترین و سریع‌ترین زمان محصولات تولیدی را به بازارهای هدف برسانند.

صادرات نیاز به آموزش دارد

کارگزار رسمی گمرک ایران بایان اینکه صادرات محصولات کشاورزی نیاز به آموزش به بهره‌برداران دارد، ابراز داشت: با توجه به آغاز به کار دفتر گمرک شاهرود در راستای تسهیل در روند انجام امور گمرکی در دفتر کارگزار گمرک در شهرک صنعتی مراجعان می‌توانند به صورت حضوری روند کار را آموزش ببینند.

میلاذ سعدالدین بایان اینکه کار کارگزار تسهیل و واسطه بین صاحب کالا و گمرک است، تصریح کرد: بسیاری از تولیدکنندگان در استان سمنان بدون کارت بازرگانی کار صادرات را با واسطه‌ها انجام می‌دهند لذا با انجام اقدامات بنیادین در این راستا می‌توانیم در پیشبرد اهداف گمرک مؤثر باشیم.

کارگزار گمرک شاهرود بایان اینکه طی جلسات متعدد با تولیدکنندگان و کارخانه‌ها و واحدهای کشاورزی و تعاونی‌ها در سطح شهرستان مشکلات بخش صادراتی منطقه شناسایی شده است، ابراز داشت: بزرگ‌ترین معضل در بحث صادرات محصولات کشاورزی با آن مواجه هستیم نبود زیرساخت‌های لازم برای این مجموعه است.

نظام‌های صنفی به صادرات ورود پیدا کنند

دبیر اجرایی نظام صنفی کشاورزی و منابع طبیعی شاهرود بایان اینکه برای تکمیل حلقه‌های مزیت‌دار تولید باید همه بخش‌ها در کنار هم قرار گیرند، ابراز داشت: نیاز به خدمات دیگر از جمله تشکیل اتاق بازرگانی می‌تواند در امر صادرات محصولات کشاورزی اثرگذار باشد با احداث اتاق بازرگانی محصولات کشاورزی در شرق استان، یک بازرگان می‌تواند نگاه یک صادرکننده را به شاهرود برای صادرات و اقلام کشاورزی معطوف کند.

ابراهیم باقری در ادامه تصریح کرد: در شهر سمنان بخش صنعت فعال تر است لذا حضور اتاق بازرگانی در آنجا یک ضرورت محسوب می‌شود اما این مهم می‌طلبد تا در شاهرود نیز نسبت به ایجاد اتاق بازرگانی اقدامی صورت گیرد و یا مسئولان این اتاق در استان باید جلسات حوزه کشاورزی در شاهرود برگزار کنند هر چه نمایندگی اتاق بازرگانی بخش کشاورزی در شاهرود فعال شود، مشکلات این حوزه کمتر خواهد شد.

وی افزود: افراد فعال بسیاری در حوزه صادراتی وجود



صادرکنندگان در انتخاب گمرک بر اساس کشور هدف صادراتی، پیش‌بینی در این بخش امکان‌پذیر نیست.

کشاورزی هدف نخست گمرک شاهرود

مدیر جهاد کشاورزی شاهرود ضمن بیان اینکه فعالیت دفتر گمرک شهرستان می‌تواند به توسعه و رونق اقتصاد کمک کند، ابراز داشت: بخش بسیاری از صادرات محصولات کشاورزی در سنوات گذشته در اطلاعات گمرک استان سمنان قرار نمی‌گرفت چرا که تجار محصولات را از واسطه‌ها یا باغداران خرید کرده و در مکان‌های مدنظر خودشان بسته‌بندی و صادر می‌کنند لذا به علت آنکه مبدأ صادراتی شاهرود نیست برند سازی نیز بانام شاهرود صورت نمی‌گیرد. قاسمی در ادامه با بیان اینکه طی سال گذشته صادرات محصولات کشاورزی شاهرود از مبدأ گمرک استان سمنان بیش از پنج میلیون دلار شامل ۹ هزار تن انگور، ۲۰۰ تن کنسواتره آبیپوه و ۳۰ تن پنبه بود، تصریح کرد: میزان صادرات باید بالاتر از این آمار باشد، اما چون از مبادی صادراتی استان صورت نگیرد از آمار و اطلاعات آن نیز اطلاعاتی در دسترس نیست.

وی افزود: تا سال گذشته دفتر گمرکی در شاهرود نبود لذا باید آمار و اطلاعات در گمرک استان سمنان ثبت می‌شد، در برنامه‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به اعداد و رقم سال گذشته هدف‌گذاری بیش از ۱۰ میلیون دلار است که به‌رغم سرمازدگی محصولات باغی و حوادث قهری که در محصولات کشاورزی شاهد بودیم بازهم میزان تولیدات قابل توجه است.

صادرات زردآلو توجیه اقتصادی دارد

مدیر جهاد کشاورزی شاهرود بایان اینکه در همین مقطع فعلی در محصولاتی مانند زردآلو تولید قابل توجهی داریم و برای صادرات باید تجار همراهی بیشتری داشته باشند، ابراز داشت: تاکنون با برگزاری چند نشست از فعالان حوزه صادرات نیز دعوت به عمل آمد تا با باغداران و بهره‌برداران وارد مذاکره شده برای صادرات آماده شوند ولی هنوز آمار و بازخورد مشخصی از وضعیت صادرات محصولات کشاورزی در سال جاری نداریم.

قاسمی بایان اینکه محصولات کشاورزی شاهرود به کشورهای آسیای میانه، روسیه، کشورهای حاشیه خلیج فارس و عراق، افغانستان صادر می‌شود، تصریح کرد: دفتر ارزیابی صادراتی گمرک شاهرود تسهیل‌کننده روند کار صادرات محصولات کشاورزی در

سمت کارخانه‌های فرآوری و بسته‌بندی برویم که برای مثال می‌توان میوه خشک را باقیمت تمام‌شده هفت الی ۱۰ برابر موجود به دنیا فروخت که این دو عامل به طرز عجیبی در شاهرود مسکوت مانده و من معتقد هستیم اراده‌ای هم برای تحقق این امر نیست اما راه برون‌رفت از این وضعیت در سه مقوله بیشتر خلاصه نمی‌شود حال که استقرار گمرک و مرز هوایی تا حدودی مطرح است، باید نخست دولت به فکر باشد، دوم بخش خصوصی حمایت شود و سوم تعاونی‌ها به این موضوع ورود پیدا کنند.

گمرک امور صادرات محصولات شاهرود را تسهیل می‌کند

اما در این بین مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان سمنان در پاسخ به این پرسش که ایجاد گمرک در شاهرود می‌تواند چه مزیت‌های اقتصادی داشته باشد، ابراز داشت: کاهش تردد شرکت‌های صادراتی مستقر در شاهرود به مرکز استان که به حداقل رسیدن هزینه‌های سربار صادرات را در پی دارد و از سوی دیگر تسریع در صدور کالا که باگذشت زمان منجر به روان‌سازی تجارت بین‌الملل و به‌تبع آن افزایش صادرات خواهد شد.

بهروز انسودی بایان اینکه ترخیص به هنگام مواد اولیه کارخانه‌ها و تزریق به‌موقع آن‌ها در فرایند تولید محصول بر کارایی چرخه تولید و صادرات می‌افزاید، تصریح کرد: کوتاه شدن مسیر حمل برخی از کالاها و به دنبال آن کاهش هزینه‌های حمل و صرفه بالاتر تولید و صادرات محصول از جمله مزایای وجود دفتر گمرکی شاهرود محسوب می‌شود.

وی در پاسخ به این پرسش که سالانه چقدر صنایع و معادن شاهرود صادرات دارند، افزود: آمار صادرات استان منتشره توسط گمرک استان، به تفکیک شهرستان‌ها اعلام نمی‌شود لذا با توجه به بررسی تبعات ایجاد دفتر گمرکی در شهرستان شاهرود، آمار صادرات و واردات ترخیصی در استان مدنظر بوده و آمار در دست این سازمان که بدون توجه به مبادی گمرکی و بر اساس عضویت صادرکننده عضو بانک اطلاعات صادرکنندگان استان، تهیه می‌شود، به نظر کاربردی نمی‌آید.

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان سمنان در پاسخ به این سؤال که با ایجاد گمرک در شهرستان شاهرود می‌توان چه میزان به این صادرات افزود، ابراز داشت: با توجه به امکان صدور کالاهای صادراتی از مبادی گمرکی سطح کشور و روال جاری در بین

یک بازه زمانی کوتاه است ... این معضل باعث شده تا در شاهرود تعداد تقاضا برای بهین یاب کاهش داشته باشد چراکه بسیاری واحدهای این شهرستان به علت عدم توجه مسئولان استانی، به ویرانه‌ای بدل شده‌اند که باوجود تسهیلات نه در شش ماه بلکه در شش سال هم نمی‌توانند به تولید برسند لذا در کنار گمرک باید مشکل تولید را نیز در شاهرود حل کرد چراکه این روزها خشک‌سالی هم تاب‌وتوان تولیدات کشاورزی را ندارد.

وی افزود: شاهرود سالیان سال به بهانه کشاورزی بودن از بسیاری امتیازات سرمایه‌گذاری و بخش خصوصی محروم ماند، از خودروسازی تا کارخانه‌های تولیدی همه و همه با یک خط‌کشی بدون منشأ که از گذشته بین شرق و غرب (به شکل غرب صنعتی و شرق کشاورزی) به غرب رفت تا شرق در خشک‌سالی بیهوش گونه کشاورزی بماند تا این مشکلات برطرف نشوند شاید گمرک هم نتواند کاری برای این شهرستان کند، لذا باید ابتدا این تبعیض‌ها رفع شود تا بعد به مقوله گمرک و کارکردهای آن بپردازیم.



روزی روزگاری ... گمرک

دفتر نمایندگی، کارگزاری، شعبه یا هر چه نامش را بگذاریم، گمرک شاهرود آمده است تا به توسعه اقتصادی شرق استان سمنان کمک کند، شرقی که مشکلات عدیده آن امروز گریبان همه را گرفته از بیکاری و مهاجرت و در نتیجه آن خالی شدن روستاها از سکنه تا خشک‌سالی و مشکلات اقتصادی به دنبال آن، اما بارقه امید این بار در شهرک صنعتی شاهرود و دفتر گمرک این شهرستان جرقه زد، جرقه‌ای که امید دارد روزی به آتشی بزرگ بدل شود تا بتواند تنور اقتصاد بحران‌زده شرق استان سمنان را گرم کند.

امروز تولیدات کشاورزی و معدنی شاهرود در کنار سهم اندک صنعت، چرخه اقتصاد شاهرود را کامل می‌کند زنجیره‌ای که از کف تولید در زمین آغاز و به سقف صادرات در کشورهای اروپایی، خلیج فارس و حتی استان‌های هم‌جوار منتهی می‌شود اما گمرک بدون اهتمام مسئولان، عزم مردم، بخش خصوصی و همچنین پیگیری سیاست‌های اقتصادی مقاومتی قطعاً موفق نخواهد شد.

امروز باید چشم‌انتظار بود تا عملکرد گمرک شاهرود در شش‌ماهه نخست فعالیتش موردبررسی قرار گیرد تا آن زمان درباره کارکرد گمرک می‌توان نظر داد اما درباره عملکرد آن خبر...

حوزه بسته‌بندی صادرات محصول کشاورزی یک ضرورت است، تصریح کرد: کشاورزان در زمینه صادرات محصولات کشاورزی کاری انجام نداده و با فن آن آشنا نیستند لذا باید سرمایه‌گذاران به بخش سرترینگ و بسته‌بندی ورود جدی تری را داشته باشند و باید از این فرهنگ فله فروشی تغییر و به سمت برند سازی محصولات بانام شاهرود حرکت کنیم.

وی بایبان اینکه اگر خواهان صادرات محصولات کشاورزی هستیم باید در این حوزه سرمایه‌گذاری کنیم، افزود: با توجه به خسارات در باغات انگور این قابلیت و ظرفیت وجود دارد که در سایر اقلام نظیر زردآلو سرمایه‌گذاری صورت گیرد تا بتوانیم محصول را با افزایش قیمت بهتری به فروش رساند لذا این مهم می‌طلبد که با رایزنی افرادی در خارج از استان که در حوزه بسته‌بندی صادراتی مهارت بیشتری رادارند در این بخش ورود پیدا کنند.

دبیرخانه کشاورز استان سمنان بایبان اینکه از جمله زیرساخت‌های صادراتی مرز هوایی است که اگر تقویت شود می‌تواند به اقتصاد شهر کمک کند، ابراز داشت: اگر می‌خواهیم فرودگاه و مرز هوایی

دارند اما مشکلات متعدد از جمله نبود آموزش، دامن‌گیر بخش صادرات محصولات کشاورزی شاهرود است لذا آموزش‌های لازم درباره سرترینگ و بسته‌بندی محصولات می‌تواند مؤثر باشد و متأسفانه در این برهه زمانی تنها شرکت کنستانتاره این کار را انجام می‌دهد که می‌توانیم با فراوری محصولات دیگر نظیر زردآلو این بخش را گسترش دهیم.

حمل‌ونقل در برخی موارد نامناسب است

دبیر اجرایی نظام صنفی کشاورزی و منابع طبیعی شاهرود بایبان اینکه مشکلاتی مانند نبود حمل‌ونقل مناسب و استفاده از ظرفیت استان‌های دیگر کار صادرات را هزینه‌بر می‌کند، ابراز داشت: صادرکننده همه این مسائل را از قیمت پایه تا رسیدن محصول به دست مشتریان مدنظر قرار می‌دهد اما در این بین بحث عوارض صادراتی آن قدر بالا است که برای صادرکننده مقرون‌به‌صرفه نیست که در بخش صادرات محصولات کشاورزی هزینه کند در حالی که در کشورهای همسایه این مشکلات وجود ندارد و دولت باید یک تفاهم‌نامه را در این خصوص با کشورهای همسایه منعقد کند

باقری ادامه داد: نمایشگاه بسته‌بندی از ۳۰ مرداد تا سوم شهریور در تهران برگزار شد که فعالان این بخش اگر بتوانند در بحث صنایع بسته‌بندی از این نمایشگاه ایده گرفته و آن را در شهرستان اجرایی کنند کمک بزرگی به سرترینگ محصولات کشاورزی شد. وی افزود: یکی دیگر از مشکلات گریبان‌گیر توسعه صادرات محصولات کشاورزی شاهرود آگاه نبودن مردم و بهره‌برداران با بازارهای هدف و نوع بسته‌بندی است لذا این مهم می‌طلبد تا کارشناسان زبده اقتصادی در این بخش مطالعات بیشتری انجام داده و در این مقوله کارهای بیشتری صورت گیرد.

تولیدکنندگان کارت بازرگانی دریافت کنند

رئیس صنعت و معدن و تجارت شاهرود نیز بایبان اینکه برای تشکیل اتاق بازرگانی باید تولیدکنندگان از کارت بازرگانی برخوردار باشند، ابراز داشت: حدود شش سال در حال پیگیری تشکیل اتاق بازرگانی هستیم لذا شرایطی که اتاق بازرگانی ایران برای این بحث پیش رو نهاده به ازای هر ۲۵۰ کارت نمایندگی، اتاق بازرگانی به شهرستان تقاضای اعطا می‌شود.

جواد تولایی ادامه داد: متأسفانه در شاهرود ۴۹ کارت وجود دارد که حدود نصف آن غیرفعال است ولی علیرغم این مشکلات نماینده مردم شاهرود و میامی در مجلس پیگیر هستند که این کار حتماً انجام شود. وی افزود: تجار و بازرگانان اگر می‌خواهند در بخش صادرات کمکی انجام دهند باید به سمت اخذ کارت بازرگانی حرکت کنند و باید کشاورزان و بهره‌برداران را تشویق کرد تا نگاه آن‌ها صادرات محور شود.

کشاورزی دغدغه مردم شاهرود است

دبیرخانه کشاورز استان سمنان نیز در این گفتگو بایبان اینکه گمرک شاهرود بخش عمده‌ای از دغدغه مردم را برطرف کرده، ابراز داشت: راه‌اندازی دفتر گمرک به تنهایی کافی نیست و متأسفانه بهره‌برداران شاهرود به فله فروشی محصولات عادت کردند که محصول را به بازار حمل‌کنند و به کمترین و نازل‌ترین قیمت به فروش برسد و از سویی همه کشاورزان معترض هستند که چرا محصولات به این نحو باید به فروش برسد.

محمدحسین خنکال بایبان آنکه احداث شرکت در

تحقق پیدا کند در ابتدای امر باید صادرات محصولات کشاورزی از فرودگاه شاهرود به اقصى نقاط دنیا را مدنظر قرار دهیم و این مهم می‌طلبد تا بعد از مهیا شدن زیرساخت‌ها بازرگانان وارد عرصه شوند.

گمرک به توسعه شاهرود کمک می‌کند

یک کارشناس اقتصاد در پاسخ به این سؤال که آیا گمرک مشکلات اقتصادی شاهرود را می‌تواند تا حدی برطرف کند، گفت: گمرک بدون تولید معنایی ندارد امروز یکی از مشکلات شرق استان سمنان تولید است و پس از آن باید به فکر معضل دیگر یعنی بازار بود که مسئولان می‌بایست به دنبال رفع این مشکل نیز باشند یکی از تمهیدات دولتی برای رفع موانع تولید، مقوله بهین یاب بود که قطعاً توانست کمک شایانی به واحدهای تولیدی و حتی خدماتی کند اما این طرح در شاهرود چندان موفق نبود تا جایی که در سال گذشته فقط ۷۴ میلیارد تومان تسهیلات به واحدهای تولیدی این شهرستان پرداخت شد و این در حالی است که یکی از شهرستان‌های غربی استان که مساحتی یک‌دهم و جمعیتی یک هجدهم شاهرود دارد بیشتر از این شهرستان از بهین یاب بهره برد.

مصطفی علی زمانی تأکید داشت: علت این امر اما دولت نیست و علت این است که یکی از شروط تعلق گرفتن تسهیلات رونق تولید، بازگشت به تولید در



ساره نوری

بزرگراه شمالی کرج در حالی برای رفع مشکل ترافیک کلنگ زنی شده که با نگرانی‌هایی در زمینه تغییر کاربری اراضی، احتمال ترافیک دانه‌درشت‌ها و اخذ مجوز زیست محیطی همراه است.

مشکلات بزرگراه شمالی کرج؛ احتمال تغییر کاربری و ترافیک دانه‌درشت‌ها



ساعات‌ها معطل ماندن شهروندان در ترافیک چند ده کیلومتری کرج، قفل شدن ورودی‌های شهر هنگام غروب، تبدیل شدن پل فردیس به پارکینگ طبقاتی و دیدن واکنش‌های عصبی مردم گرفتار، حکایت امروز و دیروز نیست، حکایت سال‌ها انتظار است، انتظار برای ارائه راه‌حلی که شهر از محاصره خودروها آزاد شود.

ترافیک کرج در این سال‌ها به قدری مشکل‌آفرین شده که موجبات شرمندگی بسیاری از دولت‌مردان را هم فراهم کرده است، به طوری که محمدباقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور نوزدهم شهریورماه سال ۹۴، پس از بازدید از پروژه همت، گفته بود: «از اینکه مردم خوب و شریفمان برای رسیدن به کرج و یا عبور از این شهر ساعت‌ها در اتوبان معطل می‌شوند شرمند هستیم به همین منظور دولت همت خود را مصروف داشته است تا در کنار این اتوبان، بزرگراه دیگری را به بهره‌برداری برساند»

اما نوبخت شنبه پانزدهم مهرماه جاری و در بازدید مجدد از پروژه همت با اشاره به اینکه پایان عملیات و زمان بهره‌برداری این پروژه از منظر مردم به طول انجامیده است، پرده از مشکلاتی برداشت که با گذشت سال‌ها هنوز حل نشده، به گفته معاون رئیس‌جمهور «عدم تقدینگی، تملک اراضی و معارضین مانع از بهره‌برداری این پروژه مهم و ملی شده است»، مشکلاتی که نوبخت برای عدم بهره‌برداری پروژه اتوبان همت تا کرج عنوان کرده مشکلات جدیدی نیست.

البته این دولتمرد در سفر یک‌روزه خود به البرز که دو روز گذشته انجام شد، اعلام کرده است که «مرحله دوم تخصیص‌های عمرانی سال جاری حداکثر تا پایان مهرماه به خزانه ابلاغ می‌شود»، حال باید به انتظار نشست که سهم اتوبان همت از مرحله دوم تخصیص‌ها چقدر خواهد بود.

حال با گذشت سال‌ها پروژه همت به سرانجام نرسیده کلنگ پروژه‌ای در کرج زمین زده شده که نگرانی‌هایی به دنبال داشته است از مسائلی زیست‌محیطی بگریزد تا تملک اراضی، ارزش‌افزوده زمین‌های اطراف بزرگراه، نگرانی از تغییر کاربری و احتمال ورود دانه‌درشت‌ها به این حوزه.

کلنگ بزرگراه شمالی کرج (رینگ شمالی پروژه همت) که مدیریت شهری مدعی شده گران‌ترین و بزرگ‌ترین پروژه تاریخ این کلان‌شهر است، سیزدهم مردادماه سال ۹۵ برای حل معضل ترافیک زمین زده شد. متولیان گفتند؛ این پروژه با اعتباری بالغ بر هزار میلیارد تومان در مدت زمان چهار سال به بهره‌برداری خواهد رسید و شنیدیم علی‌ترکاشوند شهردار وقت کرج مدعی شده بود در صورت تأمین نقدینگی لازم این مدت به دو سال کاهش خواهد یافت.

جوهر قرارداد پروژه بزرگراه شمالی کرج خشک نشده درگیر حاشیه‌های قابل تأملی شد، انتخاب پیمانکار یکی از همین حاشیه‌ها و یا شاید نگرانی‌ها بود، موضوعی که صدای اعضای شورای شهر را درآورد و کار

تا جایی پیش رفت که محمود دادگو رئیس شورای شهر (دوره چهارم) در پاسخ به سؤال مدعی شد که «برای ما نیز جای سؤال دارد چرا پیمانکارانی که تخصص راه‌سازی دارند کنار گذاشته می‌شوند.» مصطفی سعیدی سیرایی یکی دیگر از اعضای شورای شهر (دوره چهارم) با اشاره به برخی ابهامات که چرا پیمانکاران قدر کشور در مناقصه این پروژه امتیاز فنی لازم را کسب نکرده‌اند، گفت: بنده نیز به این موضوع انتقاد دارم و با مکاتبه‌ای که با شهردار انجام داده‌ام خواستار این مهم شدم که پیش از اینکه برنده مناقصه اعلام شود افرادی که در کمیته فنی حاضر بوده و امتیازات لازم را به شرکت‌ها داده‌اند با حضور در یک جلسه رسمی شورا ادله و نحوه امتیازدهی خود را مشخص کنند.

وی با تأکید بر اینکه به اعتقاد بنده قرارگاه خاتم‌الانبیاء در حوزه پروژه‌های راه‌سازی و پل‌سازی یکی از قدرتمندترین پیمانکاران کشور با کارنامه درخشان است، مدعی شد: انتقاد بنده در خصوص نحوه انتخاب پیمانکار پروژه است زیرا نگرانیم سرنوشت این پروژه به سرنوشت پروژه‌های معطل دیگر گره بخورد. اما در کارنامه پیمانکار، پروژه‌هایی از قبیل تقاطع غیرهمسطح جاده پهنان، تقاطع غیرهمسطح مهرویلی (روشن‌دلان - شریعتی)، تقاطع غیرهمسطح مهرویلی کرج و چندین پروژه اسکلت‌سازی و غیره به چشم می‌خورد.

این شرکت قرار است پروژه ۱۰۰۰ میلیاردی بزرگراه شمالی کرج را به کارنامه خود اضافه کند، پروژه‌ای که به رینگ شمالی اتوبان همت معروف بوده و با عبور از شمال کرج به محور قزوین ختم می‌شود، پروژه‌ای که هدف از اجرایش تکمیل امتداد اتوبان همت عنوان شده تا بار ترافیکی آزادراه کرج را کاهش دهد، پروژه‌ای که مقرر است به صورت ۳۰ درصد نقد و ۷۰ درصد تهاوت اجرا شود و برای این مهم ۷۰۰ میلیارد تومان از زمین‌های شهر اختصاص یافته است، پروژه‌ای که بیش از ۱۷ کیلومتر مسافت دارد، ۱۱ تقاطع غیرهمسطح و ۱۷ دستگاه پل را نیز در دل خود جا می‌دهد.

تجربه پروژه اتوبان همت تا کرج و وجود معارضانی که روند اجرا را کند کرده‌اند باعث ایجاد حساسیت در مورد بزرگراه شمالی کرج شده است و انتظار می‌رود متولیان امر به این سؤال پاسخ دهند که آیا پیمانکار فعلی توان اجرای پروژه را دارد؟ شهرداری کرج به‌عنوان کارفرما و معاونت فنی عمرانی منابع موثقی هستند که می‌توانند به این سؤال پاسخ دهند ولی تلاش خبرنگار برای ارتباط با این مجموعه به نتیجه نرسید هرچند که خبرگزاری مهر همچنان آماده دریافت توضیحات و اظهارات آن‌ها پیرامون موارد مطرح‌شده در این گزارش است.

اما ابوالفضل فانی مدیرکل دفتر فنی استانداری البرز در پاسخ به پرسش با شفاف‌سازی در مورد روند مناقصه پروژه گفت: در مناقصه این پروژه ۷۵ شرکت در قالب ۲۴ کنسرسیوم شرکت کردند، بسیاری از پیمانکاران قدر کشور حضور داشتند. پس از انتخاب پیمانکار فعلی، یکی از شرکت‌های حاضر در مناقصه شکایت کرد همین امر باعث شد تا دستگاه‌های نظارتی و بازرسی ورود کرده و روند انتخاب پیمانکار را چک کنند، به‌واقع می‌توان گفت؛ مناقصه این پروژه بسیار شفاف بوده است.

پروژه بزرگراه شمالی کرج

مدیرکل دفتر فنی استانداری البرز در ادامه به مشخصات بزرگراه شمالی اشاره کرد و گفت: این پروژه به طول ۱۷۶ کیلومتر از جاده چالوس آغاز و با عبور از محدوده پل گردان به اتوبان کرج-قزوین متصل می‌شود.

وی با اشاره به اینکه قرارداد این پروژه ۲۴ فروردین‌ماه ۹۵ منعقد شد، گفت: مقرر شده است که این پروژه در تاریخ ۲۴ فروردین‌ماه ۹۹ به بهره‌برداری برسد.

بزرگراه شمالی ۲۴ درصد پیشرفت فیزیکی دارد

فانی اعتبار اولیه این پروژه را ۵۱۵ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: طبق برآوردهای اعلام‌شده اعتبار این پروژه تا زمان بهره‌برداری به ۱۰۰۰ میلیارد خواهد رسید.

تأکید بر اینکه طبق آئین‌نامه‌های موجود باید برای دریافت مجوز نهایی مدارک و مستنداتی به سازمان ارسال شود، گفت: از شهرداری کرج به‌عنوان کارفرمای این پروژه درخواست کرده‌ایم مدارک را در اختیار اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان قرار دهد، درحالی‌که هنوز این مهم محقق نشده است.

وی با اشاره به اینکه ارزیابی اولیه زیست‌محیطی از سوی شهرداری در اختیار ما قرار گرفته و ایرادات برطرف شده است، گفت: متأسفانه به دلیل ضرورت اجرای پروژه به دلیل جذب بخشی از اعتبارات، عملیات اجرایی بدون دریافت مجوز نهایی آغاز شده است.

لشکری با تأکید بر اینکه اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان البرز طبق قانون نظارت‌های خود بر پروژه را با حساسیت پیگیری می‌کند، گفت: دریافت و بررسی مستندات و مدارک درخواستی از شهرداری کرج برای اخذ مجوز نهایی مانند نقشه راهی است که وجودش لازم و ضروری است.

رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان کرج با تأکید بر اینکه نقشه راه یادشده از اهمیت بالایی برخوردار است، گفت: به‌وسیله نقشه راه یادشده می‌توان تخلف یا تخطی پیمانکار از قوانین زیست‌محیطی را به متولیان امر گوشزد کرد.

لشکری به گلایه حفاظت محیط‌زیست استان از شهرداری کرج اشاره کرد و گفت: این پروژه به بهانه لزوم اجرا بدون اخذ مجوز نهایی آغاز شد درحالی‌که جبران خسارت‌های احتمالی بسیار مشکل خواهد بود. وی با تأکید بر اینکه اگر تخلفی صورت گیرد که به محیط‌زیست آسیب برزند بازگشت به شرایط سابق مشکل خواهد بود، گفت: منکر تبعات مثبت زیست‌محیطی این پروژه که کاهش بار ترافیکی و آلودگی هوا است، نمی‌شویم.

دود ترافیک ملی در چشم البرز

بررسی هرچند کوتاه حاشیه‌ها و نگرانی‌های بزرگراه شمالی را با بازدید شهردار جدید کرج از این پروژه به پایان می‌بریم، اصغر نصیری درست چند روز پس از تکیه‌اش بر صندلی ریاست شهرداری در رأس هیئتی از این پروژه بازدید کرد تا به همگان ثابت شود بزرگراه شمالی از چه درجه‌ای برخوردار است.

به اعتقاد شهردار کرج این پروژه به شکل یک مطالبه جدی از سوی شهروندان مطرح است. نصیری همچنین مدعی شده که اراده مضاعف همه مسئولان و متولیان اجرایی پروژه می‌تواند موفقیت اجرای این طرح کلان را به‌رغم وجود مشکلات، مسائل و کمبود منابع رقم بزند.

چشم البرز پراز دود ترافیک ملی است و در ذهن تجربه پروژه ناتمام اتوبان همت را دارد که در دولت نهم به‌منظور حل معضل ترافیک میان دو کلان‌شهر کرج و تهران مطرح، تأیید و تصویب شد تا گره‌های کور ترافیک کرج را باز کند ولی با گذشت سال‌ها به ایستگاه پایانی نرسیده و باعث کورتر شدن گره‌های ترافیکی شده است.

به نظر می‌رسد در این شرایط مدیریت نگرانی‌های موجود از اهمیت بالایی برخوردار است همچنین مسئله مهم تغییر کاربری و ارزش‌افزودهای که نصیب اراضی اطراف می‌شود نیز هوشیاری بیشتر نهادهای مربوطه را می‌طلبد.

حل معضل ترافیک کلان‌شهر کرج حالا خواسته به‌حق البرزنشینان است و پروژه بزرگراه شمالی نیز که گوشه‌ای از مشکلاتش بیان شد برای تحقق این آرزو کلنگ زنی شده است؛ آرزویی است که به محال نمی‌پیوندد اگر مسئولان کمر همت ببندند...

است به کار گروه امور زیربنایی و شهرسازی ارسال شده تا تثبیت شود.

فانی با تأکید بر اینکه اطلاعات اراضی واقع‌شده در این پروژه به کمیته فنی شورای عالی معماری شهرسازی ارسال شده است، گفت: به دنبال این هستیم که طرح گردشگری برای اراضی پروژه تعریف شود تا مشکل خاصی پیش نیاید.

مدیرکل دفتر فنی استانداری البرز تأکید کرد: در صورتی‌که نتیجه کمیته فنی شورای عالی معماری شهرسازی برای این پروژه تعریف طرح گردشگری باشد شهرداری باید مشاوری در این زمینه گرفته و مباحث در این خصوص بررسی شود.

وی در پاسخ به این پرسش که از زمان آغاز پروژه تاکنون آیا زمینی تغییر کاربری شده است یا خیر، گفت: خیر تاکنون و به‌طور رسمی زمین‌های اطراف این پروژه تغییر کاربری نشده است. اراضی در کمسیون ماده پنج تثبیت می‌شود تا جلوی تغییر کاربری غیرقانونی گرفته شود.

فانی اضافه کرد: تا اعلام نتیجه نظر کمیته فنی شورای عالی معماری و شهرسازی امکان تغییر کاربری اراضی این پروژه امکان‌پذیر نیست. حساسیت‌ها در این زمینه بالا است امیدواریم با ارائه طرح‌های خوب گردشگری مشکلات دامن این پروژه را نگیرد.



آغاز پروژه بدون دریافت مجوز محیط زیست

آغاز عملیات اجرایی این پروژه بدون دریافت مجوز نهایی از سازمان محیط‌زیست کشور یکی دیگر از چالش‌هایی است که در گفتگو با رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان کرج دنبال شد، حمیدرضا لشکری ضمن تأیید این موضوع گفت: این پروژه در حالی مشمول ارزیابی زیست‌محیطی است که بدون اخذ مجوز نهایی از سازمان محیط‌زیست عملیات اجرایی‌اش آغاز شده است.

به گفته لشکری پروژه‌های که دارای پیشرفت فیزیکی هستند و تاکنون اقدام به اخذ مجوز نهایی از سازمان حفاظت محیط‌زیست نکرده‌اند، در کمیته‌های ویژه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

وی با اشاره به اینکه پیشرفت فیزیکی پروژه بزرگراه شمالی به سازمان حفاظت محیط‌زیست ابلاغ شده است، گفت: ارزیابی زیست‌محیطی این پروژه برای دریافت نهایی مجوز سازمان در کمیته‌های ویژه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان کرج با

مدیرکل دفتر فنی استانداری البرز در پاسخ به این پرسش که چرا در اظهارات بسیاری از متولیان زمان بهره‌برداری از این پروژه ملی سه تا چهار سال اعلام شده است، گفت: مدت‌زمان این پروژه چهار سال اعلام شده است ولی شهرداری کرج به‌عنوان کارفرمای این پروژه وعده کرده که پروژه را سه‌ساله تحویل می‌دهد.

وی میزان پیشرفت فیزیکی حال حاضر پروژه را ۲۴ درصد اعلام کرد و گفت: در این پروژه یازده تقاطع غیرمسطح ساخته می‌شود.

فانی با اشاره به اینکه تقاطع‌های این پروژه راه‌های دسترسی شهروندان به شمال شهر کرج را آسان می‌کند، گفت: مقرر شده است پلی با ۱۵۰ تا ۱۷۰ دهنه روی آبگیر بیلقان ساخته شود.

مدیرکل دفتر فنی استانداری البرز با اعلام اینکه از پل یادشده می‌توان به‌عنوان پل گردشگری یا طبیعت یادکرد، گفت: ارزیابی زیست‌محیطی این پروژه به مشاور سپرده شده است و اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان البرز این موضوع را با حساسیت پیگیری می‌کند.

وی در ادامه گفت: میحث مهم پدافند غیرعامل این پروژه به دلیل اینکه از روی رودخانه کرج عبور می‌کند در وزارت نیرو مورد بررسی قرار گرفته است.

فانی با تأکید بر اینکه این پروژه به‌صورت نقد و تهاتر اجرا می‌شود، گفت: ۳۰ درصد از منابع این پروژه به‌صورت نقد و ۷۰ درصد نیز به‌صورت تهاتر تأمین می‌شود و تاکنون نیز پیمانکار از کارفرما جلوتر است.

مدیرکل دفتر فنی استانداری البرز در پاسخ به این پرسش که سید حمید طهانی استاندار سابق البرز در جلسه‌ای خواستار بازنگری در مسیر این پروژه شده بود، آیا این ضرورت هنوز احساس می‌شود، گفت: به‌طورقطع بازنگری در کل پروژه انجام خواهد شد اگر پروژه در ادامه از مکانی ممنوع عبور کند که تملک اراضی با مشکل مواجه شود، قطعاً مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.

وی در پاسخ به این پرسش که مشکل تملک اراضی گریبان بسیاری از پروژه‌های کشور را گرفته است، برای اینکه این مشکل گریبان‌گیر پروژه بزرگراه شمالی نشود چه تمهیداتی انجام شده، گفت: اراضی که در محدوده پروژه قرار می‌گیرد در کمسیون ماده پنج تثبیت شده است و اراضی که خارج از محدوده

واردات تخمه آجیلی کمر اقتصاد خوی را شکست / باز پای چین در میان است

واردات تخمه های آجیلی چینی و سایر کشورها در سالهای اخیر کمر کشاورزان خوی را خم و موجب ضرر و زیان اساسی به قطب آجیل کشور شده است.



سکینه اسمی

در حال حاضر ۷۰ درصد زمین های کشاورزی شهرستان های خوی و چایپاره زیر کشت تخمه های آفتابگردان و کدو قرار دارند و هم اکنون بیش از سه هزار کشاورزان این منطقه از طریق کشت، تولید و فروش تخمه های آفتابگردان و کدو امیر معاش می کنند.

وجود بزرگترین میدان خشکبار به خصوص تخمه های آجیلی و تنها بازار بورس محصولات دانه های آفتابگردان و کدو آجیلی کشور در خوی گویای نقش مهم و ارزنده و سهم بالای این شهرستان است که بی توجهی به آن اقتصاد منطقه را تحت شعاع قرار می دهد.

در سالهای اخیر به خصوص سه سال گذشته به دلیل واردات بی رویه تخمه از کشورهایی چون چین و کانادا، کشاورزان خوی در مرز ورشکستگی قرار گرفته اند در برخی از برهه های زمانی تعطیلی میدان خشکبار و تجمع کشاورزان نیز دردی را دوا نکرده و همچنان واردات بی رویه ادامه دارد.

خوی ۴۰ درصد تخمه های آجیلی کشور را تولید می کند

مدیر جهاد کشاورزی خوی با بیان اینکه خوی قطب تولید تخمه های آفتابگردان و کدوی آجیلی است افزود: شهرستان خوی با تولید ۴۰ درصد تخمه های آجیلی آفتابگردان و کدو قطب اول تولید این محصولات در کشور و استان به شمار می رود.

مهران زینالزاده با بیان اینکه سالانه ۲۵ هزار تن از اراضی این منطقه تخمه آفتابگردان تولید می شود، افزود: امسال در سطح ۲۳ هزار هکتار از مزارع خوی دو محصول آفتابگردان و کدو آجیلی کشت شده است که از این مقدار بیش از ۱۳ هزار هکتار تخمه آفتابگردان آجیلی و ۱۰ هزار هکتار کدوی آجیلی است.

وی ادامه داد: این میزان سطح زیر کشت به علت پایین بودن قیمت این محصولات در سال گذشته به واسطه واردات بی رویه خارج از کشور بیش از ۲۵ درصد

کاهش داشته است.

زینالزاده با بیان اینکه نمونه های تخم آفتابگردان که در این منطقه تولید می شود روغنی و آجیلی است که تخم آفتابگردان آجیلی شامل پسته های، قلمی، بادامی، دور سفید و ارقام آفتابگردان روغنی شامل لاکومکا، هایسون و ارقام هیبرید است، افزود: پیش بینی می شود امسال بیش از ۳۰ هزار تن محصول از مزارع تخمه های آجیلی آفتابگردان و کدو برداشت شود.

وی شمشیری، پسته های، دور سفید و بادامی را از جمله ارقام کشت شده آفتابگردان و کدو امسال در خوی اعلام و اضافه کرد: در شهرستان خوی بیش از ۱۵ هزار خانوار با کشت این محصولات امیر معاش می کنند.

تنها بازار بورس دانه های آفتابگردان و کدو آجیلی کشور در خوی دایر است

مدیر جهاد کشاورزی خوی با بیان اینکه در حال حاضر تنها بازار بورس محصولات دانه های آفتابگردان و کدو آجیلی در کشور در این شهرستان فعال است عنوان کرد: این بازار بورس با ۳۰۰ غرفه و ۱۰۰ واحد فرآوری و بوجاری با اشتغالزایی برای سه هزار نفر به صورت مستقیم در شهرستان خوی فعال است.

زینالزاده در خصوص واردات تخمه های آجیلی چینی و ضرر و زیان کشاورزان خوی افزود: در سالهای اخیر واردات تخمه های آفتابگردان چینی فروش محصولات شهرستان خوی را با مشکل مواجه کرده است، بازنگری در تعرفه واردات این محصولات و تفکیک آنها از دانه های روغنی آفتابگردان و کدو ضروری به نظر می رسد.

مدیر جهاد کشاورزی خوی با بیان اینکه معیشت بخشی زیادی از مردم شهرستان خوی به تولید و فروش تخمه های آجیلی وابسته است عنوان کرد: واردات بی رویه تخمه های آجیلی که کیفیت پایین تری نسبت به تخمه های آجیلی شهرستان خوی دارند بزودی موجب کاهش اراضی زیر کشت آن در خوی و زمینه مهاجرت روستائیان را فراهم می کنند.

واردات بی رویه تخمه های آجیلی کمر کشاورزان خویی را شکست

نماینده مردم خوی و چایپاره در مجلس شورای اسلامی نیز در خصوص آخرین وضعیت بازار تخمه های آجیلی در خوی با بیان اینکه در این شهرستان بیش از ۱۵ هزار خانوار با کاشت محصولات تخمه

آفتابگردان و کدوی آجیلی امیر معاش می کنند افزود: متأسفانه در چند سال اخیر واردات تخمه های چینی و کانادایی کمر تاجران و کشاورزان خوی را شکسته است.

تقی کبیری از تفکیک تعرفه واردات تخمه های آجیلی کدو و آفتابگردان با روغنی خبر داد و اضافه کرد: هیئت وزیران با تفکیک گونه های آجیلی و روغنی در محصول کدو میزان تعرفه وارداتی را ۴۰ درصد افزایش دادند.

وی ادامه داد: با افزایش این تعرفه ها شدت از واردات این محصول به کشور جلوگیری و امکان صادرات محصول کدوی آجیلی به خارج از کشور فراهم می شود و بزودی تعرفه جدید وارداتی آن که قطعاً افزایش چند برابری خواهد داشت ابلاغ خواهد شد.

کبیری با بیان اینکه میدان تخمه خوی جزو اولین میدان های تخمه ایران است، گفت: هم اکنون کشاورزان خوی به دلیل واردات تخمه های آفتابگردان و تخمه های آجیلی در مرز ورشکستگی قرار دارند و باید چاره اندیشی اساسی شود.

نماینده مردم خوی و چایپاره با بیان اینکه معیشت ۱۵ هزار نفر از مردم خوی از طریق بازار تخمه های آفتابگردان و کدوی آجیلی و خشکبار تامین می شود، افزود: بسیاری از کشاورزان در این منطقه منبع درآمدشان از تولید تخمه است بی توجهی به بازار می تواند ضررهای جبران ناپذیری در پی داشته باشد. با توجه به اینکه اقتصاد آذربایجان غربی بر پایه کشاورزی است و معیشت بخش زیادی از مردم استان از این راه تامین می شود، واردات بی رویه تخمه های آفتابگردان و کدوی آجیلی اقتصاد این منطقه را تحت شعاع قرار داده است.



گزارش های متنوع تصویری که در طول یک ماه از اقصی نقاط کشور توسط عکاسان و خبرنگاران خبرگزاری منتشر می شود آنقدر گسترده بوده که دست به انتخاب زدن از میان شان کاری دشوار است اما نگاه مادر این آلبوم تصویری بیش از نگاهی خبری به رویدادهای یک ماه گذشته، قائل به تگاهی هنرمندانه بوده و اینکه در همین فرصت کوتاه چند صفحه نگاه شما به اقلیم ایران بچرخد.

گرد و خاک شدید در مناطقی از شهر مشهد



سور یا قوت سرخ در انارستان های هورامان



صید میگو در هرمزگان



تجمع اعتراضی مردم اصفهان به مواضع خصمانه ترامپ



وضعیت نامناسب خیابان های شهر رشت





معارفه استاندار جدید گلستان



معارفه استاندار آذربایجان غربی



معارفه استاندار کردستان

آیین گرامیداشت روز حافظ در شیراز



مسابقات دوچرخه سواری تور آذربایجان



آبرسانی به روستای زیبای چنشت



عملیات رها سازی
فک خزری



جشن بادبادک هادرهمدان



برداشت خرمای پیارم در
هرمزگان





دیدار فرمانده نیروی
انتظامی با مراجع قم



مراسم هفتمین شب
تدفین شهید حججی



تجمع بزرگ عزاداران
حسینی در اردبیل



توزیع نوشت افزار در روستاهای
محروم خراسان جنوبی



بارش شدید باران، آبگرفتگی معابر در آستارا



دسته عزاداری حسینیه
اعظم زنجان